

سپاوون

شماره اول حمل ۱۳۶۸ مطابق اپریل ۱۹۸۹ مطابق
رمضان المبارک ۱۴۰۹ - سال دوم شمار مسلسل ۱۱



مورکیشیہ

صدای

جاودانہ

سدها

۲۰ لیلا، لیلا نوروز است

۲۲ خدا یاد دنیا دوروز است

۲۶ ۱۳۶۸ سال ولی دژر مار کال بولی؟

لکی فایف



۵۵۵

دعوت کما حقہ
و شخصہ مخصوصہ و شیر خوار شہرانیہ لاجنس صورتہ بگزار می نماید سالانہ
لکے فایف ہمیشہ بکوشش اپنا خاطرہ خواہد بود

آدرس: شہر نرنگہ مقابل مسجد جامع شیر پور • تیلیفون: ۲۰۲۱۰



يما رامين ویدیوکست

بعترین فلمعای ویدیوی گلچین (پښتو، دړي، هندی وایرانی) آماده فروش دارد. • فلمبرداری از محافل خوش شمعای بیرونه میشود. • ادرس: منزل اول فروشگاه بزرگ افغان ۲۱۷۷۶-۲۰۷۰۴

عکاسخانه هروی

عکاسخانه هروی عکاسی محافل خوشرو سرور شمارا به بدترین وجه برگه از مینماید (همچنان تیریه یو یسی)

اکسرس، چهار راه سردار
تقیر شفاخانه
جمهوریت

خوراکه فروشی انوش

خوراکه فروشی انوش تازه به فعالیت آغاز نموده انواع خوراکه باب را به قیمت های مناسب عرضه میدارد. • مشتری دایمی خوراکه فروشی انوش باشید. • همچنان مجلات و جراید مورد علاقه تانرا ازین خوراکه فروشی دستیاب کرده میتوانید.

اکسرس، چوک قلع فتح شه

سباوروس

اعلانات شمسار با شرایط بهتر نشه
میرسانه

خوراکه مورد نیاز شمارا به فروش میرساند. • همچنان بلوزهای بهاری هندی ولباس -

جین از قبیل براهن، دامن، جیسرهای زنانه، طفلانه و دخترانه ساخت وطن را با قیمت های نازل بدسترس میرسانیم. • جمعین محتسب ترارمیدهد. • شما میتوانید مجلات و نشریه های مورد علاقه تانرا نیز بدست آرید.

اکسرس، سرک ۶ قلع فتح شه تقیر شفاخانه برادران هوسرو

خوراکه فروشی سبواس

قرطاسیه فروشی سید احمد شاه

جدیدترین لوازم تحریر کلاسوف معارف.

اقسام کتاب و کتابچه، انواع قلم های خودکار خود رنگ و ده ها قلم اجناس دیگر مورد ضرورت تانرا به قیمت های مناسب و رضایت بخش دستیاب نمایید. • ادرس منزل اول فروشگاه بزرگ افغان. • نمبر تلفون ۲۱۷۷۶

قرطاسیه فروشی اخبارک

کتاب، قرطاسیه، مجلات و کارتهای تریکی ارزان و خوب. اکسرس، منزل اول فروشگاه بزرگ افغان

قرطاسیه فروشی دوست

انواع قرطاسیه، جراید و مجلات دخواهتان را عرضه میدارد. • ادرس توجه نمایید. • ما کجیت مکر و باغ کجیت

ضروری: در شماره یازدهم سال ۶۷ مجله سباوروس در شرح عکسهای مرسوط به استعدادهای تیرت ملی ما، نام محتسب قاری فاخره قاری و قاری تصحیح شود.

شماره اول حمل ۱۳۶۸ سال دوم
شماره مسلسل نهم

سپاروون



نعیم پوپل

یلا

نوروز است صفحه (۲۵)

صفحه (۳۵)

فاجعه



صدای گمشده
جاودانه‌سده‌ها
صفحه (۲۰)

صفحه (۸۴)

درسهای موسیقی

پاستی

سبرین

مخ (۸۷)

کوزیر

آیاتاسی دخیل

از مود تا سینما
صفحه (۵۴)

علی فاضلی بسمل
پروما جبرایلی را ایلک
دنیال عشق خود از
سرگشته‌تانه

صفحه (۲۲)

چون در این بیست

از گپها که ما خبر شدیم
صفحه (۴۴)



صفحه (۵۸)

۱۳۱۶ ساله‌ی دژ ما ز کال بوی
مخ (۲۷)

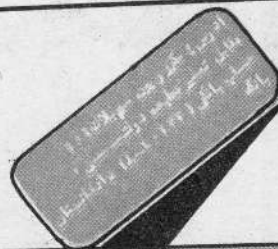
زن ۱۳ ساله‌ی ته‌مرد

صفحه (۴۰)



چارلی در صد سالگی
صفحه (۳۲)

مدیرمسول: د. کورژا هرطنین
تلفون: ۶۱۹۵۲
معاون: محمد اصف معروف
تلفون: ۶۲۷۵۲
سویچورد: ۶۱۸۷۸
ارتباطی: ۳۹ - ۴۸ - ۵۴



نشریه اتحادیه ژورنالستان
جمهوری افغانستان

زیر نظر هیأت تحریر:
بارق شفیعی
محمد حبیبی
عبدالله شادان
لطیف ناظمی
رهنورد زریاب
شفیق وحدان

ارت‌گرافیک: محمد طیبی و
وحمید سمور
مطابقی: کبیر امیر
عمی نامی

اداره مجله در تصحیح و تدقیق مطالب دست‌آزاد دارد. مضافاً همین
وارد در صورت نشر یا عدم نشر مسترد نمی‌گردد. نظریات آرایه شده صرف
نظر نویسندگان میباشند.

مصیبت‌هاست

مباحثه: حسینا حافظ

امروز در نیای ماینس و تکالوژی، متأسفانه مواردی وجود دارد که نمی‌شود آن را با این همه مسایل و تکالوژی بیشتر-فته تدایمی کرد. هیچ اندازه هم برای وابستگی انسانهای عصر ما به مواد مخدر معین شده نمی‌تواند. شبکه‌های وسیع برای کشتن انسانها توسط مواد مخدره فعالیت میکند. مانیامروز در هر کجایی شاخ و پنجه زده است. تاجران مرگ با وسایل گوناگون داری مرگ را عرضه میدارند. این تاجران هیت‌های مختلف دارند، در هر کشوری سزولکته‌شان پیدا است، به قیمت جان هزاران جوان آنان زنده کسی آبرومندان و شاهانه می‌نمایند چرا اعتماد از بین نمیرود؟ چرا نیروی جوان و فعال کشورهای جهان سوم عمدتاً و انسانهای کشورهای پیشرفته به حلقه‌های معتادین کشانیده میشود؟ برای اینکار بازی‌های تجارتهی وسیع است. ادامه دارد، و اما اعتماد و وضع اعتماد در کشورها چگونه است؟ مجله ما از کار این برایم نمیتواند به ساده‌گی بگذرد. چنانچه در شماره‌های قبلی خویش نیز در مورد نوشته‌هایی داشتم و اینک در این شماره‌ها هم با دکتر عبدالسلام آثم رئیس بخش صحت روانها حبه‌تری تیب داده و توجه خواننده‌گان را به آن جلب میدارم و تقاضا دارم آنرا تا اخیر بخوانید.

س: اعتماد دوا می‌چی مفهومی دارد؟



ج : وابستگی دوايي که به عوض کلمه اعتياد دوايي يا معتاد شدن از طرف سازمان صحت جهان پذيرفته شده است عبارت از مجموعه عوارض جسمي و زکامی و سلوکي ميباشند اين عارضه در اثروابستگی به مواد الکولي يا مخدر وجود مي آيد که حالات مختلف ميباشند باشد البته وابستگی دوايي يا سوء استعمال دوايي فرق دارد .

س : اعتياد يا وابستگی به مواد مخدره در کشور ما چيزي تازه نيست ولي در اين اواخر تعداد زيادي از جوانان به مواد مخدر معتاد گردیده اند به علت چیست ؟

ج : علل و اسباب مختلف ميتواند وجود داشته باشد . ناپاسامانی شخصيت مي ثباتی عواطف و احساسات شخصي موجود است خانواده هاي پرازانده هاي نم انگيزه فشار اجتماعي هم نشيني با دوستان معتاد وغيره . همچنان کنجکاري پراي در رفتن اسرار مرز مواد نشه اور و بعضاً هم بخاطر فراموشي نم و نگرانی به صورت موقت و بايد علل عده را در تبليغات فرهنگي قاچاقچيان مواد مخدره دريافت که جوانان و نوجوانان کم تجربه به دامشان مي افتند . علل هاي ديگر روانسي نيز وجود دارد مثلاً افاده خود کامگی و نوع بندي و باري نسبت به خانواده و محيط .

س : در شرايط کشور ما اعتياد نوع از خود بيگانگی است يا لذت بردن ؟

ج : به موضوع دلچسپي تما مي گرفتيد در کشورهای مختلف حالت اعتياد نه تنها در شرايط جنگ بلکه در همه حالات وجود ميباشد باشد چنانکه امروزه در کشورهاي مختلف جهان اين امر به مشاهده ميرسد که بنا بر تجربی جوانان بتزليل افکاره

بي اراده می ويوارد ديگر که قبلاً ذکر نموديم حالات اعتياد بروز ميکند . برخی از معتادان فکسر کرده اند که گويابنا بردن بيه مواد مخدره و مشروبات الکولي آن هارا به عالم ديگر برده و در چنان حالت ميتوانند نفس راحت بکشند حالانکه در نتيجه اين حالت زنده می آنها به تباهي مواجه شده و واقعيت هاي زنده می همانطور بچامی ماند .

در مورد لذت بردن که شما از آن ياد کرديد در اوایل خوشی هاي گذرا و کاذب به وجود می آيد بعداً حالت نشه غمناک وغير قابل تحمل می باشد و از سوي ديگر انسان معتاد در يك ناگيري قرار می داشته باشد به مصداق همان شعر :
نشه صهبانمی ارز به تشويش
خسار
در گذر امروز عذاب که فردا
آتش است

س : ارتباط معتاد بين بخصوص جوانان با امراض روانی چگونه است ؟

ج : نزد معتادان تشوشات روانی بملاحظه ميرسد گاهی يدي شوار است که فهميده شود که ايا اعتياد باعث تشويش روانی شده است يا تشويش روانی باعث اعتياد .

به هر صورت تاثيرات اين دوا لاي هم متقابل است در نتيجه پناه بردن به مواد مخدر انسان بي اراده شده مسووليت هاي اجتماعي و اخلاقي را کمتر درک می کند . استدلال و منطق نزد معتاد از بين رفته احساسات عجز و کوتاه نظرمی شود کم حوصلگی و شک بردن بيچنان نسبت به همسر و دوستان در او تقويت يافته چنين تلقينات قضاوتش را متاثر می سازد به تدریج نفرت و دوستان و خانواده اش را نسبت

به خود بيشتري سازد و گاهی هم از شخص معتاد فقط بايد انتظار انسان زنده را داشت که مشابه به يك مجسمه است .

س : بيشتري معتاد بين درجا معه ما کيها اند و از کدام مواد استفاده بعمل می آورند ؟

ج : در حالاتيک فعاليت قاچا قبران و تجاران مواد مخدر مساعد تر باشد خطر اعتياد وسيعتر می شود مخصوصاً در کشورهایمانند کشور ما دشواري هاي زنده می مصيبت هاي جنگ و بيسوادي و عواملی از ينگونه اين مصيبت را افزايش ميدهد در کشور ما در برخی مياطق از ترياکی بحیث دروي آرام کننده سرفه و تسکين درد اعضا و دواي خواب آور استفاده می شود از تبا کوب چرس گاهی براي درمان و معالجه قلعج ها کار می گيرند در برخی از ولايات ما در طبابت هاي محلی و غنغوي حتی براي اطفال نيز اين مواد را توصيه ميکنند . حالانکه توصيه اين مواد صد فيصد از کودکی اعتياد را به بار می آورد . در بخش هاي ديگر کشور ما که کشت و توليد ترياکی چرس و تبا کوب رايج است از لحاظ اشتغال افراد با اين مواد وابستگی هاي دوايي را بوجود می آورد . بد بختانه در سال هاي اخير هيروئين در بين جوانان جامعه بازار يافته است . متاسفانه زمانی دختران و پسران جوان مصاب به آن به مشاهده ميرسد که البته کار وسيعی و مبارزه عليه آن ادامه دارد .

نمونه هاي از مواد ديگر مثل ماند رس ، مخ و بنگ آب و بعضی ادويه ديگر هم وجود دارد چنانچه می گويند : در يکی از مناطق ولايت بدخشان پيغمردی بود که مدت درازی ترياکی دود می کرد

و به آن وابستگی داشت زمانیکه او چشم از جهان می پوشد در فضاي کلبه موصوف ديگر دود ترياکی نمی پيچيد و چندي بعد يکتعداد موش هاي مرده در بين اتاق محقر پير مرد متوفی ديده می شود . دليل آن اين است که حتی موش هاي موجود در سوراخ هاي خانه نيز به ترياکی وابستگی پيد کرده بودند که با قطع دود ترياکی و تبا نياردن بيترک آن مرده و زيمین اتاق آن پير مرد افتاده اند .

تاجاييکه از خود ما بين وابسته به هيروئين معلومات حاصل شده هيروئين نيز در کشور ما برخلاف کشورهای ديگر از طريق دود کردن به مصرف ميرسد .

س : تعداد معتاد بين به مواد مخدره در شهر کابل آيا معلوم است ؟

ج : آماري وجود ندارد يک احصائيه تشييت يکصد هزار مصاب وابسته به ترياکی در بدخشان است که مربوط بيک دهه قبل است . رياست صحت روانی وزارت صحت عامه در نظر دارد تا به همکاري مالی اداره سازمان صحتی جهان و مساعدت هاي ارگان هاي ذيربطه احصائيه مصابين به مواد مخدره و مشروبات الکولي در شهر کابل وسپس در ولايات را بدست آورد . باتاسف بايد گفت که تعداد اين اشخاص افزايش يافته است و ايجاب توجه جدي را می نمايد .

س : برنامه تدبيريه چگونه است ؟

بقيه در صفحه (۷۴)

دواي مرگ و تاجران مرگ



بیه میگویند



مهر و وفا

چهار ماهه



چهار ماهه

مهر و وفا

چهار ماهه

چهار ماهه

چهار ماهه

دو سه و اده

هیله منده م هغه کسان چی به تحینو عقل نار وغیواخته
دی ژر تر زره شفا و موسی او د عقلی او هو بنیابر سترگی بی روضی شی
خبره داسی ده چی تحنی بی احساسه اوی مسوولیته نارینه
د خیل ژوند بدی او د نیستی روضی چی لومړنی بنخی ورسره
به ورین تندی کاللی چوره یاده باسی حتی د خیل بیه نسو
اوشعرت شخه تیر یزی او د دوهم واره بند و بست کوی که شه هم
چی د موضوع نوی نه ده ولی به ۶۲ کال کی بی د سارن ناروضی
بنه تحانته نیولی او د پروکسانوته بی سرایت و کړ امید واره یس
مسز کال داد کو رینورنگید و ناروضی له منعه ولاړه شی

لطیما پرداد بیتون پوهنځی فار التحصیل



پاکی و صفایی

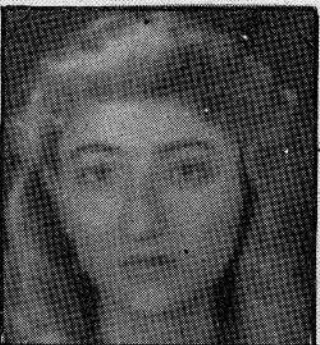
عزیز آقا سراز
دل بستگی خاصی به پاکی و صفایی د اوم آرزو مند صاحب خان
مکروریان شم ، آنجا بهتری شود ، پاکی و صفایی راتا مین کرد
- اگر با دختری همسر زنده کی شوید که او چند ان توجه
به پاکی نداشته باشد در آن صورت چه خواهید کرد ؟
- خدای ناخواسته باشد که این چنین شود ، ورنه کار زاری شود
با آنم اگر چنین دختر سرد چارندم انوقت اوز به روحیه
خود تربیه میکنم



نظام و د سپلین در سرویس ها

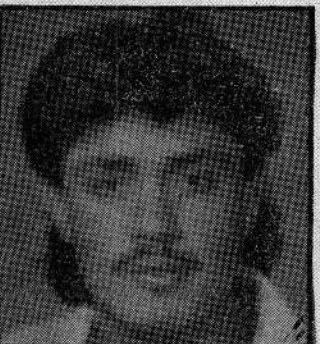
عضوکلان خانواده ام میباشم .. آرزو دارم خواهران و برادرانم
به آرزوهای دلشان نایل آیند .
همچنان آرزو مندم که بعضی از همشهریان مانظم و د سپلین
اجتماعی را در سرویس های ملی بس جدای رعایت نمایند ، و نگرانان
محتشم هم درین زمینه از خود بی تفاوتی نشان ندهند ، بعضی
از مردان به بالا شدن از د روزه اوم سرویس هلاتمندی بسیار
نشان میدهند وقتی برایشان گفته شود که یک کمی دور شوید و یا
به اخل سرویس پیش بروید میگویند : ((برو بی جان تو چقه
خود می سازی ، ما از خود خوار و مادر داریم ...))

مصرفیاتیکیان در نشان فار از صواب



میخواهد هنرمند سینما شود

محمد فرید محصل سال د م پوهنځی هنرهای زیبا :
در رشته تیاتر و سینما مصروف تحصیل استم ، با ستمک عشق
میورنم و دوستش میدانم ، و همین ام هر نقشه که برایم سپرد شود
میتوانم آنرا به خوبی اجرا نمایم ، ولی باتا سف چند باریکه به
اداره فلم های هنری و مستند مراجعه کردم خود را پشت در بسته
یافتم و جواب رد شنیدم ، آرزو مندم که امسال آرزو هام برآورده
شود و بتوانم در فلم ها کار نمایم



پایند حاضری خانه

پایند حاضری خانه



روهینا محسن پوهنتنی ژورنالینم :
تعمیم د اتم اسنال باشخسر مورد نظم ازدواج تمام آرزو د اتم
که د زمینه فامیل مخالفت ننماید .
آرزو مند بعد از عروسی شوهرم مراخیلی دوست بد اوردوسه
وقت معین خانه بیاید ، یعنی آن تسمیکه باید حاضر د دفتر
میباشد ، باید ، باید حاضر نزد من نیز باشد .

وفادار و پولدار



روزیا وفا کارمند وزارت امور عودت کننده کان :
آرزو د اتم باخوانی دارای تحصیلات عالی ، وفادار و پولدار
ازدواج تمام ، پولدار به خاطر اینکه میخوایم ماه غسل رادرخان
از کشور سوری تمام .
- اگر باخوانی دارای چنین صفات آشنا نشدید در آن صورت ؟
- در آن صورت باهیی کسرا دواج نخواهم کرد .

در آرزوی ثروت و شهرت



محبوبه کارمند نشرات سنا :
د رزنده گیام سه آرزوی بزرگ د اتم که به حقیقت بیوستن آن
خیلی مشکل و یا هم دوزار امکان است ، نخست آرزو د اتم خیلی ها
تروتمند باشم ، آندر که حسابش را کم ، دوم اینکه یک ورزشکار
ورزیده به سویه جهانی باشم و در مسابقات ورزشی جهانی همیس
موفقیت ازان من باشد و سن اینکه میخوایم به ایالات متحده
ایرکیکاسفر تمام .

بنیاست او اخلاق



خیال محمد سرراز :
زما بیواچینی هیله داده چی سرکال د ترخیر د اخیستلو
وروسته د ژورنالینم به پوهنتنی کی شامل شم . اوم د ژوند ملگری
چی بنیاست او اخلاق ولری پیدا کن .
- د د بی خصویاتو لروونکو انجلی سره که بیسواده ورا شناسی
عنه انتخابوی ؟
- لومری کوشس کم چی د ژوند ملگری می باید باسواده وی
اوه که نه وه نویایی د مبارزه با بیسواده . کورس کی شاملم او خبله هم
شبه اوون ور سره سبی وایم ترخو با سواده شی .



چهارمین جشنواره شعر جوان

مباحثه از کامله حبیب

وقتی شعری را زمزمه میکند چنانست که گویی دریایی از نسور در رگهای جانانت جاری میشود . صدایش آنچنان برجذب و نوازشگر و لطیف است که وقتی میشنوی تنهایی در وجودت میشکند، زیرا که درصدایش وسعت رویش و پایش است .

سیما شادان از زمزمه دیکلماتورانی است که میتوان گفت در بخش زنها چون او زیاد نداریم و اگر هم است انگشت شمار . وقتی عقب میکروفون قرار میگیرد ، وقتی شعری را از بیدل زمزمه میکند آنچنان با احساس میخواند ، آنچنان شعر را جان میبخشد که گویی این خود شاعر است که در نزد یکی ات نفس میکشد . بادنمایی از برشها بدیدنش میرم تا توشه بی برای مجله تهیه دایم ، مانند همیشه آنچنان که است با لطف همیشه کسی اش که خمیر وجود اوست با خوبی و مهربانی یک زن رو بروم می نشیند . هر چند که در برخورد هایش صمیمی است اما در گفتار خود نهایت جدی و دقیق است .

من بعد از سکوت کوتاهی از روی میروم :

- وقتی اولین بار عقب میکروفون قرار گرفتید و ا همه نداشتید ؟
- البته که و ا همه داشتیم ، حتی صدای قلم رامیشنیدیم بخصوص که آنروز عبدالله ((شادان)) همراه با من اخبار را میخواند .
- و آیا غلطی نکردید ؟

- نه همه اخبار را بدون غلط خواندم .

- شما علاوه بر آنکه نطان خوب و ورزیده استید اشعار را نیز دیگه می کنید، آیا اتفاق افتاده که اشعار را غلط بخوانید ؟
- چرانه حتماً غلط خوانده ام زیرا گاهی همان لحظه یعنی در آخرین لحظات شروع پروگرام شعر را بمن سپرده انده بخصوص وقتی شعر از مولانا و بیدل بوده طبعاً که بدون غلطی نبوده است .
- شما وقتی اولین باری که شعر را دیگه میگوید خواستید مانند چه کسی دیگه کنید چون فریده انوری یا کسی دیگر و یا خودتان ؟

- چون زنده گی من با عبدالله شادان است من از او آموختم ولی تا اکنون از کسی تقلید نکرده ام . بودن عبدالله شادان نطق ورزیده که دوبار جایزه اول دیگه شعر را گرفته است ، فکر میکنم برای کافی است .

- شما اکثراً هنگ ها را نیز کارگردانی می کنید همینطور است ؟



پونتم در نیمه های شب به چه فکرمی کند

ترجمه علی اشرف

س- اگر بیگانه پس با شما تماس میگیرد و یا کسی دست شمارا میگیرد و یا دستانتان را در ورگوشه های بیخود پس احساس به شما دست میدهد ؟

ج- در چنین حالات خود را نا راحت احساس میکنم و از این آشنایی ها خوشم نمی آید. اگر یک دوستم ، مادرم و یا کسی را که دوست دارم مرا به اغوش میکشند البته که قشیه کاملاً جداست از چنین چیزها. و در راحتی خیلی به دورتم میدارم و اگر ضرورت بیفتد بگویم. پشت مورد آزار (پس میزنم) در چنین حالت خیلی با قاطعیت و در جلو چشم همه عکس العمل نشان میدهم. خیلی میزنم و یا خنجر را میدرم. با آنهم در زنده گی حقی لسته پس هم خودم را تنها میدون دوست احساس نکرده ام.

س- لطفاً در مورد بوسه نشستن تان وارک و راست بگوید ؟
ج- من هرگز مردی را در ملاقات نخست نمیبوسم. آنرا استر بگویم به چنین ملاقاتهایی دم نرفته ام. فراموش نباید کرد که مادر خند بوسه بوسه در آمریکا ، آنرا بوسه دختران را به بیرون رفتن دعوت میکنند. زودتر از این زمان دعوت صورت نخواهد گرفت. بران هفتیسه سهنا استم و دعوت هفتیسه جوانی بیشتر با داران. روانه کسی مراد دعوت کند. تمام باید بخوبی دیده در این باشد. بنابراین مراد بهانه زن میزنم اما این به بوسه دو میزنم

س- در نیمه های شب وقتی همه خوابند شما درباره چه فکر میکنید ؟

ج- فکر، فکر، درباره چه فکر میکنم ؟ این مربوط میشود به اینکه چگونه روزی را گذرانم.

س- آنروز بدی را گذرانده باشم ، از زرد میباشم و در بستم ((لوتن)) میزنم و اما آنروز خوبی برایم بوده باشد و حال میباشم به بالشت میزنم و باید لبخند خواب میروم ، این مهم نیست که من چه ساعتی بخانه بر میگردم چهار صبح یا شش صبح ، من خواب سنگین ندارم هرگاه تلفون در یکی از اتاق های دورم زنگ بزند آنرا می شنوم و فوراً بر میخیزم. اما شب زنده دارم حاضری دم داشته ام و آن وقت بوده که یا ناراحتی روسی یا اختلاف نشوری با مادر و خواهر داشته ام و عاشقی میخواسته خراب شود. س- وقتی به اغوش کشیده شدید اید عکس العمل تان چه بوده است ؟

وای ! وار خندان ! این دیگره است؟ بعضی حال این مربوط می شود به کسی که مراد اغوش میگیرد.



میخواهم زنی باشم عاشق با خدا دوستی یک با یک مرد میتوانم بعد گسترده تری از سکس داشته باشم



چونان نسل نوین حدیثی و آزاد است و درین مسورد چهارت کرده با والدین شان حرف میزنند ، اما در مورد من صدق نمیکند چه من تراورده دهه (۸۰) نیستم ، از تنو تا اندازه یی مسافه کار استم و عذرت میخواهم البته در آینده پیراز کسی اوقات نرم در زمینه صحبت خواهم کرد ، به عقیده من جوانی جو دارد درین مورد ابراز نداشتند که از لسا نورو به پختگی بنیه در صفحه (۶۰)

بوسیدن به امر طبیعی است و وسیله انتقال احساس دوستی و محبت تلق میشود. س- خوب اجازه میدید کسی جلو بروم و ؟

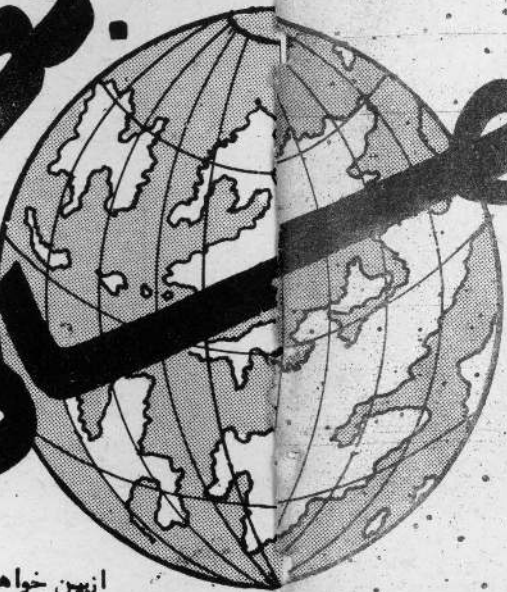
ترجمه: انجنیر حلیم

تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی و سردی و متلاطم درجه حرارت خواهد بود

تأثیر عمده جنگ

ذروی سقوط ناگهانی و سردی

و متلاطم درجه حرارت خواهد بود



بگذارد نوح کیم حادثه غیر قابل تصور وقوع پوست...
 سیمای جهان بعد از جنگ ذروی چگونه خواهد بود؟
 از پاسخ این سوال میتوان نهایت مشابهت را قاطع
 در برابر وجودیت (۵۰۰۰۰) سرگوله ذروی فعلی جهان کار گرفت.
 در کفرانس های دانشمندان ذروی در سیکو و واشنگتن شهرهای
 دیگر نماینده گان جامعه ملی جهان به آخرین مسائلات و تحقیقات
 شان پیروان اینک جهان بعد از جنگ ذروی چگونه خواهد
 بود توجه جدی مبدول داشته اند. تنهاسه سال قبل دانشمندان
 ذروی این مفکوره که اگرچه وضع جهان بعد از جنگ ذروی خیلی ناچهار
 انگیز و ناگوار خواهد بود، ولی موجودات زنده به ناچار مانند کیم
 کیم نخواهند شد، کار کردند. این دانشمندان اکنون بعد از دست
 یافتن به حقایق تازه و اینکه برای همچو ((جوشینی)) استدلال ضعیف
 وجود دارد، تغییر عقیده داده اند.

پس اینجاست سیمای بعد از فاجعه ذروی از نگاه دانشمندان
 زمانیکه سناریوهای گوناگون جنگ ذروی در معرض آزمایشات دقیق
 و تجارب مودل های کمپیوتر قرار گرفت، چه قدرت محض انفجار
 (۱۰۰) میگاتن یا (۵۰۰۰) میگاتن (کمتر از نصف زیاد خانه میجر
 ذروی جهان) باشد، همه به این نتیجه رسیدند که
 موجب انفجارات ذروی نسبت به تاثيرات مستقیم آن (امواج تکان
 دهنده، جریان حرارت یا تند باد حرارتی و شعله) به مراتب وحشت
 ناکتر و کشنده تر است.

مودل های اقلیمی که لظرف دانشمندان شوروی و امریکایی یعنی
 تیم ساگان در پوهنتون کورنل، مشخصین و دانشمندان مرکزی ایالات
 متحده برای تحقیقات اتموسفری که مستقیماً در راس آن قرار دارد
 ولادیمیر الکساندروف و گیورگی ستنچیکوف از مرکز ریاضی اکادمی علوم
 شوروی، گیورگی گولیتسین و الکساندر گمنزوری از انستیتوت نیک اتموسفر
 مستقلانه طرح شده است تصویر مشابهی را از سیمای جهان بعد از
 جنگ ذروی ارائه میکند. تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی و
 سریع و متلاطم درجه حرارت خواهد بود، ظرف چند روز محدود جهان
 از سردی یقیناً به اندازه سردی قطب شمال دچار سرما خوردگی

خواهد شد و حداقل برای یکسال ادامه خواهد یافت.
 آفت ایکولوژیکی سرتاسری!

هفته ای بعد از انفجار ((زمنستان)) همراه با تاریکی تقریباً
 مطلق فرا خورد، صدها هزار تن خاکستر و دود آتش های شعله ور شد
 در سرتاسر قاره ها پرده غیر قابل نفوذی را بر روی آسمان خواهد کشید
 شکل نورمال اتموسفر با هوای گرم در بالا و هوای سرد در پایین حالت
 معکوس را بخود خواهد گرفت.
 طبق نظریه ولادیمیر الکساندروف، درجه حرارت اتموسفر در
 ارتفاعات بین (۱۰۰۰۰) و (۱۵۰۰۰) متر تا حد درجه سانتیگراد
 خواهد رسید در حالیکه در سطح زمین درجه حرارت در حدود پنج
 درجه پایین تر از نورمال کاهش خواهد یافت. با این کار واکنش زنجیری
 از حرکت بازمی آید و منتهی به آفت ویدیخی ایکولوژیکی سرتاسری
 میگردد.

ناپودی حیات بصورت کل!

مودل سرد بعدی های درود آنها یکی اتحاد شوروی از اقلیم جهان
 تاثیرات جانبی وحشت انگیز زمستان ذروی را ارائه میکند، طوری که
 تفاوت نهایت زیاد درجه حرارت بین قاره ها و اقیانوس (هوای خیلی
 آهسته تر بر روی اقیانوس) منتهی به تند بادها و توفانهای شدید
 در نواحی ساحلی خواهد گردید که این به نوبه خود چنان بر فباری
 های شدیدی را بدنهال خواهد داشت که حیات را بصورت کل نابود
 خواهد ساخت. علاوه بر آن تغییرات اتموسفری سایر اقلیم های دنیای
 را کاملاً از بین خواهد برد و خشکالی، ذوامداری را بر قاره های یخب
 بندان و بدون خورشید جگرم خواهد ساخت.

بعبارت دیگر، هراتیه که از صمیم آتش جان سلامت برده،
 سردی یا خشکالی آنرا از بین خواهد برد. یخبندان ناگهانی و وسیع
 که الکساندروف ستنچیکوف آنرا پیش بینی کرده، برای جنگلات در ارتفاعات
 متوسط تها کن و کشنده خواهد بود. جنگلات مناطق حاره و نیمه حاره
 بی که تقریباً نیمی از کله خشک زمین را در بر میگردد، یعنی ناظرانی

از بین خواهد رفت زیرا این جنگلات حتی در برابر تغییرات جزئی درجه
 حرارت یمانور نمیتوانند مقاومت کنند.

صریخندگان دیگر!

الکساندروف معتقد است که تقریباً یکسال را در بر خواهد گرفت تا
 جهان باردگر تلاشگر روز روشن باشد، این چه چیزی را اشکار میسازد
 یا توضیح میدهد؟ جنگلات وسیع به صحرای صحرای تبدیل خواهد شد
 البدیون (یا قدرت انعکاس نور) سطح زمین دوچند یاسه چند خواهد
 گردید که در نتیجه آن نور خیلی کمتری از خورشید جذب خواهد شد و
 بدین ترتیب تمام سیستم اقلیمی جهان دستخوش تغییر خواهد گردید.
 این نشان دهنده امکان پدید آمدن صریخندگان دیگر است.
 ملازمت الکساندروف و ستنچیکوف محاسبه کرده اند که در حدود (۸) ماه
 بعد از درگیری ذروی، هوای گرم بر روی ساحات تپت و بعضی نقاط دیگر
 موجب خواهد شد تا برفها و یخبندانهای ساحات مذکور آب گردیده و
 در نتیجه آبهای خیلی زیادی بر روی قاره ها سرانبر خواهد شد، بار
 دگر سبیل عظیمی توأم با درجه حرارت قطبی همه جا را فرا خواهد
 گرفت.

تمام این ((سناریو)) ها تصور میکنند که فاجعه ذروی در صورت وقوع
 در نیم کره شمالی رخ خواهد داد، چون کله های هوای سرد و نیم
 کره در اثر مانع اقلیمی غیر مرئی خط استوا از هم جدا شده اند، انسان
 میتواند تصور کند که بازماندگان این فاجعه نهایت در نیم کره جنوبی
 پناه گزین شوند.

زمستان ذروی بر تمام مناطق تا نور خواهد انگند!

بدبختانه به چنین امدها و آرزوها بخود دل بسته اند، طبق
 نظر الکساندروف این مانع را تفاوت های درجه حرارت بین دو نیم کره
 از بین خواهد برد.

این فرضیه که هیچ منطقه بی بر روی کره زمین از این فاجعه در
 امان نخواهد ماند، بصورت تحقیق مستقل دیگری تأیید شده است.
 کارل ساگان دانشمند امریکایی و گولیتسین و گمنزوری دانشمندان

شوروی در مطالعات و تحقیقات شان پیروان تغییرات ممکنه در اتموسفر
 بعد از جنگ ذروی به چیزهای تازه و مشخصی دست یافته اند، آنان
 توانهای خاکی را که بر سطح کره میخ بر وقوع می پیوندد بعنوان مثال
 می آورند.

طبق نظریه گولیتسین، خاک کوه های که از کره میخ در آسمان
 تابستان بلند میشود، تمام کره میخ را در ظرف چند هفته در بر
 میگردد و درجه حرارت کره میخ را بصورت کلی تغییر میدهد، سطح کره
 سرد میشود در حالیکه اتموسفر بسوی بالا گرم است و به شکل متناقض
 جهان پدید میکند، همچو چیز مشابهی بر روی سطح کره زمین نیز اتفاق
 خواهد افتاد، بر طبق تخمین های نهایت مستطانه، بی که بعمل آمده
 آلوده کی اتموسفر ناشی از جنگ ذروی در تمام کره زمین از شدت شمعاع
 خورشید که به سطح زمین میرسد ظرف چند هفته در حدود (۱۵۰) -
 مرتبه خواهد گاست.

مودل های اقلیمی ایالات متحده و اتحاد شوروی نشان میدهد که
 بعد از انفجار ((صرف)) ۱۰۰ میگاتن ((معادل ۸۰۰۰ هیروشیما))
 کره زمین برای زندگی انسان یا هر ارگانیسم زنده دیگر جایی مناسبی
 نخواهد بود.

یک شب طولانی و خاموش

بر طبق نظریه ایرلیج، دانشمند بیولوژی در پوهنتون ستانفورد
 کالیفرنیا، هر بخش از جهان زنده که از فاجعه ذروی در امان مانده
 باشد در هر صورت محکوم به فنا خواهد بود، علت ساده آن اینست
 که فوتوسنتز، این پایه و اساس زنده گی نجات در تاریکی غیر ممکن
 خواهد بود و بدون زندگی نجات تمام حیوانات بازمانده از فاجعه از بین
 خواهد رفت.

حتی اگر تصور کنیم که شرایط نجات شکل ارتجایی بخود بگیرد،
 در آن صورت جهان با خطر دیگری یعنی شمعاع قوی ماورای بنفش مواجه
 خواهد شد.

تشکیل مقادیر نهایت زیاد نایتروجن اکساید در ساحه اطراف قشر
 اوزون اتموسفر طبق نظریه اسرائیل عضو اکادمی علوم اتحاد شوروی
 بقیه در صفحه (۲۲)

اگر بوی نعیت و احوال کونی زنده می یابد مرد کتبی اراد هر عمل بین اوست بر اراد ۳۱ انه و غیر کونی او بیاسیر بیعی می تواند آید او را شکل ن مد و حتی جریان حسان حارن او را نیز تغییر دهد ۱۰

از حکایات باستانی هند
مترجم: ع. فرحسوی
پارسی و متن داری

شب شور و سرور بود چون شای
بایسری که بر این آرزای شده
بود شادمان گردیده بود بنا
و ملکه بخاطر دست یافتن به این
الطاف و بخشش شامی از شعایر
و مراسم را بر پا آورد و ریاضت های
بسیاری کشیده بودند از سر
آنها از زمان ازدواج شان در
دوازده سال قبل تا این زمان
کودکی بدنی نیاورده بودند
ملکه از سوی همه نزد یکان و
عزیزان تهنیت گفته شده بود
کودک خوشدل و زیاده رکاب او
لمیده بود منگام نیمه شب از
همه تقاضا شد تا بخیرد اخلسی
کاخ را ترک گویند تا ملکه
که خدمه ها در بیرون از اتاق
نگهبانی اثر میکردند خواب
را حسی داشته باشد و جراحها
خاموش شدند
ملکه ساعتی خوابید اما ناگهان
بیدار شد و بدظن بر رسید که نوری
در نزدیکی سرش ظاهر شده است
چشمهاش را گشود تا به منبع نور
نگاه کند آنچه را دید او را به
شگفتی واداشت آنجا یک موجود

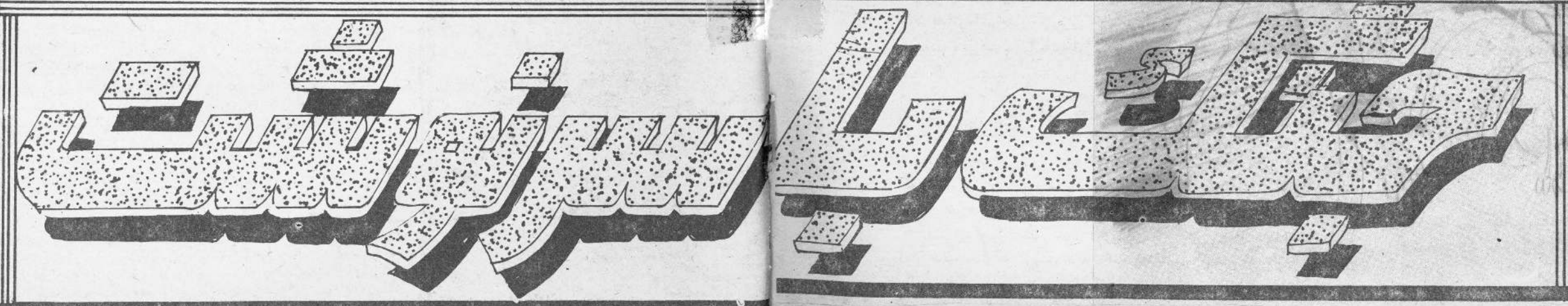
نورانی ایستاده بود و دست
را ستر به سوی سرکودک نوزاد
کشیده شده بود چون ملکه به
آن نگریست موجود نورانی
دستش را عقب کشید و لبخند زد
ملکه بر حایر نشست و گفت
من نمیدانم تو کیستی اما یقیناً
تو پندار خود آسمانی هستی
چون نورانی خاموشی گردید این
کار ملکه را شگفت زد ساخت
ملکه گفت
- برا شما گفتمی زنده
و مود با نه افزود
- آیا شما یک موجود آسمانی
نیستید
رب النوع سرنوشت گفت
- بلی استم اما من رب النوع
سرنوشت ایتم و یگانه و شایسته من
اینست تا آنکه را در زنده کسی
برای یک نوزاد فراهم شده
است در پیشانی او بنگسیار
من نمیتوانم چیزی را بیشتر از آنچه
(کارما) برای یک کودک مقرر
داشته است از زخم من در رختها
تولد هر کودکی تا عمر منم اما
مردم مرا نمیتوانند ببینند اینکه

توانستی مرا ببینی بیانگر عفت
خاص و بدانی بی است که تو
یداری با وجود آنکه خود از آن
آگاهی نداری
ملکه در برابر رب النوع خم شد
و پرسید
- آیا آنکه را در پیشانی کودک
من نباشته این برای من آشکار
نخواهید کرد
رب النوع سرنوشت گفت
- من نمیتوانم آشکارا تمسحتن
اگر اینکار را بکنم برای توست
ندارد از سوی دیگر اینکار
بدون هیچگونه لزومی باعث
شگرتی تو خواهد شد
- شما همین الان نیم از آن به
را آرزو داشتید بدانم برایم
گفتید چنین به نظر میرسد که
هیچ چیز خوبی در سرنوشت
بسم وجود ندارد شما باید تمام
حقیقت را برایم بگویید در غیر این
شمارا نخواهم گذاشت که بروید
اگر با جبر بروید من خود را
خواهم کشم
ملکه این جمله ها را با صدای
نرم ولی مضم اشعار کرد
مباحثه بین ملکه و رب النوع
ساعتی ادامه یافت بالاخره
رب النوع مجبور شد تا برای ملکه
آشکار سازد که بر او در زنده کسی
خواهد کرد و دراز کاخ در
جنگلی خواهد زیست
ملکه دریا مرنومید نگریست
اما بخورد جزا داد تا از
رب النوع خوشبختی تقاضا کند
که اندکی بارید بختی بپوش
را کاهش دهد
رب النوع گفت
- خوب من تضمین میکنم که او
هر روز توانایی شکار یک آهو را

داشته باشد و این امر بزرگی از
سرنوشت او خواهد بود بیشتر
ازین تازی کرد نمیتوانم
و سر این سخن ها رب النوع
ملکه را ترسید
روزها سپری شدند ملکه در
و وسواس خود را در دل نگهداشت
یک سال بعد شاه بیمار شد و
در گذشت وزیر سیمه کار او
تا شاهی را به بهانه اینکه
شهرزاده خرد سال است تمسب
کرد و در پیشان سعی کرد تا ملکه
و شهرزاده را بکشند اما ملکه با
شهرزاده کویت به موقع فرار
کرد و در جنگلی پناه گرفت
پیش گویی رب النوع مرگ بسمه
و اقیعیت پیوست هر نام ملکه
جال های را در گوشه و کنار جنگل
می گسترانید و صبح بعد آهویی
را در یکی از جال های یافت
ملکه آهو را به یکی از جنگل نشینان
میداد و او آنرا در شهر می فروخت
و بهایش را به ملکه می سپرد
به این ترتیب سالها سپری
شد بزودی شهرزاده نوجوان
به یاری مادر شتابید در عین
حال شهرزاده به شاکردی یک
تارک دنیا رفت و نوشتن خواندن
و فلسفه را آموخت
روزی شهرزاده در اندیشه بی
با خود میگفت
- بسیار شگفتی آور است که
هیچگاهی بیشتر از یک آهو در روز
شکار نمیکم در حالیکه هر روز در
پنج محل جال میگذارم و بسیار
عجیب تر اینکه هیچ روزی را بدون
یک آهو شکار شده سپری نمیکم
مادرش که این سخنها را
شنیده بود گفت
- این بخاطر است که شکار یک

آهو در یک روز جزئی از سرنوشت
توست
به این ترتیب ملکه بخشی از
راز را آشکار ساخت شهرزاده
اصرار ورزید تا بداند که مقصود
مادرش چیست و ملکه مجبور شد
تا همه چیز را به یک به او بگوید
شهرزاده نشست و در سکوت
تزیینی فرورفت پس از سکوت
طولانی گفت
- مادر! من سرنوشت خود را
تعمیر خواهم داد
- بسم چگونه اینکار را میتوانی
بکنی کی میتواند سرنوشت خود
را تغییر دهد
شهرزاده نوجوان گفت
- اگر من مسؤول سرنوشت کونی
خویشم به خاطر اعمال خود در
زنده می قبلی است بسم من
میتوانم اینکار را بکنم
شهرزاده ساعات طولانی بسمه
اندیشه فرورفت و بعد با چهره
مغمم برخاست
روزی دیگر او به عور پنج جال
فقط یک جال را در گوشه بی از
جنگل گسترانید و در نور یک
پیشینی کرده بود یک آهو را
در جال یافت
روز بعد به عور اینکه جال را
روی زمین بگستراند آنرا در
شاخه بی از درختی آویخت
با وجود آن صبح روز بعد آهویی
در جال گیر مانده بود
و بعد جال را در بلند ترین
درخت آویخت و همین سان گرد
گرد درخت آتشی بزرگی افروخت
نیمه شب از خواب بیدار شد
و موجود نورانی بی را در کنارش
یافت
شهرزاده پرسید

- آیا عارب النور سرنوشت
استیسه
رب النوع خشمگین گفت
- بلی من استم منظور تو از
آویختن نبال در درخت بلند و
افروختن آتس پیرامون آن چیست
ایا تو میدانی با وجودیکه من یک
رب النوع استم در دنیا عینی
من خلاف قوانین طبیعی نمیتوانم
کار بکنم نمیدانی که بسردن
آهوه بالای درخت تازی است
دنیار
شهرزاده گفت
اما شکار یک آهو در هر روز جزئی
از سرنوشت من است اینکه
چگونه آنرا در جال من گیر
میاندازی کارتوست
رب النوع گفت
- آیا باید بخاطر خوشبختی
که برای تو تضمین کرده ام مزا
حم من شوی
شهرزاده آهسته گفت
- اگر کار ترا در نوازی ساختم
تو در برابر من ظاهر میشدی
- اما تو چرا میخواهی که من در
برابر تو ظاهر شوم
- تا آنکه آنچه را در پیشانی من
نوشته بی و مرا محکم به زنده کسی
در تبعید میکند از جبین من
بزای رب النوع سرنوشت
سکوت کرد شهرزاده چشمانش
را بست و با حرارت و اشتیاق ملهم
از یک سرنوشت تو گردید لحظات
طولانی سپری شد شهرزاده
احساس کرد که دست رب النوع
از پیشانی او میگذرد بعد
چشمانش را باز کرد
رب النوع سرنوشت گفت
- با اراده و آرزوی خود تو قادر
بوده ای تا سرنوشت را عوض کنی
و افزود
- احسان و بخشش من با تو
خواهد بود
و آنگاه ناپدید شد
روز بعد خوب شکی خوبی
قیام در کاخ سلطنتی را به شهرزاده
و مادرش آورد قاصد تخت و
تاج که مستبد و مستغرضه بود
از سلطنت خلع گردیده بود ملکه
و شهرزاده بزودی به سوی کاخ
رفتند همه کس ملکه را شناخت
چشم و سرور بزرگی بخاطر اعاده
تاج به وارث حقیقی آن برپا شد
و شهرزاده به حیث شاه تاج پسر
سرنهاد



مراسم یک تدفین

امپراتور

از آنجاییکه پیرامین ۶۲ سال مراسم تدفین امپراتور توری صورت می پذیرد، حکومت جاپان با مصلحت دبلوماسی رویرو بود؛ چگونه مثال، چطور میتوانست یقین حاصل نماید که جورج بوش مجبور نشود که تارسیدن نوبت الفبایی کشورش، جهت ادای احترام در برابر تابوت امپراتور، قریب سه ساعت انتظار نکند. اعضای کمیته موظف در وزارت امور خارجه جاپان تا ساعت ۲ یا ۳ شب روی حل همجو مسائل مصروف کاری بودند. قرار معلوم وزارت خارجه کشوری از وزارت خارجه جاپان تقاضا به عمل آورد، بود تا وقت مواصلت رئیس دولت متبوعش، به منظور رفع احتمال آماج گیری از طرف قاتلان سری نهداشته شود. حکومت دیگری خواسته بود که در مورد شاه کشورش ((که نهایت مغرور است)) توجیه بخصوصی میندول گردد. جورج بوش در نخستین مسافرت خارجی خود بحیث رئیس قوه اجرائیه کشور، با سران دولتی زیادی از جمله روسای جمهور فرانسوا میتران، از فرانسه، کورازون اکیانو از فیلیپین، حسنی مبارک از مصر، خواهد پیوست. روهامرفته از جمله پیناز ۱۴۰ هیات ملی شرکت کننده در مراسم در ۵۲ سران دول قرار داشتند.

درین مراسم جاپان بایست پلوما

سی امنیت سنن هبی بهم می میخت

قرار اظهار یک ما مورسابقه در جاپان مراسم تدفین امپراتور، از نگاه دبلوماسی، به مقایسه با بازهای اولمپیا ۱۹۶۴ و کنفرانس عالی اقتصادی ۱۹۸۶ در توکیو، شخصیت های برجسته (VIP) زیادی را در برهم آورد. بود هزاران ژورنالیست مطبوعاتی و تلویزیونی در شهر سرازیر گردیدند. اگرچه مواظبت و تغذی این همه مهمانان کار ساد موهلی نبود، در هلهوی آن حکومت صدراعظم جاپان بایست آنانرا از حملات تروریستی معشون نگه میداشت و مراتب معمول تشریفات بین المللی را با مراسم سنن شنتو منساخت. در حالیکه همه اینها خود را به بهترین وجهی در ذهنیت عام داخلی تبارز میدادند.

در واقعیت امر، توجه از متونی به مهماندار، یعنی خود جاپان، معطوف گردیده بود. هیرو-هیتوکه تاریخ ۷ جنوری درگذشت، مگر جسد وی معرولاکند در بین چند تابوت چوبی سلسلسل، با یک شمشر تشریفات برسران - به منظور اجرای یک سلسله مراسم پیش از مراسم اصلی در کاخ امپراتوری نگهداشته شد. با وصف پیشینی ها، که مرگ امپراتور احساسات ملی و انتحارهای سنتسی هب گریبان دست راستی را برخواهد انگیزخت.

مردم جاپان بر سازمانتداری رسمی در روزه به زندگی عادی شان برداختند حتی چین غزا در آری بعضیها احساس مینمودند که با درگذشت امپراتور آخرین نشانه بیوندشان با جگه جهانی دم، با رسمولیت ازد و شرفشان برداشته شده است. مراسم تدفین میرفت که مصیبت های هنرمیت و انشال پیراز جنگ را به دست تاریخ بیسار. ازان نگاه، بعضی ها آنرا بحیث تجلیل تبارز جاپان بمثابه نخستین بر قدرت غیر نظامی جهان تلقی میکردند. به همین علت حتی کشورهایی که در جنگ جهانی دم از تحسار و ز جاپان آسیب دیده بودند، مانند چین و کوریا، ی جنوبی، به اعزاز ما موران عالیرتبه شان برداشته بودند، که در آنجا هنوز احساسات غمگد

جاپانی ناشی از بد رفتاری با اسرای جنگی باج خود باقی است، به اعزاز شهزاده فلیپ بسنده کرد. اتحاد شوروی، با وصف وجود اختلاف نظر هساروی تلتک جزایر شمال جاپان، انا تولی کولیا توف، معاون رئیس جمهور را گسیل داشت.

مینی برگشته های خانسی، که در جوار پارک تعیین شده برای برگزاری مراسم تدفین به سسر میبرد، مقامات امنیتی جاپان، به منظور جلوگیری از ورود تروریست های افراطی، اعضای ارتش سرخ مخالف سیستم امپراتوری، و مواد انفجاری سه توکیو، ۲۲۰۰۰ پولیس شد تروریستی را بسج نمود. بود تا به تلاسی مسوئرها و اموال تجارتی زمینسی و هوایی در نقاط مختلف مرکز و همیه شهر ببرد از سندن. موضوع پارسی که در تنظیم مراسم در نظر گرفته شده بود آشتی دادن در نقش متضاد امپراتور بود: نقش سنتی پیشوایی مذ هب شنتو و نقش ریبر دولت فیریند هبی، باین معنی که تاجه حدی در مراسم مذ هب و تاجه حدی تشریفات دولتی مراعات میگردد چه ماده ۲۰ قانون اساسی جاپان مشعر است که هیچ سازمان مذ هبی نه از امتیازات دولتی ونه از صلاحیت سیاسی بهره مند شده میتواند. دست راستی های شنتو قاندا داشتند که مراسم باید کاملاً مذ هبی باشند و استدلال شان روی این واقعیت استوار بود که مراسم تدفین سران تمام کشور و جارا چوب سنن مذ هب شخصی ویا فامیلی شان صورت میگردد. برای رسیدن به یک تفاهم از عناصر مذ هبی مراسم تاحد زیادی کاهش بعمل آمد و لوکه بحدی نبود که موجبات تقاعد حزب کمونسنت جاپان را، که قصد تحریم شرکت در مراسم را داشت، فراهم سازد.



بعضی از مهمانان خارجی، مخصوصاً وقتی که هوا سرد باشد، حسرت تحریم کننده گان مراسم را میخوردند. بارک شنجو کوکون، که باشکوه های گیلان خود شعرت دارد، به نسبت آماده سازی برای مراسم تدفین، بروی مردم مسند و بود در آنجا یک سالون مراسم، که دارای پت دروازه چوبی سه ارتفاع ده فت بود، ساخته شده بود. در مراسم مذ هبی سه ساله امپراتور نقش مهماندارو - رهبران مذ هبی شنتو نقش بر گزار کننده رسمی مراسم را ایفا نمودند. در پایان مراسم مذ هبی بیانییه های از طرف صدراعظم و دیگر ما موران جاپانی - ایزاد گردید و بند عوین در برابر تابوت ادای احترام نمودند و سپس تابوت به گورستان واقع در تبه های نرین توکیو نقل داده شد.

از آنجاییکه هوای فیروری توکیو سرد بود حکومت جاپان تاحد ممکن در وقت مراسم کاهش بعمل آورد. تا مهمانان خارجی را هوای سرد آن پت نمایسد. البته صرف سمعی و معارف زیاد وقتی رضایت بخش تلقی میشود که خوشی خاطر مهمان را فراهم ساخته بتواند. د پلوما سنن زیگانه غالب اوقات سیمسی حکومت و ریبر مشکلات جاپان را در خارج کشور بهتر جلوه داده است و حکومت موجوده جاپان نیز به چنین امری احساس نیازمندی من نمود. به این نسبت صدراعظم جاپان تاحاییکه ممکن بود شخصاً از مهمانان رسیده گئی نمود، اما نظریه کی وقت و تعداد زیاد مهمانان عالی مقام او ده دقیقه وقت را برای هر عیانت تخصیص داده بود، امپراتور جدید و خاتمش از روسای جمهور و شاهان شخصاً رسید گئی نمودند و یاز پیران ملاقات گروین بعمل آوردند.

زخم معده یک مریضی

نوشته دکتر کورون الله روحیان
مکروبیست
کشف مکروب کامیابلو بکتیر پیلوسور (Compylobacter pylori)
در سال ۱۹۸۲ تغییر فاحش را در طرز شکبیر و اسباب گستریت های مزمن و فرحات خمساز هضمی بوجود آورد. تقریباً ۱۰ فیصد مرخصان قرحه اثنا عشری ۷۰ فیصد فرحات معده، مکروب پیلوری را در معده شان حمل نموده و محوهمین ارگانیم از وجود باعت صحت و ترمم گستریت ها و فرحات میگردد.

سابق تفکر در مورد اسباب فرحات یاز خم معده اکثراً به اساس تغییر توازن بین ترشح اسید معده و مقاومت میکروبی جدار معده فکسر میشد که تدای هم به همین اساس بیان میشد ولی در این اواخر فلان بالایی فکتور های که باعث تنزیل مقاومت جدار معده میگردد، تدفین نموده یک علت معده همین مکروب پیلوری را در یافتند که مکروب یک قدرت خاصی در تغییر محیط معده و محافظه موضعی معده و میکروبی آن را داشته و مکروب در جدار معده توسل نموده و باعث نابودی قشر محافظی میکروبی معده میگردد. اکثراً ۲۰ فیصد انسانها در یک وقت، صاحب این مکروب میباشند. و افرادی که این مکروب را دارند ۲۰ مراتبه امانه تراز مرخصان نورمال خطر تشکیل فرحات را دارند، هر انسان ممکن در طول زندگی ۱-۲ بار به این مکروب صاحب گردند و نسبت به سندن بودن مقاومت فردی یا استعمال آنتی بیوتیک که ممکن به هدف دیگری خورده شود، این مکروب از صابین آن نابود میگردد.

در سابق گستریت ها و فرحات را مرتبط به قلوی اثنا عشری - تشوش روحی، سکر و مسواد مخزش مثل الکول، مرچ، غذای تند، اسپرین ویا خانوادہ آن میساختند. ولی این مسواد فقط میتواند یک سرخی و تخریش و معضات تخریب جدار معده را تولید کند ولی نمیتواند باعث التهاب مزمن گردند ولی در صورتیکه قرحه موجود باشد باعث تشدد آن میگردد.

مکروب پیلوری یک مکروب گرم منفی شکل S مانده که یگانه مکرین است که میتواند در جدار معده، کولونی های تشکیل داده و خود را از اسید معده توسط یک قشر پیلو از با کار بزیست و میوکشن محافظه کند. و اکثر این مکروب در رواجی که باعث ترشح میکوشن میگردد، تراکم نموده و در ضمن برای محافظه اسید مکروب، یک قدرت خاص فعالیت میتا بولیکی و تولید یوزیا هارکتالیزها را داشته که باعث تولید آمونیم باي کار بزیست از یوزیا میشود که مشابهت با مکروب های نوع سیمیا سیرولایا هاداشته و از همین سبب ممکن این مکروب در ابتدا از حیوانات به انسان انتقال کرده باشد.

برای اولین بار در ۱۹۳۸ Doenges
بقیه در صفحه (۹۰)



موگیشی، صدای جاودانه سده‌ها



ترجمه: علی ائیسر



به‌مینگونه موگیشی درین قام کردن ریکارد از لحاظ کمی آهنگهایش نبود. برای او یک آهنگ ارزشناکی این را وقتی داشت که احساساتش را در آن انعکاس دهد. به‌عین دلیل هم است که وقتی هزار آهنگ به‌جامانده او را در آن‌ها مردم بد آوری می‌گیرند پاسخ مساعد گرفته می‌شود. بسیاری آهنگهایش ملو از روح هنرموسیقی است. گدایان و شراب - نمند آن آهنگهایش بطور همگون حفظ می‌شوند.

موگیشی چاند متور، همانند دیگر کمپوزر موسیقی ((وسانت دیسای)) باورهای بازگشتن و آرد نیای سینما شد ولی نتوانست در بیشتر از چهار فیلم ظاهر شود. شکست او در بازیگر شدن به‌عنوان او از خوانی این نیز تا "تیر منفی" بجا گذاشت. حتی نخستین آهنگ غیر فلیس این را که به اساس یکی از آهنگهای ((بنگ ملک)) سرود چنگی به دلها نزد همانطور که نخستین سه آهنگ فلیس این سرود توجه قرار نگرفت. او تا گریه در یک مکان بدون برداشتن یک کلمه مدتها باقی ماند تا اینکه در ۱۹۴۵ ((کشف)) شد.

عقیده عمومی بر این است که ((انیل بیسواس)) یکی از موسیقی‌دانان برتران مشهور فلیس، برای اینکه از او یک آواز خوان بسازد موگیشی را با سیلی زد. اما خود بیسواس این انسانه را زد کرده میگوید: ((شاید برای هر خواننده تازه کار در عصر موگیشی عشق بوزیدن به آواز سیگل مود بود. من خوبی خرابی داشتم. وقتی موگیشی از ناتوانی این در سرودن آهنگ حزن بامیان آوری تهدید شد که در جلو آرکستر -

لک و کوش خواهم کرد.))
بقیه در صفحه (۷۸)

گفته میشود وقتی شاهان می‌میرند خسوف رخ می‌دهد و طبیعت به عمیان بر می‌خیزد. ولی وقتی شاهان دنیای موسیقی - سیگل، موگیشی و رنیه - مردند چنین چیزهایی واقع نشدند و در عوض نوت‌های ناموزون از سفوتی زندگی بگوش رسید. وقتی موگیشی ((الوداع)) گفت اکثریت مردم ضایعه عظیمی را احساس کرده‌اند زیرا موگیشی صمیمیت خود را به مردم عادی با آمیختن آرزوها و رویاهای آنها در لایه‌های آهنگهایش تبارز داده بود.

به اساس کار ((هرش رهوانشی)) که به‌عنده گرفته است تا تمام آهنگهای موگیشی را در یک کتاب جمع و انتشار دهد، موگیشی در طول ۳۰ سال کار هنری اش مجموعاً هزار آهنگ دارد. یعنی بطور اوسط در هر سال ۲۸ آهنگ سروده است. از نگاه کمیت البته که تعداد قابل ملاحظه نیست، اما کمیت صرف تعداد و ارقام را بیان میکند نه قلم تسخیر شده هنری را.

بطور مثال سیگل در تمام حیات هنری اش صرف دو صد و پنجاه آهنگ سروده ولی اینکه او چه سرود با ارزشتر است تا اینکه به چه تعداد در سرود! سیگل این امتیاز را داشت که آهنگها کمپوزیتورهای را خواند که انعام درین سودجوی نبودند ولی موگیشی در آثارهای عنکبوتی سینمای تجارتن گیسر - مانده بود که بعضاً با وجود عدم تطابق برخی از کمپوزها با صدایش بطور لایه‌ای می‌بایست آنها را می‌سرود، با وجود آنهم غالباً انسان - آوازین آهنگهای بدیعترین عارایی ساخت. طلعت محمود یادداشتن ششم آهنگ شاید در انتخاب کمپوزها سختگیرانه برخورد کرده است.



یک هزار آهنگ در ۳۰ سال کار هنری

ته بی ارتقا کړي تر یوې اندازې ضعیف شوي دي

نه پوهیږم هغه تل انضباط درلود
- الرزکونښ وکړي له ټولې سره جوړ شي هسه
سربازان به روزلي دي او سورشال موهم لیري
کړي (پوه شوي؟)
- هو، ښاغلی جگړن
- او بام کوي چی سربازان د سگرت خوکولوبه وخت
کې احتیاط وکړي کله چی غشی ویشتونکی دغه
د شپې خلیلونکی چینجی وینی چی له یوې خوانه
بلی خوانه یې گوتی یې خاریت کوي
په تیره اونۍ کی پناه کسه سربازان په سروندو
باندي په گولی ولگیدل ، ښه پاملرنه وکړي
پوه شوي؟
- هو ، ښاغلی جگړن
دوم برید من الرزکله چی د ټولې په لوړ روان

لیکونکی : ولکانگ پورشرت
ژباړونکی : ماسون

هره اونۍ یوه سه شنبه
یو کال پنځوس سه شنبی
او جگړه ، پیری سه شنبی لري

د دې سه شنبی په ورځ

په ښوونځی کی بی القاد لویو تورو مشق کاوه
د ښوونکی په سترگو ، پبلی ښیښی لرونکی عینکی
وي . عینکوی جوگا په نه درلود اولنژونه یې هغو
مړه پبل ووچی سترگی یې په سختی لیدل کیدی
دوه څلویښت نجونی د توري تختی و پراندي
ناستی وي اونه غټو تورو لیکل :
(فریتس د خلیب بیاله لري ، د برتای د خندا غمز
تیارسه ورسید ، په جگړه کی ټول پلرونه
سربازان دي .)
اولا (۱۱۱۵) د خپلی ژبی خوکو ، ترسزي
پوري ورسوله ، ښوونکی هغه ووهله . (اولا تا -
جگړه په (گ) لیکلی ، په (گه) لیکل کیسزي .
(گ) لکه گور ، ماخوچوله درته و پیل دي))
ښوونکی یو کتاب راواخیست او د اولا د نوم په
وړاندي یې د چلیبانته کیښوده . (د سبا لیا ر
دغه جمله لس ځله ولیکه (پوه شوي؟)
اولا وویل ((هو)) اوله ځانه سره یې زیاته کړه :
(عینکی یې وگوره .)) د ښوونځی په حویلی کی
کارخانود پوډي لیري غوړول شوي ټوټی خورلی .

د دې سه شنبی په ورځ

دوم برید من اولرز ټولې قوماندان وټاکل شو .
(تاسو باید خپل سورشال لیري کړي ، ښاغلی الرزکله
(پلی ښاغلی جگړن ؟)
(هداس ده چی وی ویل الرزکله په دوم ټولی
کی دغه موضوع په چاښه نه لگزي .))
(ټاکل شوي ده دوم ټولی ته تبدیل شم ؟)
(هو ، او هغوی له دغی موضوع سره ښه نلسري .
ته نه شی کولای له هغوی سره سم ولاړ شوی .
دوم ټولی له انضباط سره عادت کړي . له دغه سره
شال سره په تاسووته منی ، تونن هسه داسی کوم
شی له ځانه سره نه گرځاوه .
(هسه یې شوي ؟)
- نه ، هغه خبر را کړ چی ناروغه شوي دي ، حال
یې ښه نه ، له هغی ورځی نه چی د تونن رښی

بیښلی سورین وویل : ((هو ، هغه کولای شی .))

د دې سه شنبی په ورځ

تونن هسه یې په تسکړه کی له حشراتو سره د
مجادلی کوټی ته وپوړی . د ننوتو د روزي پر سره
یوه تابلو داسی لیکل شوي و : ((که جنرال یسی
که سربازین ، دلته باید خپل وینسته وخری))
د هسه وینسته یې وخرییل . د نرس اوز د پاونر ی
گوتی د غنی لاسواښوته ورته وي .
د بند ونوشاوغوا ی لږ سره ښکاریدله .
هسه ته یې په کم شی باندي چی د درملتون
پوي یې درلود مالش ورکړ . ترس مخپلونی پوله
لاسیو د هسه ښوونپوه او وروسته یې په پوي پبلی
کتابچی کی داسی ولیکل : ((تودوخه ارا ، نبش

د دې سه شنبی په ورځ

۱۱۱۶ یې هونه ، په قوی گمان ، تیغوس)) او
کتابچه یې وتر له ، د کتابچی پر وین لیکل شوي و :
(د سمولنسک د ساري ناروغیو روغتون)) اسه دي
کرنی لاندي : ((یوزرا وڅلورسوه بستري))
موظفینود هسه تسکړه پورته کړه . په زینه کس
سر له پر ستنی څخه د باندي وتلی و اوله یوې خوا
نه پلي خوانه په حرکت کی و . وینسته یې ورته
خرییل و .
د تسکړي یوه وړونکی ریزش کړیو .

د دې سه شنبی په ورځ

میرمن هسه د گاوندې د کورنیکه رواهه . کله چی
د روازه خلاصه شوه ، هسه لیک یې چی په لاسکی و
ونوراوه . میرمن یې تونن شوي و .
په هغه بجای کی د سر ودرجه صفرلاندي څلور
پینتوه اودغه لیک نه ورځی په لاره کی و .
د پاکت بروم لیکل شوي و : ((میرمن تونن هسه ته
دي ورسیزي .))
میرمن هسه لیک جگړ نیولی و څو گاوندې یې هغه
نه لیده .

څلویښتو درجی ساره ، او تر شونډولاندي یې زمزمه
کړه : ((بیچاره سربازان .))

د دې سه شنبی په ورځ

د سمولنسک د ساري ناروغیو د سارای روغتون
رښی د روغتون له سرطیب څخه بوښته وکړه .
(هره ورځ خوکسه)
(پناهغه شپز کسه)
اوربیس وویل : ((نفرت پارونکی ده .))
سرطیب یې په خواب کی وویل : ((هو ، نفرت
پارونکی ده .))
او هڅ یوه دبل سترگوته ونه کتل .

د دې سه شنبی په ورځ

د ((جاد ویر فلوت)) قطعه یې غزلسه ، میرمن
هسه خپلی شونډي سري کړي وي .

د دې سه شنبی په ورځ

نرس الیزابت خپل مور او پلار ته داسی ولیکل :
(د خندا ایله مرستی پرته استقامت نه شی کیدای .)
خوکله چی اسپستان ورتز دي شو ، له خایه پورته
شوه ، اسپستان لکه چی د نر ی دیوې وچی نیسه
برخه یې پرشا پاروي د سالون له منعه په کړ وپسه
ملاتیر شو .

الیزابت له هغه بوښته وکړه : ((هغه ته باید
کم شی ورکړم .))
پاکر خواب ورکړ ((نه)) دغه کلمه یې هومره
ورو ویله چی تابه ویل له خپله ځانه شرمیزي .
اوروسته یې تونن هسه د باندي ولیز داوه ، د پا -
ندي زیات غالمغال اوریدل کیده ، چا وویل : ولسی
مړي په ارامی سره پر ځمکه نه زدي ، هر محل هغوی
له پاسه خوشی کوي او غالمغال جوړ یزي .))
اسپستان له یو بسترنه بل ته یې هره ورځ اوهره
شپه .

اوپر دي ورځی اود شپې په اوز د وکی ، لکه د هغه
چا غوندي چی د روند باری بر اوږ وي ، کس و پ
د سالون له منعه تیرید .
د باندي ، دوه کسه چی تشه تسکړه یې وړ لسه
سره خپي را ولیدل ، یوه یې وویل : ((څلورم
نمبر ریزش کړیو .))

د دې سه شنبی په ورځ

د شپې ، اولا په خپله کتابچه کی په غټو تورو -
داسی لیکل :
(په جگړه کی پلرونه سربازان دي .
په جگړه کی ټول پلرونه سربازان دي .))
اولا دغه جمله په غټو تورو لس ځله ولیکله ، او جگړه
یې په (گ) لکه گور .

صاحبزادگان

لیلا، لیلا تو روزی است خدا یاد دنیا کو روزی است



نعیم پوپل چگونه مجبور شد وطن را ترک گوید



زنده گان را در یوتلوزین از طرف شما ازین غذا محروم اند علت چیست؟

— شما واقعتاً را گفتید من صرف در عروسی ها و محافل خوشی دوستان میروم و من

— در راد یوتلوزین چرا؟

— این چرا را باید از خود اینها بپرسید، از بد بريت موسیقی راد یوتلوزین که زنده باشند در روزه های مایوسی را بروی من کشود اند. همین حالام در حد و د (۵) پارچه برای بهار تعبیه دیده ام. انراد در طلوع سوزنیک ثبت میگردم بعد از از زبانی اگر خدا بخواید که بد برفته شود انرا لبسنگ خواهم کرد.

— خوب نفهمید من کلام را از موسیقی آغازیدم ولی شما ما بوس گله و شکوه به خورد من داد پس بد یعنی چه؟ بیایید از سالهای دور صحبت کنیم از سال ۹۶ که همکاری تانرا باراد یوتلوزین کردید از همان اهنگ نخست او از تان برای اکثریت بد بزند بود و است. پس بیایید در قدم اول از سرینش های هنری تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— شما حتماً استعدادی برای آواز خواندن داشتید ولی ایانزد کسی زانوی شاکردی هم زدید یا مشکل تعدادی از آواز خوانان ما گل خود رو بودید.

— من اساساً آواز خوانی را نزد برادرم نعیم پوپل امختم.

— میشود چند اهنگ او را نام ببرید.

— اهنگ: لیلا لیلا نوروز است خدا یاد دنیا کو روزی است

همچنان اهنگ: قدح را سرگرم شب را سرگرم. از اهنگهاییست که در انوقت ها زیاد سزبانها افتاده بود.

— ای این اهنگ ها از مرحوم احمد ظاهر نیست؟

— اول نعیم پوپل انرا خواند. بعد مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه او را در کست خوانده است.

— اولین اهنگ من: نگاهت راز من برگیر و بگذر.

— در انوقت چند سال داشتید؟

— در حدود ۱۹ سال داشتم.

— برای چه کسی انرا خوانده بودید؟

— از شعران خوشم آمده بود.

— گویند که تان که واقعتاً فقط همین بود.

— انرا برای کسی که فعلاً شریک زنده گی من است خوانده بودم.

— ایاد راول هاهم از طرف راد یوتلوزین مشکلات داشتید؟

— بلی. اولین اهنگ راد یوتلوزین با بسیار مشکلات ثبت کردم.

— در مجموع چند پارچه اهنگ در تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— با آواز مقبولی که در ان ۷ پارچه خیلی کر نیست؟

— چه باید کرد کسی به راد یوتلوزین راه نمیدهد.

— علت انرا میدانید؟

— بلی میدانم. انانیکه از زبانی اهنگ ها را به عهده دارند نمیتوان خواست شانرا بر آورده بسازم.

— اقتصاد من خیلی خراب است.

— فقط همین علت است؟

— یک گپ دیگر هم است من نکایی بقمه در صفحه (۸۵)

گروه خودش قرار دارد. ازین هنر مند موفق در حدود (۱۵) - پارچه اهنگ در ارشیف راد یوتلوزین موجود است.

— از اهنگهای خیلی به نام او که در انوقت ها زیاد سزبانها بود اهنگ لیلا، لیلا نوروز است و اهنگ (قدح را سرگرم شب را سرگرم) میباشند که بعداً مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه انرا در کست خوانده است.

... و این همه راولی پوپل برام قصه میکند.

ولی پوپل آواز خوان خوش صدا را که سالهاست بروی پرده تلوزین بین زنده گیام در یکی از عروسی ها بالا میسوزم بینم. او میخورد اند ((نگاهت راز من برگیر و بگذر)) که دیگر تاب دیدارت زدم ام ۱۱۰ این اهنگ را چنان با احساس میخواند که با کف زدهای مستند استقبال میکردم. مگره او را درین جا غیر مترقبه بیدار کرده ام از او دعوت میباشم تا به دفتر مجله بیاید که به قولش می ایستد و می آید.

شماره مشکل بیدار کردیم چرا انراد یوتلوزین میگزینیم؟

علاقه مندان آواز تان چی دارند؟ میگویند موسیقی غذای روح و زبان و احساسات است ولی تا جایی که دیده میشود بیننده گان و شنو-

وقتی میخواند آدم احساس می کرد صدایش چون رودی در رگ های جان جاری میشود.

وقتی او میخواند فضا بسوی گلبرگهای شسته شده میداد.

وقتی میخواند تو میگفتی گلهامی کشد و شاخه های خشک درختان شگفته میزند.

در بریت که آواز خوش نعیم پوپل آواز خوان جوان و خوشوش صداشنیده نمیشود زیرا که او در کشورد یوتلوزین مردم دیگر میخوانند.

نعیم (پوپل) در سال ۸۴ جبراً روی یک سلسله مسایل و قضا یا مجبوری ترک کشور کردید و قضیه ازین قرار است:

دختری که به یکی از خانواده های بانام انوقت منصوب بود به نعیم پوپل چنان دل باخت که وقتی متوجه عشق یک طرفه خویش گردید دست به خودکشی زد ولی نجاتش دادند. خانوادها دختر تصمیم گرفت تا بخاطر نجات دختر شان از انشی که تنها خودش در ان میسوزد نعیم پوپل را مجبور

ولی پوپل درباره برادرش سخن میگوید

زاکا کال وولک د ژرما راکا کال یوپی

کی نقل زره نازره وی یو آزی
د خیل احساس سره سم پرمخ
بسی د خیل مراد د لاسسته
راور لود باره توله مخکه رانسکر
زوی د مار به کال زیزید لسی
هک تغار شعوت پرست او
خورا حساس وی اوزیزید لی نجل
بناسته وی به عابانیا نوکی
د بناسته ستاین د باره مار
فوندي بناسته اصطلاح وسیل
کیزی .

نیکمرغه به وی که د مار به
کال زیزید لی د گامینی اوچرگی
به کال زیزید لوسره واده وکړي
خود بیژود کال سره به طالعمنند
نه وی د پراگ اووحنی خوگ
د کلو سره به بد مرغه وی .

به یو زیم کی مارک نیسه
موجود به توگه گیل کیزی د مار
رانو پاچا (موچالیندا) بوداد
سیل به وخت کی وژغوري مار
خوپی ترهغه وخته پوری ساتل
کیدي ترخود فیلسوف نگارچون
د نظر له مخی انسانان د مار
د پوهی سطحی ته ورسیدل .
همدارنگه به بودایم کی مارک
تهر چرگ د شعوت او خوگ د
جهل سمبول دی .

د منحنی آسیا منحنی خلک په
دی عقیده دی چی د مار به
کال زیزید لی نارینه که د سړی
اومیزی به کال زیزید لی نجل
سره واده وکړي د هغه
اولاد ونه به نامتوانان داره خلک
وی د مار به کال زیزید لی نجل
که د چرگی اوتوپه کال زیزید لی
هک سره واده وکړي دوی به
نجونی زیزوی .

د منکولیا اومنجوریا خلک عقیده
لري : (د مار به کال زیزید لسی
یو معتدل اوزره سواند مانسان
دی همدارنگه دی به منطقی
تیز فهم او برخله خبره ولاړ سړی
وی خو عیب به یی دشرویاتو
خینل وی د زره مغلواو نوری
اوز دی ناروی به ولری د د
د باره لازم نه دی چی دخیل
ریس (وظیفوی) سره جنجال
وکړي به لومړی سرکی به رنغ
یو سی اووروسته به له منحنه
ولاړ شی .)

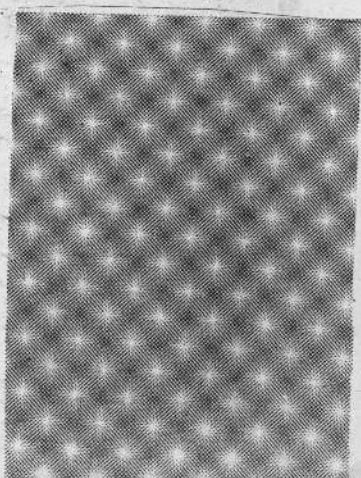
د تبت د شپيته کلنی کلیزی
بیل د جینی کلیزی له بیل سره
سمون نه لري به تبتکی دا
دوره د سوي د کال خخه بیل
کیزی به پداسی حال کی چی به
جین کی د موزک د کال خخه
بیل کیزی د دوی ترمنخ توپیر
به د روکلوکی دی به دی خاطر
اوسنی شپيته کلنه دوره به جین
کی به ۱۹۸۴ کال اوپه تبت کی به
۱۹۸۷ کال کی بیل شوه .
د ۱۹۸۹ کال د فبروري د
شپزیم نیتی به شیه نوي کال
یعنی د زره مار کال بیل شو .
(چی ۱۲۶۸ هـ ش کال هم به
همدی نامه یاد یزی) د طبیعی
عنا صرو د دی رنگ سره
مخک سمون لري کال مونث
(نرم) بلل کیزی د خختیو
خلکو په روایت به دی کال کی
ژوري او بد مرضی بیسی سختی
نیستی تزلزل اوماته نه بیسیزی
د منحنی اوختیعی آسیا په خلکو
کی د مار خخه مختلف تعبیرونه
شته جابانیا ن عقیده لري :

(مار د حکمت فرامست اوارا دی
خو راطالع مند دی .
هرخه ته بخان رسولی شی مار
متکبر او مغروردی .
خو ظرف اغو
سته شوی دی .
مار خورا خسرود
خواه او موزی دی .
خود علاقی
به صورت کی مرستی ته هم دانگی
کله هم داسی ساته کوی چی به
مشکله خوگ بخان حنی خلاصولی
شی .
مار د نوروه نظریو و فیصلو

د هر عنصر د باره یوزنگ یعنی
سورد اور ژر د مخکی سپین د
اوسینی تور د اوبواوشین د در
ختی د باره مشخص شوی دی
کلونه به مذکر (کلک) اومونث
(نرم) ټول هم ویش شوی دی .
د موزک پراگ نهنگه آس
بیژواو سینی کلونه مذکر (کلک)
اود گامینی سوي مار میزی
چرگه اوخوک کلونه مونث (نرم)
بلل شوی دی .
لویه یا شپيته کلنه دوره به
ختیعه اومنحنی آسیا کی لخورا
پخواخخه د تاریخ به مختلفوزمانو
کی منل شوی ده .
د انگیزه به
چین کی ترمیلاد مخکی به د وده
پیری به جابان کی به د میلاد
به خلورمه پیری به مغولستان کی
د میلاد به خواریسمه پیری ۱۰ و
به تبت کی به ۲۷ ام کال کی منل
شوی ده .

مور	نر	۱ شین	۱۳ سور	۲۵ ژر	۲۷ سپین	۲۹ تور
کوهسینه	بنیخه	۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر	۲۸ سپین	۳۰ تور
پراگ	نر	۳ سور	۱۵ ژر	۱۷ سپین	۱۹ تور	۲۱ شین
سور	بنیخه	۴ سور	۱۶ ژر	۱۸ سپین	۲۰ تور	۲۲ شین
نهنگه	نر	۵ ژر	۱۷ سپین	۱۹ تور	۲۱ شین	۲۳ سور
مار	بنیخه	۶ ژر	۱۸ سپین	۲۰ تور	۲۲ شین	۲۴ سور
آس	نر	۷ سپین	۱۹ تور	۲۱ شین	۲۳ سور	۲۵ ژر
میزی	بنیخه	۸ سپین	۲۰ تور	۲۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر
لیژو	نر	۹ تور	۲۱ شین	۲۳ سور	۲۵ ژر	۲۷ سپین
چرگه	بنیخه	۱۰ تور	۲۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر	۲۸ سپین
لیپی	نر	۱۱ شین	۲۳ سور	۲۵ ژر	۲۷ سپین	۲۹ تور
خوگ	بنیخه	۱۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر	۲۸ سپین	۳۰ تور

همدارنگه کال میاشت ور
بسی او ساعتونه هم دخارویوه
نامه یاد یولی لکه د (بصفرتر
۲ بجو) د موزک ساعتونه
(۲-۴ بجو) د گامینی
(۴-۶ بجو) د پراگ له
(۶-۸ بجو) د سوي اوهدا
زاز تراخره پوری یاد یولی
لویه کلیزه
بنخه کوچنی د وولس کلنی
د وری یوه لویه شپيته کلنه دوره
چو وی به دی دوره کی یو
خاروی بنخه واره به تکرار یاد
یزی خوه هر وار کی یوزنگ د
هر خاروی د باره مشخص شوی
دی د ارنکونه د پنخه طبیعی
عنصر یعنی درخته اور مخکسه
اوسپنه او اوبوخخه اخیسته
شوی دی د اوشیره لاند نیس
جدول کی به واضح ټول خر
گند یزی :



نامه یاد یزی به دی ټول :
۱- موزک ۲- گامینه ۳- پرا
نگ ۴- سوي ۵- نهنگه ۶- مار
۷- آس ۸- میزه ۹- بیژو
۱۰- چرگه ۱۱- سینی ۱۲- خوگه
نوي کال به د جنوري د دیار
لسمی خخه د فبروري ترخلو رو
پشتمی پوری (د جدید رویشتمس
خخه د حوت ترخلوروم پوری)
بیل کیدی تل د سپوزم بنه
لومړی وړخ نامانعل کیدی .
منکولیا کی ژری وپونکی خلک نوي
کال (سگان سر) یعنی سپینه
میاشت بولی نوي کال به نیمه
شپيه نه نامانعی بلکه د نوي کال
به لومړی وړخ د سهار سپید وته یی
نامانعی اوبه دی سهار دی یوی
سینی خلک د یویل کورته مس د
نوي کال مبارکی وایی اوسوماتو
ویش د اعادت تراوسه پوری
به منحنی آسیا کی پاته دی به
به میلمستیکی د فونواوشید و
خخه نیار سوي خواری به دستر
خوان اینول کیزی سپین
خوار به سپینه میاشت لومړ
حکمت د رلود او خلک به دی
ارمان وه چی داخوار به
نوي کال د رومو به زیانید وکی
انیزه لري او د پوی خور لوسو
به وخت کی یویل ته دخارویو د
بجیانو د زیزید وولو هیلیس
خرگند ولی اوبه مغولستان
کی اوس هم د نوي کال لومړی
وړخ دخارویو دورمی به نامه
یاد ییزی .

نه نگاری د دی برخای چی
د اقمری شمسی وپولو بنه به
وی چی قمری شمسی
مشتري زحل کلیزه یی وپولو
بخرکه د انگیزه د لمر سپوزم
مشتري زحل اومخکی د حرکتو
خخه ترتیب شوی ده د ادرکه
هم د وولس کلنه بلل شوی چی
د لمر به تاوخواپاندي د مخکی
د حرکت خخه تصحیح شوی او
توگه ۱۱۶۸۶ کلنه دوره بولی
د اوزره د لمر به تاوخواپاندي د
مشتري حرکت دی .
تراوسه پوری د دی کلیزی د
بید اکید وپای چاته بحرگند نه
دی البته به آسیا کی دی خو
به ختیعه یا منحنی برخه کی د
خرگند نه ده د پوی خوانجو
می شمیرنه د منحنی آسیا کوچنی
کلتور خخه لیری بریسی اوبه قوی
احتمال د چین د خوزون نجوسی
تاریخ لاسرته راپرته بلل کیزی
د بلی خواد کلیزی ټول خاروی به
لز استتا (بیژواوچرگه) به
منحنی آسیا کی ژوند کوی اونهنگ
خوبه مرعای کی ژوند کولای شی
بخرکه نوحمل به سل کی دیوه روایت
تا بید گران گاردی خو بیاهم به
اهتمام سره وپای شوی د دی کلیزی
چوړونکی مخرایی کوچیان دی چی
د منکر کوچی مد نیت خوانسدا ن
وړه خرنگه چی مخکی مورویل دوی
کلیزی دی کوچنی کلیزه د وولس
کاله ده هر کال د یو خاروی به

د هر نوي کال به راتلو سره
ټول خلک د نوپیدیدو البته
نیکمرغه پیدیدو ته پیر به تمه وی
اوهر یو د خیل قیاس سره سم
راتلونکی اټکلونه وړاندی کوی
د ابحوانی آسیا عادت به
اروپا کی اوس د کلتور او کچر جیز
گرخیدلی دی خو پوهیزی
چی راتلونکی کال د کم خاروی به
نامه یاد یزی اوهغه ټول کالی
ارمانگونه واغوندي اود کال
به لومړی وړخ یا شپيه یو بناسته
نوبت بنکاره کړی به عانگري
توگه بنخنی د دی پوینتی سره
پیره علاقه خرگند وی اود نسر
زره غواری چی د نوي کال نم
د هغه خصوصیات اوتقریسی
اټکل شوی راتلونکی خان تصعلیم
کسری
د کلونود اوشیره ختیعه
عنینه ده چی د یو خخه د
کلیزی به ټول د کال د عدد د سر
خنکه دخاروی نم هم لیکل کیدی
د اوشردوی دوری لری لومړی
بی د وولس کلنه اود وده یی
شپيته کلنه دوره ده کله یی
پوهان د کوچینی اولوی دوری به
نامه هم بولی د وولس کلنه کلیز
د نورولس هاوولکیزوه برتلسه
د ویره معموله کلیزه نه ده به
یقینی ټول د انگیزه د ویر
حقیقی نه ده لکه یوه نجوس
اولکلتوری کلیزه چی ده به
علمی ادبیاتوکی بی کله قسری
کلیزه هم بولی خود ایقینی

د ننی آسیا و نرغاد محلی خخه
د شیر شاه رشاد ژباړه



مرزهای دانش

آزون دفاع میخواید

ترجمه از فریدون

آزون مدتها در ساحه پاييس سراسر (توسفيو جزمين) در ارتفاع ۲۰-۳۰ كيلومتر سطح زمين - منتشر است، هرگاه آن از ديگر تركيبات اتموسفر جدا ساخته شود قشری با ضخامت ۳ ميلي متر را تشكيل خواهد داد، در حالیکه ضخامت مجموعی هوای ترمال به ۸ قيرها ۸ كيلومتر میرسد، آزون - راديو اکتیف ماورای بنفش خورشید را جذب نموده، مانع ضرر به پلوتونکی - بالی سطح زمين و مانع تغییرات حرارت در اتموسفر میگردد.

آزون پس از جذب شعشعات ماورای بنفش خورشید کسب حرارت نموده و سپس آنرا در هوای محیط پخش و انتقال خواهد داد. آزون با جذب شعشعات گرم سطح زمين بر اقليم اثر افکند و درجه حرارت آنرا کمتری میکند. از جمله دشمنان عمده آن فنون - روت و محیط بحرکات مشترک کاربن و فلور و کلور میباشد. از ۶۰ سال است که در میخان ها و کولرهايشکل مانع مورد استفاده قرار میگیرد. این ماده زهر آگین نبوده، تو فوران کم میباشد. در ارتفاعیکه انتقال میکند کاربن را آزاد می نماید، یک اتم - کاربن میتواند ۱۰۰۰۰۰ اتم آزون را تخریب کند.

برعکس فنون کاربان همان که کساید ازوت و دیگر موادیکه تعداد آنها به قيرها ۳۰۰ میرسد، قشر آزون را تخریب می نمایند.

برای ازدياد معلومات خوانندگان محترم نظر گفتگوی خبر - بیده در صفحه (۷۵)

آیاتصادم زمين با کدام ستاره ممکن است؟

فنا این دنیای انتهائی اطراف ما، که بانجم و کواکب مریخ گردیده، نمایشگاهی را مانند دران هزاران هزار کواکب سیاره پرتوفاشانی می کنند. زمین که مراتب این اجسام جویانگرمات در نظام شمسی است چندین بار از تصادم حتی سیارات دیگر که در مدار خود و اطراف آنها دور میمانند، نجات یافته است.

چه مشاهده خواهیم کرد - اگر یکی از ستاره های جدار زمین تصادم نماید؟ علماء اظهار می دارند این کار در فاصله زمانی پنجماه و هفت سال بعد امکان دارد. بنا بر این در نزد و خلقت این امکان به میسر میسازد.



تحقیقات علمی - رتورن وسطی این رایبشکس میکند که آیا امکان دارد تا دم یک سیاره با سیاره دیگر سبب انفجار گردد؟ ۱۰۰۰ علی الرغم اینکه نظریه بالا تکمله جوانب وسیع موزع در میان علمای قرون وسطی نمود ولی عده زیادی علمای آن صریحاً آنهم ضمنی تسمیر این احتمال میکنند.

علمای نجوم اشاره میکنند اگر ستاره - دیرمز با زمین تصادم کرد درین صورت حرارت به طاقست ۱۰۰۰۰۰۰ میگاتن مواد منفجره بوجود می آید، سیاره عالم که ما آنرا می شناسیم تغییر میماند. زمین با بحرانات شدید از وی، امواج غبار و خرابی، مواجه میگردد. این گونه تصادم ولو گردراب یا خشک به وقوع می پیوست تا شیرات ن سالها سال در هوا باقی میماند.

علمای امروزی نجوم به نظریه فوق الذکر با آنکه از جمله روایات و خیال علمی شمرده میشود، باور دارند هر آن آغازه میکنند: حدود شصت و پنج بلون سال قبل کواکب ضخیم دارای قطرش الی ده میل در اطراف زمین توسط قوه هولناک بقیه در صفحه (۷۴)

در جستجوی نقطه مرگ و طول عمر

طبایط سوزن، یکی از شاخه های سنتی ولی مهم طبایط خاور دور، در کشورهای کم رشد و فقیر از نگاه کاهش مبارک ارزنده تلقی شده می تواند اینگونه طبایط باید در کنار طبایط عمومی مورد بهره گیری قرار گیرد. برای نشان دادن ارزش آن مقاله زیرین ترجمه و تقدیم میگردد.

از چه شکایت دارید؟ بدین ترتیب پرسش اکثر آغاز می یابد. - ارچه؟ از همه چیز. سن درد میکند، خواب ندان، اشتها ندان، یابسی از حد معین غذا میخورم، تکالیف عصبی دام، بابت عالم اندیشه ها و تعاسیم به خواب میزنم ولی فردا باکس خالی از خواب بیدار میشوم. قهوه میبینم تا خود را تسکین دهم، از دواهای مسکن استفاده می کنم، معده ام کس میشود، استفراغ دام و... در بیمارستان را بالا نهانگا

با وجود ائینان به محبت مندی - ام همه این تکالیف را دان. در اخیر بیماری به داکتر میگردید که بازنگی سازش نمی تواند. داکتر هرنگ میداند که امروز تقریباً همه کس به همچو تکالیف سرد چاراست. - پس شما را از نقطه زندگی تان، که در نایف - فغیت دارد، تدابیر میگیرم. داکتر بابت بیچکاری ظرفیت در ارای سوزن موماندنی به ناف مریخ نزدیک تر میگردد، جاییکه تقریباً همه از دست زدن به آن به تقشایمی آید، درین اثنا داکتر در حالیکه سوزن بیچکاری را داخل ناف میسازد، بسوای انگیزن احساس لذت بخشی میشود، استفراغ دام و... در بیمارستان را بالا نهانگا

پیرین چوپیره جیره موفق

یکی از غریبانه گان بر فدرت سینمای هند که نه تنها با آفرینش نقشهای درخشان در فیلمها و در هشتاد و نه سالگی (مردانگی) زندگی میسازد، بلکه از دگرگشتن از زندگی و بر روی آوردن به بازیگری در دهه هفتاد میلادی است. او از جمله دست اندرکاران سینمای هند است. با وجودیکه به بازیگری در دهه هفتاد میلادی برگشتن از زندگی و بر روی آوردن به بازیگری در دهه هفتاد میلادی است. با وجودیکه به بازیگری در دهه هفتاد میلادی برگشتن از زندگی و بر روی آوردن به بازیگری در دهه هفتاد میلادی است.

مرد خشن با سحرین تیکو



اوزنده گی را دوست دارد - شت و برای حقیقت وانعکاس از واقعیت ها در کرکترهای خشن نومیرت و عاطفه وانسان دوستی را با تمام جسارت در قید تمثیل آرایه میداد. این ستاره سینمای امریکا یک نام شناخته (جان واین) که نام اصلی آن ماریون میخاییل مورسین کبتاریخ ۲۶ می ۱۹۰۲ از پدر مهاجر اسکاتلندی و مادر ایرلندی است در ونیترسا (ایوا) امریکا متولد شد، می باشد.

(جان واین) در ابتدا اعلا - نمند بود تا آنسر نوای هوایی و - چندی در مکتب دریا نوردی - تدریس دید و پس از آن به کارهای متنوع بار زندگی را بدوش کشید.

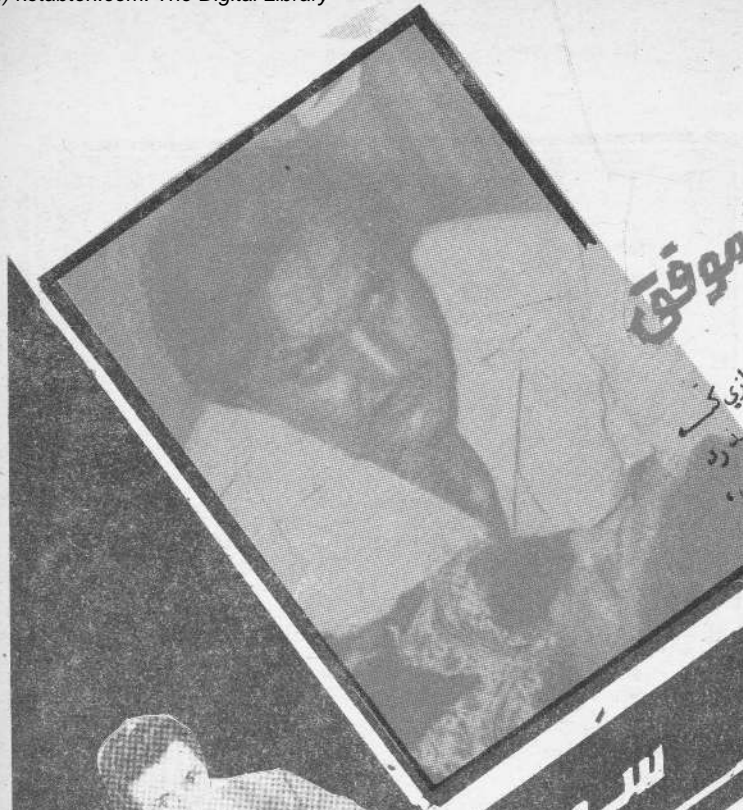
در سال ۱۹۲۸ جان واین به استدیو نوکس در شهر لانس - انجلس مراجعه کرده و در آن جا

در کارهای صحنه سازی فلم ها آموزش دید و به امورتیه فلم اشتغال پیدا کرد.

نخستین چانس خود را در فلم (خط بزرگ) ((بیک تریل)) به دست آورد، پس از آن نزد یک ده سال در فلم های ارزان قیمت وسترن (کاوبای) نقش های را ایفا کرده و بزرگترین چانس طلایی آب در سال ۱۹۳۹ به فلم جالب کاوبای بنام ستیگ کوچ (وضع گادی چهار اسب) می باشد.

در سال ۱۹۶۹ به گرفتن نقش کاوبای در فلم ((مارشال)) جایزه اسکار را بدست آورد. درخشندگی او در چنین نقش ها برای - سالیان متعادی در زمره ستاره های ممتاز سینمای امریکا، او را از دیگر هنر بیشه گان متمایز می گرداند، به تایید این گفته هفده فلم اوسالهای زیبا دی بهترین ارقام احصایوی تماشاگران سینما را بخود منحصر - ساخت. پس از آنکه جلو تر شد به رشته کارگردانی و تولید فلم پرداخت ولی درین زمینه موفقیت چشمگیر بوجود نیارود.

بقیه در صفحه (۹۱)



سید خاموش شد

و چنان رفته بود که سینما گری برای همیشه چشم از جهان سینما و سینماگری برینده و آفرینشگری جاودانه دست از قلمزنی برگیرد. آن که میخواست از سناریو های نوشته اش فلم و سریالی و نمایشنامه ها از ستر سپید کاغذ به پرده سپید سینما صفحه تلویزیون - صحن ستیز راه یابد و جلو آخرین گردد. ولی دریح که دست بمسرد مرگ آرزو هایش را به انجام و کرختی کشانید بقیه در صفحه (۹۰)

نقش جدید من

امین رحیمی صحبت می کند



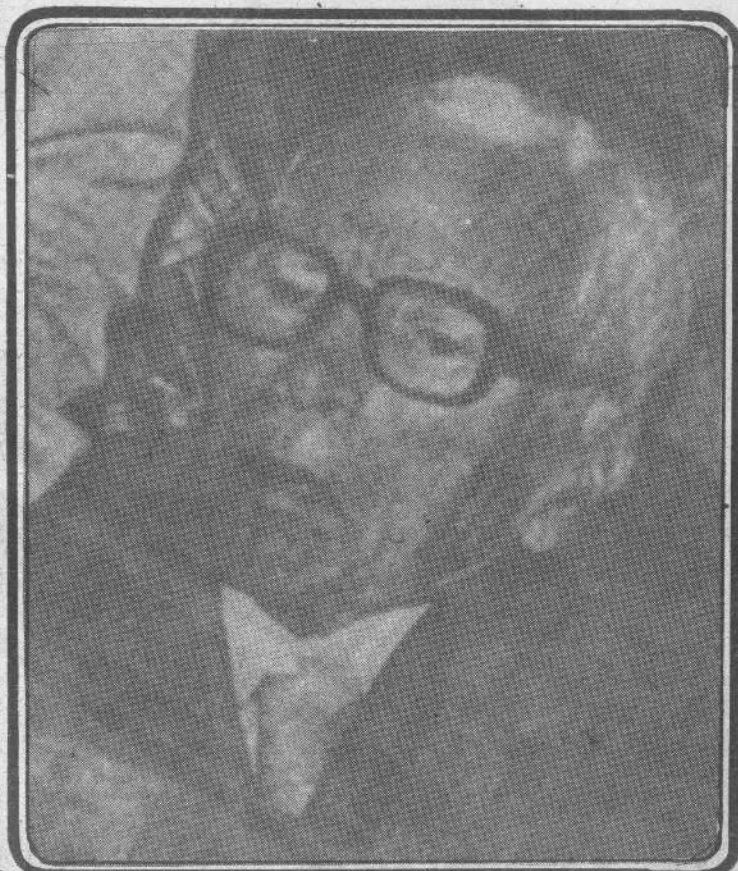
نقش جدید من در فلم هنری رنگه ۳۵ میلی متری بنام سفر می باشد که سناریست و کارگردان آن محترم سعید ورکری می باشد. بقیه در صفحه ۹۳

آره ها



تفصیلات

قافیه و قیافه کوچک درسیمای یک مرد بزرگ.



چهارلی در صد سالگی

استعداد و شهرت افسانوی
چهارلی در سراسر جهان
معرفی است

شخصیت خالص که در زمان
حیات خود به شهرت و محبوبیت -
افسانه بین میرسند بسیاری انگشت
شماراند ، بخوبی کسانی چون
چارلی چاپلین که برای مدت زمان
شواری محبوبیتی پایان ناپذیر در
میان مردم جهان داشته باشد .
چارلی چاپلین بزرگ که در این
روزها در سراسر جهان با حرمت و -
ارادت نهاد به مقام والا او ، صد
سالگی تولدش را جشن گرفتند -
استعداد این شهرت آسانوی در
ضمیمه همین گردیده بود .
دو سال پیش از ظاهر شدن چارلی
برای نخستین بار روی پرده ، هر
خانواده از نمانش آگاه بودند -
موسکها ، اسپا بازی ، کودکان و حتی
مسابقاتی به نام چارلی چاپلین
مسی گردید ، مردم رقص شبیه راه
رفتن چاپلین ابداع کردند ، نامش
ورد زبان اطفال بود ، حتی در فلما
مقاله چاپلین پدیدار گردیدند .
چاپلین سیمای جاودانه شخص
را در دل پرده سینما خلق کرد که
همه مردم جهان ، خورد و بزرگ از
دیدن آن شادمان میگردد و کیف
میبرند ، کیدیهای او حکایتگر
نابسامانی های تجسم کننده تب
های معین روزگاران فلماهای
صامت و فلماهای ناطق ، روزتا روز
کسب اهمیت و اوج مینماید ، بهترین



است که این بزرگ مردسینما
 همیشه ، کارگردان ، کمپوزتور و
 پرودیسور را از زبان خودش شناخت .
 - چه کارهایی که نکردم : روز-
 نامه فروش ، شاگردی حروف -
 چینی ، شیشه سازی ، ساختن
 بازیچه ، اطفال ، نوکر داکتر و غیره .
 مگر در تمام این مدت مصروفیت به کار
 های جانبی هرگز هدف غایی اکثر
 شدن را از یاد نبردم .
 تازه مانیک تغییر حرفه میدادم هر-
 نوز از جلادان بوتها ، شانه کردن
 موها ، پوشیدن پیراهن پاک و از
 رفتن گاه و بیگاه به تئاتر (بلیسک
 هاور) ابانه ورزیدم .
 - درستدیوی کمینی که مستون مک-
 سنت ، سه بیوت صورت کار بودند ،
 من هم طبعی بلهاس فادی در جای-
 ایستادم تا مک سنت مرا خوبتر ببیند
 اودر حالیکه آخر میگاش را میجهند
 و گرم تاشا ی دیکور سالن هتل بود ،
 ناگهان رهش را جانب من نموده گشت ،
 اینجایک چیز جالب ضرور است خود
 را بگونه کمید بینی میکاژکن ، هرچه
 میل داری بیوت ، هرچه نکر کردم
 عقلم قدنداد که چکونه خود را میکاژ
 کم ، از میکاژ و لباس را بیوتی خوشم
 نی آمد ، در حالیکه جانب العاری
 روان شدم بفکر آمد که پتلون گشادی
 رابه تن و بوتهای کلانی رابه پا کنم
 کلاه شیوی خوردی بسرو کنم و صای -
 چوبین در دست بگیرم ، میخواستیم
 که همه چیز باهم در تضان باشند ،
 پتلون گشاد ، کرتی تنگ ، کلاه خورد
 و بوتهای کلان ، تعیدانستم که جوان
 مینمایم یا من بخاطرم نبود که مک سنت
 مرا بزرگتر تصور میکرد ، اندیشه کردم که با
 ایزاد بیوت بزرگتر معلوم میشوم ، تبسم
 هنوز بر این روشن نبود ، مگر وقتی که
 لباس ها را پوشیدم و میکاژ کردم ، نسا-
 گهان معلوم گردید که چه نوع تپین
 دارم ، تا ظاهرا شدن برور ستیژ
 تپ من در ز هنم جان گرفت و مکمل شد ؛
 همینکه در برابر سنت قرار گرفتم با
 تپیم کاملاً ساینز کرده بودم ، در -
 برابرش به جست و خیز و قدم زدن -
 پرداخته و صایم را حرکت میدادم ،
 در ز هنم حرکات کهدی و شوخی
 هان نهادی شکل میگرفت .
 بقیه در صفحه (۱۴)

تعیین کننده صادق

حکایت

قالت



مادر سراسیمه میدود تا فرزندانش را نجات دهد

چگونه در برابر چشمان مادری پسرش را به قتل رسانیدند

این حادثه چگونه اتفاق افتاد؟

مادر هر لحظه به پسر جوانش می‌اندیشید که نخل جوان قامت او چه بیهر همانه بین چشمانش از بیخ قطع شده و بزمین غلتید. مادر در خوابهایش، در بیداری اش، در اندیشه اش و در خیالش فقط او را می‌دید که بین چشمانش بخود می‌پیچید و هوا را چنگ میزد، دست و پیا میزد و بعد رفته رفته سست میشد و دراز به دراز بجای می‌انداخت. آنوقت مادر سراسیمه و نسا آرام فریاد میزد و اندوهی بزرگ بر قلبش می‌نشست.

تقسیم دیواری ۱۱ حصوت سال ۶۶ رانشان میداد، عقربه های ساعت از عدد ۷ گذشت بود. نسا هنوز رنگ شیرین داشت که مردم کارته نوسراسیمه رو - حشترده با نیرهای پیچ گلگله های که از دهانه تنگچه بی که پانگشتان یک جوان عاصی و قهر آلود فشرده شد از خانه هایشان به بیرون ریختند.

یکسال ازین حادثه المناک گذشته بود که زن سنی انگشت به دروازه د فتر کوبید و اجازة ورود خواست و آنوقت بدون مقدمه گفت: ((قاتل پسر مرا محکم به اعدام کردند، آمده ام تا از شما بخواهم که این قضیه را در مجله تان بنویسید، و آنوقت به تلخی گریست، و بعد از سکوت کوتاهی به صحبت خود ادامه

داد: در سال ۶۶ راضیه دختر را که کارمند وزارت مالیه است با نعمت الهه نامزد کردم هفت روز سه ماه از نامزدی آنها نگذشته بود که بین آنها مخالفت آغاز گردید، یکبار بتاریخ ۵ نور دختر را در محل و خیفه اش لت و کوب کرد. بود بعد او را از موهایش گرفته به دفتر کارمن آورد و گفت: ((بگیر دخترت را، چله سرا پس بده)) در جوابش گفت: معامله مادر خانه بوده من و تو در خانه گپ میزنیم.

بعد بتاریخ ۱۸ نور سلامت ۲۱ بعد از ظهر خانه ما آمد میخواست دختر را سینما ببرد ولی راضیه که همان لحظه از رختشویی خلاص شده بود نمیخواست سینما برود. وقتی شوهرم داخله کرد، نعمت الله بالایی شوهرم تنگچه کشید مرمی که از تنگچه او خارج شد به ستون سقف - انه فرو رفت که مو ظفین حوزة ۸ امنیتی هم از

موسم آگاهی دارند، در آنروز هم بدختر گفت: ((چله مرا پس بده)) دختر در جواب گفت: من دختر افغان استم اگر چله را دادم پس نمیگیم. دختر به اندازه آخر توهین و تحقیر شده بود بخصوص وقتی پدر من او پیش چشمانش تعدید شد نتوانست تحمل کند لذا نامزدی خود را با اوفسخ کرد.

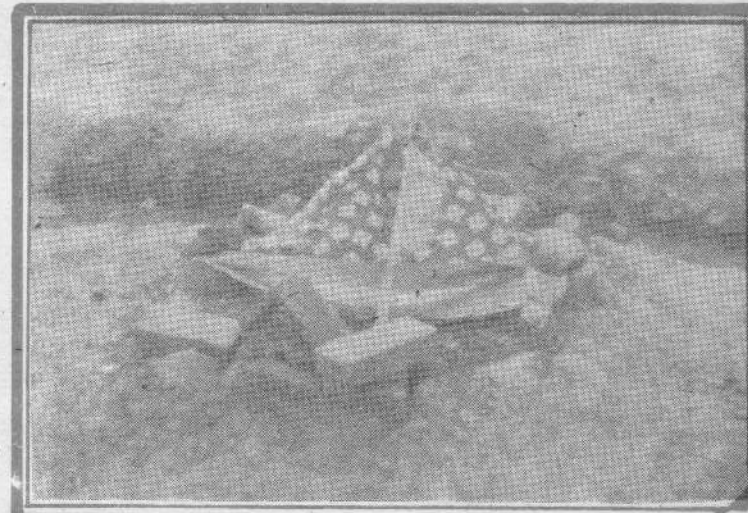
با وجود آنکه دختر نامزدی خود را با اوفسخ کرده بود بتاریخ ۲۵ اسد وقتی از وظیفه بخانه می آمد باردیگر در نزد یکی خانه او را تعدید کرد و پالایش چاقو کشید که با مداخله مردم و کوچکی ها دختر بخانه آمد.

- آیا آندو قبل از نامزدی همدیگر را میشناختند؟
- نه شناخت قبلی بیین آنها وجود نداشت شوهر دختر کلانم با شوهر خواهر نعمت الله دوست بود و این وصلت به مشوره آنها صورت گرفت، نعمت الله

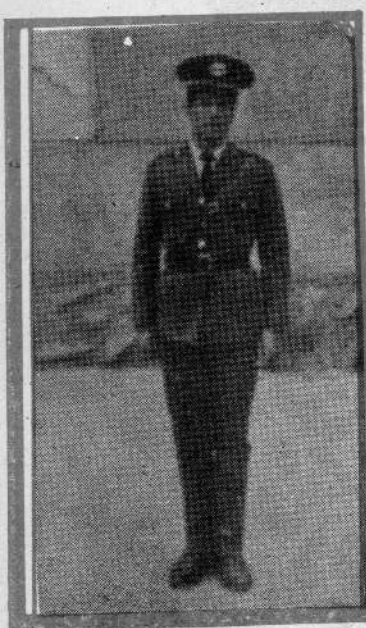
دختر دیگری را در نظر داشت که باید با او نامزد میشد و لسی نامیش رعایت نداشتند. وقتی باد ختر من نامزد شده دختر همه ما زیاد خاطر او را میخواستیم اما او از همان نخستین روزهای نامزدی باد ختر سر ناسازگاری را گذاشت، و هرگز نظر دختر و خاطر دختر را نمیخواست.

بقیه در صفحه (۸۷)

مرگ منتظر قاتل است



یاد بود مرگ جاوید در کوچه منزل شان



خواهر جاوید نیز درین حادثه زخمی می بود



دیوارهای ۵۰۰ ساله کرملین

تیمارستان

کرملین اهمیت و مفهوم این کار در چیست ؟
 دیکی از انسانه های باستانی در باره آفرینش که تا به نهم آن معلوم نیست با رجوع به امپروسه پیشگویی نموده بود که درین مثل شهر بزرگی ایجاد میگردد یک قلعه مثلی اعمار خواهد شد (سلطنت سه بعدی).
 و درین شهر اهالی بیشتر از قبایلی مختلف گرد هم جمع میشوند و واقعا دیوارهای کرملین عینا به شکل مثلث متساوی الاضلاع ساخته شده است.
 الساق خط دومی استحکاماتی کرملین با دیوارهای کرملین یک مثلث بزرگ دیگری را تشکیل داد که شامل میدان اساسی پلخت - میدان سرخ میباشد.
 کلیسای ترویتس که رود و مرکز هندس تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) در میدان سرخ گردید (که امروزه نام کلیسای یگورسکی ها کلیسای واسیلیا بلاتنوسه معروف است که در اواسط قرن شانزدهم توسط ایوان کروتنه - بنیادساز تاجران از پیروزی - برخانی قزاق ها ساخته شد.)
 قرن (شانزدهم و شانزدهم) عصر وسعت وسیع استحکاماتی سرحدات دولت جوان مسکو و روابط وسیع تجارتی بیرون آمدن اودر صحنه سیاست جهانی - مانند دول بزرگ اروپایی میباشد.
 در زمان ایوان سوم جهت دفاع از حملات اجانب قلعه های یکی بی دیگری مانند قلعه نوگ گردید ایوان - گردید، کولونو و غیره احداث گردید.
 در آن زمان مکتب شهر سازی روس ها به اوج بیشتر خود رسیده اما با آنهم جهت اعمار دیوارهای پایتخت روسیه معماران ایتالیایی دعوت گردیدند.
 بقیه در صفحه (۸۶)

جهان را آغاز نمودند.
 بیانه عظیم کارها، اعمار برج های اساسی، دیوارها و کلیسای کرملین که در مدت زمان ده سال توسط ایوان سوم انجام یافت، حتی امروز موجب شگفتی جهانیان میباشد، چنین ساختمان بزرگ را در آن زمان حتی اروپای غربی هم نمیدانست، در نظر اروپاییان کرملین سمبول نیرومند دولت مسکو محسوب میگردد.
 اعمار استحکامات کرملین به ترتیب معین صورت گرفت، در محلات نامحفوظ دفاعی در قدم اول برج ها و بعدا دیوارهای بین برج ها را اعمار نمودند.
 اولترازمه برج (تائیسیتکا یا) اعمار گردید.
 تحت برج مذکور چاهی را حفر نمودند، بودند که در نیمه یک راه مخفی به رودخانه مسکو متصل میگشت تا در مواقع محاصره کرملین را از راه آب اکمال کرد، بنا برین برج بدین نام (تائیسیتکه یا) مسمی گردید.
 در اوایل قرن شانزدهم در اطراف کرملین شروع به اعمار دیوارهای جدید نمودند. در سال (۱۵۳۸ م) تحت رهبری معتمد سراتالوی (پتروک) دیوار دومی مسکو اعمار گردید، قسمت اعظم این دیوارها در دهه ۳۰ قرن حاضر تخریب گردید.
 در سال (۱۵۸۵ م) دیوارهای شهر سفید (که در آخر سده هژدهم جای آنرا حلقه خیابان سرسیز عوض کرد) اعمار گردید. این یک امیل مقبول مسکو بود که توسط معمار روسی (نیویرکون) ساخته شد و در سال ۱۵۹۲ در مدت زمان ششماه بزرگترین دیوارهای شهر در جهان، دیوارهای پانزده کیلومتری جوسی که در محل آن بین قرون (هژدهم - نوزدهم) باغ حلقوی مسکو ایجاد گردید.
 دیوارهای جدید یکجا با قلعه در قرن پانزدهم تا سیمیل واحدی را تشکیل داد، بدین صورت در زمان چیزی بیشتر از ده سال استحکامات نهایی مرکز روسیه اعمار شده اساسا - دیوارهای -

دیوارهای کرملین، در واقعیت امر، به یک مخطط معمولی گنجه معنوی آثار هنری استادان بزرگ مبدل گردیده است. از همین نگاه است که سالانه مشهوران رشته های گوناگون هنر، شعرا و مسلمانان پیشانی پروانه وار بدوران گردی آیند و از تماشاای آن حظ وافری برند.
دیوارهای کرملین مسکو ۵۰۰ سال عمر دارد
 دیوارهای کاخ کرملین که ۵۰۰ سال عمر دارد معمول دولت روسیه گردیده است. در مثل کرملین روزگاری جنگل انبوه قرار داشت که نام مثل - تپه پرویتسکی از آنجا گرفته شده است. در سال (۱۱۴۷ م) امپروسه (پوری دولگه روکی) درین تپه در کنار رودخانه مسکو اساس شهر را گذاشت. اعمار شهر در آنزمان معنای ساختن قلعه را داشت، معلومات کسی در باره دیوارهای باستانی مسکو حفظ گردیده است. نخستین استحکامات چوبی که در سال (۱۱۵۶ میلادی) ساخته شده بود، طبق معلومات در اشر حجلات تاتارها طعمه حریق گردیده و این دیوارها با زحمات بیشتر تجدید ساختمان گردیدند و در زمان امپروسه (ایوان کالیستی) در آغاز قرن (XIV) چهاردهم در مدت پنج ماه به استحکامات دیگر قدری قوی تر از آن تعویض گردیدند. اعمار آنها هم بیشتر از ۵۰ سال طول نکشید. در نیمه دوم قرن چهاردهم (روس دیمتری دونسکی) تصمیم گرفت تا استحکامات جدید سنگی اعمار نماید.
 در قرن XV یانزدهم تحت رهبری شخص امپروس بزرگ روسیه ایوان سوم و معماران ایتالیایی (انتسون فنانین، مارکو روجو، پیوتره انتونیوسولاری، الیگز فنانین، میلانتس) به همکاری استادان مسکو سنگ کاری روس ساختمان یکی از بزرگترین بناهای

امعار گردید. این دیوارهای دو کیلومتری، با در نظر - داشت شکل اراضی منطقه، شکل خط منکسور داشت تا از هر برج تمام نقاط مشاهده شده بتواند. - دیوارهای اولی کرملین، بصورت کل، شکل مثلث متساوی الساقین را داشت. در سال ۱۵۳۸ دیوار های دومی آن، بدور دیوارهای اولی پانثل اولی، که میدان سرخ را احتوا نمود، ساخته شد. قسمت اعظم آن در دهه ۳۰ سده روان تخریب گردید. در سال ۱۸۸۵ دیوارهای شهر سفید اعمار گردیدند که در اواخر قرن ۱۸ با حلقه خیابان سیزتموش شد. در سال ۱۵۹۲ بزرگترین دیوارهای شهر جهان، که ۱۵ کیلومتر طول داشته و از چوب ساخته شده بدست ساختمان سپرده شده در سده های ۱۹ و ۱۸ بجای آن باغ حلقوی مسکو عرض وجود نمود. کلیسای ترویتسکی که رود، مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) که امروز بنام کلیسای یگورسکی ها کلیسای واسیلیا بلاتنوسه معروف است، در میدان سرخ جلب توجه میکند.
 بدین صورت، اعمار استحکامات قدر دولتی روسیه طی یک مدت طولانی به مرحله اکمال رسید. برجها و دیوارهای کرملین از سخت های خوب تشکیل شده سرخ ساخته شده که هر کدام در حدود هشت کیلوگرم وزن دارد. معموره چلیپا مانند ازین و آهن ساخته شده که عملا دیوارها را محفوظ نگه داشته است.
 اگرچه استحکامات کرملین گاه گاه از حملات آتش سوزی ها، نبرهای تپ، انفجارات و تپ ها صدمه برداشته مگر هیچگاه به حملات مستقیم مواجه نگردیده و بنا بر این بناهای بزرگی ندیده است. در صورت وقوع رخدادهای جنسی تنها پوشش خشتی بارها مورد تجدید ساختمان قرار گرفته است.

کاخ کرملین، که یکی از بزرگترین بناهای دولتی تا به نهمی شمار مرود و وسایات شگفتی تماشاگران را فراهم می آرد، در سده پانزدهم و در دوره زمامداری امپروسه روسیه، ایوان سوم، بدست معماران روس و بدستباری استادان سنگ کار روس اعمار گردید. به این کاخ عظیم بنظر اروپاییان به نظر معمول عظمت و نیرومندی دولت روس نگاه میکنند.
 انگیزه اعمار کرملین را احداث شهر مسکو تشکیل میدهد که در سال ۱۱۴۷ میلادی توسط امپروسه پوری دولگه روکی، پالان تپه کنار رود مسکو صورت میپذیرد چه در آن روزگاران اعمار شهر معنی ساختن قلعه را داشت و کرملین قلعه بی بود که جهت همه شهر مسکو بناگذاری شد. از آن زمان به بعد شاهان روس، یکی بی دیگری، به منظور دفاع شهر از بیوش های بیگانگان، به ساختن و تکمیل و تجدید استحکامات شهر پرداختند.
 کاخ کرملین مثلثی از برجها، دیوارها و کلیسای های است که در دوره های شاهان مختلف، مخصوصا دوره ایوان سوم، ساخته شده است. در گام نخست بدور قلعه ابتدایی، مخصوصا در قسمت های غیر مسکن، به اعمار برجها توجه مبدول گردید. این برجها، که تعدادشان به بیست رسید، هر کدام سیمای معتمدی و نام مخفی بخیرود دارد. نخستین برج طوری ساخته شد که تحت آن چاه عمیقی حفر گردیده بود. این چاه انیسک راه مخفی یا رودخانه ارتباط داشت تا کرملین در صورت محاصره از همین سبب به ماینیتکه به معنی گردید.
 بعد ها، در اوایل سده شانزدهم، در فاصله های بین برجها، دیوارهای محافظتی بدور کرملین

امعار گردید. این دیوارهای دو کیلومتری، با در نظر - داشت شکل اراضی منطقه، شکل خط منکسور داشت تا از هر برج تمام نقاط مشاهده شده بتواند. - دیوارهای اولی کرملین، بصورت کل، شکل مثلث متساوی الساقین را داشت. در سال ۱۵۳۸ دیوار های دومی آن، بدور دیوارهای اولی پانثل اولی، که میدان سرخ را احتوا نمود، ساخته شد. قسمت اعظم آن در دهه ۳۰ سده روان تخریب گردید. در سال ۱۸۸۵ دیوارهای شهر سفید اعمار گردیدند که در اواخر قرن ۱۸ با حلقه خیابان سیزتموش شد. در سال ۱۵۹۲ بزرگترین دیوارهای شهر جهان، که ۱۵ کیلومتر طول داشته و از چوب ساخته شده بدست ساختمان سپرده شده در سده های ۱۹ و ۱۸ بجای آن باغ حلقوی مسکو عرض وجود نمود. کلیسای ترویتسکی که رود، مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) که امروز بنام کلیسای یگورسکی ها کلیسای واسیلیا بلاتنوسه معروف است، در میدان سرخ جلب توجه میکند.
 بدین صورت، اعمار استحکامات قدر دولتی روسیه طی یک مدت طولانی به مرحله اکمال رسید. برجها و دیوارهای کرملین از سخت های خوب تشکیل شده سرخ ساخته شده که هر کدام در حدود هشت کیلوگرم وزن دارد. معموره چلیپا مانند ازین و آهن ساخته شده که عملا دیوارها را محفوظ نگه داشته است.
 اگرچه استحکامات کرملین گاه گاه از حملات آتش سوزی ها، نبرهای تپ، انفجارات و تپ ها صدمه برداشته مگر هیچگاه به حملات مستقیم مواجه نگردیده و بنا بر این بناهای بزرگی ندیده است. در صورت وقوع رخدادهای جنسی تنها پوشش خشتی بارها مورد تجدید ساختمان قرار گرفته است.

بنای بزرگترین دیوارهای کرملین در سده ۱۵ اعمار گردید و در پیوسته در پیوسته

فروشنده‌های سبزه‌ها در انگلستان

فروشگاه آثار هنرهای زیاده‌اند

سخت اعتماد دارند * متخصصان کارآموده هر هفت
دیارتمنت فروشگاه به منظور جستجوی اشیای گران
بها ونادر به هر گوشه که ارد نیاسفر میکنند ، بسا
علاقتمندان وگردانندگان آثار به داد و ستد میزند ازند
و در حراج ها اشتراك میوزند .

انتونی سبزه ۴۹ ساله ، امر د بیارتمنت
نقاشی ، همن تماشای سالون فروشات اگسفورد به
اثری بنام منظره انبار صحرایی عهد ویکتوریا ، که
به صورت رنگه آبی کار شده است ، برخورد و به آن -
چنان علاقمند شد که به همکاری و وظیفه داد تا در
حراج آن شرکت جوید ، این اثر هنرمندی گمنام از طریق
مزایده به قیمت (۶۰۰۰) پوند به سبزه تعلق
گرفت ، چه سبزه حد سر زده بود که این اثر از -
نا بیغه رویایی قرن نژدهم سامویل بالمر است ، بعد
ها آنرا به ۴۰۰۰۰ پوند به فروش رسانید .

انتونی گاردنر ، مسوول آثار هنری جنوب شرق
آسیا ، ضمن دیدار از توکیو یک اثر برونزی با ارزش
تاریخی را با آنکه خیلی خورده هم شده بود خرید
و ترسیم نمود .

بعد ها معلوم شد که برونز منجوسری ، یکی از مر -
یدان بود ، از موزیم میانامی بنگله دیش آمد
است . او میگوید ، (احتمالاً این برونز رزمیان
حک هند و پاکستان به سرقت برده شده باشد ، صا
کاملاً آماده ام آنرا بازگردانیم مشروط بر اینکه مقامات
بنگله دیش تعهد بسمایند که انراد موزیم ایالتس
بدون امنیت نگذارند) .

با امانده مجدد برونز ، سبزه مبلغ (۵۰۰۰۰)
پوند قیمت بازار را از دست داد و این گذشتی است که
گاردنر آنرا چنین توضیح میدهد : (آنچه را که ما
انجام میدهم عبارتست از حفظ آثار برای نسلهای
آینده است) .

در حمله آثار افغانی مجسمه های از گند ها را
که از نظر مضمون بودایی و از لحاظ شکل یونانی بود
و میراث فتوحات قرن سوم قبل المیلاد سکندر کیس
بشمار میرود ، نیز در این فروشگاه وجود دارد .
گاردنر میگوید ، که تا این اواخر آثار هنری و منا طبق

سلطان در تدارک هدیه بی به ملکه
انگلستان از جواهر فروشی سبزه و سران واقع در
لندن ، که (۳۰۰) سال قدمت دارد ، استمداد
جست ، شرکت در ظرف یکماه ستاره طلایی و گلوند
جواهرنشانی ساخته و را اختیار شد گداشت .

این شرکت برای بیش از (۷۰) کشور جهان و
همچنان برای ملکه ، شعزاده فلیپ و شعزاده ویلز
مدال ها و زیورات طرح و ساخته است که همین امر
موجب شهرت جهانی آن گردیده است .

این فروشگاه به عنوان مخزن آثار هنرهای زیبا
سالانه بیش از (۳۰) میلیون پوند سترانگه داد و ستد
دارد . هرگاه بهترین را میخواستید ، همینجا است
گزانبهاترین آثار در همینجا است .

تلفورد شوت ، امراداری فروشگاه اظهار
داشت ، (این فروشگاه در سطح جهانی جالب
ترین نوع خود است) .

نمایشگاه های سه منزله و گالری های آن از -
مجسمه های شرقی ، منسوجات ، نقره باب ، نقاشی -
ها ، چینی باب ، مسکوکات ، کتب ، مدال و تعداد
زیادی از ایشیا و احنایر برانگیزند و حالباً آگنده
است . جالبترین بخش آن قسمت آثار چینی و جا -
بانی است که یکجا با دیگر بخش های شرقی منبع
ثالث درآمد شرکت را میسازد ، اجناس ترتیبی
از قبیل عاج ، برونز و چینی باب چنان با نظم و شکوه
خاصی در اناقه چیده شده است که کویلا خان
میتوانست آنرا به شرکت خویش در خاناد و انتقال
دهد .

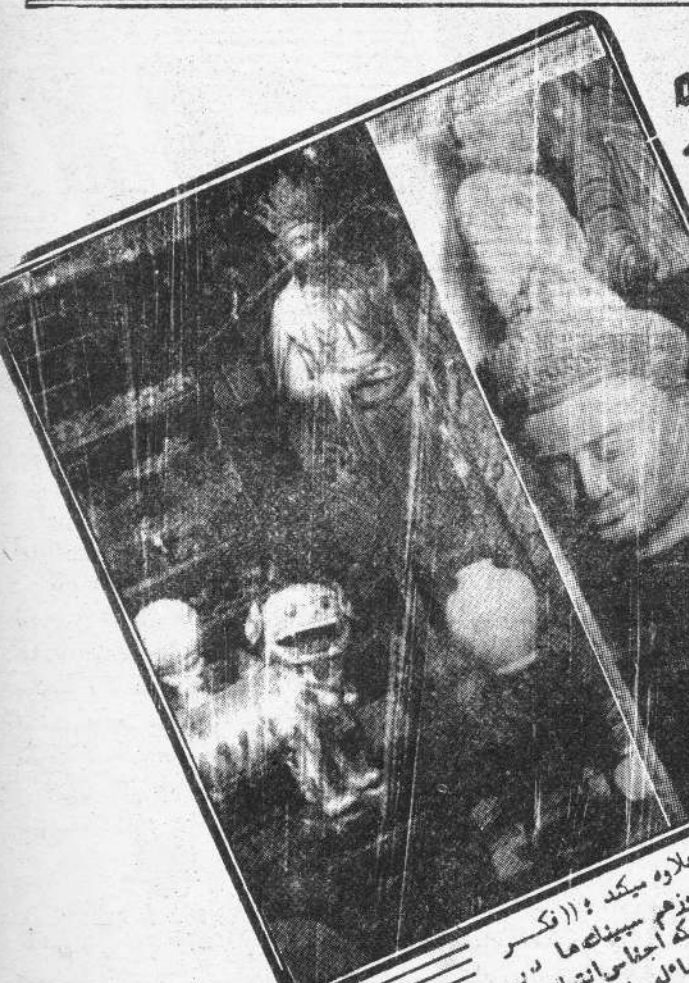
فروشگاه در این اواخر قار شده است که ۴۰۰۰
لباس کلاسیک شبانه را که مربوط به سال ۱۹۵۰ -
است و روی آن شلنگ نقره ای که منقوش با جعره ملکه
سکات میباشد ، در برابر ۵۰۰۰ پوند به دست آرد .

داشتن همجو اجناس د لکتر توجه علاقمندان
ماورای ابحار را بخود جلب نموده است ، یک امریکایی
سخت علاقمند است تا در برابر دست آوری مجسمه
های سنگی هندی هر چه بیشتر پول مصرف کند .
مشتریان خصوصی و موزیم های فروشگاه سبزه

مغازه های لندن



میکایل سپینک، ۳۱ ساله، کارشناس ماهر هنر های اسلامی گفت: ((حتی در دوره مقدساتی مکتب می دانستم که به شرکت می پیوندم)) هنگامیکه نامبرده از رشته تاریخ و تاریخ هنر در کالج فنان تحصیل کردید از طرف صوفا پیش در امرتجا



رئی شرکت پذیرفته شد. او علاوه میکند: ((فکر میکنم خوش استند از اینکه تا هنوزم سپینک ها در شرکت وجود دارند. برای آنانیکه اجناس انتیکه را جمع آوری میکنند، شاید این مسأله پیکار رشته ارتباطی دیگری باشد که باید داشته باشد.))

جنوب شرق آسیا کمتر بوده و ناچیز شمرده شده است. ولی از آنجاییکه این آخرین تمدن بزرگ بشری است چیزهای زیادی را میتوان از آن گردآوری کرد. قیمت تثبیت شده هر پارچه آن تاکنون در حدود چارمیلیون دالر بوده که با این پول به مشکل میتوان نرسید. از رینویرا خرید، هنوزم بزرگترین آثار این مناطق را میتوان در بدل (۵۰۰۰۰) بوند بدست آورد.

دیپارتمنت نقره ای، کاد موند لیرد کلاویز مسولیت انرا به عهده دارد، برایم نیست به تازه می رونق پیدا کرده است، خریداران در جستجوی متاع خوب اند و داد و ستد نقره باب ناد بازار خوبی کسب نموده است. بیاله می مربوط به الهیزابت که ده سال قبل مبلغ ۱۰۰۰۰ بوند ارزش داشت، اکنون بهای آن به بیش از ۱۰۰۰۰۰ بوند رسیده است.

در حال حاضر، کلاویز لندن را به مثابه مهمترین بازار نقره میشناسند، در این تازه گی ها، مالک یگانه یادگار بیروزی مسابقه اسپ دو انی چیزم دم یعنی قاب باستینگ ستون در سال ۱۶۸۸ اطرفی کلان نقره پی که به سیک جینایی ترین یافته، میخواست انرا به فروش برساند، این شخص به فروشگاه سپینک مراجعه کرد و آنها مشتری اروپایی را پیدا کردند که حاضر شد مبلغ (۲۵۰۰۰۰) بوند در برابر آن بپردازد.

باتا، سینر دیپارتمنت مسکوکات در سال ۱۸۲۰ - سپینک نخستین قدمی را برداشت تا حیثیت یکی از بزرگترین معامله گران هنرهای زیبا را در جهان کامی کند. در حال حاضر باتریک فینن مسولیت این

دیپارتمنت را بعهده دارد، نامبرده یاد آور میشود که مسکوکات کلاسیک روسی و یونانی از جمله مسکوکاتی است که در سطح جهانی طرفداران و علاقمندان زیادی دارند ولی معامله گران بر تانوی مسکوکاتی را که در انگلستان ضرب زده شده اند ترجیح میدهند. زمانی انگلستان بیش از (۷۰) صرا - بخانه انگلوساکسون ونورمان را دارا بود و بعضی از علاقمندان تا که میتوانستند سکه جمع آوری کرده اند، برخی دیگر صرف سکه های طلا یا سکه های بزرگ پنج شلنگی را جمع آوری کرده اند، در این تازه گی ها، سپینک، سکه پنج شلنگی گوتیک عهد ویکتوریا را به مبلغ ۱۲۴۰۰۰ بوند بمزاید گذاشت و ریکارد جهانی را قایل کرد.

معامله داران شرکت شامل کسانی همی شوند که مایلند اشیای خود را به فروش برسانند چنانچه زنی در باغچه شهری تازه بیل زده شده سکه کوچکی را دریافت، فینن با تشخیص اینکه این سکه یکی از سکه های اولی انگلوساکسون دوران شاه (اوسا) در قرن هشتم است آنرا به مبلغ ۳۰۰۰ بوند خرید و انزن خوش شد. بقیه در صفحه (۸۹)



زندگی استعساله کی

از سلسله کشت زار سوخته

تعبه کننده صباح الدین رهش

اوراد یکی از شعبات جنایی خازند وی میباید . شوهرش به جرعت
اعتیاد و فروش هیرویین در اینجا توقیف است .
نگاه های وحشی و روسپیانه دارد . به خنده های بی معنی و -
لحن بی ادبانه عادت کرده . بیان عربان دارد و شیطان از گشته
هایش نمیشود . به مشکل موفق میشوم که قصه اش را از خود نریشتم ،
میگوید : ((ما قصه میکم به شرطیکه تو او را چاپ کنی که کل دنیا
غم مریه بفانم و فغانم که چی دل کلانی دارم و دگر مریه ملامت نکن و
نگوین که مریه به دل خودم زن هر جایی شدم و ...))
قبول میکم و او با زسان خود قصه می کند و من با زبان خود می
نویسم :

شاید در آن زمان نمیدانستم که چه سرنوشت شومی - آنگاه
باشم وی عفتی انتظام را خواهد داشت ، هنوز سالهای ده هم
عمر بود که درد مرگ مادر مانند هر طفل بی مادری رخنه سوزند می
در من پدید آورد ، فضایی هرات زمین (زادگاهم) برایم تنگ شد
بود . همیشه بیاد مادرم میگردم ، بیاد مادرم که مرا (گل بی بی)
خطاب میکرد ، گلی که بر پرشند - گلپیکه یارای ایستاده می در برابر
نسم صبح نداشت . در تلاطم یک توفان از سرزمین برکه ها و لجن -
زارها در میافتد . مدت کوتاهی از مرگ مادرم میگذرد که پدرم به
فکر همسر دیگری میافتد و اما هیچکس حاضر نیست تا با مرد کلان سن
که پدر یک دختر هم است ازدواج کند و سرانجام خانواده بی از قضا
مردمان عیش و هوس حاضر میشود تا دخترشان را به عقد نکاح پدرم در -
بیارند ، به آن شرط که من باید الی رسیدن به سن بلوغ و قانونی پانزده
پسر جوان آن فامیل گردم و ایام نامزدی را به خدمت در آن خانسه
گماشته شوم ، آنها در شعر کابل زنده می میکنند و بعد از آنکه پدرم
شرط را میدهد ، من به کابل انتقال داده میشوم - حالا دیگر برایم
جزیاد های از مادر به ارمان نرسیده ام ، چیزی وجود نداشت . او مرد
و مرا با کوله باری از اندوه و آشک - تنهایی و بی خانه گی در این دنیای
بزرگ برای گریستن و کوچک برای شاد خندیدن ، تنها گذاشت . من
طفل بودم - شاید هنوز از راست و چپ چیزی نمیدانستم - هم
خانه هام همه مردمانی بودند که تازه با آنها آشنا شده بودم ، -
تازه دشناهایشان گاهگاهی گوشم را نواز میداد - من تا حال
از سکوی بلندی دست و پا زانان برتاب شده بودم - هنوز به زمین
نخورده بودم - شاید در نهایت نفسهای تنگ ، در یک شب سیاهتر
از هر سیاهی به زمین خوردم و دره - دره چون فریاد هایم با شنیدم .
آنشب در دست شپش بود که ننگه های از آغاز مرگم بر صفحه زنده گی ام
نقشه شد . من آنشب مردم و تا حال بر طومار آن مرگ رنج زنده گی
دور از عفت رامییم - آنشب نامزد جوانی می بروم مانند چند یسن

شب دیگر به بستر آمد - به بستر دختر دوازده ساله ای که از کسالت
کار بام تا شام میخواست آرام گیرد - من از بوسه هاود ست بازی -
هایش جز آزار چیزی دیگری را نمی یافتم - شب مرگم به نیمه اشرنرسیده
بود که با چینی خود را غرق دیدم ، و من آنشب چرکین مردن را فرا
گرفتم - دیگر دختر باکره بی نبودم - من دیگر (گل بی بی) مادر
نه - زن دوازده ساله بی بودم .
و شبهای سیاه یکی بی دیگری مانند لحظات آنگاه از توهین و ظلم
بر من گذشتند - در سیزدهمین سال عمرم آنقدر خود را ناتوان
فزون یافتم که ناگزیر از خانه وهم خانه ها فرار کردم .

فرار - این بزرگترین دروغ - این بی بنای ترین واژه در انبوهی
از آدمها و آدم نماها چه کنی میتوانست به من انجام دهد ؟ به خاطر
دارم که راهروهای کارسرت کارت - سه کابل را با گریه و فریاد به
استقبال یک شام بی مکان میشتافتم - چشمه های من میدیدند و شاید
تنها برای همان لحظه تا صبح به حال میگردند .

در حالیکه سخت میگردستم بی زنی با مهرانی دست به سرم کشیدو
چنانیکه باید به گریه طفل سیزده ساله بی ارزش داده شود ، دلیل
نا راحتی ام را بر رسیدن آنها همینقدر گفتم که در خانه فامیلم برایم
حای زنده گی نیست و پدر و مادر ندانم - خانم بیو مرا به خانه خود
دعوت کرد و گفت میتوانم دخترش باشم . زن سیزده ساله بییکه سرگردان
یک سرنوشت شوم در کوچه های شهر نادیده می بود ، زیاد از این
تعارف چه میتوانست بخواهد ؟ چه میتوانست از روزگند ؟ و من بدون
هیچ پرسشی پذیرفته در حالیکه دست بی زنی را در بین موه های
چرک لمس میکردم و لطف غرض آلودی را احساس میکردم ، راهی منزلش
شدم ، در خانه محقر بی زنی یک پسر جوانش نیز با او زنده گی میکرد که
از همسرش جدا شده بود و در یکی از اولین شبهای زنده گی در این
خانه محکم به پذیرایی وهم آشپزی او گردیدم - ناگزیر به اطاعت بودم
بخصوص حالا که از کیف بردن نیز کم بهره داشتم زنده گی در این
خانه نیز عمر کوتاهی داشت هنوز کسالت از زنده گی ام در این خانه
نگذشته بود که یکروز همیستم گفت : ((کالایته جمع کوکه تریه به جایی
میسوم)) و من نمیدانستم که کجا و به چه مقصدی میروم ، صبح وقت
سوار سرویس سفری شده بازم قند ها گردیدم . رفتن از شهری به
شهری حالا دیگر برایم مفهم نداشت چه من از خود نبودم - شاید
اگر صاحبان نمیخواستند به زنده گی کردن نیز اجازه نمیدانستم .
در قند ها مرید در یوریکه در انتقال مال تا جران از یک شهر به شهر
دیگر کار میکرد ، مراد ریدل پول - بولیکه قیمت من بود و تا حال اندازه -
اش را نمیدانم از نزد صاحب قبل ام خریدم . (بخاطر آمدن بود که -
زمانی پدرم مری را خریدم بود و از وی آریزان تا خانه آورده بود و من
فکر میکردم که با پاسر قیمتش را خواهند دانست هرگز)
من حالا دیگر یک زن نوجوانی بودم که کمتر میتوانستم از سرنوشت

آگاه باشم - در زمانیکه شاید سرنوشت
راه نامش نمیدانستم ، زمانیکه خود را غشته
به نجای میدیدم ، نمیدانستم که چسرا
باید محکم به زنده گی شو و اینبار
تقدیر مرا دوباره به کابل آورد -
نمیدانستم که اینبار چگونه مصدر
خدمت به ماحم خواهم شد ، وقتی
به کابل در خانه بی انتقال داد ،
فکر میکردم شاید در اینجا تنها
یک مانت داشته باشم ، اما -
دریغ که اینبار هر شب و یا چند
شب بعد مالکهای موتقی را
باید پذیرایی میکردم -
باعین این آدم نماها
خود را برایشان سرویس
کتم ، در دستهای
قهار و وحشی شان
بلوتم و دره دره -
وجود را ، وجود
کوچک را برایشان
تعارف نمایم
صبح ها
از کسالت
شیله -
بخوابم

تعبه کننده صباح الدین رهش (۸۶)

سر
گذشت
یک
زنده گی
بر باد رفته

ازهریسی



پسر بچه ارمنی عملیات بسیار نادر را گذراند

وقتی زلزله فاجعه آورده شهر سیتاک ارمنستان را تکان داد، قارن- قاجاریان مانند هزاران طفل ارمنی دیگر در مکتب بود، مادر وی برای نجات پسر نه ساله خود به مکتب شتافت اما ساختمان زلزله خاکی شده یافتند. خوشبختانه قارن با عده معدودی زنده ماندند اما چشم چپ و دست راست خود را از دست داده بود. فقط عمل جراحی بسیار مغلو او را نجات داده می توانست. دکتران شوروی که برای زنده نگهداشتن مریضی های بسیار و خیم زحمت می کردند به پدر و مادر او توجه کردند طالب کمک از دکتران امریکایی شوند.

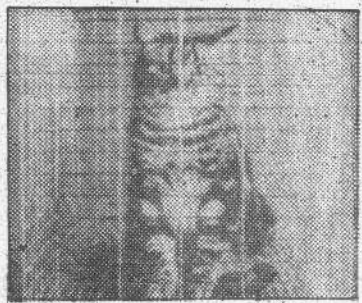
قارن و پدرش در اوایل فبروری به امریکا رفتند و از کمک هایی بهره مند شدند که به منظور مساعدت طبی به آسیب رسندگان زلزله ارمنستان تدارک دیده شده بود. قارن به شفاخانه اطفال در فلادمپس در ایالت پنسوانیا برده شد.

دکترول، وسترمان دهن شفاخانه پسر از معاینه پسر بچه گشت دو انگشت پای چپ قارن را به دست راست او پیوستند. این عملیات که دو انگشت را از پای او جدا کرده و به دست راست پیوسته زدند چهارده ساعت را در هرگزشت، دکتر وسترمان یک و نیم دست قارن را نیز باورید ساژ او تمهیز کرد.

وقتی عملیات بسر رسید، دکتر متوجه شده خون در بخش تازه پیوند حورده جریان ندارد و چندین ساعت دیگر برای جریان دادن خون صرف شد. این عملیات بسیار مغلو نیز مایکروسکوپ انجام شد و نتیجه آن قناعت بخش است.

قارن یکی از ۳۸ طفل ارمنی است که برای تداوی به ایالت متحده فرستاده شدند و با این احساس معجزه سیامگدان از دکتران امریکایی به وطن بر میگردند که خوش هایش را به او باز گشته اند.

ازهرده پیشک اروپایی، یکی مصاب مرض ایدس است



دانشمندان آلمان غرب تخمین می کنند یکی ازهرده پیشک اروپایی یکی مصاب مرض است که شبیه ایدس میباشد. پیشک یا معمولاً این مرض را از حمله به یکدیگر میگیرند. ماهیان هارزینت بروفیسور هالنندی میگوید تا چهل درصد پیشک ها در اروپا این مرض را با خود انتقال میدهند اما این مرض به انسان سرایت نمیکند. آزمایش روی انسانها به یک با چنین پیشک ها در تماس بوده اند ثابت میسازد که آنها دچار این مرض نشده اند.

پولیس دریایی سگرت کشان

مقامات مانه لاد در محلات عامه سگرت دود کردن را ممنوع کرده اند و ۲۰۰۰ پولیس فلپین در تعقیب آنان گماشته شده اند که مقررات را نادره بگیرند، و اگر چه چنین شخصی بدست پولیس میفتد از ۲۰۰۰ پیوسته دالر جریمه داده روز زندان، جزا خواهد شد دید.

طبق این مقررات هیچ شخصی اجازه ندارد در سینماها، همها های شهری، رستوران ها، هتل ها، مکتب و دفاتر رسمی سگرت بکند و اما مخالفین این اقدامات داهیل میاورند به غیره و مقامات مانه لاد اولتر گرتش موتوهای بهزلسی میخی پس را ممنوع میگردند که ستونهای از دود غلیظ را به هوا بلند می کنند و آلودگی محیط را بازمی آورد.

لیزتا یلورا با قانون گلا ویز شده

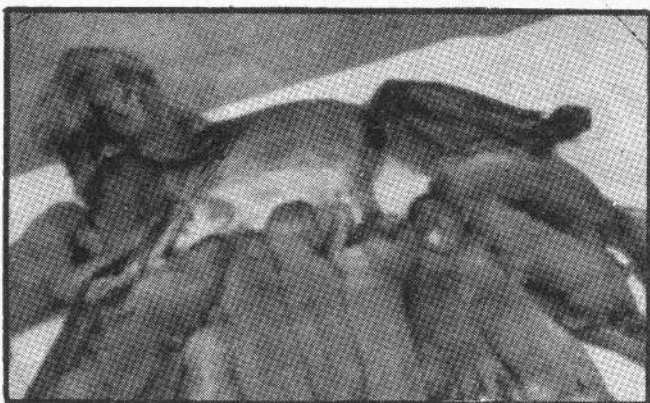
مایکل ویلینگ جونیر، پسر لیزتا یلورا با اصرار به عدم بازگشت به سرش به انگلستان حکومت ایالات متحده را به چشم آورده است. از دست داد. سناتور جان ورنر، شوهر پیشین لیزتا، میخواست از مقررات مشخص مخدر گردید. بود خود که از قوانین سختگیرانه این حکومت، طبق قانون امریکا بیامون مهاجرت طافه رفته ایالات متحده، سبب می شود که است زاین امر منجر به ایحسان وی حق سکونت دائمی خود را در سرودهای در آن کشور گردید. آن کشور از دست دهد.

بخطرات جلاوگیری از قمچین کاری پدرش را کشت

در ایالت میسیسیپی آمریکا، متعلی پدرش را به قتل رسانید که میخواست او را نسبت اخسند نمرات خرابش تنبیه کند.

مسئول بخش رکی بانکر میگوید: والدین این پسر بخاطر تنبلی و اخسند نمرات پایین او را ملامت کردند و پدرش خواست او را با کمر بند ی لت و کوب کند، اما حاجی دانیل ۱۷ ساله پدر ۴۴ ساله اش را - پیش از توسل به قمچین کاری با ضرب گلوله از یاد آورد.

قاتل به انتظار محاکمه در زندان به سر می برد.



عادی نوعی نماید و در تداوی و تربیه این نوزادان مالک آن توجه جدی میدون داشته و تحت نظر داکتر جوانان تحت معالجه قرار دارند. سیتلوریتا بعد از دو سال نوزادان را بدنیآورد.

یکسک ایرلندی به اسم سیتلوریتا در اوایل بهار ۲ نوزاد را بدنیآورد که رحمت عمه نوزادان خوب میباشند. خوردترین نوزاد که وزن آن از عمه نوزادان کم است به نیامیباشد که بحالست

خانه جی هسا

تهیه کننده حسن نیر

آتش سوزی در ستدیوی تلویزیون میسور ۲۰ نفر را هلاک ساخت

حین فلمبرداری یک سریال تلویزیونی در شهر میسور هند، آتش سوزی ۲۰ نفر را کشت و ۲۵ نفر را زخمی ساخت.

آتش سوزی در ستدیوی رخ داد که سنجی خان، هنریشهر دایرکتر، سریال ۵۲ قسمتی (شمسیر تپوسلطان) را تهیه میکرد، علت حریق هنوز معلوم نشده و سنجی خان به نسبت حراحتیکه برداشته در بیمارستان بستری گردید. همکوران گفتند که خطری جدی زنده می آورا تعدید نمیکند.

قرار بود این سریال از ایرسل آیند و در تلویزیون هند به نمایش گذاشته شود. در این سریال سنجی نقش تپوسلطان، پادشاه انسانوی قرن ۱۸ را به عهد داشت.

از هر یک

اکیهیت و سالیانه دو میلیون دالر

میگیرد



اکیهیتو، امیراتورجدید جاپان سالانه ۲۵۷ میلیون (معادل ۲ میلیون دالر آمریکایی) به عنوان معاش دریافت خواهد نمود. این درست همان مقدار پولی است که پدرش هیرو عیتو بدست می آورد.

انژون بران، ۲۵ میلیارد (۲۰ میلیون دالر) دیگر هر سال به صیغه مصارف دربار به وی پرداخته میشود.

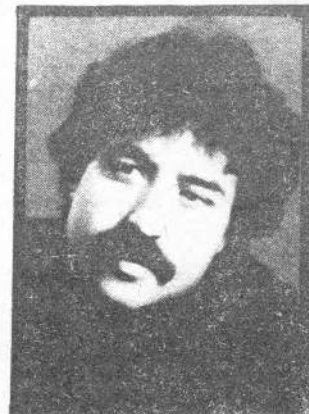
سه حیوانات از خود حقوق دارند

اختلاف نظر درباره حقوق حیوانات نهاد است و سازمان و اشخاص اصلا ذهن زمینیه چیزی نهادند.

تعداد نهادی به این عهد اند که تجارب فراوان به شمول غیر انسانی روی حیوانات صورت میگردد که همواره در هر کجایا سحر های علمی بهمنصور بهبود زندگی بشر نیست. آنها به ضرورت رفع شرایط خرابی که این حیوانات نهادار میشوند و نیز قطع تجار و روی حیوانات مذکور تاکید دارند و میگویند همه حیوانات به نهاد این اصل ساده که زندگی بدون توجه به اینکه چگونه میگردد، زیبا و دلپسند است حقوقی دارند. بحث انسان این وظیفه ماست که زبان این بی زبانان و نگهبان این بیگناگان باشیم.

از گپ های که ما خبر شدیم

آیا معشر لاف زده نبود؟



دهد، که این حرف به اصطلاح به رنگ نیرت یک عده دیگران نوازنده گان خورد و بیرون بردند بالایی معشر در تلویزیون که چرا چنین گفته ای، معشر در و ساره در مباحث خود یاد رفتن جوانان گت: حاج معشر سابقه بد هم و شرطی عم نام منو بر اینکجه اگر در مسابقه بره از من نبود پنجمه هم ارادتانی می خواهم، اگر با حتم می بردن، کسرت مسابقه حاضرند مسرت را بید بود.

معشر سیم حاضرند و گت منتقم معشر واحد مسابقه نهدن من با برنده مسابقه، دست و پنجه نرم می کنم.

وقتی از معشر پرسیدم، حالا سخن از چه فرار است؟ گت: گمشکو بیاد رشت ای گپ نگردد که بوی خون از منی آید و من ندانستم آیا معشر به اصطلاح لاف زده بود؟ طرفش جندی بود؟ و بالاخره معشر سخن کیست که به گپ خوب مردم ما قاپو داده نشست تا بگوید که عیچکدام آن ستار نواز نیست جزمی! به عزمورت قبول معرب: باد شوه باران نسوه خدا مراد خوشه چین بته، و ما و ما هم که اگر ستار علاقه دارم یک مسابقه جالب دیدنی راتناشا خواهیم کرد.

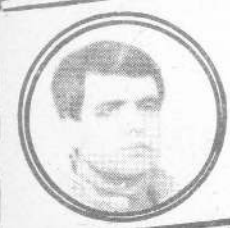
صد قسم برای یک بوجی آرد

نور سیاه سنگ منایل نقلیه ار دو نزد یک دکان لالا غفور بیروسیا در عجیبی بود، مرد بچم پشت سر هم نس میخورد که خدا به قران به آسمان، به زمین یک بوجی آرد از ماه آبرو شخصی عم میگت از برای خدا چرا تا حق نس میخوری، هر نس بوجی از از ما اس که همین چند لحظه قبل از موتربایس کردم و از هزار نس با خسته آرد، ام میوام تارته نسوه منزلت بیس، زیرا موتریکه بوجی

هارا آرد همینجاتی خالص نمون، منتظرین، موتریکه بوجی قسم اما آن معشر نس و قران میخورد که (بالا سره کت) این بوجی از خودم است و توچار بوجی را به بخلوبین بایب کورنی، خلاصه به میانگیری یک حاجی موسفید به آن معشر گتند تو حاجی سرتی دست را بالایی بران مجید بگا. رب و نس بخوری که این بوجی ازست! گت بلی من حاضرم و چنین کرد. آن مرد بیچاره از بوجی آرد را در موتریک

شما هم خبر شوید

تعبیه کننده: احمد غوث زلی



حالا که پرسیدید پس بخوانید!

انیمه محسن بوهنخی و تزئین بوهنخون کابل:

شاد به کارمند محمی یکی از شماخانه ها: س: آیا ساریان سخت خود را باز یافته، یا در ستر مریضی فرزند دارند؟ ج: ساریان به گفته شما کارمندان جی، شریان مغزی کفانده و با تا س از سرت راست بدن فلج بوده در ایار. معاش در ستر مریضی فرزند دارند محمد سرف از لیلان چغان، نود هائیلی خیرخانه مینه: س: چرا بعضی از معترمنان عتگام بسنگ در تلویزیون مسی لرزند؟ ج: آنان نمی لرزند، حتما سرف خود را نبینند.

شیشه تلویزیون شمالی است یا چشمانتان نقص پیدا کرده، حتما به داکتر دندان مراجعه کنید. گلای محمل ژورنالین: س: برنامه عسارویک گپ تلویزیون که متواتر هر شب سسر میشد چه شد که یکی و یکبار نشراتش دسغ شد؟ ج: این خود یک گپ از هزار گپ است! سیمین از مکروریان س: س: خبر شدیم که سیمیا ترانه پنج انگشتش سوخته چرا؟ ج: کسی گفته بود، سیمیا

جان ترانه علاوه از اینکه هنرمند خوب آواز است پنج انگشتش شش چراغ است، علت سوختن درین است. فریده کارمند فروشگاه بزرگ افغان: س: خبر شدیم که حاجی کامران بازم صاحب فرزند شد مبارک است، میخوایم بد انیم چند بچه و چند دختر دارند و چند ساه هستند آیا بازم می خواهد فرزند داشته باشد؟ ج: حاجی کامران صاحب یازدهمین فرزند شد که دختر بقیه در صفحه (۸۸)



آوازخوان، کمپوزیتور شاعر، ورزشکار، نظامی رابورسور، نویسنده و بالاخره مترجمان است بدین

اسد بدیع از طبابت دست می کشد

نور اسد از طبابت کناره گیری کند. وقتی این شایعه را جایی شنیدم، گتتم پس اسد بدیع چه کار خواهد کرد، کدام کسار بگیرم نمانده که سرفاس برود گتند نماید به نوع خلق - الله تدا مرکز ترانسپورتی شهری رایا استرات چندین تن از تجار ملی - این نماید و با نماید عم میوان اولیه ترس برز معضه بریان را تعبیه نماید باران ترانس رز هتوز برساند و با م کدام کسار نیب دیگری را نمایان نماید. ازندان چند روز پیش از آنکه در همایز دای را بدیدید

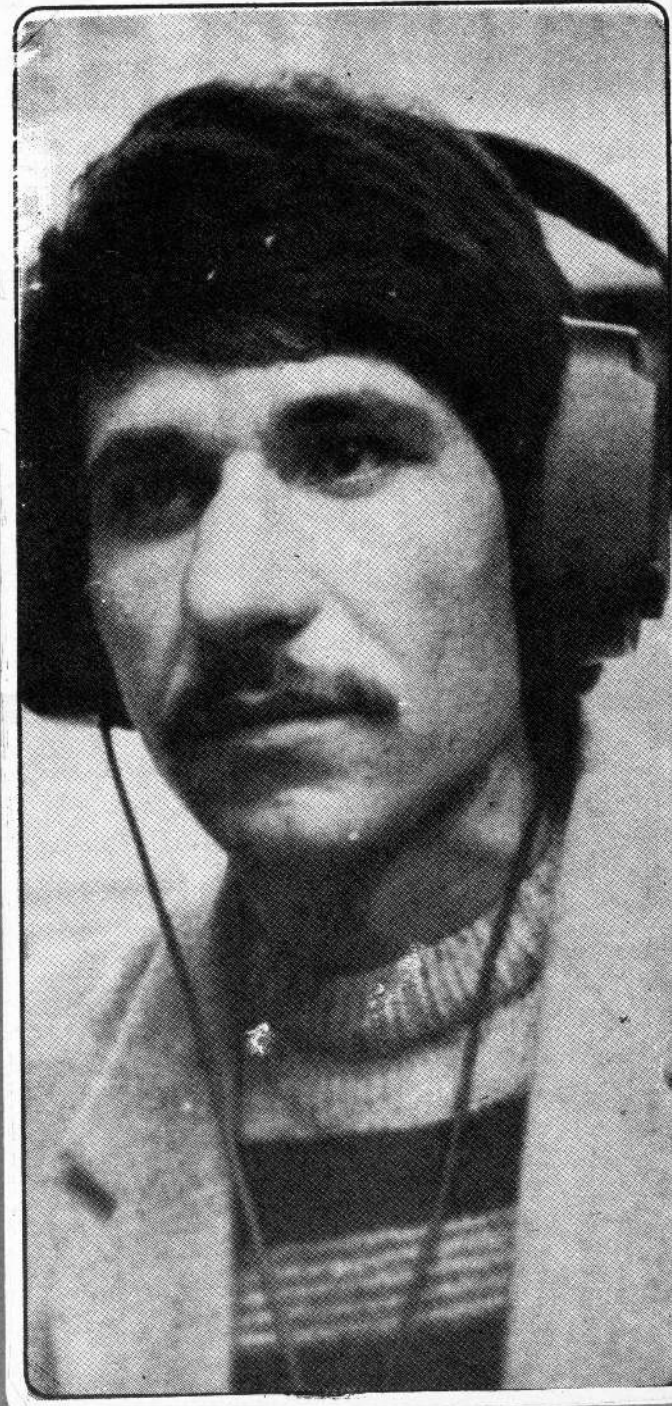
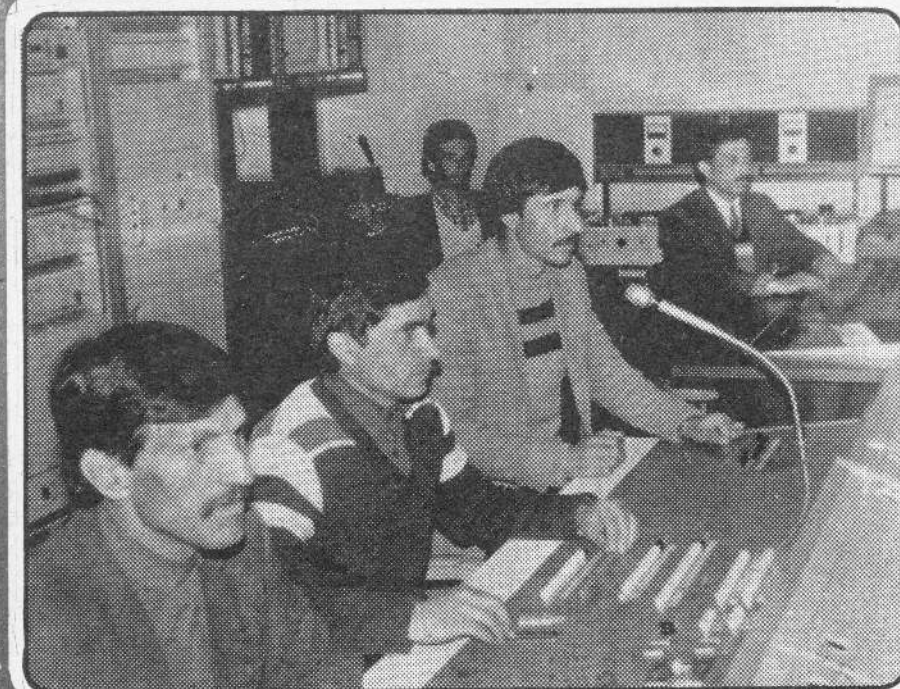
تلویزیون دیدیم که جهت گرد اندگی برنامه سفینه رادیویی آمده بود، غمسه موسیفات شایعاتی را که در مورد او شنیده بودم برایش فعه کردم که بعد از شنیدن و تین بسیار آرام و شمرده گت: زلی جان همیشه این حرفها درع است تو باور نکن گت من که باور نمی کنم خدا کند خوانندگان عزیز هم باور نکنند خدا بدید و گت دست اختیار - اری و من برایش فعه ای کردم ازین فرار میگویند شخصی بود که فکر میکرد نامه گتیم است، اورا دست تد اوی به اساینگاه می بردند و بکتور - ان مجرب روانی اورا تحت معاینه قرار دادند و زیاد زحمت کشیدند، رزب نکتورمو شرف اورا سزد خود خواست و گت: بران رتواگر نامه گتند نیستی، توبت سرف دستت یک مرد کاملاً عسار بی وضحتند از نناه طبابت، تو میتوانی عروس کنی و با صاحب اولاد و نواسه شوی، تو میتوانی صاحب یک خوبی باشی و همه مردم خدمت نمایی. بازیس جمله حرفها مرید یاد رفت خا سسخندان نه کتور اسد بدیع را خبر به وی گت: تشکر دارم اما صاحب من هم قبوس می کنم که من دیگر نامه گتند نیست اما خدا کند که مریدنا برین گتند.

مجله ناولوژی

مناصبه از اسد بدیح

سی از یک دهه

گفتگوی بانجیب ساکب ژورنالیست نویسنده و دایرکتور مستعد که از هفت سال به این سو برنامه ناولوژی مجله را تهیه مینماید



بایک تابلوی نقاشی از تیشه های طبیعتی - با الفقه در برنامه گنجانیده میشود تا از این رهگذر نیز در تظیف ذوق بیننده های خود سعی داشته باشیم، چنین برنامه بی طرف توجه و علاقمندی تشریحات از بینندگان تلویزیون هست، چون مجله تلویزیونی در جایگاه یک برنامه اختصاصی هنری - ادبی در سطح نسبتاً بلندی ارائه میگردد، بنا بر این بیننده های برنامه نیز در برگیرنده تحصیل کرده کویاز صنف یازدهم مکتب الی بالاترین - سطح دانشی است که البته هر بیننده بی با در نظر داشت اندازه آگاهی و علاقمندی خویش میتواند به نسبی با پرداختن های برنامه، موافق شود.

س - در سال جدید چگونه مجله بی راهبرای تلویزیون پیشین هستید و آیا حالا کدام کنی و کاستی در آن اساس میکند؟

ج - تصمیم داریم این ساله را با بیننده های مهربان برنامه ام درجهان بگذاریم، یعنی با راه اندازی یک همه پرسشی از طریق خود برنامه هفت اتو ارسال بقیه در صفحه (۱۱۰)

تان باشید، کدام بخشها را بیشتر می پسندید؟

برنامه مجله تلویزیونی یکی از برنامه های اختصاصی تلویزیون است که در سطح بلند هنری ادبی انتشاری باید، طبعاً این برنامه بنا به ضرورتی ایجاد شده است و اهداف مشخصی را دنبال میکند، در گام نخست این برنامه با اشاعه بخش ایجاد مختلف هنرهای مختلف و جهان جنبه های فرهنگ کشورهای مختلف پردازد، مطالب مجله تلویزیونی انکسوسه معرفی و شطاسی هنری فهم کلی و عام آن به مثابه یک نیاز حتی عاطفی و روانی انسان - اتکا میکند و از جانی دیگر، به تحلیل و وارنهای فواض و جواب قابل تامل آن، دستی یازد، تا بدینوسیله ضرورت وارزشمندی هر هنر را برای خود، با زتاب داده باشد، یکی از زمینه تین اهداف برنامه، پیش کشیدن موضوع ((پرویش هنری)) است آهنگهاییک در برنامه برگزیده میشود به همین هدف است، یعنی خویشتن آهنگ ها، در جایگاه یک اثر هنری - مستقل - مثل یک پارچه شعری

هنری اما با در نظر داشت محدودیت های فراوانی که در برابر خود داریم، در زمینه پرویش، صرفاً مستتر حکم فرموده ما من همکاری همراه است که لازم حدائقه ایش سپاسگزاریم کم.

و اما در زمینه نوشتاری ارسال هم برنامه بدینگونه مسئولیت برنامه، کلا بدوش من گذاشته شده، علاوه بر نوشتن بخش های درسی، بنا بر عدم موجودیت نهی شده، پشتو در اداره، سا نهی شده بخشهای پشتوئی برنامه را نیز به شکل ناگهانی انجام میدهم.

در گذشته نهی شده گان - دیگری چون شهره داء، زین انیسو، و اکبر کرگر (در بخش سخن هفته) منزه آسوده و اصف معروف نیز با من همکاری بودند که اکنون صرف مستتر سربرانی همواره برای هر برنامه ام یک مقاله خوب می نهد.

س - حقیقتی وجود دارد که یک مجله به روشهای مخصوصی به یک هر تشریحات خود، تشریحات میکند، آیا مجله شما در کدام خط تشریحات رهسپار است؟ بیننده های برنامه، تان بیشتر بی - کسانی هستند و اگر شما بیننده مجله

۱۳۶۰ تاکنون یعنی مدت هفت سال است که پاتویه، نوشته و دایرکت برنامه، مجله تلویزیونی بارادیسو تلویزیون همکاری دارم کارمن در - تلویزیون، اساساً در دو جمعیت هر، شکل یافته است؛ کارگردانی برنامه ها و نهی شده کسی متین هنری - ادبی.

در بخش دایرکت، علاوه بر مجله تلویزیونی، برنامه کتاب را نیز برنام ((برگها)) اساس نهادم که نهی شده کی و کارگردانی اثرات نهی شده مدهه داشتیم، جدا از آن، دهها برنامه فوق العاده هنری - ادبی و نمایشهای تلویزیونی راتویه و دایرکت نموده ام، البته در حاشیه، از نوشته، سناریوی فلم داستانی ((سهند)) تیاتر تلویزیونی ((طلوع سانه ها)) بخشهایی از نخستین سهال تلویزیونی انقانی، چند داستان و شعر نیز میتوان یاد کرد.

س - کی هادرتویه برنامه، مجله تلویزیونی شما راهگاری میکنند؟

ج - گرداننده گان برنامه، مجله تلویزیونی همانطوریک اصول تهیه آن ایجاد میکند، با مسئولیت و مشکل مهود، انکسوسیت و مشغول در تمام بخشهای فن و

که راه، موسم سندر دوید برتو شده، کارگردانی در همه آنها هست، بازاری ندارد، از اصطلاحات هر، این سلسله گرفته تا بسیاری دیگر از آن ها، فن کار، کلا خلاصه - میشود به چند تکلیک و اصطلاحی (شاید درست و شاید هم نادرست) که از سوی برخی از کارگرداران - غیر مسلکی، تدوین شده است. اما، کارمن و حتی کارگری کهری از دایرکتوران تلویزیون، مبتنی است بر تجاریک حین کار و صلاحیت من آورد، اینجا اصول میزان - مؤقت یک کارگردان بستگی دارد به ابتکار، دید هنری و استعداد شخصی او، که در هر صورت و در همه جا، لازمه، اساس کارگردانی برنامه های تلویزیونی است.

س - تحصیل اصلی شما در کدام رشته است و چند سال است که بارادیسو تلویزیون همکاری دارید، کدام برنامه ها راتویه کرده اید (البته جدا از مجله تلویزیونی) و آیا با کدام ارگان دیگر نیز همکاری دارید؟

ج - من تراکیری رشته ژورنالیزم را در سال ۱۳۵۸ در دانشگاه ادبیات و علوم بشری به پایان برنم و از سال

در تلویزیون، در ایلام داشته های هم جان و پاتویه (روشن سازی هنری)، برنامه (مجله تلویزیونی) یگانه برنامه نفس کی و زنده، هنری ادبی است که صیقل معقول صلاحیت آرایه مؤثر را دارد و بیشتر برای رانفان و رهبران هنر و ادبیات درخور قبول و پذیرش است.

بانجیب ساکب، دایرکتور جوان و آگاه برنامه (مجله تلویزیونی) که خود، انبیا، نهی شده و شامسر است، نوشته ها و کارهای دتسوق هنری - ادبی ایش و صداق نهد صیقل روشنگرانه ایش میباشد، گفت شنودی تهیه دیده ایم که پیشکی شامشود؛

س - اما در رشته دایرکتوری تلویزیون بهر، در زمینه برنامه سازی - تحصیل بخصوصی کرده اید؟

ج - کار در تلویزیون طویبت که معایب و روابط خصوصی در رابطه با دایرکت برنامه ها، از قبل تدوین شده است. من به اقتضای تخصص مسلکی ام، کم پیش چیزهایی در دانشگاه و هم از ایلامی کتابها آموخته ام. اما در تلویزیون ما، همانطوریکه اشاره کردم، بسیاری از مواردی

دوست میدارم و را

قند جویی ، بند جویی ، ای جناب
 هرچه میجویی بجو
 بیکران بحرست ، گزهر بیحساب
 هرچه میجویی بجو
 فارس گویی ، دري گویی و را
 هرچه میگویی ، بگو
 لفظ شعرو دلبري گویی و را
 هرچه میگویی ، بگو
 بهرمن تنها زمان مادر است
 همچو شیر مادر است
 بهر آن تشبیه دیگر نیست ، نیست
 چونکه مهر مادر است
 زین سبب چون شوخیهای دلبرم
 دوست میدارم و را
 چون نوازشهای گرم مادرم
 دوست میدارم و را

مومن قناعت

کاسیر

بلبل به فغان چه کار دارد
 نه که خبر از بهار دارد
 قمری به طلوع صبحگاهی
 جشنی به چمن هزار دارد
 چشمش ز شراب ناب امشب
 پتگرکه چنان خمار دارد
 مردم زنگاه آشنیش
 گلگونه قبا ، نگار دارد
 اندام ظریف و نقره فامش
 بردل هو من شکار دارد
 آید بیم ز راه شوخی
 حیف است به غیر نظر دارد
 صید کشته بود و بناز و رامش
 خون شهدا ، وقار دارد

مشوش

من مرغ اشم
 شب را بزیر سرخ بر خویش میکشم
 در من هراس نیست ز سردی و تیوه گی
 من از سپیده های دروغین مشوشم
 سیاوش کسرای

این شیشه ، دل ز سنگ روزگار
 نشکست ولی غبار دارد
 پژمان شده اسپیر زلفش
 صد همچو منی بتار دارد

بچه دیور

داکوشی ستا بر سپین مخ خوری وری شوی
 که ز ما بر سیاوون تیاری خوری شوی
 ستا دسترگود خیال سیوری چی بری ولوید
 پرورشوی دارمان توری تیاری شوی
 ستاد بزند و گنو تکه نه وه ، خه وه
 ورسره می چی اسری خاوری ایری شوی
 درسی شوی دادی خیلی بنییرا گانی
 نه چی زما دعاوی تالره بنییرا شوی
 چی ترکی تلی ستا دادا گان
 هغه لاری زما ستا تر منعه پیری شوی
 دمانام له تیکی تیخ دهلال ووت
 د هسک مورگی د شفق به وینوسری شوی
 چی ورتل به سرولمبو لکه اور بنستی
 به هغو بلهارو لکی هد پیری شوی
 چی د مینی د محفل بلی لوی وی
 خاورو لاندی خه بنایسته نیگی خیری شوی
 بیا به و سپری رسی د سرو رید یو
 که به سرو وینو خرویی می میری شوی

پوهاند زیار
۶۷۲۲۲

بچه تو در کجاست

فسرده روح مرا با گل و بهار چکار
 ز نو بهار چه گویم به لاله زار چکار
 بین زکان طبیعت به که سار سبزه
 مرا به دشت و دمن بی تو گلزار چکار
 ببر کنسید ، چمن جامه ، نگارین خوش
 مرا به گلشن د بیای مرغزار چکار
 صبا نسیم تو آورد طرف لافه ، من
 جد از وادی عشقم به جو بیار چکار
 د مید صبح بهاران رسید وقت طرب
 مرا به بیک فریبند ، خمار چکار
 فغان و ناله ، مرغان خوش ترانه شنو
 مرا بی باغ و به گلگشت نوبهار چکار
 بیا که شوق رخت در دل جوانه زند
 قسم به تار دوزلفت به شام تار چکار
 د رخت و باغ و چمن بین چه جامه زین
 مرا به سپروسفر سوی گل بهار چکار
 خروش موج بد ریاحه مستی هادارد
 شکسته شیشه ، قلبم مرا قرار چکار

مته، نیت

گرتویند اري دل م را حزتو یاري هست . نیست
 یاغم را غیر مهتر نمکساري هست . نیست
 گر بگویم سینه از دست تو بر خون نیست . هست
 وری برسی گرتو در خاطر نمباري هست . نیست
 گر کسی گوید که درد دنیا به دوش زنده کسی
 سخت و سنگینتر زه جریار یاري هست . نیست
 بیش تیرت گر بگویی دیده برهم زد . نـزد
 چشم مست را از این دل به شکاري هست . نیست

غزل

ماد خپل سرویش خکلی دی به دی کوخه کی
 به مائل کانی وریدی دی به دی کوخه کسی
 به ما دینس او وفا زیادنی ولسی کوی
 تامل خندلی مائزلی دی به دی کوخه کی
 ستا به غضب غضب کاته نوي خبره نه ده
 داسی می دیر دیر خه کتلی دی بعدی کوخه کی
 سترگی خمار شوندی مسکی انگلی ولونه ولسونه
 خه خطرناک قاتلان بنگلی دی به دی کوخه کی
 ستاد بهار بهار بخوانی شراب به جا وری ی
 مائل د هجر زهر خنلی دی به دی کوخه کی
 توتی توتی کچکول بی مه زاری دژوند ملگرو
 سائل د زره توتی شیند لسی دی به دی کوخه کی

ابوالقاسم لاهوتی

دخوانی گلونه

زیاد مینی بنگلی بنگلی پسانسی
 چی د سپرلی بنگلایری بیه بنگاریده
 به مومرینولپچو خوب ته بی سرنه تیتاوه
 د بپشتی عظمت نینه بی
 برته خته کی وه
 دغه غرور بی د بپری بیرونو
 مات نه شوکر ای
 کره صدقه بی له زلفانو
 دخوانی گلونه
 خودغه تورماران بی
 کله د غاری امیلونه نه شول
 چایی دیانور زیدل
 به شپه کی ونه لیدل
 به جوانی برگ مینی
 د جاخماري نازینیی سترگی
 باندی نمجنی نه شوی
 خودخوانی گلونو
 د جانا زکوبینوته
 باسته فرشونه جور کرل

رحمت شاه سائل

پروانه ها

پروانه های پروانه ها
 پروانه های خوشنما
 پروازتان بس دلنشین
 بر آسمان و بر زمین
 کالای خوشترنگ شما
 رقم شما، جنگ شما
 روی گل و روی چمن
 روی علف های دمن
 مستانه بال و پر زید
 بر روی من بر پر زید
 گفتم بگیرم بالکت
 آن بالک خال خالکت
 از دست من گشتی رها
 رفتی سوی تخت هوا

رازن روپین

قتیل خور یانی
کابل ۲۰ مه ۱۳۶۲

شبه

شب التیام زخم تن تاب دار خویش
 در شام تار طرز صدایش نخواند است
 اما
 زلفان تار دختر شب
 روی ماه را
 در چنبر طلسم سیاه کشید است
 اری !
 شاید که زنده کسی
 یک انتظار دخت شب خوابدید ما است

حمید مهرورز

برادر خدا

دست بر از نیاز من و بارگاه تو
 آه ای خدای من!
 چون شاخه های خشک درختان
 در آستان درگه * تو با کمال عجز
 از فرط یک نیاز
 سر بر کشیده از تو طلبگار حاجت است
 دستم تعی مدار
 آه ای خدای من!
 و این قلب من که جایگه ذات پاک توست
 و اینسان غمین مدار
 هرگز رواندار خدایا که قلب من
 در این زمان که اوج جوانی زنده گی است
 از غم بمیرد و شود خالی و تنه
 هرگز رواندار خدایا که چشم من
 در شمری فروغ جدایی شورسپاه
 مرضیه عدیل

شهباز

هر شب که آسمان خیالم درین دینار
 با چلچراغ روی تو چون روز می شود
 هر شب که دست باد از آن سوی کوهها
 بوی تراب کلبه ای من می براكند
 من، لوح خاطرم:
 با قاف قامت تو،
 دل انگیزی کنم
 با یاد پادشاه تو،
 شهبازی کنم
 محبتی "سوزن"

لیون

د عشق زخوره شول لبه لیون سی
 تو رو تباروی شول د یوه لیونی
 میگی خود د نه هدا روکی ناخسی
 بگی د یوه نه دی هغه لیونی
 د اچی بی د ریغه بری قدم زدی آشنا
 کلی گی نه شته دی بیوجه لیونی
 د عشق په توری به د ا روه بحر وی
 کله کوی جاته سجده لیونی
 زهیز به کوریه لبی پلی وی لا
 ترخوچی پاتی وی د ا (دوه) لیونی

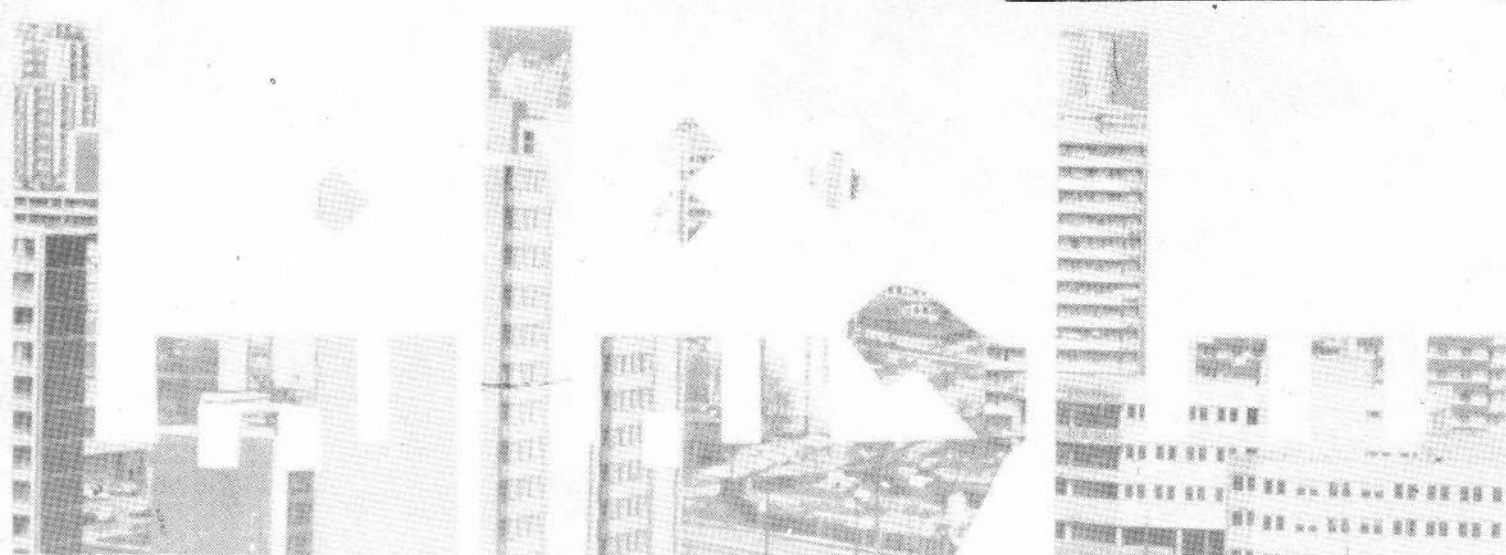
السمعیل

شبنم پاک سحر

واضح باز میانند
 نشان شیخ اندامت
 به دیوار دل پادم
 که می آیی به سوری من
 به دیت اپری صفا
 و یاد ستان البرزانی
 خدایا، نه، چرا سر زان
 که شیخ است این که میزند
 نه دستان سید مریم تو
 تو در شمر سکوت و خلوت خواب سحر گاهم
 مثال شبنم پاک سحر گاهم
 در آغوش تراوشم
 که جوان د ستاهای کودک شیخ چمنزاران
 به رویت باز میگردم
 ارسالی: محمد اسماعیل برهان اندالی

بهار و بیا

یک عصر تو بهار
 من باشم و نگار
 درختان شکوفه بار
 بازان ریزه ریزه وهم مست و بیقرار
 من با ادب بوسه بچشم زلف او
 او از رواج ناز شود سرخ و شرمسار
 وانگه بجام چشم اوستای من بنبار
 یک عصر تو بهار
 من باشم و نگار
 (لومان) تویی خنار
 ارسالی: محمد طیب (لومان)



سربلای آسمان میزنند

ساختمان ها و مزارع سرسبز
فلك كشيده در جهان آنقدر نهاد
نمست • مزارع آسمان خراش از -
همان آغاز مورد تعجب و حیرت مدتها
زیادی مردم میشد ، این نوع معماری
نشاندهنده اوج ترقی تختک
دین هیا آن مرحله تاریخ است •
در آغاز چنین مزارع یک چیز
کاملاً لوکس حساب میرفت و ملتی که
آنها بنا نهاد ، نبود به آن افتخار میکرد
ولی امروز مزارع آسمان خراش نظر
به ضرورت اعمار میشود ، کمبود مسکن
، کوشش برای داشتن مراکز بزرگ -
خدماتی و ادارات دولتی از عوامل
اعمار چنین مزارع سرسبز فلك كشيده
میشود •

تا امروز با برج ایفل پیوسته است حتی
انسان امروزی از دیدن این هرم -
دست تحریر به دندان میبرد •
انکشاف واقعی ساختمانهای
بلند از زمان گوتمک آغاز میشود •
دین زمان در تمام جهان کلیساها
و اماکن مقدس که باید بگفته نشود
در عرض و طول ، بلکه در ارتفاع نیز
رقابت مینمودند ، اعمار شدند •
کفایت میکند که کلیسای پتر مقدس
را در شهر رم که ارتفاع مناره آن به
۱۳۳ متر میرسد مثال آورد ، هم
چنان باید از قصر گوتمک در شهر
کولن آلمان یاد دهانی کرد که
۵۷ متر ارتفاع دارد •

بها دگاره های تاریخی همگون در
زمانهای بعدی رومانتیزم و کلاسیسم
نیز در پیروی ، ولی همان آمدن برج
ها ، آنتن ها و آسمان خراش های -
صوری با استفاده از تکنالژی جدید
بستگی مستقیم دارد •

اولین برج فولادی با ارتفاع
۳۰۰ متر که مدت نهادی در جهان
بگانه برج از نوع خود بود ، برج مشهور
در شهر پاریس است که همه ما آنرا

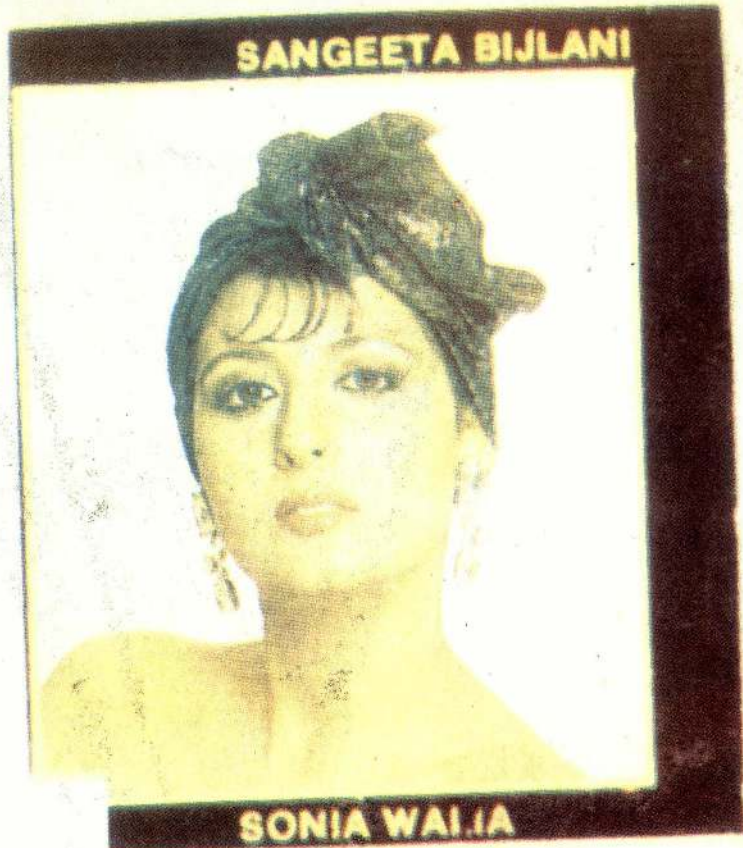
نبر نام برج ایفل پاریس می شناسیم •
این برج طی مصل مجالی بمناسبت
تعیینگاه بین المللی در سال
۱۸۸۹ افتتاح شد بنام مهندس و
طراح آن گوستاف ایفل منسب شد •
این برج به جز جدا ناپذیر پاریس -
تبدیل شد و در اکثر نقاط جهان -
مادل های این برج گایی و اعمار
شده است •

بکار در برج ایفل مدت نهادی -
شکستنده شده ، بالآخره در سال
۱۹۳۰ زمانیکه در شهر نیویارک آسما
خراش کولمبیا بلدیگ (CHURCH
BUILDING) که ۳۰۶
متر ارتفاع دارد ساخته شد ، بکار در
برج ایفل نیز شکست • بعد از مدت
نهادی مقام اول را در داشتن ساختن
های بلند منزل نیویارک کایی کرد •
مزارع امپایر سٹییت بلدیگ

(EMPIRE STATE
BUILDING) این مقام را برای -
نیویارک گزینش کرد ، این ساختمان
بدون آنتن که بالای آن نصب است

۳۸۱ متر ارتفاع دارد •
آنقدر زمان دیر می گذرد که -
ارتفاع فوق راسختمان دوج مرکز
جهانی تجارتی (WORLD TRADE
CENTER) که ۴۱۲ متر -
ارتفاع دارد ، نیز گرفت • ارتفاع -
۴۱۲ هنوز هم نتوانست به بلند -
تهن ساختمان جهان که در شهر
شیکاگو واقع است برسد • ساختمانی
که در شیکاگو واقع است دارای -
۱۱۰ طبقه (منزل) بوده و ۴۴۲
متر ارتفاع دارد • این ساختمان بنام
SEGRS TOWER یاد میشود •

در طولی ساختمانهای بلند
منزل ، آنتن های پخش امواج رادیو
و تلویزیون به ارتفاعات بلند تر اعمار
شدند •
در سال ۱۹۶۴ ارتفاع ریکوردی
را برج تلویزیون شهر توکیو که ۳۳۲
متر داشت به دست آورد • این برج
بقیه در صفحه (۷۴)



SONIA WALIA



از دنیای مود

تجزیه و تحلیل



حرف‌هایی از دومودل معروف

تا زمانی که فلم

((خون بھری مانگ)) به معرض

نمایش قرار گرفته بود اندیشه ((سونوالیا)) به شابه طلوع و غروب آفتاب آنگذہ از سایہ خاور و شبی ہایبود ، گا ہی تھیں امید زمانی توام باد لھرہ جاس ۔
برای آنگہ قبل از این فلم ، در فلم های ((تیر - شہرین)) و ((آگوش)) نیز ظاہر شد ولی شعری از ککار خود نگرفته بود ۔

وقتی اوراد در ((پانسوتی)) که زنده گی میکنند ملاقات کردم در برابر پریشی گت :

((بدون تردید فلم ((خون بھری مانگ)) برای - ثبوت اہلیت هنری من ، وجہ تعیین کنندہ میسی داشت)) ۔

ایمعدانک وقتہ کوتاہ ، بہ دنالہ حرف ہایش افزود :

((خوشحال استم از اینکه ((راکش روشن)) در فلم خود برایم فرصت کار داد و ما این زمینہ سازی، شناختی بین ما پیدا آمد و موقع یافتن نامردم برای ہنر و استعداد ام تہمتی قابل شونہ و از نمایش فلم بہ اینسوہ روزی رابہ یاد ندارم کہ زنگ تیلفون بہ صدا نہاید و از کارکرد - موقعیت آمیز من حرف ہای تازندہ برایم تہیک نگیند ۔

عدہ میں راعتہدہ براین است کہ ((راکش روشن)) کارگردان فلم ((خون بھری مانگ)) ازمن بہ شیوہ نا - جایزی استفادہ کردہ و کارحوش شنا با لباس های

((سکسی)) مرابہ انظار جلوہ دادہ است ولی اقتصاد من این است کہ اگر در کارحوض شناہ لباس شنا رابہ تن داشتہ ام کہ بہ مقتضای صحنہ فلم است این چه گناہ کبیرہ است کہ از ان حرف نامی بافتند ؟

آیا توجہ یک بہتندہ این است کہ در کارحوض شناہ دخترن با لباس سوراخ ستور جا - رشود ؟ ایادرمحل - شناہ پوشیدن لباس شناہ امر کاملاً طبیعی نیست ؟

اگر کارگردان مراد در کارحوض شناہ با لباس های

کہ ((سونم)) در فلم ((وچی)) ظاہر شدہ است و ارد ہکرت بدون تردید این حرکت کارگردان از لحاظ ہنری جغای بزرگی بود کہ برمن تحمیل میشد ۔

در فلم ((آگوش)) نقش نیک خنومند بہ نام رسیدہ میں رامتعدہ ہونم ، نقش نہایت پرا زوا مض و ایادامات بود ولی کارگردان ، مرایشوہ کار را آموخت و مرا خوب یاری رسانید ۔

در فلم ((تیر شہرین)) نقش کوچک داشتہ یک فلم ہنری بود و در تلویزیون ہم بہ نمایش گذاشتہ شد ۔

((سونوالیا)) در فلم های نہادی ، در نقش های مختلف ظاہر میشود ، در فلم های ((جین داتا)) و ((مہاسنگرام)) یا ((ادیتہ پنجولی)) و در فلم

((نمیری ادھی)) با ((متھن چکروتی)) در فلم ((ستروسنسر ۴۲۰)) با ((راج بھر)) ہمبازی مہاشد ۔

منافہ براین ، یک عدہ از فلسازان جنوب ہندوستان نیز رغایت او را برای بازی در فلم های جنوب حاصل کردہ اند کہ وی صمغانہ و عمدہ همکاری بہ آنها دادہ است ۔

در این بارہ اوصوف ہایی دارد بہ این تحصیل : ((من عجلہ میں ندارم کہ دہل ان بہ اوج شہر

برسم ، برای تسخیر و تصاحب این مقام تامل و شکوبایی فراوان دارم ، برای تعدد قرارداد بازی در فلم ها ہم دلچسپی فراوان ندارم ، از اینکه ہمبازی من

کہتہ ، بسیار نمی اندیشم ۔
برایم بسیار ہی تفاوت است کہ در نقش مقابل من کی قرار دارد ، مثلیکہ قبلہ گتم در فلم ((تیر شہر - میں)) در برابر ((مارک نیبر)) و در فلم ((آگوش)) مقابل ((اکبرخان)) و در فلم ((مہادیو)) یا ((ونودکننہ)) ساشر بہ بازی شدم ۔
من بہ دراست و جرات این موضوع را تہیید میکنم کہ بہ خنومندان نام نهاد ولی نامدار درگز تکیہ تن نمایم ۔

حالی کہ ((سونوالیا)) دروازہ کاروبار مود را بستہ و در نمایش لباس ہا - ہ نمیگیرد ، خودش می - نهد :

((موقعیت کتونی حکم میکند کہ بعد ازین سینما و خنومندی مرکز تمام توجہاتم باشد نہرا نقش راکہ در فلم ((آگوش)) ایذا نمودہ ہونم ریح معرفتہ قناعت بخش نبود و حالیکہ فلسازان معروف بہ من چشم امید دوختہ اند لہذا من ہم تنس های فراوانی از خود نشان دہم)) ۔

در خنومندی دنیای مود و فیشن ((سونوالیا)) عکس - العمل خود را اینگونہ تہازم مہدہد :

((اگر پیشنہادی در مورد نمایش لباس برایم ہوسد رذنی کم مشروطہ براینکہ طبع و نحوہ نمایش قابیل

تاجهان سینما

سونووالیا و سنگیتا بجلائی چه میگویند؟

توجه باشد تصمیم گرفتیم بهر نوع پیشنهاد سونووالیا
هم نیک و لو که از احساس بولی، قابل توجه می باشد))
«سونووالیا» از آسانی که در عیان آوازه های
نیاسا می گویند، در یوگون داشته میگوید:

((نمیدانم چو آمده بی به عزتنامه و دیگرگون من
اعتزاز می نمایند، تردید ندارم که در لسان انگلیسی
مهارت کم تغییر دارم ولی نباید انکار کرد که از آسانی
صحنه اردو دهندگی هم بهره و فنیتر گامی دارم، روی
این اصل توافق نیکم به انتقاد آسانی که عقیده -
ندارند، اردو را به شیوه آمیخته با انگلیسی اداسی
کم صادر میکنند بقاد آمیگ دارم.

اعتزاز میکنم که حضرتان جهان مود به دنیا
سینما حال از اشکال نیست ولی این ادما درست
نیست که میگویند مود را لباس هاتراندندری هنر
ندارند))

((سونووالیا)) که از کار روزنامه نگاری حاصل
قام ((دختره نند)) پیوسته به ترقیات قابل آمده
میگوید: ((والدینم در هر قدم مشور کارهایم بودند
به استثنای شمول در کارهای هنر سینمایی، تا آنکه
سوانحار آنها را تمنع دادم و رعایت شان را در این
مورد حاصل کردم))

برای اینکه، دین فرصتیکه من راه خود را در
سینما شخیر میکنم، آرزو ندارم در محدودده، نقش های
منفی گیر شوم زیرا به صراحت میگویم که نقش های

منفی مورد علاقه من نیست

در این اواخر رزمه بی از عشق و داستان عشق او
با ((وتودکنه)) بجز هامرسید، در حالیکه از این
رزمه ها کاسته شده است و او به راحتی نفس تازه
میگیرد، در این باره تصریحی ندارند این شرح
((من با ((وتودجی)) در ظلم ((معاذی)) در -
مسئله ((اوق)) صرف بازی بودم، چون ((وتودجی))
مرد مسیح الصدر بوده و در بسیاری از موارد اندیشه بی
یک سان داشتیم اینه خاطر اینکه با دیگر تازه کار
بودم، به حیثیت هنرمند تجربه کار را سوخته،
شماره خود را در اختیار من میگذاشت و برای بازی میروانید
که از این سلوک انسانی او خبرنگاران بدون در نظر داشت
حقانیت موضوع، دست به شایعه پراکنی زده سانه
را به شوه داستانهای تحلیلی انعکاس دادند.

این رهداد در حالیکه روی احساس ما، تأثیر
ناگوار بی جا گذاشت، هر دو تصمیم گرفتیم به اشکال
همکاری دوستانه بی شایه خود خاتمه بدهیم.
نوا مقاومت در برابر شایعات غلط و اتهامات بی اساس
که با شایع بیگ های فراوان سمت دهن میشود حوصله
و شکیبایی خازر الماده می خواهد))

سونو والیا میگوید: ((من به خود باور دارم که در سال
های آینده، به عنوان یک ستاره شناخته شده و
موفق عرض وجود کنم با این تلقی ضمن بران دارم نقش
های را بازی نمایم که دارای نرم احساس باشد تا
هفت احساس نقش را به صورت متوازن انعکاس داد
بخوانم.

من عقیده دارم که با تمویل هر نقش بیت هنرینه
میتواند بول قابل توجه ذخیره کند ولی برای هنر
خدمتی را انجام داده نمیتواند. از اینروست که با هر
نوع نقش دلچسبی ندارم و اگر چنین میگردم امروز
در مقام یک مجری می بودم و در یک ((پانسیون)) زندگی
نمی کردم))

و اما در مورد ((سنگیتا بجلائی))

شهر هر مود را لباس در جهان سینما، موفقیت

قیهه رصفحه (۷۸)



برفراز تياتر وياسينما

— سینما يك شاخه با اهمیت فر...
 هنگ بشمار میرود ، دست یازیدن
 بدان جرات میخواهد و ایشان
 جلایش چنین بیکره زیبا و انسانی
 منحصر به ذکور نیست بکون طبق
 حکم زمان ، اناث جامعه ما
 میتواند در رشد و هشد این
 بدیده والا از اهمیت باارزشی
 برخوردار باشند .
 — اگر همانند همه زنان که
 به سلام این بیکره رجوع کردند
 و بعد بلاد رنگ و اداع کردند چی ؟
 — شما میدانید که جامعه ما یک
 جامعه عقب مانده و روزه انکشاف
 است و از جانی بدیده سینمای
 ما تا هنوز نتوانسته هويت ملی
 خود را کسب نماید و استند مدای
 که بنابر تخیلات واهی گرایانه و یا
 ممکن اشکالات ناشی از تعصب و
 ریا بای خود را از عرصه فعالیت
 باز میدارند . ولی من بعد ان
 می اندیشم که نباید عقب گرا بود
 و سوي سایه رفت ، سایه بیکره
 سیرش به تاریکی و لغزندگی
 می انجامد . چرا ، خرد مندانه
 به سوي خورشید گام ، بگام پیش
 نرفت و از خورشید بیکه اشعه
 پر فروزش همگانی است ، سود

به جست
 — خورشید جان عقیده شما در
 رابطه به داشتن يك سینمای
 خوب چیست ؟
 — بعد از لحظه بی درنگ افزود
 باید برای یافتن سینمای خوب
 اولتر از همه در جستجوی فرهنگ
 ملیتها بود . در يك فلم نیز باید
 اندیشه بران داشت —
 محتوی از يك تفکر اصیل و فر —
 هنگ جامعه گذران زندگی می
 نمایم ، ما به داشته باشد .
 — ستم شما در هتشدن سینمای
 افغانی از چه قرار است ؟
 — من بعنوان يك فرد درین عرصه
 نمیخواهم بصورت دیگری فکر کنم
 فقط تلاش ورزیده ام بانها بیست
 صمیمیت و بی الایشی به اجرا گری
 فتن کرکس سپرده شده ، رعایت —
 نظم و دیسپلین — داشتن اخلاق
 خجسته و احترام متقابل ستم خود
 را تا همین اکنون با صداقت تمام ادا
 نمایم .
 — میخواهم بدانم کارکرد هایتی
 سینمای شما از کد ام فلم و
 چگونه آغاز شد ؟
 — من با پیشینه کار رادیو
 ام با علاقه مندگی که در
 بقیه در صفحه (۱۱)

خورشید



این بارد در رابطه به ویژگی
 های هنر و شناخت بهتر هنر —
 مند ان سینمای افغانی ، با ی
 صحبت هنرمند مجرب و مستعدی
 که پیشینه کارکرد هایش از امواج
 راد یو آغاز و در زمره نخستین
 اکتریس های (هنر پیشه گان) تیاتر
 سینما — تلویزیون باد رخشد
 چشمگیر جا گرفت و در آثار راد یویی
 تیاتر ، سینمای و تلویزیونی موفق
 از آزمون بد ر آمد و تلاش بیکره
 و علاقه وافر از زمره موفق ترین
 چهره های سینمای افغانی در
 سطح کشور شناخته شد .
 نشینم .
 این چهره پر درخشش محترمه
 خورشید است که دعوت ما را با
 علاقه و محبت پذیرفت . اینک
 توجه عزیز خواننده گان گرانقدر
 را به گفت و شنود این هنرمند
 معطوف میداریم .
 — میخواهم نخستین سوالها
 چنین طرح کنم :
 — از نظر شما موجود
 دیت انات در بیکره
 سینمای نو پیا خواسته
 ما ، از چه اهمیتی
 برخوردار خواهد بود ؟

همینکه اثری از خود به جا میگذارم برایم افتخار است
 استعدادها باید به موقع کشف گردند

اسرار خوردنی ها

بادرنگ از جمله سبزی های بسیار معمول بوده که نوع آن خیلی نهاد رایج است. بادرنگ تا به سر سردکننده و طراوت بخشی داشته و تقریباً حاوی تمام عناصر است که برای بقای سلامت و زیبایی ضرورت است.

بادرنگ به انواع گوناگون با تفاوت شکل، اندازه و رنگ وجود دارد. رنگ آن از سبز کم رنگ تا سبز تیره است. بهترین نوع آن بادرنگی است که تازه و سخت بوده و شکل منظم و رنگ سبزه تیره داشته باشد. پوست بادرنگ نعلبختی می باشد. نهراتصام نکبات و متصامین هاداران موجود است. از این رو بادرنگ را نباید پوست کرد.

در علم گیاه شناسی آنرا بنام کوکویز ساتهواز می نامند. بادرنگ را صوری ها، یونانی ها و روسی های

قدیم می شناختند و در قرن ششم قبل الميلاد در چین پیدا شد. اکنون این سبزی عهد در سراسر جهان کاشته میشود و از آن استفاده میکنند.

ارزش های :

از نگاه تغذیه، بادرنگ حاوی نسبتاً مقدار نهاد منرال هاست. تحمیل این صوره سبزی مانند نشان میدهد که در صد گرام آن (۱۶۳) فیصد رطوبت، (۴) فیصد پروتئین، (۰) فیصد فایبر، (۰) فیصد کربوهیدرات موجود است. مقدار منرال ها و متصامین های آن حاوی (۱۰) ملی گرام فیصد، فاسفور (۲۰) ملی گرام فیصد، تانین (۰.۳) ملی گرام فیصد، تانین (۰.۲) ملی گرام فیصد متصامین سی (۰.۲) ملی گرام فیصد می باشد. ارزش آن از نگاه

کالوری (۱۳) است. علاوه بادرنگ منبع با ارزش پتاسیم، سدیم، منگنز، سلنیوم، منگنیکان، کلرین و آهن است.

خواص طبی :

بادرنگ حاوی مقدار (۶۴.۰۵) فیصد منرال های القلی ساز و (۳۵.۹۵) فیصد منرال های اسید ساز می باشد. از این جهت خاصیت معالجه و درمانی این صوره رادری کرد. بادرنگ در حفظ القلیت خون مفید است. علاوه بادرنگ از بهترین مواد ادراور آور طبیعی بوده که دفع و جبهان ادراور را بهبود می بخشد.

نکته :

بادرنگ دارای مستقل ضد قضا می باشد. کمانه که به قضا می دچار اند می توانند با خوردن روزی دو عدد بادرنگ از فوائد آن مستفید شوند.

اختلالات معده سی :

صا ر ه بادرنگ در معالجه هلیکوباکتری و زخمهای معده و

باد رنگ

مترجم انجنیر حلیم

سبزی مفید برای صحت و زیبایی

انتفاخ خلی می باشد. در چمن مواردی هر دو صفت معتمد از (۴) تا (۶) اونس آن تجهیز شود از اینکه بادرنگ حاوی (۱۶) فیصد آب بوده مقدار صا ر ه آن بیشتر است. بادرنگ سبزی مفید را خلی زود بر طرف میکند.

بیماری های رایج :

صا ر ه بادرنگ در معالجه هلیکوباکتری و زخمهای معده و

هنگامیکه با شهردلمه مخلوط شود برای شکستادن و حل ساختن سنگ در مجاری ادراور و تقویت اسید ادراور مفید است.

باید که با آب تازه تازگیل مخلوط شده به مقدار یک یاد او ص هیک ساعت بعد درای خلی خوبی برای رفع تشنگی در هنگام حله کولسرا مسویب میگردد. این صا ر ه مخلوط توانی مایع الکترولیت را که در اکثر بیماری کولرا مشتمل گردیده، حفظ میکند.

جوش ها و داده های روی جلد :

صا ر ه بادرنگ در بر طرف ساختن جوش ها و داده های روی پوست مؤثر ثابت شده است. به منظور اخذ نتیجه بهتر صا ر ه های زودک و کاهو را با پوست صا ر ه بادرنگ ملاه کرد. اضافه کردن مقدار کم صا ر ه شهردلمه بعضی موارد قدرت درمانی این ترکیب را بیشتر می سازد.

بادرنگ بخانه ماده حفظ زیبایی

ماسک بادرنگ رنده شده روی صورت، چشمها و گردن برای (۱۵) تا (۲۰) دقیقه قوی خوب برای پوست صورت است. بخاطر استفاده از این ماسک با پوست دراز نکند. استفاده منظم بادرنگ از بهداشت جوش ها و جگر و خستگی صورت جلوگیری می نماید. صورت را با طراوت و شفاف می سازد.

بادرنگ را میتوان با سبزیجات، حبوبات، صوبه جات و صلا د مصرف کرد. معمولاً از بادرنگ بعنوان صلا د به شکل ترکیب با زودک، لبلبو، باد نجان روی، ملی، کاهو و سبزی های دیگر استفاده می نمایند.

اضافه کردن شهردلمه به این صلا د آثار خوردنی لذیذ و ارزش غذایی می سازد. همواره باید آنرا خام مصرف کرد نهرا ارزش درمانی آن در اثر پخت از بین می رود.



پونم ..

بقیه از صفحه (۱۲)

رسیده باشد در غیر آن شکلات نهدی موجه خواهد گردید. به هر صفت تاردوانند مناسب نیست. صداقت و وفاداری جوهر انسان است با چندین مرد در یک زمان دوست بودن مقلان نیست. به نظر شما دوستی های افراطی ممکن است؟

ج - چرا نه، دوستی یک زن با یک مرد میتواند ابعاد گسترده تری از سکس داشته باشد. من در فضا شغله رهنوردی می نمایم مردن گیر می آید، چه از آمدن کرد؟

گاهی اندیشیده اید که تارک دنیا شاد؟ چرا این کار را نمیکنی؟ خوش ندارم. هنگامی که میخواهم که سوگند تقدس می آید. اما میخواهم زنی باشم که با خدا و هم عاشق باشم. من در کدام شهر واقعا میخواهم صورت ترا بنگارم؟

دنوروزیه ...

د (۱۹) مخ پاتی

نوبه سی. ارد نوروز سندی و ایسی داجی: خواننده بیاد پسرلی کس له وجه با گند لونگوبوی را خینه د پسرلی به ریخو را شسته چی تور تکی رته کیزدی و غورویه حیوانان هم به دغه و ریخ بنگلی او نوبی کالی اغوندی خیل توستک را خلی. تا کلیومیله خایونوتسه یسی. اتیونه کوبی، بنی ولی او. سلنگی وهی چی دنومور ولوبو اتسل ته دکلی د سبب ز پیری له خوابه گوته شوی بگری د پالی به توگه ورکول کیزی به خینوسپورکسی حیوانی بیغلی خیلونامزاد شویمو ملگروته هگی ایشوی، نقل، نیسی او توتسه هغوته ورکوبی ((د هزارونه سیمه کی برعمومی دود و نوبسیرکوبی خانگی دودو ته هم ترسترکوبی به دی باب د هزاره ملیت یوتن و ایسی

د (هغه دود و نه چی له بخواد و د ووزوز به منخ کی هم تراوسه پاتی دی. خوه خینوکی زیاتی هم ترسترکوبی د بیلگی به توگه د نوروز به ریخ باید بجمه توره وی به دی ماناچی که جیری دنوروز به ریخ برجمکی و اوره وی بر هگی یا ندی خاوری شندی خوتوره شی. غوری دودوی بخوبی به تکیه خانوکی خراغونه لگول کیزی، بنجی هلته راتولیزی یا وخیل ساعت به خوشالی سره تیروی. دوه بیته و ای همدارنگه د ((سیزده بدر)) به شیور و روسکی حیوانی تجونی د (خوجی او - پو)) به نامه لوبی کوبی خوا نان دغویا یونیکورته رنگوبی او ننداری ته بی را ولی)) باید روایچی د بی بی نوروزی یا خاله کبیرک او نوروزی بابه یا حیوان بزرگی د نوروزد خوان به نامه هم یاد یزی یوه فولکلوریکه کیسه هم لرو. و ایسی چی د حوت به ویدستی اونی کی یعنی د نو. مور میباشی د ۲۶ نیسی به ناوخوانی بی بی نوروزی خپل وینته جیروی، سترگی توروپی. لاسونه سره کوبی د نوروز (د نوروز

خورشید بر فراز ...

بقیه از صفحه (۱۹) زمینه تمثیل داشتیم در سال ۲۰۰۰ راه موسسه آر یا نا فلم راد ریش گرفتیم و با آشنا سی مترم انجنیر لطیف محترم عباس شیان، محترم نورالی شفق در فلم های چون: سیاسی و جلالی، غلام عشق، دام سرگ، مزوره سبز، مرد هار و قول اس، گام های استوار، فرجام صبور، سرباز، فرار، گناه، برنده های مهاجر، مسافر و سفر نقش داشتیم و داشته های تلویزیونی ام میارند از: فلم هنری کفر، نوای تشلیق زن عروس، دلمره لور، شمع زن، دهکده، من و شما، پشته ها و تیاتر تلویزیونی: غم مانی، زهره و عید الله، امضا و زیر زن، زمین، مرگ المازوف، آدمهای عروس، اشتباه عبرت انگیز چند دیگر ...

واقعا فعالیت های سینمایی و فرهنگی شما ارزشمند است، می شود از افتخاراتتان در این باب نام ببرید؟

بالبیان متبسم و دیکه کان آرزو

مند افزود: من از همکارانم صمیمانه متوقع می بین تا صرف نظر از بد در ایسی ها و آواندیشه بخود داشتن ها چی بهتر که در یک وحدت از کا نیکه دست به دست هم داده، گام بگام در راه رشد و انکشاف هنر هفتم (سینما) قدم می نایند. بخاطریکه میتوان به این نکته باور داشت و هم بدان تاکید کرد، که در کشور ما در همه رده های هنری و درین شمار هنر سینما - استعداد های آفریننده بریافت - بلیت باوروی و شگوفایی فراوان اند، استعداد هاییکه اگر موقتی به کشف آیند، بد رستی رهبری و مستند می گردند، در اندک زمان شگوفه میدهند و هنرمند ما بیه آمزش های قابل بقایه با آثار جهانی نایل می آید، به امید آنکه همه توانایی هاد رخدمت رشد استعداد ها و ظرفیت های هنری بکار افتد.

از حتمی کستقبل شد بد از شما اظهار میاس

مرد ها را خواستند

40 مینرنا

آیا فعالیت های فیزیکی مخصوصاً زندگی زنانه را اصل 40 مینرنا می کند؟

جهنیکولوژی خاخر نشان میسازد که هرگاه یک زن ورزشکار بیش از دو ماه قاعده نشود در زمینه باید اندیشید و بعضاً تعویق قاعده کی را بحث یک عادت پذیرفته اند ، ولی در تشخیص ساله ، پرابلمهای سی عرض وجود میکند ، زیرا خانم کریستیانسین بدون اینکه فهمیده شود ، سه ماهه حمل داشت . داکتر معالجش متردد بود که شاید عامل عمده در زمینه خسته کی باشد . متوقف شدن قاعده گسی اولین علامه حمل است . ولسی کریستیانسین قبلاً نیز عادت دانت که بعضاً قاعده کی این بس تعویق بیافتد .

مینمانسیکیستهای گونه کوتی در مورد توقف قاعده کی زنان ورزشکار وجود دارد که یکی از آنها گسی شحم وجود است . شحم بدون - هورمون اندروجن را ، که از غده های ادرنال تراوش میکند ، در نتیجه تغییر کیماوی به نام اروماتایزیشن به ایستروجن ، که هورمون جنس مونث است ، تبدیل میکند . این ترکیب جدید ضمیمه ایستروجن میشود که توسط تخمدان به وجود می آید . (چاقی اضافی در جنس مذکر ، علامه زنانه مانند جمع شدن شحم در اطراف پستانها را با خود دارد .)

برای آنکه سطح ایستروجن را به گونه قناعت بخشی در زنان حفظ کرد ، شحم وجود آنها باید حداقل ۲۰ فیصد وزن بدن شان باشد . به صورت نورمال در زنان خانم

بقیه در صفحه (۷۷)

اندروجن بر رشد عضلات تا شیر میگذارد و در نتیجه آن پالای وجود زنان موی بیشتر میرود و عضلاتشان قوی میشود . سابقه های زیبایی اندام ، در حالی که بیشتر سابقه کننده ها از نظر فیزیکی جذاب اند ، این تصور نادرست را از بین برده است . به هر حال بازی با وزنها نوعی از مقاومت رابه عضلات میباشد .

هرگاه این ساله که اجزای تمرینات با وزنها سنگین به بزرگ شدن عضلات می انجامد ، مورد قبول باشد ، استفاده از وزنها ی سبک و تعریف متواتر ، به انفر شدن جسم می انجامد و این میتود است که اگر زنان آن را ترجیح میدهند .

چقدر باید وزن سنگین (یاسبک) باشد ؟ در زمینه کدام قاعده قابل ملاحظه می موجود نیست . ولسی مطالعه ساختمان وجود مردان و زنان بر مبنای گزارشها کی از آن است که به صورت اوسط بزرگترین مقدار وزن در تمرین عضلات سینه برای مردان ۱۶۶ کیلوگرام و برای زنان ۵۰ کیلوگرام میباشد . این گفته چنین معنی میدهد که برداشتن وزن بیشتر از صد پوند آسیبی به زنانه کی نخواهد رسانید .

داده اند . چنین وضع زنان دیگر را متیقن میسازد که بسیاری از آنها ها در مورد حامله کی و خطرات - تمرینهای فیزیکی را بی اساس بشمارند ، البته در این نوشته ما خواهیم کوشید که حقایق را در بین زمینه روشن سازیم .

نیمه دوم قرن بیستم نسبت به سالهای قبل از آن با زنان بیشتر مهربان بوده است . البته این هم نتیجه مبارزه سر سخت زنها برای رسیدن به یک سطح بلند زندگی میباشد . امروز زنانی که دل مرد ها را میبایند و هم از نظر فیزیکی جوان اند ، رویه تزاید است . از ((راکل و لاش)) گرفته تا ((ریکا)) همه بر نرم سازی وجود تاکید میکنند . بعضیها معتقد اند که تمرینات با وزنها ، بعضاً خصوصیات زنانه کی زنان را از بین میبرد . این پندار مرد شدن را از دیاد سطح اندروجن (نوعی هورمون جنس مذکر) تشکیل میدهد . هورمون

کریستیانسین یک زن پرکار است . در سابقه هایی که انجام میدهد ، همیشه مقام دوم و سوم را حاصل میکند . او به نسبت ولادت سپورت ((دوش)) را مدتی متوقف ساخته بود ، ولی بعداً آنها از سر گرفت . اگر چه او میاند که مادر شدن او را از دست قهرمانان بیرون کرده است ، ولی چنین نشد . او در سابقه هایکی بعد دیگری به پیروزی رسید و تا اکنون هفت ریکارد های پنجهزار متر و ده هزار متر را حفظ کرده است . مثالهای دیگری نیز وجود دارد که بیانگر حالت زنانه است که بعد از حامله کی ولادت نیز لقب قهرمانی رابه خود اختصاص

نیمه آدم نیمه حیوان

اسرار جاودان ابوالهول



چهل و پنج قرن قبل زمانیکه فرعون ((خفرن)) دستور داد که اوزار رکاب گیزه به شکل ابوالهول (سفنکس) (نیمه آدم - نیمه حیوان) جاودان سازد، از همان زمان تا حال این ترکیب عجیب هنر فنانان راه خنود مشغول ساخت و به متابعمای بدون جواب و سرگنج کند مای باقی مانده.

مرد جوانیکه بدون کدام انگیزه مهم کسی را به قتل میرساند به شهرتیوانزد یک میشود. پیش از آنکه به شهر برسد در کوه صعب العبور و مرتفع نیکون بسا موجود عجیب و بیرو میشود. شیر بالدار با کله زن، که معای را از جوان میرسد، چیست آن در روی زمین یکی باد و دیگری با سه پا و یکی هم با چهار پا که بنده یک نام یاد میشوند. یگانه موجود است که بر روی زمین، در هوا و آب حرکت میکند. تغییر چهره میدهد. با تمام این باها و وقتیکه حرکت میکند سرش کم است.

موجود عجیب از همه همشهریان تویا، این سوال را می پرسید و بسیاری از ساکنان باید قربانی میشدند. زیرا جواب گفته نمیتوانستند.

ولی مسافر بنام اود پی معمارا حل کرد و در جواب گفت: ((انسانیکه توازن هن خود داری)) در ابتدای زنده می زمانیکه هنوز کودک است و راه رفته نمیتواند به چهار پا راه

میرود. بعد از یاد و باواز طرف شب به اسباب قانون حکمت متصل به پای سیم میشود.

و موجود عجیب و وحشی که شهر نیوارا به خطر مواجه ساخته بود و جواب معایش را بدست آورد. به پایان میافتد.

اود پی مورد نوازش قرار میگردد و سیه یاد شاه یوکاستارا نصیب میشود. بدون آنکه بداند که با مادرش ازدواج میکند و حکمران کند و رمیشود.

یونانیان قدیم هیچ وقت در بید این موجود اسرارآمیز: جنس سره، نیمه زن، نیمه مار ایخید، سگد و سوره اوتروس و غیره هم عقیده نبودند. همچنان در باره ترکیب زن و شیر عقیده دیگر نیز موجود است: که از طرف رب النوع خیر از حبشه برای محازات شهر تیا فرستاده شده.

موجود عجیب که بر بسیاری از گله های یونان باستان تصویر گردیده با برنده آن اود پی بگمان اغلب در یونان از طرف بحیره مدیترانه آمد. زیرا ابوالهول تقریباً ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد یعنی ۵۰۰ سال قبل از ابوالهول کار تیا، قدمت دارد.

دو حیوان انسان نام بسیار کم با هم شباهت دارند. موجودیکه در کوه نیکون جا داشت زن است. با تنه از شیر، باقیان زن و داری با-

لها و ابوالهول مصری بال ندارند و به اساس نظر ابوالهول شناس، هانیس و پیش نمایا گستر یاد شاه به شکل زمین روی با تقدس خدایی میباشد. در این چهره او جانشین رب النوع آفتاب میباشد که سمبول زمینی آن شیر است. فرعون خفرن ۲۶۵۰ سال قبل از میلاد دستور میدهد که قله بی از یک بلاک بزرگ سنگی به شکلی ابوالهول تراش گردد. ابوالهول خطوط چهره فرعون را میگیرد و بنا نوار عنقوی شاهی پیوند مییابد. در حائیکه بدر خفرن، خیسویس دستور داده بود که سنگها را بر روی داخل اهرام که بنام خود شرمسی است، بقراند. حالا حیوان شاهی مرتبه بزرگ شده بر روی زمین دراز کشیده ۲۱۰ متر درازی و ۲۰ متر ارتفاع، در طول سده ها، رنگ های بیابانی یادگار خفرن را پوشانیده بیود. در آخر قرن نوزدهم بود یک قسمت آن از خاک برآید و از سال ۱۹۲۶ است که ایسن آدم - شیر را به شکل بیبنیم که در اول بود. ولی روی ابوالهول زیاد ضرر دیدم زیرا در قرون وسطی توسط یک سلطان با توپ زده شد.

هیچ فرعون دیگر مانند خفرن با این عظمت جاودان ساخته نشده و این مجسمه نیمه آدم نیمه حیوان بر رسد. های مابعد خود زیاد مورد تقلید قرار گرفت. بعدا

نه شیر در مصر قیافه زن را گرفت. بسیاری از همین نوع مجسمه ها به شکل نگهبانان در پیش روی دروازه های اماکن مقدس گذاشته شدند، که اکثر آنها با کله های از قوچ، نهنگ و باز میباشند.

از این نوع موجودات، غیر از حکمت مند هبب در تشریفات نیز از آن استفاده بعمل آمد. در لوکسور راهروی از این نوع موجودات را ساختند که در طرف راه قرار دارند. همچنان در غرناطه از قرن هشتم راهرو از ابوالهول ها (سفنکس) بنا یافته که کله هایشان از قوچ بوده و تا حال پابرجاست.

برای توضیح ایده و شکل ابوالهول هانس ویشین اسناد زیادی را گردآوری نمود، او به هزار هانوس اشکال از این نوع مجسمه ها در کتاب خود بنام (ابوالهول) اشاره نموده و تعداد مصر زیاد تراز ۶۰۰ ابوالهول را تثبیت نمود. که زیادتر آن ۲۶ قرن قدمت دارد. صد هاسال بعد در سوپتامیا بوجود میآیند و سر از آن در گریست و یونان.

ابوالهول سمبولی از حکمت دنیا قدیم است که اول از ساکنین شهر تیا و بعد از او پی معمار رسید تا که در آئینه خود ش به یک معما تبدیل شد. چطور پیدا شد، چی معنی دارد، ترکیب عجیب کله انسان با تنه حیوان؟

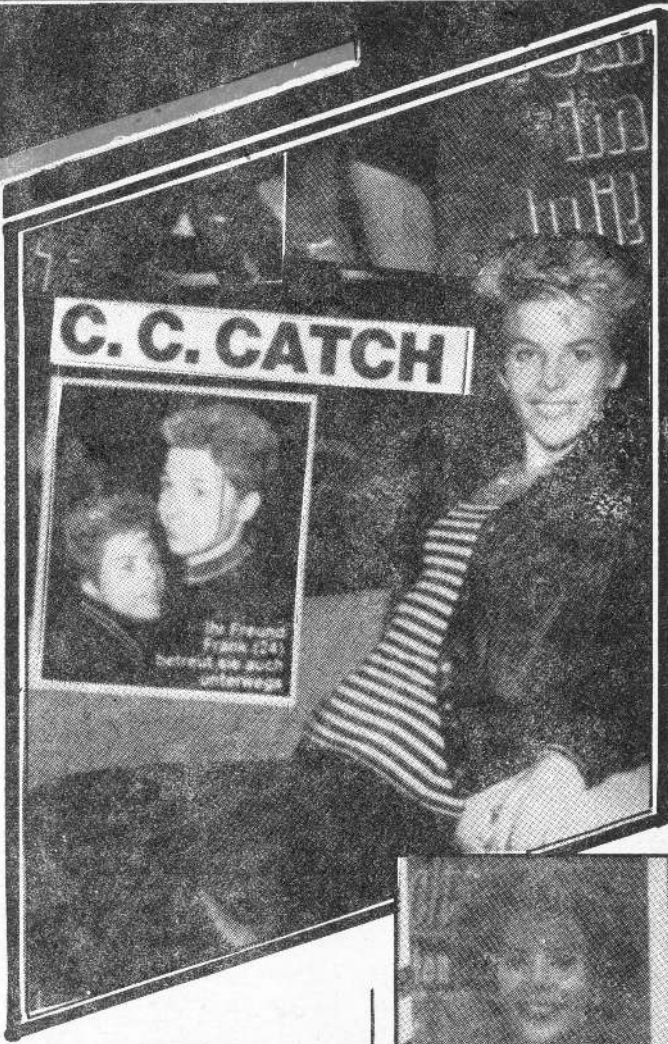
ملک جهانی که بزرگ می‌شود

«من می‌دانم قلب خود را قدر نمی‌دانم»
آهنگ تازه بی‌ازسی سی تی

می‌کند. کمپوزیتور مورد علاقه اش دیتربولن از بروک یوسران معروف آلمان غرب می‌باشد، زیاد تر و همیشه در سفرهای هنری اشتراک می‌نماید، ریکاد های فوق العاده جالب و زیاد عرصه می‌نماید که به مجرد رسیدن به بازار فروش می‌رسد.

قهه به شهرت رسیدن او هم جالب است، سی سی کیچ قبل از اینکه خود را بچیت یگانه خواننده تثبیت نماید، در گروه هنری زنان بنام ((اسی میل)) ترانه می‌خواند، در روز هاییکه خواندن هایش را در رادیو ثبت می‌نمود، در آنجا همیشه اتفاق می افتاد که از کارهای خلاق دیگر این هنرمند برود یوسران آلمان دیتربولن تعجب می‌نماید، تودرن تلاکنگ یکی از برود یوسران آلمان و تیکه کنسرت آن گروه زنان را از رادیو شنید، سی سی کیچ راه استدیو دعوت نمود، اکنون در تمام جهان از کنسرت‌های او بخاطر علین آواز زیبا و نرمش که شنونده گانش راه هیجان می‌آورد ستایش و استقبال گسترده می‌آید بعضی شعر و کمپوزیکه بنام ((بخاطر

اینکه توجوان هستی)) توسط دیتربولن ترتیب گردید اولین گام موفقیت و سر آغاز شهرت سی سی کیچ بشمار می‌آید با آنهمه تلاش و فعالیت‌های هنری او بلا نهای در آینده دارد، او همیشه در کلمات این هنرمند آمده است ((در زمان ماستاره های معروف و معروفه های تازه ظهور می‌نماید که تصور و بینش آن مشکل است)) در این اواخر موسیقی با سیر صعودی روزه تکامل است که در این راستا خلاقیت و ابتکار سی سی کیچ در شوهای تلویزیونی مقام عالی و برجسته را حایز میگردد، تاننا جیان کسرت‌های سی سی کیچ به ده ها هزار نفر میرسد، سی سی کیچ و گروه هنری امرینام ((کوله فیوز)) نه تنها مورد استقبال علاتمندان قرار دارند بلکه در جهان نیز هواخواه و شهرت زیادی بدست آورده است.



می‌نمایم

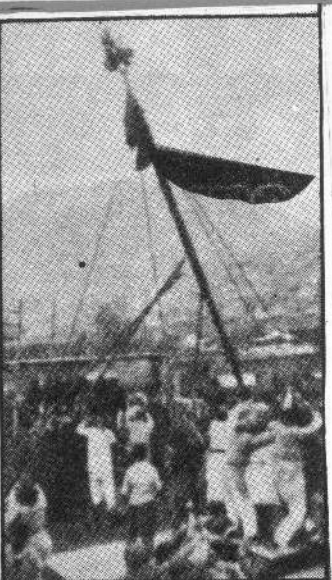
در یک شب مقبول بچیت هنرمند د یسکو تبارز می‌کنند، خواندن زیبایش با هم می‌توانم قلب خود را قدر نمی‌دانم)) مردم را هیجانی و آرام آرام به شور می‌آورد، خواندن های زیبایش از اعماق مردم تبارز نمود، بچیت د یسکو زدگرم در تمام اروپا شهرت یافت نمود ریک نمایش تلویزیونی که د یسکوی فوق العاده اجرانمود بنام ملکه د یسکوی را خود شهرت بسزایا کسب نمود، این سی سی کیچ نه تنها در اروپا بلکه در جهان نیز شهرت دارد، نام اصلی وی کسور سولیراست که در سال ۱۹۶۴ در هالند تولد یافته است، در آلمان غرب زنده گی دارد، رنگ دوستد اشتیاش سیاه است و برای لباسهایش رنگهای آبی کمرنگ و زرد را انتخاب

دنیای بزرگ موسیقی همچون بحر خروشان نیست که از امواج پرتلاطم آن انسان این موجود آفرینشگر و مبتکر همه توانمند می‌اش سرود، هارپاچه های رابری می‌گیرند و آنتی‌نوس های بیکران آنها در نوردیده به سوی شادی های فرج بخش و نشاط آنرا ره می سپارد، اینک باد ست یازدیدن به جهان موسیقی - گل خوشه یی را ازین سرزمین هستی آفرین به شناسایی می‌گیرم و هنرمندی را به نام من، من کیچ باهمه محبوبیت هایش به شما معرفی

لرغونې نوروز او

نوروزي دودونه

د ليمه ليکه



کال له سختيوسره خداي پاماني کوي او نيکمرغيو ته ورژد ي کيزي زمري په ميواو کي نوموړي - دودونه تراوسه پوري په پوره برتم سره نماخل کيزي او تراوسه لا زمري خلکونه دي هيرکري له اولسي او اتلسي بيړي رايه دي خوادغه دودونه په لزاو پير تويرسره نماخل کيزي شمير - الدين ظريف صديقي به دي - باب وايي ((له کابل کي دغه ميلي لومړي د جبه بياد سيا مندي - بابرباغ، د سخ او دنيا لگير داينود لو او زگر د ورخي د ميلو په نامه جوړي شوي او تراوسه پي خيل او پير برتم عمدا سي ساتلس دي په عرات کي هم دغه دود په تخت صفر بل مالان خواجه سپاران خواجه صفا ريگ روان په خانکر و ميلواو خو سيو سره نماخل کيزي په مزار شريف کي د گل سرخ ميله جي خلويست ورخي روانه وي په دغه ورخ ملتهد حضرت علي جنده پورته کيزي جي په گابل کي هم د سخ جنده او د مندي توغ په عمدغه ورخ پورته کيزي

د نوي کال د ميلو په باب غلام محي الدين ملکري جي د خلکود فرهنگ د خانگي مسلکي نمري دي وايي : ((د نوروز په شپو ورځو کي په گند هارکي د شالمار بابا ولي، جهل زيني په گرد يزي کي د (روحاني ما - حب)) په کونړ کي د پير بابا اوسه ننگر هارکي د ولکي بابا ميلو د يادوني ورځي په پښتني سيمو کي نجوني او پښتني نوي او پښتني کالي اتوندي تمبل وهي زيارت ياتي به (٦١)

دغه اوسني تاك ووايميوه يي په خپل وار انگور شوه باجاله هغه وروسته د سپرغ د دغه لطف په ورځ هرکال دنيا لگيو کينه لسو دود پيل کړ او د ابي په گوته کړه چي هرکال بايد دغه ورځ د خوښيو او خوشحاليو په جوړولو سره پيل شي .
 د ((سيزه بدر)) له لسو شگومونو څخه يوهم د باران اور پيل دي چي هغه به يي دنیکمرغه قال په توگه ياد اووه په ديار - لسمه ورځ چي دنوروز باي وهم ټول ټول مراسم ترسره کيدل نارينه زويه بهلواني کولي ميلونه به يي وهل زړه وينخوا ويند و په خپل وخت به ندرنو هلنگر نو په تودولو او د خيرات او خيانت په برابرولو باندې تيار او پخواني نجوني او پښتني به په دغو ورځو کي به شيلو کي کزيدي په شيلو او سمور کړوند وکي به يي خوښي کولي او د راټوکيد ليوشيلو پاني او څانگي به يي دنیکمرغه شکم په نيټ غوټه کولي له لگيدلو او بلوڅو او وروڼو څخه به يي په خاښو ناروغيو ادا کانو توپونه جون کله به يي چي وايه سره غوټه کول د هغو غوټه به يي د خپلي مينې او پلاني ور عنوان په نامه اېوله دنوروز په درشل ((سيزه بدر)) کي به د پاندي باور و چي ټوک يي دغه دود نماښ او نه يي ميروي هغه د تيار و زار -

لومړي شپي مراسم يي د سندان تيار يي به نيول کيده اووه ټوله ميوه به لند يده اووه شين د سترخوان به وغوړيده چي بيل به اووه سين باندي واوښت پير سيره برهڼيوه يي پاكي اوسه هم راوړي ياد کال د اوښتون په شپه کي به چي اوه ونيور يي اوله هغو سره سم به د خوښيو جشن او موسيقي پيل شوه دنه روزبه ورځ به د بزگرميله هم جوړي دغه ورځ د جمشيد ((يما)) پاچا په عصر پوري اړ ونده بولسي .
 په دغه باب لرغوني انسانه ده چي وايي : دغه پاچا د ليدني کتنس ورځ درلوده چي دروازه يي د عامو او خاصو رڼخ برانيستي وه هوکي برانيستي وه ځکه چي تر شنه اسمان لاندي به ازاده فضا کي دي ليدني کتنس صورت نيوي چي دعامي ميلي بڼه يي نوره کړ يوه د ميلي په خوښيو او تودو کي د هما يا سپرغ مارغه له الوتس راتپ شوا هغه څه چي يي په مښوکه کي وود باچا په قدمونو کس و اجول او وروڼه يي وغوړول کوم شي چي مارغه راوړي و پوهانو ترخپل نئ لاندي ونيول او د نبات دانس يي تشخيص کړي باچا حکم وکړ چي دغه دانس بايد سپين پيري او يوه بزگرميله ځکه کي وکړي د کرلونه ديارلس ورځي وروسته هلته نياگي راټوکيدلي وو چي -

ترکومه خايه چي زمري د خلکو او زمري د بلرونو ژوند په باب څرک لکيدلي ((نوروز)) او د هغه اړوند مراسم زمري په فرهنگ کي د باطرنی وپ لرغونتيا لري . ځکه نو دغه مراسم له يوه پښت څخه بل ته اوله بل څخه بل ته ليزد ول شوي او تر زمري پوري رارسيدلي - دي د پخوانو اريايانو په زمانو کي به چي کال پاي ته رسيده د کال وروستى جارښه به يي په برتم سره نماخله دغه جارښه د سوري جارښي په نامه سره ياد يده او په هغس کي به يي ميلي کولي ځکه چي داد بسترلي د برتم په درشل کي دنوروز د ميلي پيل و په دغه ورځ به يي اورونه چي پات او پښتلي توک و بلول او هغه منگي او گڼي چي پښي ((مهرگان)) به جشن کي به يي لغتلي نه ټکول په دغو ورځو کي به يي ماتول داله ژمي او ارامى سره د خداي پاماني نښه وه په اسطورو کي راغلي دي چي له سوري نارښي څخه ديارلس ورځي وروسته واپه په فارس ژبه د ((سيزه بدر)) په نامه ياد يزي . زرد شتيانو د دود يار لسو ورځو پيل د ((اښاد)) او پاي يي د ((پهشتوار)) په نامه ياد اووه اووه دغو ورځو کي به دنوروز ميلي وي له سوري چارښي څخه وروسته به بيا د کال د

شاید خنده گنید

روزنامه بایین بیاید . دوم اینکه ممکن است میزان انتشار بایین نیاید ! و در صورت
 ارسالی ژولیا (بهارا کبزراده) از بدخشان .
 شخص پیراهن را زدید به پسر خود داد که بفروشد ، پسر پیراهن را به بازار برد و از او زدیدند . دست خالصی مراجعت نمود ، پدرش گفت پیراهن را چقدر فروختی ؟ گفت به همان قیمت که تو خریدی . بو - دی ارسالی محمد ابراهیم هجران

مدیر یکی از روزنامه های معروف ، نویسنده یکی از سر خواننده ترین ستونهای روزنامه خود را خواست و به او گفت : میدانم خسته شده اید . برای رفع خستگی حاضریم شما را مرخصی به شما بدهیم . نویسنده سرش را خاراند و گفت : از لطف شما متشکرم ولی من این مرخصی را قبول نمی کنم به دو دلیل : اول اینکه ممکن است در نتیجه تعطیل شدن ستونی که من می نویسم میزان انتشار



ای یاری وفا ، تو بوکس کو مه دفاع



اخبر سال

خبرنگار اختصاصی ما ، شافلی میرزا شاکسار ، که همیشه مصروف جمع آوری اخبار خالصین باشد ، برای این شماره این اخ بار را تهیه دیده است :

* در اثر زرد و خوردی که بیسن احمد خان و برادرش (فرید خان) در اطاق نشیمن شان صورت گرفت ، تمام نشیمن های اتاق شکسته و قسمت اعظم فرش و ظرفی که موجود بود از بین رفت . در این جریان ، احمد خان دست راستش را از دست داد و فرید خان در ناحیه قلبش زخم شدیدی برداشت . بدرفامیل وقتی که حال روز

فرزندانش را دید ، عاجزانه ایشان را به نفاخانه انتقال داد و در نخستین روزنه تمامی تمام معاشین را که بعد از این تمام عرق ریزی به دست آورد ، بود مصروف نمود ، بلکه چندین هزار افغانی قرضدار شد .
 خبر می افزاید که برادران زرد و خورد گنند ، بعد از آن که به حال آمدند ، اعتراض کردند که علت مشاعره شانرا نمیدانند .

از تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ می شنویم

انا نسر تلویزیون :
 بیننده گان گرامی ، اخبار را شنیدید ، حالات توجیه تا نرا به تیسره به تعقیب آن به تعاشای را بر تاز معذتوف داشته و در اخیر فلم هنری عنندی به نام (سو ستوری) پیشکش میگردد .
 * * *
 جرنگ ، جرنگ ، جرنگ
 - بغومایید ، تلویزیون است .
 - او نوکیروال ، اول اعلان کردید که فلم (سلطان قلبها) را نمایش میدید ، حالا چرا فلم لوستوری را انانوردادید .
 - امر مقامات بود .
 - کدام مقامات .

تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ که تازه در جوات - فجات (۲۲ گانه شریک) به فعالیت آغاز نموده ، اخیراً توسط اپریتوران فعلاً خود گفتوگوهایی را بلی را ثبت نموده که اینک پیشکش میگردد :

جرنگ ، جرنگ ، جرنگ ۱۰۰
 - بغومایید ، اداره نشرات تلویزیون است .
 - نشرات تلویزیون است ؟
 - بلی ، بغومایید .
 - بیشتر اعلان شد که امشب فلم هنری ایرانی به نام ((سلطان قلبها)) نشر میشود .
 - بلی درست است .
 - اما از آنجایی که این فلم را دیشب از طریق وید پوکست در خانه تماشا کرد ، ام و برای فامیل ما تکراری می باشد ، امرو می کم بو آن فلم هستند ی

(لو ستوری) را ناسر کنید .
 - ببخشید ، آخران فلم را بنا بر تقاضای مکرر بیننده گان تلویزیون و ضرورت نشرات پیش آماده ساخته ایم ، اما نندار که آنرا ناسر کنیم .
 خاموش با سر مامورت مستخان نکن .
 میدانی ، من یکی از مسؤولین بلندرتبه استم ، من (. . .) استم که امرو کم .
 او ببخشید صاحب ، صاحب حتماً تغییرش میدهم ، صاحب ببخشید ، صاحب .



تما با هنر نشیمن



از خود شما

سوال
گفت: يك سوال ميكم، اگر جواب دادی مردی.
گفتم: بگو، تا مردانگی ام ثابت گردد.
گفت: آیا میتوانی برای همیشه خشویت را نزدت نگهداری؟
گفتم: نامردم و جواب نمیدهم.

مادر: انسان با کارهای خوب به بهشت و با کارهای زشت به جهنم میرود.
پسر: انسان چه کار کند تا به سینما برود.

ارسالی هماپرویز از بونهعی
ژورنالیم ویان برویز از ابمه بلخی

((امتحان))

يك سوداگر معروف دریایی از همسرش خواست که تا عشق و علاقه خود را نسبت به او آزمایش عجیبی ثابت کند. مرد به زن گفت: - اگر راست میگوئی و حقیقتاً مرا دوست داری برو چشم بسته بر لب بامی ایستاد شو سه مرتبه دور خودت بچرخ بعد به هر طرفی که من میگویم قدم بردار.
خانم نه تنها زیر بار این امتحان بزرگ نفرت بلکه آقا را به محکمه کشانید و از وی طلاق گرفت.

((در صنف))

معلم: پنج چیز را نام ببر که صد سال پیش اصلاً وجود خارجی نداشتند؟ شاگرد با کمی مکث: سنجی دست، کارگرد، میناکشی، توپسرا، اندرسن و نواد رامز.

مادر زن یا روزنامه

شخصی به دوستش شکایت کرد که: خشمم مثل روزنامه است.
- چگونه زیاد حرف میزند؟
- نه هر روز به خانه ما می آید.

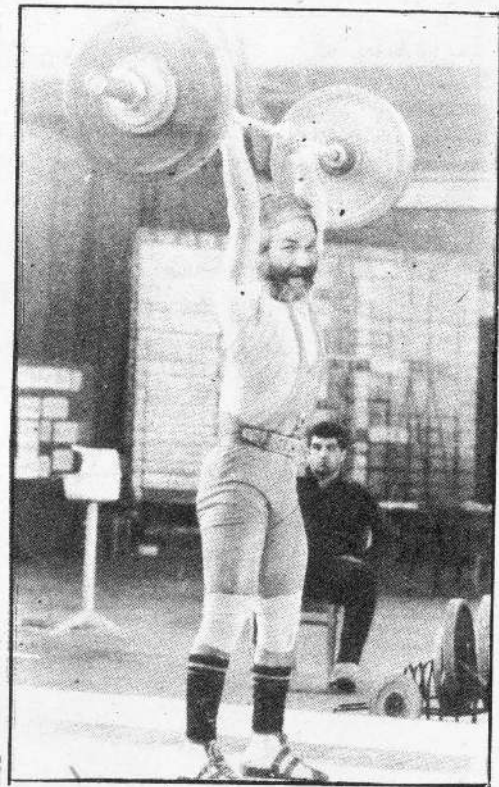
راه حل

رئیس اداره حسابدار است شرکت تجارتي ربه معاون خود نمود و گفت:
- حالا چطور به رئیس عموس بگویم که تحویلدار پنج ملیون فرانک موجودی صندوق را برداشته و فرار کرده؟
معاون: همگرم چطور است این ماموریت را به آقای دوران که لکت زبان دارد بگذاریم تا آقا رئیس از جیبان مطلع نشود.

اندرزهای مطابق روز

X بگذار کودکان مکتب را ترک و در مسدود بمانند تا مسؤولین سیل صف منتظران نانوائی قرار گیرند.
X لقب نهرمانی را به دست آرند.
X بگذار تلویزیون شروع گردد و ما را X بگذار انتقادات را مسؤولین پشت خواب ببرند.
X گپ زن که يك جنس به صد نسخ نکنند.
X عرمه گردد تا پارهائی از خواب بیدار X چپ باش تا مسؤولین بخواب روند و شهریان از گرسنه گي بنالند.
X خاموش باش، معازره مای کوبونی نوشته: جاله

نورانی بوموقع



ملا صتم خوب است

د بیوزیک تن از دست پیدای است کمترین تم به بد از آن که نانسند و کند از آن دیگسر تا رئیسند با بی انعمسا همکاری نمایند خود را به خانه رسانند. خود این نمود.
خبرس از این که خبریان کاین از این نمودن کنی به جانیه موقع تغییر احب سوسوف لبرازخوس و قدر دانی نمود، از روند انامه این سلسله در ریاست بدی با سندن.

خبرنگار: میرزا شاخسار

شخصی نزد دوستش شکوه میکرد که: میدانی چقدر رهسایه بد دارم در شب تا ساعت ا شب با مشیت به دیوار اتاق میگویند! دوستش پرسید: آنوقت تو خواب بودی. آن شخص گفت: نه، خوب بختانه نخواهید بودم زیرا با اکورد یونم تمرین میکردم.
ارسالی عطیه

همسایه بد

مینیاتوره‌های طلایی

اگر اثریست مولف را بد زدی آنرا بد زدی گویند . اگر از چند مولف را بد زدی این دیگر تحقیق است .

به هر اندازه ای که فکت ها کم باشد بهمان اندازه اشکال زیبا می باشد .

چیزیکه امروز حقیقت است فرد انسانی تخریب پیش نیابد .

اگر واقعیت ناخوش آیند را بغیر منتظره باشد بدان کسی باور ندارد .

بهترین منطق منطقی است که بعداً بوجود آید .

تاریخ برای ما می آموزد که از او چیزی نیاموزیم .

به هر اندازه که بالای اندیشه خود گارمیستی به همان اندازه متیقن میشوی که بیگانه است .

از تمدن گذشته در نواریهای آینده به وجود می آید .

زمانیکه همه چیز گفته شود عملی گردد زیاد گفته شده .

از اندازه عملی شده .

مادر کلان : عسوی از نامیل که نس تواند از غنید ای بیرون آید .

خشو : مشاور با المقطع در پروم های خانگی :

بیکار : حیوانی که وقت را میخورد عروسی : (عقد) قماریکه مردان در آن آزادی خود را دو میکنند و زنان خوشبختی خود را .

جنگ : دو بیلوماسی بین المللی که مدق خود را از دست میدهند .

دشمنان : مگوری از دستان که نمیتوانیم خود را از آنه انداخته کنیم .

کارتون



طعم تلخ



طرح : طوبی پیرانه

نیم کاسه های زیر کاسه

مارک تواین روز جمعه را روزی شوخی میشمرد . یکی از دوستان روزی برای پیش گفت :

دوست عزیز در جمعه شخصیت های بسیار بد نیامده اند مانند جورج واشنگتن ، تایلین ، شین و کلاد ستون .

مارک تواین موافقت کرد : ممکن است ولی فراموش نکنیم شخصیتها مرده اند .

امیل زولانزد را اکثری رفت ، او اکثر پرسید : چه شکایت دارید ؟

خود را ضعیف احساس میکنم از چند روز است که یک لقمه راهم در دهان نگذاشتم .

او اکثر سر از معاینه برای پیش نسخه نوشت :

ای تابلیت ها برای داشته ای تان کت میکند .

امیل زولانرش را با ناراضی شور داد و گفت :

او اکثر صاحب این تابلیت ها ایراد من کت نمیتواند من داشته ام . ولی چیزی ندانم که بخورم .

مدیریت باشد کسی دیگر را ندیدند . محمد سرور خیرنکار که به خاطر تکیه صاحب ، نسبت به دیگران رجعت نیادتوری را مقبول شده بود به آشخرف گفت :

چند روز پیش مدیر صاحب برای مامکتور روان کرد که بیاید با ما صاحب کهد ، ولی حال خودشان تشریف ندارند ، آیا شما حاضرند کجارتی اند ؟

معاون شعبه گلشن را مصاف کرده گفت :

وله راسته بگویم ، به هم نیامم که مدیر صاحب کجارتی ، مگم دیروز در امری حاضر حلیا داد کدهه سینما قلم نهند شده ، شاید نمونه رفت باشن .

محمد سرور که گوی خشکی

بی غم باش لالا

سفر اراخان مدیر تبلی و ترویج فاجیکه ساختمانی طی مکتوب - رسمی از خبرنگاران رادیو و تلویزیون دعوت به عمل آورد تا ساعت ۱۰ هتل از ظهر روز دوشنبه به شعبه اش آمده با او جوار امر مربوط مدیر پیش صاحب تعیینند .

روز موجود فرارسید ، مسئولین تلویزیون با هزار جار و جنجال ، موتو ، کمره ، ایت و همکاران شنیکر و فنی را آماده ساخته آنجا رفتند .

همون که داخل شعبه شدند به جزارتشخص که پهلوی مدیر شسته و معلوم میشد که باید معاون

شده پوئیسید : ای پسر به شعبه خات آمد ؟ معاون جواب داد : ایوه خوب میخام که تی ، به خاطر که مدیر معادلت نداره وقتی که بر آمدن پسر بیایسن .

تمام خبرنگاران و همکاران تختهکی در حالی که سخت آورده شده بودند دهناره به غرفه اداره تلویزیون حرکت کردند .

در نیمه راه شهر حسن فلمبردار بیکاره همه را مخاطب قرار داده گفت : اوسیه ها ، اینها حومه خوب سرگردان کردن ، مام کارز میکم که تازنده استر یادتان نره ، اوهم ای که برشان میکم که روزیکتیه آینده آماده باشن ماسی ایم ، باز

متولدین ماه اسد :

خوش شانس شما در اینست که در راه بنامت آوردن مواد بخته سیلواز خود مقابلهت نشان نمیدید اما ممکن است حین بالاندن به سرسری ملی بس جراحی بردارید که بعد از رفتن نزد دایر این تشویر رفع خواه شد .
متولدین ماه سنبله :

شما دم کم حوصله بی استید به مجرد تماس کردن بایک تبنگ یا کراچی روی سرک باد ستغرو - شان برخاطر میباید ولی بایک محتاط باشید که انعام بر - گری کم از شما نیستند احساس استناد بدی تان را تقویت کنید .

متولدین ماه میزان :

تشویشی که از ناحیه بلند رفتن تکت ملی بر در شما ایجاد گردیده است انقدر جدی نیست در میزان هم نگران ایکی د واقعا تان را صاحب میزند ندیده رستوران اکتر سرزید زیرا مقابل مگر حساسیت دارید .
متولدین ماه عقرب :

همیشه از روند استید تا در هر جا از جمله موتری بر موقت خوبی داشته باشید . از همین رو با دید جالبی به لگن موتسری جمله ورمیشید اما متوجه باشید که جیلک تان را حین رسیدن به هدف کم نکنید .
متولدین ماه قوس :

ادم با اراده استید وقتسی بخواید کاری را انجام دهید بدون توجه به سنگینی آن ، آن



فالی که طنز نویس دیده است

متولدین ماه حوزا :

ارزوا یینه به خار به دست آوردن کین لیت به سو میروانید به جزازته و بالادین چندین هفته به تمرین رسید به مشکلات زنده تی تان انامه از این افزوده نمیشود به زودی بوجی اردی به غدومی اندازید .
متولدین ماه سرطان :

شما دم خون خرق استید بوی ونگه گیاه کارسری در شما اثری نمیکند . بسول صفای را در مواقع معین میبرد از بد بجز واسطه ها ، واسطه های قوی پیدا خواهند کرد .

متولدین ماه حمل :

امید و ارزو هم وقتیت کوشت از سر تان به اسمانه ای هفتم پرواز میکند . در هفته که پیشرو دارید روزی این خوشی را در تان تیل سیری مینمایید در باره تخم مرغ کمتر فکر کنید .
متولدین ماه ثور :

همیشه با ما مورین متاز به بر - خورد صمیمانه دارید خوبست به خاطر رفتن تان وقت ترا - خواب برخیزید تا با اطفال تان کمتر سرنا بنوازند کوشش کنید بی د بار در هفته به دفتر سرزید .

را انعام میدید مثلا شما قادر استید به اس وقت از نانوای نزدین خانه تان ، نان بدست بیاورید اما متوجه باشید که نفع شما درسی واسطه گسی شماست .
متولدین ماه جدی :

ناراحتی های که از ناحیه بلند رفتن مواد اولیه طسرف صورت دارد بی فایده است در اینده نه چندان دور شیز - خانه تان را قطنی روغنی رنگین خواهد ساخت براد بومک بشنود زیرا مقابل سایل تکراری حساسیت شده بد دارید .
متولدین ماه دلو :

فکر مرغ بلورا از خیال تان دور سازید . کتوبه بازار بروید بی نشی ملی بر شمارا متا - شر میسازد ولی باید بدانید که این موضوع د پیغامی شده است شما هم مانند مسولین در زمین - معافیت حاصل نمایند .
متولدین ماه حوت :

اگر شما امور دولت استید ، اطفال تان در نانوایی مصروف اند و شانس کامیابی در مکتب کم دارند ، وظیفه شماست که به معلم آنان واسطه پیدا نمایید که در جمله مشروطان ختم سال ، کامیاب گردند ، حتما بخت اطفال تان بیدار میشود ، تاراحت نباشید اطفال تان را تشویق نمایند که بوظیفه خود در نانوایی بگیرانده ادامه دهند . از لیل سعادت

روزی که رسید نصیب همه در حالی که لهنند بر لب داشتند قبول کردند . همین که به دفتر رسیدند بشیر حسن نظیر در گوش تلفون رایسر داشته به شعبه سرفراز خان تلفون گنیده گفت : معلوم صاحب محترم ، از کس تمهیه صاحبیهت شما با تمهیه مهم اثر ، بری مدیر صاحب سرفراز خان و امیر شعبات شان بگهین (- لنگه یاد داشت کهن) که مارونیک شنبه آینده ، ساعت (۱۱) می آیم ، مارو بر سرفراز خان و امیر هلس باید رهبر موسسه هم دعوت شود ، چند جریده دیواری به تشریف و تاریخچه مفصل فابریک نوشته شده جانر باشد ، بخش های مختلفه

تعمیر باید به صورت نمونه در این شود و تولیدات فابریک هم به قسم نمونه به نمایر گذاشته شود تا از آن چند شات بنهیم ، در روزی که ما می آیم ، تمام کارگران و کارمندان مدیریت تان را جمع کنید تا با آنها هم صحبت نمایم و در ضمن برای تان جاشت (۱۲) نفر خبرنگار و پرسونل تحمینی تمسنا تهیه کنید . برای سرفراز خان بگوید کارهای را که گفتیم حتما باید انجام دهند ماه صورت حتمی می آیم . معارف گفت : به چشم و حتما برشان مهم . روز موعود فرارسید اما هیچکس برای صاحبیه به شعبه سرفراز خان نرفت .





دوهامدينه

د راديو-مجلي پسرل
پسې داستان

سرپرست رئيس

نطاق: د راديو جوړيد ي پرله
پسې داستان د پروگرام اوريد-
ونکو لوستونکو سلام!
تاسې په تيره گڼه کې ولو -
ستل چې د بېتا توشېنولو د رڼا -
ست رييس د مقاماتو د لزم د پيد -
ياد ناغمې ي له کبله برطرف شو .
بي له دې چې بل رييس وټاکل
شي او ياد رڼا ست د کوم مرستيال
د سرپرستي مکتوب راشي . د رڼا
ست د چوکي د نيولوبه خاطر د
اداري اوفسي مرستيال ترمنځ
رقابت او کش وکړمنځ ته راغی . په
لومړي ورځ له سهاره ترغرمسي
پوري اداري مرستيال په چوکي
پوري نښتي و . خو کله چې د -
پنځو دقيقو له پاره له چوکي پورته
کيزي او د باندې وځي . نو فني
مرستيال د رڼا ست په چوکي پښه
ياتي (۱۰) مخ ته



نانوای

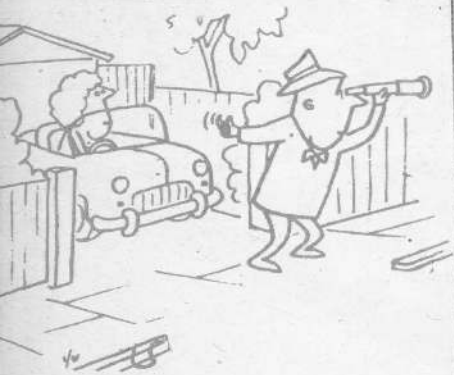
دغه مهم اوحياتي لغت په
معاصرو قاموسونو کې د اډول تو -
ضیح او تشریح شوي دي :
(نان)) د ډوډي او -
(واي)) د واخ مانا لري .
يانې کله چې خوک د پښار په
نانوایانو کې په پنځو ډوډيو پسې
(واخ)) چيغې ووهي او هغه
هم په لاس ورته ورنه شي .
.....
غور خوره . غوري وايه . خو په
غور وڼه تير وځه ا



علمي تخييلنه

هغه خوک چې دغه ليکه لولي غرموسې د ښوونځي په دوران
کې د ناپيژندنې دوران حالت د بېولوژي په کتاب کې ترسترگو
شوي دي ، خود لته د ناپيژندنې پر مخ کې د يوې بلې ډيرې مهمې
اوحياتي مادې د دوران په باب غږيزو . دغه مهمه اوحياتي
ماده د سر کونوله باسه هغه خاوري او ډوډي دي چې هره ورځ
په زموږ ښاريان په دوران کې ډول دخولي اوږي له لاري سزاو او
کولمونه ننه باسي . او د لري ترهغې روانه ده چې خود ښار
په واټونو کې دخټواو ډوډو دغه حال وي .
له دې خبرې سره دا خبره يې لا پراخه په ثبوت رسېږي
چې حاده څه ډول له يو حالت څخه په بل حالت بدليږي او خپلې
بقا ته دوام ورکوي .
راغی چې په دې باب په خپله دغه دوران حالت ته
ورنښوئو:

نردی لیدونتی هیله او د سنځی وریوری



دیوډاگانو غونښتلیک

د راپیو، تلویزیون، وریوریا،
مجلو او جریډ و محترم موسولینو!
غوره ریځ وینواو اوږدنی سینه
تلویزیون او راک یوکی د ماشومانو
او حیواناتو له باره ځانګړي خبرونې
خپریږي او هم په مجلوماتو کس
دغه ډول ګلیښی ترسترګو کړي.
خود یو ډاګانو خبرونه تراوسه نشه
چالیدلی، نه یی اوریدلی او نه
یی هم لوستلی ده. ایا یو ډاګان
غوز ونه نه لري، زه ونه نه لري،
اوستری نه لري یی خوب یس
د دې ډول خبرونو تمه خوري،
د ایه موسور او یریدلی وی چی:
زاره به خواږه، مرګ یی دی،
سار، خواږه، د امانانه لري چی
سړی به مړه ګیډه، لیتی یا اوکوره
و خوري، بلکی روحی خور ونه چی
د خولی په ځای د سترګو او غوزونو
له لاری کولموته ننوخی هم اړ تیا
ده. هیله کړی چی د دنیس
اړ تیا به پام کی نیولوسوه (د بو-
ډاګانو نړی) ایه نوم خبرونه به
خپلو خبرونوکی وریاته کړی.
ستاس اجزا توت غوز اوستری
به لاریو.

بریالی اوسی

کاکا سفندرد یو ډاګانو د تولنی
سرسرست

وکل شو!

د یو ډاګانو دغه غونښته به ځای
ده اوله عمدی نیسی وروسته به
د بدجاره هنی هنیوال د یو ډاګانو
د نړی په نیم یوه توکری به هنی
کی وریاته کړی.

ګندنه

زه مجنون د ګندنی م، ګندنه زما لیلاد ه
به لاسونه راغی ملګرو، کبرجنه یی وفاد ه
اوس یی سینه بازاری ده، له پتی تللی د ګان ته
به مفلس مین شرمیز ی، ښکته ما ځنی اجداده
د مهران مودی اوز دی شوی، د وصال په طمعه طمعه
زه د یواښتک به هیله، تیرم میاشتی ګندنه
داله ځمکی نه عواته، پورته شوی به هوا ده
لاهم ورځ به ورځ جکیزی، یو ځیران رانیتنه شوه
د نرځونوبه سیالی کی، ګله ګله له (پامپا) ده
به مړه ګیډه، عینکله، ماونه خور، به مینه
د اچی ورګه ده له مانه، نوله ما ورګه د تیا ده
که یی نرځ راکښته نه شی، د خوراک عیله یی به کړه
ای مفلسه حیبت ته کوره، ګله خوراک ګی یا شتیا
بخوانی مینی اوسنه شته، زه د دې عیله یاری کړه
اول نرځ کوره بازاری، ګندنه یی مینی ته سودا ده
غسی نه چی لیونی شی، به کونوبه بازارونو
څه به لاس درله درنه شی، د ابله تما شان ده
نورته افریاد ونه کړی، زه مړه ګی، صبر ګندنه
ای مفلس ګندنه خوره، د ازما درته وینا ده



میږز له میږسره څخه خپلوی لری؟

میږخوتول بیژنی چی د دفتر
په کوچ کی به څلور ښو ارام
ولار وی او په رمی وخت کسی
میږزایان ورباندی خپل سرز دی
اویده کړی.
راعی وګورچی میږز اڅه ته
وایس: میږز له دوه برخو
(میر-زا) څخه جوړ شوی دی
چی دوه لاسونه، دوه ښی،
دوه سترګی او دوه غوزونه لری.
اوس که (میر)، (میر) او
(زا) د وار په سره یوځای کړو
نوبه به ستروګویلاي شو چی:
میږز اڅه (میر) دی چی له
(میر) څخه زیږیدلی دی.
(خبرکی)



په ریځ دانه باغیچه ښیله

په کلاکت څخه کار ښیله

دیوډاگانو نړی

یوه ډاګانو ځوان به ګوره،
پوډی ګلسی ته باغیچه ور اړه،
پوډی یی خور له
دوی د وار په خوله شخوند
راهه اوسه سترګوی اوسنی نویلی
یوس چی دغی عیسی بیسی ته
هت په پاتی واکه یو اڅخه و-
پوستل
- کاکا خانه (ولی زاری)
- بچی بوښته به ګوره، نه پامه
خوله کی غاښونه نه شته اوسه
پوډی شخوندنه شم وهلاي،
خودغه ځوان چی غاښونه لری
توله پوډی یی راځنی رځسره،
ځوان چی خوله یی له پوډی
په ګه وه، به پک ستونی بسری
ا و دانګل:

د روغ وای وروزه! زه چی غا-
ښونه لرم، نوبه پوډی شخوند
وهم لږ دم یی، خودغه یو اڅخه
ښونه نه لری او پوډی ژوند یی
ژوند یی تیوی.

یوشن میږز ته لار خو خپل یو ا
پلار ته لیک ورباندی ولیکی، میږز
دغه وویل:
میږز! ته وروزه! پلار ته دی په
لیک کی څه ولیکم.
سړی- سلام... ګرانه پلار...
میږز! ولی چیغی وهی؟
سړی- ددی لپاره چی یو ا-
پلار یی په غوزونو کړی دی او
ورځبره نه اوری.



علی مشتری سفر پر ماجرای بی رابه دنبال عشق خود از سرگذشتانند

مجموعه بی رابه

خواننده گان عزیزان در شماره های قبلی مجله باغ رشک سفر علی مشتری را دنبال حقیقتی در هیاللا به غدا خوانندند اینک بخش دیگری از آن را میخوانید.

شب فصل بهار و ماهتاب است
نغم باغ رشک مشک تاب است
شگفته دامن افشاند به گلشن
زخون لاله شاخ گل خضاب است
بدیده تان ((ماه دور بسا لا))
ز خجلت ماه تابان در حجاب است
نغم آهسته تبر بگرد ز گش
که ((ممتاز جهان)) من بیخواب است
درین فصل بهار ای گلشن نساز
ز هجرت مشتری اندر عذاب است
مجله کابل هم در یکی از شماره های خود
بیوگرافی مدهو بالا را بطور مکتب تحت عنوان هللی
مشتری و مدهو بالا بدست نشر سیرده که چند
صفحه از آن مجله مصروف وزیران گرفته است
جریده انیس هم زیر عنوان ((علی مشتری رایشنا -
سید)) یک صفحه از روزنامه را به بیوگرافی بنده
و عشق عصری قرن بیست و موضوع مدهو بالا تشریح
یحات مفصل داده و هم چنین موضوع روز را اطلا
جمعی افغانستان بود و اکثر روزنامه ها و جراید
درین باره مضامین و اشعاری بدست نشر
سی سیرده که چون مدت و زمان زیادی از آن

تاریخ نگشته و اکثر آنها فراموش گردیده اند
همچنین مجله ننداره که یک مجله هنسری
فلسی و ادبی بود در وقت و زمان خود شهرت خوبی
داشته و صاحب و راپور تازی مفصل و نظریات خویش
را بدست نشر سیرده و عکس هاییک مدهو بالا در آن
امضا کرده و بطور یادگار برایم اهدا نموده بسود
و هم چنین عکس های از من در مجله ننداره به
چاپ رسیده

و این است راپور تازی که در شماره دوم سال دوم
مجله ننداره که بدبوسول آن محترم شمع رهگذر
بودند - نشر گردیده یک قسمت آن بحضور
خواننده گان گرامی سپارون بدیلا تقدیم میشود

((یک راپور تازی دلچسپ خواندنی
گفتگوی با علی مشتری))

((عشق)) امید ((و آرزو)) سه کله خوش
آهنگ سه لفظ خیال انگیز و شاهرا نه و بالا خسره
سه معمای مشک و پیچیده هستند که بدور مرکز
من می چرخند و دل این مایه زندگی و این اوست
زندگی بهر رنگی که خواسته اوست این هر سه را

بسیار خود می رقصد و آدمی را بدنبال آنچه نغم
عشق و آرزو در وی بوجود آورده است گاهی در
صحاری خشک و ریگ بیابان رگه با پای برهنه
روی خار مغیلان می میدان وطن میدان میدواند
و اهتایی باین ندارد که کف پای آدمی را در دی
وشت پای او را گردی نصب نموده است
آنچه راهبان اخبار و ناقلان آثار و خوش
چینان خرمن سخن از دوران کهن بدل نسبت
داده اند که اگر غلط نیست عجیب ضرور است
زیرا گاهی دل را خون شده گان مظلم ناچسار
خوانده و هزاران نوع نوحه دیگر برای اوسر و دهاند

در حالیکه همین دل بیچاره عاجز و ناچار ایشان را با خاک و خون کشیده و بعد هم برایش نوحه گری که بوشق نفرین کرده آرزو را محال خوانده و امید را فریبنده میدانند به تعقعه خندیده است. همین دل مظلوم دوست باکتر لوگه ما علی مشتری رادو - سال تمام از یارو دیار برید و برید و جای او را در محافل ادبی و هنری و محفل انیس دوستان خالص ماند، داستان اینکه وی در راه یار غربت چها کشید، برای خود بی کتابی است.

ولی اینکه در سرزمین بیرونیان نمکین و سستی، جهادید و چهارگز برای خوانندگان مجله مسافر و دوستداران مشتری، موضوع معتنا به و غنیمت سی است که با استفاده از یک صحبت دو ساعته با ارجحی اجالی بخوانندگان نامه خود از آن ترتیب و تقدیم میکنم تا با کمال تعجب بیکار دیگر در یابند که - مشتری هم در حالیکه مثل همه ما و شما باز چه دل بوده، باز هم برای دل خود بسیار میسوزد و هر لحظه آهی کشیده، میگوید ((بیچاره دلکم)) با خوش خلقی ((همیشگی مرا پذیرفت و بعد از تعارفات معمول، مانده نباشی اضافه کرد: گمان میکنم در اینجا هم مثل بعضی بیک مشت سوالات تو امثال تو بایسد جواب داد، روی خصوصیتی که داشتیم، خندیدیم و گفتم.

س: جزاین چاره نداری وقتی که حاضر شدی تمام جراید فنی بیگانه را از نظریات و اظهارات عاشقانه و هنری خود بزرگی ناگسری برای نماینده مجله فنی کشور خود هم حرف بزنی. عده زیادی خواننده گان ما ترا می شناسند و جدا - نستن ماجرای مسافرت عشقی و هنری تو عسلا - کنند اند.

ج: حاضرم به سوالات تو جواب بدهم مشروط بر اینکه زیاد وارد خصوصیات نشوی و من برای سکوت اجباری احساس نکم.

س: به دیده این قسمت را رعایت میکنم اما تا آن حدی که حس کنجکاری یک خبرنگار بتواند اجازه دهد.

ج: بسیار خوب فرمایید، من حاضرم که به سوالات شما جواب گویم.

س: اولتراز صحبت صحبت کن تا جاییکه من میدانم منظور از مسافرت توبه بعضی در مرحله نخست معالجه چشم بود، آیا بهتر شد؟

ج: خدا را سپاس گزارم یک مدت مختصر تحت تدابری بودم که به زودترین فرصت تکلیف رفع گردید.

دیدن روی عزیزان چشم روشن میکند داریو بینایی یعقوب را یوسف کند

س: پس چرا توقفان در بعضی مدت دروسال طول کشید؟

ج: خودت میدانم که من به عوامل هنری علاقه زیاد دارم، از روزیکه پای من بروی سئو بهال شده بیش از آنکه یک شاگرد اهل مصالح بسرای طیب باشم، دو دسته دامن هنر و سوانح هنر - مندان را چسبیده ام، ازین جهت خیف دانستم از شهری مانند بعضی که مرکز هنر و هنرمندان کشور بزرگ هند و تقریباً هالیوود شرقی است، بدون فیض

بردن و انداختن معلومات هنری برگردم، طبعاً این کرد شها و کسب معلومات هنری مدت زمان طولانی را ایجاب میکرد و من هم بی مضایقه حاضر شدم، این مدت را فدای اندوخته هایی هنری کنم.

س: خوب، البته این مطالعات منحصر به ملاقات با ستاره زیبای آسمان سینمای هند بود و هر لحظه بی که بایکی ازین آفات مفسل و هوش رنده بدیده بازماندی یک انسا یکلوبیدی نوبی از تو بوجود آمد؟

ج: یقیناً این وجهه احساساتی و شاعرانه مطالعات من است، معذراً هر یکی ازین ستاره ها در هر لحظه زیبایی و دلربایی، عالم بخش هنر و دارای یک استعداد سرشار در پیشه خود هستند.

س: به نظر تو هنرمندترین ستاره های هند کدام عا بوده و آسامی شان چیست؟

ج: به نظرم را جگپور، بلراج سمانی، کنبور ساهو، دلپ کمار، اشوک کمار، بروتی راج و جانی و اگر از جنس خشن، نرگس، مدهو بالا، نس، وی - جنتی مالا، نلنی جیونت، گیتالی، کانی کوشل نو باری، از جنس لطیف، سربر آورده گمان جهان سینمای هند بشمار میروند، البته این یک قضاوت هنری و شخصی خود من است و من هیچ گونه وجهه قطعیت و احتیاط به آن قایل نیستم.

س: نگاه شما از نقطه نظر زیبایی روی کدام

ج: شاید تاجیزی درین نباشد مردم از آن چیز هانی سازند، محبت و علاقه من به مدهو بالا یک - بقه چندین ساله دارد و تماشای فلم های محفل نازنین، ((خانم آتای ۵۰)) در تشدید و تحکیم این محبت سعم زیادی داشته و بعد هم همین عشق و علاقه به او محرک احساسات شاعرانه من شد و دیوانی در حدود ((ده هزار)) بیت در وصف مدهو بالا از طبع من بوجود آمد، گرچه علت اساسی مسافرت به هند طوریکه در بالا گفته آمد یک مسافرت هنری و ورزشی بود، معذراً آرزوی باز دید ازین محبوب و معشوق رویا ها و تخیلات نیز درین مرحله سعم زیادی داشت.

س: بعضی از جراید چاپ بعضی مثلاً اداکار آرزو و غیره ضمن راپورتاژ هاییکه از تو طبع کرده اند حرفهای نیز در مورد ملاقات تو با مدهو بالا و مطا لاله خان بد را و بچاپ سپرده اند، چاک از اینکس مدهو بالا به ازدواج با توبی میل نبوده، ولی پدرش دو صد هزار کله در هندی جمعیت مصرف عروس برای بستن زبان مردم از تولید انوا هاتی اساس مطالبه کرده است، آیا این مطالب حقیقت دارد؟

ج: بی شک دیده ام مدهو بالا از نزدیک یک تضایی قلبی من بوده و بعد مدتی انتظار روکشش توانستم اوراد رفتارش که یکی از زیباترین مهارت حوالی بعضی است، ملاقات کم درین ملاقات از هر دری سخن راندم و طبعاً از دل بستگی و علاقه پی که بوی داشتم نیز سخن بمیان آمد، مدهو برخلاف

مدهو بالا وینوس شرق است

آنچه در زلم هاملاحظه میکنم یک د ختر خلق و محب است، بنابراین وقتی سخن بدینجا کشید، گونه هایش از شرم گل انداخت و در حالیکه نمیتوانست بمسوی من نگاه کند، گفت، برین موضوع بهتر است با یسد صحبت کنید، شاید راه حل درستی پیش پای تان بگذارد، ملاقات با مطا و الله خان نیز در استان دورو درازی دارد ولی مختصر آن همان است که جریده آرزو و بچرا یسد هند نوشته اند.

س: و طبعاً تو این پول را نتوانستی تعمیم کنی زیرا سرمایه بی که با خود برده بودی یکی هنر و دیگری یک دل شوریده و پرورد بوده که ایسن دو نمیتوانست خان را اقناع کند و نه خان نمیتوانست بدان وسیله زبان دراز مردم را کوتاه کند.

ج: این قسمت را به اجازه تو مسکوت میکنم و امیدوارم طالب هیچ گونه توضیح بیشتر از آنچه میدانسی نباشی.

این قسمتی از صحابه بود که در مجله ننداره به طبع رسیده بود و کلکسیون مجله مذکور هم در کتابخانه عامه کابل موجود است، علاقه مندان میتوانند بقیه در صفحه (۱۱)

یک از ستاره های هنری مخصوصاً توقف میکند؟ البته ذوق و سلیقه خوانندگان را باید در نظر بگیریم.

ج: سوال ضد و نقیض و عجیبی میکنی، اول میکنی نگاه خودت و بعد سفارش میکنی ذوق خوانندگان تو باید مد نظر من باشد، اگر این جنبه را رعایت کنم تا گریز سختی برخلاف آنچه دلم خواهد گفت، گفتم ام زیرا دل من و نگاه من فقط یک ستاره زیبای طنازود لریا در آسمان سینمای هندی شناسد و من بیند که آنهم ((مدهو بالا)) وینوس شرق است، غیر از او هر کس هر کس را میخواهد برای خودش زیبا بگیرد ولی نه آنرا قبول میکنم و نه میتوانم تأیید نمایم.

س: پس چیز هاییکه مردم راجع به تو علاقه مفرط به مدهو بالا میکنند، زیاد بی اساس نیست؟

ج: مثلاً چه چیزها؟

س: مثلاً میکنم علت اصلی مسافرت توبه هند دیدار نزدیک ازین ستاره آشوبگر هند بوده و در چشم و کسب معلومات هنری که هم اکنون از آن صحبت میکردی، حرف مفت و بهانه بی بیش نیست؟

لی غم باش لالا

مدیر صاحب ، سزای قسوت
 ((ا)) گرم
 هفته گذشته ماره سرگردان
 ساختن ، ما آمدیم شما نمودین ،
 خیالی دیدین که چلو قصد خوده
 گرفتیم که یک هفته شماره به خاطر
 صاحب صرف ساختیم ، آخر
 هم دیروز نامدیم .
 سرفرازخان که این حرف ها را
 شنیده ، خنده ، تمسخر آمیزی
 کرده گفت :
 بی غم باش لالا ، ما دیروز هم
 نبودیم .

بقیه از صفحه ۱۲۲
 شوهر من فلمدار که در من
 حال به حد بدبختی نگاران -
 تلخهون ایفای وظیفه میکرد ، یک
 روز بعد گویی را برداشته سزای
 سرفرازخان که همان روز در شب
 بود تلافین کرده گفت :

بقیه از صفحه (۷)

مصیبت اعتیاد

ج : همین شخړ صاحب به
 وابستگی مواد مخدر و رانمیتوان به زور
 و فشار تد اوی کرد با وجود اینکه
 تمام تسهیلات آرمایی موجود د
 باشد ، رضا و رغبت صاحب به
 تد اوی شرط اول تد اوی است .
 برای تد اوی معتادین باید برنامه
 های وسیع تبلیغاتی نیز در رنر
 گرفته شود ، نمایش فلم ها و نمایشنامه
 های توانده موثر باشد . برعکس
 فلم های تشویق کننده یک
 جایا مواد مخدره از طریق تاجران
 مواد مخدره خود اعتیاد را بیشتر

می سازد ، در برنامه تد اوی باید
 خانواده ها و استادان مکاتب
 و همروسه زیرط سم بگیرند
 یعنی منظور این است که اولاً
 برنامه و قیود داشته باشم
 نه معالجه . بسیاری از صاحبین
 می توانند داخل بستری شوند
 اغلباً دیده شده که آنها از
 طریق همیره های سابقه به مواد
 مخدره کشانیده شده اند .
 ج : طوری که قبلاً گفتم تد اوی
 اجباری این انفراد مفید نیست
 و معلوم کردن معتادین هم چندان

لیزاروی

بقیه از صفحه (۲۱)

نمایشنامه ((ایدم نیست))
 بعضی نمایشنامه های تلویزیون
 و رادیویی نقشه های داشته ام
 - لیزارجان کونکه به آرزوی تان
 نایل آمده اید و هنر پیشه سینما
 شده اید ، فلم جدیدتان کدام
 است ؟
 - فلم جدید اینکه من در آن
 نقش برارنده ام ، ((سفر))
 نام دارد به کارگردانی سعید
 ورکزی وهم اولین بار است که
 رضایت کارگردان را جلب
 کرده ام چون نقش یا کرکتریکه من



باز رایت و هوشیاری با سح
 داد :
 - از هنر ، هنر زنده گی کردن
 را موخر ، نه تنها به درسام
 می رسم بلکه در منزل با مساد
 نیز کمک مینمایم و زمانیکه تحمیلات
 خود را بی پایان رسانیدم ، آرزو
 دارم ، در آسمان سینمای افغانی
 ستاره باشم ، آگاه و پردرخش ش .
 - ما شما این بیروزی را قبلاً
 تیریک میگویم .

آنرا اجرا می کنم نهایت خوش
 آمده بود و از سوزی شرح و کسار
 دقیق کارگردان و اعضای یونت
 فلمبرداری ماسپ شد که من
 بهتر و خوشتر در قالب کرکتر سیرده
 شده قرار گیرم .
 - قرار اطلاع شما شاگرد ممتاز
 مکتب خود نیز هستید آیا به هنر -
 پیشه گی تان ادامه خواهید
 داد یا چطور ؟

به شعر جان میبخشد

بقیه از صفحه

- پلی شما درست میگوید من در حدود ۲ هزار پارچه
 موسیقی را دایرکت کرده ام .
 - وجه تعداد اشعار را دیکله کرده اید ؟
 - شاید در حدود دوهصد پارچه بوده باشد .
 - پس در بخش دایرکت باید تحمیلات همه جانبه داشته
 باشید میشود از تحمیلات تان بیوس ؟
 - نسبت مشکلاتی که داشتیم نتوانستیم بیشتر از ۱۲ صنف
 تحمیل کنیم اما در بخش دایرکت از طریق تلویزیون دایران یک
 کورس ، ماهه را تمقیب کرده ام .
 - در بخش دایرکت بن ویا مردم کدام یک مؤفق تراست ؟
 - به نظر من زن مؤفق تراست .
 - چرا ؟
 - زیرا که زن میتواند بخصوص در حوضه رنگ لباس و آرایش
 دقیق تر باشد .
 - میخواستم بیوس دایرکت آهنگهای استاد هوشیاری
 و سیما ترانه ، کار کدام دایرکتراست زیرا لباس و آرایش خواننده
 با فضای که خواننده در آن قرار دارد هم آهنگی تلم دارند ؟
 - کار من است .
 - پس به این صورت بیشترین ضرورت شما در تلویزیون است ؟
 - فعلاً در خانه .
 - چرا ؟
 - مشکلات دارم .
 - در نظای مؤفق تراستید و یا در دیکله اشعار ؟
 - فکر میکنم شعر را خوبتر میخوانم .
 - گاهی بخارج از کشور سفر داشته اید ؟
 - بله در فنشوال و در گاه ماسکو سفر کرده ام و یکبار هم سفر
 شخصی به کشور هند داشتیم که در ضمن پاکستان راهم دیدم .
 - فعلاً کدام پروگرام را پیش می برید ؟
 - پروگرام زن و جامعه را .
 - و در اوایل که به تلویزیون آمدید کدام وظایف را پیش
 می بردید ؟
 - از سال ۱۳۶۰ برای ۱ سال مدیر عمومی موسیقی تلویزیون
 بودم .

آیات اقتصاد زمین با ستاره

بقیه از صفحه (۲۹)

امکان مشاهده اثر و نشان این
 حادثه تیل از وقوع نبشند اجرات
 دفاعی در برابر آن اتخاذ میگردد ؟
 یکی از شاگردان پروفیسور (پول -
 ساندرف) از وی چنین سوال
 کرد : چگونه میتوان زمین را از
 تصادم و آرهانه در صورت تریکه
 هشت ماه به تاخیر وقوع این
 تصادم نمانده باشد ؟ آیا میشود
 راکت های دوگلوله ای را غرض
 انفجار ستاره به خاطر تغییر
 مجرای سیمون بکار برد ؟
 بعداً ساندرف اظهار داشت :

دفع کردید که در نتیجه چهره عالم
 تغییر یافت ، زمین لرزه ها ، انفجار
 در کوه های بزرگ و توفانهای وقوع
 بیوست ، طیفات غیرابریک های
 ضخیم یوز هوا را احاطه کرده و
 مدتی چند در همانجا باقی ماند و
 حبابی در برابر اشعه آنتاب
 گردید . درین میان به اثر توقف
 ترکیب نور هزاران هزار موجود
 زنده با مرگ مواجه گشتند .

برخی از دانشمندان معتقد اند که
 خطر تصادم زمین با یکی از ستاره
 های یک امر کاملاً حقیقی به شمار
 می آید لیکن میتوان آنرا کاملاً
 ضایل نیز کرد . طبق اقتصاد
 (شویکر) ستاره ای که فوت
 انفجار معادل هیرمز را دارا باشد
 امکان تصادمش در خلال صد هزار
 سال یکبار مت و راست . اما ستاره ای که
 متادل تو انفجارش فقط یک میگان
 باشد امکان دارد بعد از هری سال
 داخل یوز جوی زمین گردد .

انفجارات هولناک
 در سال ۱۹۰۸ برفراز جنگلات
 دور دست سایبها جسم طعمی با
 طاقت انفجار هایدروجنی دوازده
 میگاتن عبور کرد این حادثه سبب
 تولید امواج زلزله در منطقه
 تانکوسکا شوروی گردید ، اشجار -
 قطع و به سانه ، پنجاه میل دور
 انداخته شدند ، غبار و تند بساد
 ها مناطق وسیع دنیا را فرا گرفت .
 از همان وقت تا امروز از طلا در ساره
 سبب این انفجار و شش . تا سبب
 تانکوسکا سوال میشود آیا جسم
 مذکور رأس متلاش شده . مذکور
 (یکی از سیاره ها) یا ستاره ، سخره
 ایست ؟ گویی از دانشمندان با
 این سوال مواجه اند آیا در صورت

انتظار هرود اروپاییان سفینه
 ای راه ستاره (هستنا) که حوالی
 صدمیلیون میل از فاصله دارد -
 ارسال نماید . اینگونه ستاره ها
 به جای بدل خواهد شد که
 انسانها بتوانند در آن با شجاعت
 قدم گذارند و ما شاهد به
 انسان در زمته ، نسوم خواهیم
 بود .

ساختمان ها سریر آسمان

بقیه از صفحه (۵۱)

به مناسبت بازهای المپان توکو
 امارشاد . چنمین زلزله را از سر
 گذشتاند . در سال ۱۹۶۲ این
 یکبار به سکونت انتقال یافت . دهن
 شهر اتن تلخهون ایستاکونو -
 بالارحاع ۵۴۰۷
 متر امارشاد . این اتن تلخهون
 جمعه ۵۵ هزارتن وزن دارد .
 در ارتفاع ۳۲۵ متر این اتن
 رستوران واقع است که چن مجرود
 این رستوران منظره بسیار زیبایی
 به شهر مسکو نصیب مارجم -

گفته شد کاری ساده نیست
اداره ماصرف درحالاتی میتوانند
آنان راحت تدای بگیرد که
از جانب خانواده های شان
یا بطور داوطلبانه از جانب خود
شان مراجعه صورت گیرد .
س : آنانیکه بعد از تدای
معنادمی شوند آیا بازهم چانس
صحت یابی رادارند ؟
ج : آنانکه دوباره بعد
از تدای به مواد مخدره روسی
آوردن کسانی اند که باز نخست
به زور تحت تدای قرار گرفته اند .

وطبعاً مصاب شدن شان بسیار
دیگر خطرناکتر است زیرا برای
ترک اعتیاد تصمیم و اراده قوی
و علاقمندی شخصی باید وجود
داشته باشد .
س : معنادین چی نوع برابلم
هاراد رجامعه به میان میاورند ؟
ج : برابلم های ناشسی از
معنادین وسیع است .
از نظر جسمی خطرات جدی
بیماری های کشنده را بوجود می
آورد مثلاً بیماری های ریویم
و خطرناک جگر که از استعمال

مکرر مشروبات الکولی پیدا می شود .
خطر سرطان نزدیکانیکه عادت
به دود کردن دارند . بوی دهن
چنین افراد سبب از پتدیگران
می شود . زرق داخل و رورسیدی
مواد مخدره زمینه انتقال و انتقال
مرض خطرناک اید سر برابلم
می آورد . حادثات ترافیکی ناشسی
از همین موارد می باشد . از نظر
روانی نیز مشکلات بوجود می آورد
از نظر اقتصادی چنین انحصار
کاری کمتر داشته و باید شانرا
را صرف مواد مخدره می نمایند

طبعاً خانواده ایشان دچار
تنگدستی می گردد آنها بیشتر
اوقات خوشی را با دوستان همردیف
خود گذراننده اطفال شان از مهر
محبت شان محروم می گردد
گاهی اطفال شان نیز مصاب
به این موادمی گردد . تناسبات
خانواده کی آنها نامطلوب
گردیده سبب ایجاد جنگ و جدال
ها بالاخره به طلاق و جدایی
منجر می گردد . انسانها ثروت
جامعه اند طبعاً انسانها معناد
ازین ثروت کاسته می شود . رجایی

زنده کی برای آنها محدود میگردد
بعضاً بخاطر بدهی است کورده ن
پول غرض خرید اری مواد مخدره
آنها مرگب جرم و جنایات
مختلف می شوند . حتی تا سرحد
قتل و زندی های بزرگ بعضی
اینکه برابلم ناشسی از اعتیاد طیف
وسیع دارد که برای درمان آن
جهاززه بزرگ بکاراست چی ضم
مادران و اطفال مسووم
جوانان و سرانجام مصیبت یک
جامعه ناشسی از اعتیاد به
مواد مخدره می باشد .

نقطه مرگ

بقیه از صفحه (۲۶)
کوبایی چنانکه سوطون عمر
را کوبند یاد میشود و شامل
۱۲ نهی است که از نباتات
و حیوانات بدست آمده و هیچ
عنصر منحصوی کیمیاوی در آن وجود
ندارد . عبارتند از : عصاره
جمله سنگ پشت خاور دور ،
عصاره شاع کرگدن ، خسته
های نباتات *Armenacae*
Juulperus-Rioids
لبومی چینایی ، خسته قیسی
و شنبه های ک در کوروسا
نیز پیدا می شوند . و از روزگاران
پهلوی سینای بلخی مورد اعتقاد
قرار داشته اند .
از نامبرده برتنش بعمل آمده
که : آیا ممکن است که عصاره
طولانی ساخت ؟
اینگونه پاسخ میدهند :
بلی ، با قویه سیستم های
قبلاً ذکر شده ممکن است . زیرا
تضعیف فعالیت آنها باعث
بیزی میگردد . طول عصاره
میتوان تا ۱۲۰ سال و حتی از آن
هم بالاتر برد . بالای اشخاص
بین سنین ۶۰-۷۰ ، که وظایف
تمام سیستم های شان تضعیف
شده بود ، تجاری انجام دادیم .

با تکفالت جنسی آنها از ۵۰-
۷۰ میقد کاهش یافته بود
توانستیم که آنها را با نرس تدای
بحال نورمال برگردانیم .
برای اینگونه تدای عموماً
تطبیق دو یا سه کورس لازم است
قسمی کورس از ۱۰ تا ۱۵ بار
تطبیق میگردد و تطبیق بیچگاری
ها چند روز را در بر میگیرد
در حله اول بیچگاری ها در
نقاط فعالی صورت میگردد
که بیمار از آنها شکایت
دارد . چیز مهم در تطبیق این
سیستم است که نقطه مورد نظر
جد نیصد پیدا می شود . در
حالیکه درسوزن زن عادی
تقریباً ممکن نیست . داری تر-
ریق شده خود بخود زیر جلد
انتشار یافته و خود را به نقطه
مورد هدف میرساند .
کورس اول تطبیق بیچگاری
در ظرف ۳ تا ۶ ماه نتیجه
میدهد و نتایج کورس های
بعدی معتد و بهتر خواهد شد
سپس نظریه وضع چهار کورس
تطبیق بیچگاری
بعد از یک سال یاد و سال و یا
سه سال تطبیق گردد . بعضی
اشخاص در اولین تطبیق
بیچگاری صحت یاب میگردد .
تلاش طبیعی کوریا به تزریق
دو نقطه لان طول عمر محدود
نمانده درصد پیدا کردن نقطه
مرگ نیز استند .
داکترونیک برامون نقطه
مرگ چنین عقیده دارد : در یک
حیوان بزرگ بحری بنام

اوختاپوس یک چشم سوی نیز
وجود دارد که از آن هورمون
مخصوصی بنام هورمون مرگ
ترشح می کند . هرگاه این چشم
سوی از بین برده شود آن حیوان
برای همیشه زنده خواهد ماند .
فرض کنیم که پسر شدن انسان
هم ، که معلول فرسایش اسج
و جرحه ها می باشد . از هورمونی
بنام هورمون مرگ سرچشمه گرفته
باشد . هرگاه بتوانیم ترشحات
این هورمون را زایل کنیم و یا
لااقل کاهش دهیم به جلوگیری
یا کاهش بروسه بیری نایل خواهیم
شد . همانطوریکه هر عضو
بدن یک نقطه فعال در روی
جلد دارد به احتمال قوی
هورمون مرگ هم باید نقطه
فعال در روی جلد داشته
باشد .
به نظر او این نقطه با لای-
خطی موقعیت دارد که بنام
خط طول عمر پداسی شود و از
گلو شروع شده پس از عبور
از سده و ناف به آلات تناسلی
ختم میگردد . بین ناف و -
استخوان جنسیخ نقطه
طول عمر ، که از قدیم ها
تصریف گردیده ، موقعیت دارد
مهمترین آنها نقطه چمانگ
است . داکترونیک نقطه
جدیدی را هم کشف کرده که ۲
تا ۴ سانتی به طرف پایین
ناف موقعیت دارد و بنام خود روی
نسی است در تحقیقات بعدی
خود تصمیم دارد که نقطه مرگ
را هم درین منطقه پیدا کند .

بقیه از صفحه (۲۶)
چونان انسان را از نظر اشعه
خواری بعضی حفظ کند .
درجهان حیوانات و نباتات چه
اثری خواهد داشت ؟
همین سوالات را تمنا از ضلعین
سوی جوان صورت کرد . هرگاه
انسان بتواند خود را تا اندازه ای
از تشعشع محافظه کند . کی آن
بر حیوانات و نباتات اثر گذار خواهد
نمود . طول مطالعه سطح حاصل دمی
حیوانات غیر نفاهی ۲۰ نمد حاصل-
خیزی بعضی نباتات ۳۰ نمد
کاهش خواهد یافت . شد تشعشع
ماورای بنفش امکان دارد نفا را بگونه
مناطق صنعتی و آلود سازد .
این امر ممکن نیست بهش از ۵۰ سال
صورت گیرد و تمام در صورتی تفاوت
ماندن انسان در برابر آن .
معلم است در سالهای نزدیک به خط
نگهداری این از خطر تشعشع اقداما
شده در نظر گرفته شده است .
- آیا بعضی حیوانات خورشید شهاب
صل داکنی شبه نیست که از -
بعضی مرض جدی او را بپنهان -
نگهدارد ؟
- گه های من نه تعابیهانته
های تجاری طی هبوطانم بلکه
بر تلیج پژوههای جهانی آشوار
است ، تجاری و آزمایش های چندین
ساله پروگرام انگلیسی مل متسد
(UNDP) سازمان مترو لوی ی
جهانی میانگرنان تطبیق است .
- از ده سال در هر پاییز بالان
قطب جنوب شکاف آتونی پدیدار
مگردد ، طت چیست ؟
- در برابر این پرسش هنوز پاسخ
تفصیلت بخش وجود ندارد .
با تمام در زبته این فرضیه ها تمام گردید
است : شکاف آتونی شاید زا ده
جهان کیمیاوی یا حیوان دنیاکی
یا هر دو ی آن باشد که بالان توصیف
صورت میگردد . بعضی هالین موضوع
را با اهتزازات رزم حرارتی و همچنان
با اعمال شدن خوبید پیوسته
مدهند و هیچکس تا کنین به تشعشع
مناسب آن توضیح نمانه است .

بقیه از صفحه (۲۶)
پژوهها و آزمایش های بیشتری در
کار است .
تحقیقات بشرک شویو ، آلمان
دموکراتیک ، بلغاریا ، منگولیا ، کوبا ،
هند و ایالات متحده روسی است -
- در سال حاضر چه پیمانه مواد
تولید کننده آتونی درجهان تولید
مگردد ؟
- تعدادی روسی سالانه در حدود
یک میلیون تن (۴۰ نمد آن در ایالات
متحده ، ۳۰ نمد آن در ایالات
۱۰ نمد آن در جهان و شویو) -
تولید میشود .
تعدادی متحده در
شویو ، ایالات متحده و بعضی کور
های دیگر مواد الترفاتی آن تولید
مگردد .
- در کفرانس مونتهال چه مصامی
اتخاذ گردید ؟
- مصام حق قبل از آن در سال
۱۹۸۰ در هائیا هم اتخاذ گردید .
چنانچه طبق آن تحقیقات روسی
جهانی رویدت گرفته شود در -
پروتکل آن ۵۰ کور اضافه کننده
تعداد سپردند که تولید مواد
تولید کننده آتونی را قطع نمایند .
- تا چه وقت هکدام پیمانه از تولید
مواد ضربه قطع خواهد شد ؟
- در کفرانس مصم گرفته شده در
سال ۱۹۸۳ از تولید نوی روسی ۲۰ -
نمد در سال ۱۹۹۰ به اندازه
۵۰ نمد کاسته شود .
- آیا کاهش های در نظر گرفته شده
کافی است و چرا تا ختم شده جاری
نمیشد کاهش بیشتر اند ؟
- هرگاه برنامه وضع شده تطبیق
گردید و تولید مواد تشعشع کننده
آتونی افزایش نیابد پیمانه تشعشع
تشر آتونی مایه نگاری نخواهد بود .
- با کور هلیک پروتکل مونتهال
راهبهنز اضافه کرده اند چه معاطه
صورت میگردد ؟
- نظریه موافقه مونتهال تکلیفی
روسی تولید نوی روسی در اختیار آنها
گذاشته نخواهد شد . البته
مقتضین با مسازات جدی اقتصادی
سریزش خواهند شد .

رستورانت میشود .
اخین حرف تخنیک به شهر
توتوتو
کاناتا اطلاق -
میشود .
۱۹۷۵ دین شهر
برج بزرگ تلوهون با ۵۰۴ متر
ارتفاع خود انبزرگترین ساختمان -
جهان از نوع خود میباشد .
در ارتفاع
۳۴۷ متری این برج رستورانتی
ک دارای ۴۷۶ چوکی میسرایی
معانات بوده و واقع است .
معانات این رستورانت توسط لفت ک در کنار

برج واقع است و اطرافش را شیشه
اسطه کرده انتقال داده میشود
معانات میتوانند از لفت به منظره
نمایا که به شهر توتوتو خواهد شد
لذت ببرند .
شاید برایتان غیر قابل قبول
باشد اگر بگویم که درجهان تا حال
دهبار از سرحد ۶۰۰ متری ارتفاع
تجاوز شده .
این دو ساختمان -
مرغج چارت انبازه های تلوهون
بوده که یکی در اراکت شدالی در

ایالات متحده امیکالک ۸۸۸ متر
ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج
رایجی دشر و روسی پولند است
که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
ارتفاع
۶۴۰ متری فعلاً نقطه اخین را
گذاشته و ولی منتظر بلید بود که
از این حد ارتفاع چه گاهی به
اسمان هانزیک خواهد شد .
همین الان پیروز هانزیک است
که در صورت آسار آن ارتفاع هزار-
متری در نظر گرفته شده است .

ایالات متحده امیکالک ۸۸۸ متر
ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج
رایجی دشر و روسی پولند است
که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
ارتفاع
۶۴۰ متری فعلاً نقطه اخین را
گذاشته و ولی منتظر بلید بود که
از این حد ارتفاع چه گاهی به
اسمان هانزیک خواهد شد .
همین الان پیروز هانزیک است
که در صورت آسار آن ارتفاع هزار-
متری در نظر گرفته شده است .

ایالات متحده امیکالک ۸۸۸ متر
ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج
رایجی دشر و روسی پولند است
که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
ارتفاع
۶۴۰ متری فعلاً نقطه اخین را
گذاشته و ولی منتظر بلید بود که
از این حد ارتفاع چه گاهی به
اسمان هانزیک خواهد شد .
همین الان پیروز هانزیک است
که در صورت آسار آن ارتفاع هزار-
متری در نظر گرفته شده است .



جواد عبر چهره جوان موسیقی در بالسخ

اولین بند بربق

مرجوری جویت بل نخستین امریکایی بود که در سال ۱۹۱۱- به کابل آمده و اجازه اقامت یافته بود (در ۱۸۸۰ پارک ملی بدریار امیردوست محمد خان رسید و بود.)

انجنیر بل توسط امیرحیب - الله خان برای تاسیس دستگاه برق آبی در جبل السراج استخدام گردید. هر چند برای یکسال - آند ه بود اما هشت سال زادن سر گرفت تا کارش تکمیل گردد.

کارها توسط فیل انجام میگرفت کارهایی از قبیل انتقال سنگهای بزرگ و اجسام سنگین فن و غیره چیزها.

سامان لوازم همه به پشت اشتر حمل میگردد. البته این سامان آلات از مالک خارج چون هندوستان و غیره همه بواسطه اشتر و فیل حمل میشد. بد در سال ۱۹۲۵ از میان رفت. یادداشت های او زیر عنوان:

انجنیر امریکایی در افغانستان در سال ۱۹۴۸ از طرف یونیورسیتی منیسوتا منتشر گردید. این کتاب که شامل ۳۳۵ صفحه است مشتمل بر نکات دلچسپ درباره وضع مردم افغانستان در آن روزگار است.

مخاضل خوشی میخوانم و هیچوقت هم مانع دروسم در یوهنخی نیباشند. میخوامم در آینده هم در تعلوی رشته بی که تعیب مینمایم به حیث آواز خوان باقی مانم و زیاد میکوشم نرفروش نیباشم.

وی در مورد سوال دیگر گفت: در مورد انتخاب شعره، کمبوز و تلفظ کلمات خودم سعی بنده گی ام راه خن میدهم و از اهمل ادب کک میگیرم همیشه دیوان غزلیات شمس تبریز را میخوانم و میالم به اینکه حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی به دیار ما تعلق دارد.

می پرسم آیا آهنگهایت از عشق رنگ می خورد؟ میگوید: تا حال عاشق نشده ام، اما زیاد میکوشم آهنگهای رنگی داشته باشم تا طرف قبول واقع گردد. به امید موفقیت های زیاد و رقابت های سالم جواد عمر در ساحه درس و هنر وای خدا حافظی مینمایم.

زلمی

از خود بکنم که خوشبختانه طرف تایید فرار گرفت. و از آن روز به بعد به تقلید از جوانان آوازخوان گاهی شرقی و گاهی هم به سبک غربی میخوانم، اما زیاد میخوامم غزل خوان باشم زیرا دوستانم به این عقیده هستند که غزل را خوب تر میخوانم از همین سبب است که به صدای فرهاد دریا بعد از احمد ظاهر علاقه مندم.

جواد در مورد سوالی گفت: در شهر مده تن دیگر از هنر - مندان آوازخوان هنرنمایی دارند که به همه شان احترام دادم و میخوامم رقابت سالم باهم داشته باشیم. خودم گروه هنری تشکیل دادم که در -

در شهر مزار شریف هنرمند بر آوازه بی محاضل خوشی شهریان دیار مولای رانگیر، سرمی سازد که صدای خوب، گم و گبرایش شنونده - گانی دارد، او جواد عمر نام دارد و محصل یوهنخی ادبیات یوهنتون بلخ میباشد.

خواستیم باوی صحبت کوتاهی داشته باشم، میگوید از مدت پنج سال به اینطرف نظره علاقه خاصی که داشتم به موسیقی رو آوردم، آواز هنر - مندان خوب را شنیدم و روزی جرات نمودم عقب ارمونیه بشنیم و صدای بی

مردمها نخوانند

بقیه از صفحه (۶۴)

مقدار شرح بیسن
۲۲ تا ۳۰ نسیب وجود
شان در تغییر است.
در آنهایی که به دوش
عادت کرده اند، شحم
بدن شان تا ۷۰ درصد
پایین آمده میتواند،
درین صورت از آنجا
که مقدار استروژین کم
است، بنا به درجه
پایین تر شدن

سطح رحم میتواند که زمان کوتاه
قاعده کی را توضیح کند.
چنانچه دم عبارت از این است
بودن سطح هورمون
(Luteinizing Hormone)
هورمون که از غده های مغز
تراش میشود، سطح آن در زنانی
که به ورزش دروس اشتغال دارند،
پایین است، بلند رفتن بیکاره کی
این هورمون به خاطر خارج کردن
تخمه از تخمدان در نیمه دوره -
قاعده کی ضروریست، خارج کردن
تخمه از تخمدان به کوه عادت
علت به وجود آمدن دروس از جنرا
در محل تخمه خارج شده از تخم
دان است که هورمون دیگری را به
نام پروجسترون میازد. کوتاه
اینکه مقدار کم هورمون LH
معنی آن را میدهد که تخمه در-
تخمدان به وجود نی آید، بنا

در تخمدان پروجسترون وجود
ندارد که در نتیجه زمان قاعده کی
تعمیق می افتد.
پروژسترون دالون در اینها
وجود می آید که آیا به تعویق
افتیدن قاعده کی خطری دارد و
یا خیر؟ ما هم میدانیم، دیده
شده است که استروژین برای
محافظة استخوانها در زنان
ضروریست، پایین آمدن ها کاهش
استروژین بعد از توقف قاعده کی
به نرم شدن استخوانهای انجامد،
مطالعه آنهایی که به دوش -
اشتغال دارند، نشان میدهد که
محتوات منزالی ستون فقرات شان
کتر از آنهایی است که به دوش
اشتغال ندارند.
مادر مورد خاصی قبل از صحت
کردیم که شجاعت وی بعد از مادر
شدن تهنه اثبات رسیده است.
روانشناسان و دوکتوران تلاش

کرده اند تا این پدیده را توضیح
کنند، در زمینه چندین نظریه
وجود دارد، نخست اینکه یک
زن که تحمل شدیدترین درد -
یعنی درد هنگام ولادت، را -
دارد، میتواند در اثنای
تولید باین خود فشار را تحمل
کند، زیرا باین خود اطمینان
تحمل درد را دارد، دوم اینکه
زنی در اثنای اجزای تخمین شاید
کمتر خود را ناگهانه محکم
گیرد تا به زنانه کی اش آسیمی
نرسد، ولی بعد از مادر شدن
میتواند سخت تر تربیت گردد، -
نیز از آنجمله امتحان زنانه کی خود
را گذشتانده است، سوم اینکه،
تغییرات هورمونی در اثنای حاملگی
امکان دارد که اندازه حرکت
پایه را در اثنای دوش تحقیر کند،
بالاخره چنین مطرح گردیده که
هورمون پرولکتین که بعد از ولادت

تولید شیر مادر فعالیت میکند،
تا تغییرات موثر روانی را با اثرات
مقاومت دارد که تا اثر آن مد
نیادی دوام میکند.
به اصطلاح نوروردن بیجا در
زمان حامله کی خضرانات است،
ولی در آنهایی که متواتر به دوش
عادت دارند، تندرست اند و تکلیف
هایی مانند فشار خون را ندارند،
خطری به دنبال آن نیست، در
ایالات متحده آمریکا بسیاری زنان
تا روز ولادت به دوش ادامه
میدهند.
کدام تخمینها را باید از زنان
انجام بدهند؟
در پاسخ باید گفت که هر
نوع تخمینهایی که خواسته باشند
پیدا گردی، دوش، بوگاها
ورزشهای دیگر، ولی مهم این
است که از آن لذت ببرند و بهسر
مقد شوند.

جهان بعد از قاجار ...

بنیة ازمنه (۷)

ارکانهم خای زنده را از شمع ماورای بنفر مخلوط نگه دارد در آن
پرتاب، تومار آتشین ناشی از انفجار تخمیر خواهد شد.
شمع ماورای بنفر که زمانی محروم و انگیزه زندگی روز زمیسن
گردیده میتواند بهمان بهمانه موجب نسبتی آنرا نیز فراهم کند، این
شمع خرمه کوبنده بی را خاصیت پرورد ایثاروار خواهد ساخت.
چنانچه اکثر ارکانهم خای یک حجره وی را که حلقه صده بی را در
زخمیر غذایی موجودات بنفر - تشکیل میدهد ازین خواهد برد، و
بدین ترتیب زخمه محو نابودی سایر حلقه های زخمیر را صادر خواهد
ساخت، نه تنها در اینها تا ازین خواهد وقت بلکه شمع ماورای
بنفر مالیکول های را که مشخصات ژنتیک مربوط به انسانیت
تخریب خواهند نمود، در قسمت سلولها تکمیل پوست یا پیرهای شان
در برابر شمع سیرگرد ولی قادر نخواهند بود چنان شانوار -
امان نگه دارند جهان بسوی ناپیدایی خواهد رفت.
میلیونها پرند گان و جانوران ناپیدا در جستجوی آب و دانه سر
گردان خواهند بود و انسان قادر نخواهد شد با آنها کمک کند زیرا خوش
نیز در وقت شباهی قرار خواهد داشت، نیکولو بوچکوف، دانشمند
ژنتیک آکادمی علوم خلی استاد شوروی واقفیده، بر آنست که در چنین
شرایطی مالتانه نخواهد بود تکثیر بشری و از نگاه ژنتیک ها ادامه
پروژه تکامل انظار داشته باشیم، ایندهش شمع مواد را میسو
اکتف تحولات نهادی را در تمام مایکروارگانهم خای بازمانده، نباتات
و حیوانات بشمول انسان بوجود خواهد آورد، چراشم کاملا بی ضرر
خضرات مرکب از راتوجه انسانها خواهد ساخت.
مازه بران، مکتب تفکر بازمانده ژرفیت تکثیر را به علت اینکه شمار
آنها به سزای تهن سطح پایین کاهش خواهد یافت، از دست
بدهند، نه تنها اختلاف ژنتیک به حداقل خود کاهش خواهد یافت بلکه
جلوگیری از خنثی گویی با همی غیر ممکن خواهد بود در نتیجه خطر -
تغییرات نهایی ظاهر خواهد گشت و بهایمها به آثار آرتین که بشر در
طول دوره، تکامل خوش بدوش کیده است عوامل جدیدی که یقینا
نیل بشری راه سوی نیستی خواهد گشاده، امانه خواهد شد.

فردین موزیک

انواع مختلف کسهای
موسیقی افغانی، هندی و غربی را
به علاقمندان موسیقی پیشکش مینمایند
آدرس: مارکیٹ جمہوریہ

خوله د ن ه د مخه فنی مرستیال
به جوکی کیده اولی وه اداری
مرستیال جی د نه جوکی بی د
خان منلی حق باله به خیل
بخوانی د نترکی بی دریاست
بول صلاحیتونه به خان بسوری
وتول له بیل خوا اداری او
فنی مامورین هم له د وید و پرو
تخه کم نه وو، حکه جی د یوتن
به ریبر کید لو سره د تولو به
جوکی او بستونوکی تغییراته
که حیرته فنی مرستیال ریبر
شوی وای نو د فنی خانکی د -
بخوجا کولانو د تیره کولو عیسی
مد برد فنی مرستیال جوکی او
بست ترلاسه تابه او د هغه
مرستیال ته به خبله د عیسی
مد بریت جوکی وریاتی وه، حس
به دی پول ترورستی مامور
جوکی د نه حق خیل حقدارته
رسیده.
د عیسی وخت و جی د لور مقال
له خواد سرپرست ریبر مکتوب
د ارشیف مد بریت ته را رسیده.
مکتوب مخکی له دی جی به خبله
د ارشیف مد بری و کوری د هغه
مامور باکت حرسیری کی یه او د
مکتوب متن بی لوستی و کلمه



موکیش

از دنیای مود...

(بقیه از صفحه ۵۰)

شهرت را با خود همراه ندارد. هر (ثبت امان) (رکعی گانکر) آسمان سینما را می‌تواند ببورد.

در سینمای هند، مودل های فراوانی مرخص وجود کردولی به عدم توفیق خود واقف دیدند. اما در این مجبوره ((سنگیتا جلائی)) نام پر درخشش و استیلا کننده ایست که از دو سال بر سکون موقعت ششم مهر قلمرو سینمای هند حکمفرمای میکند.

او از مدت‌ها به این سوقاضای فلما سازان راستنورد میگرد برای اینکه علاقه بی چندان برای بازی در فیلم ها در خود احساس نمیکرد و از جانب دیگر نمیخواست از زینت اصلی اش که سخت به آن علاقه مند بودتجاشی کند. چه او از اتصال به این طرف یگانه مودلی بود در عرصه نمایش لباسهای که مودم او را ((چراغ)) - خطاب میکردند و در این دایره از شهرت فراوان بر - خورده بود. ولی سرانجام به نام سینماگران افتاد. در جهان فلمبرداری فلم ((قاتل)) که تمهین یک رقص رابا ((انیمه پنچولی)) منمود، در گرو صحت شد و در برابر یک سوال گفت:

((به پیشنهادات و تقاضای سینماگران ظهور در پرده سینما کوچکین علاقه مندی احساس نمیکردم برای اینکه در قبال کارم به عنوان ((مودل)) شهرت، مصیبت و ثروت فراوان حاصل بود از اینسرو مودلی نبود که مرابه سینما متماثل بمادول حلالا دیگر شده که شده)).

((سنگیتا)) نهایت پاکیزه، نظیف، خوش لباس و خوش ترکیب است که در برابر هر سوال با کساد و دهن و تواضع لب به سخن می‌گشایدولی هر گاه در مسایل شخصی او سوال دویزنده، آن وقت مثل کرم ابلهش که خودش را در تارهای باهک تنیده اش سخن میکند، او هم خودش را در لابلای حرف ها، کلمات می‌پیچاند.

هنگامیکه ((جی، پی، دت)) یکی از کارگردانان مشهور، پیشنهاد بازی را در فلم ((هتیار)) به عوض ((دمیل کادیا)) به وی نموده، او از توسن فروری بکبر فرود آمد و این نقش را بیدهن پذیرفت در حالیکه تا قبل از آن هر نوع پیشنهاد را قاطعانه رد میکرد. انگیزه این پذیرش را ((سنگیتا)) این طور توجیه میکند:

((نزد من)) (دت صاحب)) یک کارگردان توانا و آگاه است از اینرو پیشنهاد او را احترام گذاردم ولی تصور نمیکردم که بعد از این پذیرش، در موقعیتی قرار بگیرم که حساب تراراد های بازی در فلم ها برایش شکل شود و کار و بار فلم سازی در قلم هام شکل تر از آن.

در حال حاضر ۲۴ ساعت در شفت های منتظیف صرفم استم برای بازی در فلم هاییکه تراراد آنرا قیلا بدون سنجش اضافه کرده ام. شما باور کنید در این اواخر در عرصه فلسفی که قرار داد میشود، دهکی آن پانزگرا اول من انتخاب میشود تنها با ((سنی دت)) و ((متن چکورتی)) هشت فلم در دست تهیه دارم.

بقیه در صفحه مقابل

بقیه از صفحه (۲۱)

سرانجام آهنگ در کوشش نخستین، بدون آنکه ضرورت به باز خوانی بیافتد، ثبت شد و در فضا میلودی ((راگ درباری)) (دل جلتاهی توجلی دی) پیچید. عمه موکیش را با سیگل عوض گرفتند و ((انیل بیسواس)) به موکیش توصیه کرد تا زمانی که قسا در به کسب هویت مستقلانه در آواز خوانی شود از سیگل بجزدی کند. این آهنگ موکیش را به اوج شعسرت رسانید.

تمرینات اساسی زیر نظر ((جگه نات)) به آواز موکیش نریش ضروری را برای سرودن میلودی های ریتماتیک داد. اکثر آهنگهای راکه در آن زمان خوانند بشهرت رسیدند، ولی آواز ((پ))، موکیش از عبق گلپوش اداه میکرد، بطوریکه قسمت های حزن آلود آهنگ مطول شده غم ازان میتراود. ادای آوازهایی طولانی یک بدیده نسبی است، ولی در مقامیسه با سایر آواز خوانان، موکیش توانایی محدود در کشیدن چنین آوازها را داشت. در بسیاری حالات حین ادای آواز های طولانی صدا را بیشتر از طریق بینی اداه میکرد، لکن اینها را کمپوزر ها به اغراض مینگر بستند و راضی بودند که موکیش را نسبت به عکس دیگری دارند.

((شیروراجانی سلوا)) نقش اساسی را در شهرت رسانیدن موکیش بازی کرد. شهرت او بین سالهای (۱۹۴۸-۱۹۵۱) زمانیکه نزد یک به یکصدوسی آهنگ را در ظرف چهار سال سرود برقی آسایود. بعد از لحاظ تعداد آهنگهای موکیش به رکورد مواجه شدند. چنانچه در ظرف هفت سال مابعد یعنی تا (۱۹۵۸) وی پنجاه و پنج آهنگ سرود که خوانند نهایی فلمهای ((اه))، ((سری ۴۳)) و ((ده هوماتی)) از شهرت نوی العاده برخوردار شدند. فلم ((معضوفه)) شاید یکی از بدلا - یل این رکورد باشد، زیرا برود یوسر فلم با موکیش به توافق رسیده بود که تا پنجایش گذاشتن فلم ((معضوفه)) او نیایست آهنگ تازه برای فلم دیگری میسرود. فلم ((معضوفه)) که در (۱۹۵۳) به نمایش گذاشته شد، زمان طولانی را در برگزنت ناتکمیل شود. با استفاده از همین فرصت رفیع و طلعت سبقت جستند، در سه سال (۱۹۵۰- ۱۹۵۴) رفیع دو صد و شصت آهنگ و طلعت بیشتر از یکصد و شصت آهنگ خواندند. دلیل دیگر در این رکورد شاید ترجیح کمپوزر های مورد علاقه موکیش مانند ((روشن))، ((انیل بیسواس)) - ((شنگر - جکشن))، ((راتی)) و ((نوشاد))

به دیگر آواز خوانان بوده باشد. دلیل هر چه بوده موکیش از پس این اجماعات باشایستی بنا آهنگهای فلم ((یهودی)) در (۱۹۵۸) بد ر شد. بازیگر فلم ((یهودی)) دلپ کمار که همیشه در - فلمها آواز های طلعت و رفیع را با سنگ میکسرد اصرا روی وزید که قبل از اجرای آن از شنونده ها نظر خواسته شوند. شنونده ها عمه با اتفاق هم به موکیش ارج گذاشتند.

وقتی ((بعالت رام)) و ((رام چندرا)) موکیش را رد کردند وی خم به ابرو نیاورد. به موکیش هیچ چیز بیشتر از یک آهنگ خوب که منظم مانسند نظم عقربه های ساعت سه سوراخش می آمدند، ارزش نداشت.

با گذشت زمان کهنه کاران جهان موسیقی هند یکی پس دیگری یاد شدند. وقتی موکیش آهنگ ((الوداع الوداع)) را در (۱۹۶۰) سرود در واقع وداع اشک الودیا ((انیل بیسواس)) و ((موتی لال)) بود که برای آخرین بار کار مشترک شانرا انجام دادند.

با انکشاف وسایل تخنیک در سینما، موسیقی در فلم هانیز مد رتیزه شد و آرکسترهای کلان با آلات جدید موسیقی بکار گرفته شد ولی موکیش مثل همیشه بدون تغییر همانطور ساده و بی تکلف باقی ماند. آهنگهای زیاد با موسیقی دایرکتوران چون ((لکشی کانت - بیاری لال))، ((سلم چودری))، - ((کلیانجی - اندجی)) و دیگران خوانند که برخی از این آهنگها با لطف خوشی که دارند ماندگار شدند. زیاد ترین آهنگهای رابا ((کلیانجی - اندجی)) در فرستی خوانند که آنها در آریسه بهترین نمایشان فرار داشتند.

یک دهه پس از مرگ موکیش به این واقعیت متوجه می شویم که این تعداد آهنگهای موکیش نیست که اسطوره او را جاویدانه نگه داشته است بلکه این صمیمیت وی آلیشی آهنگهای او که آنگده باغم اند دلیل جاوید انگی آنهاست.

وقتی معجزه موکیش را به ازایی میگیریم تا قبل اعمیت است بخاطر بیایرم که مانند آهنگهای سینگ وینک ملک یکصداد زیاد آهنگهای حزن آلود موکیش مستقلانه بدون ذکر نام کمپوزر ها و با قلم هاییکه این آهنگها برای شان سروده شده اند، در آن ها شنونده ها باقی مانده اند و آنها را محفوظ می سازد، و این به نوبه خود سیاس و - امتنان به خواننده بی است که آوازش قدرت تداومی خاطرات شاعرانه روزگاری را دارند که نمران سروده شده اند.

آشیان بزرگ ترمیت‌ها



بزرگترین آشیان ممکن
ترمیت‌های استرالیاراداشمندی
بنام ستین بیوان در جنگل‌زاری
که در ۱۷۰ کیلومتری داریوسن
موقعیت دارد کشف نمود.
ارتفاع این ساختمان بزرگ
به ۶،۷۰ متر و قطر محیط آن به
۷۳۳ متر می‌رسد. این آشیان
آشیان عظیم دانشمندان این
ساختمان‌ها را چنین مسمی
نموده‌اند (چهار میلیون ترمیت
زاد خود جاداده است. آنها
شبه مورچه‌گان در یک نظام خوب

ما زمان یافته، حیات بسرمیرند
حتی در مناطق، شهرهای نیز
از این ترمیت‌ها وجود دارند.
دیوارهای ساختمان‌های بعضی
از این انواع به حدی محکم ساخته
شده که تخریب شان تنها بوسیله
ابزار خیلی قوی میسر است و پس
این حشرات همه چیز را می‌خورند
و این کارسالیانه ملیونها خساره
وارد می‌نمایند.

ازینجا و از آنجا



از دنیای مود...

بقیه از منحه مقابل

در خصوص اینکه در بیست‌فلسمی که ((امتا بهر))
فعلاً روز آن کارمیکده، دزیک از آنها، نام ((سنکیتا))
خوانده نمیشود و بطلب قابل توجه است:
نخست اینکه هنرپیشه‌ها از تازه‌کار به قدری
صروف‌اند که هر یک از آنها از بیست تا سی فیلم در وقت
قرارداد دارند که مابقی آن صرفاً فلانما سازان از آنها
میشود.

دو دیگر اینکه ((سنکیتا)) آنقدر جوان و شگفته است
که همبازی شدن آنها ((امتا بهر بچن)) هیچگونه
ظرافت هنری را ایجاد نمیتواند.

مگر در هر صورت ظاهر این دو، در پرده فیلم
آنقدر هابمید از امکان نیست. ((سنکیتا)) در این
مود میبکشد:

((آرزو دارم به عنوان یک بازیگر خوب مقیمیشی
برای خود کماش کم هر این طرز تلقی که، میگوشد
(مودها)) هنرمندان خوش از این در نمی‌آیند و
خط بطلان بکس تا دیگر گفته شود که ((مودها))
مود اند و جسم‌های غیر متحرک را مانند

اگرچه در فیلم ((هتهار)) ظاهر شدم ولی فیلم
اولی من ((قاتل)) است که بی صبرانه منتظر مکرر العمل
مردم در برابر هنرمندان ام میباشم.

داستان این فیلم پر از فحاشی و بی‌بندگی هابمیت
که از لحاظ اصطلاح سینمایی میتوان اثر آنرا گفته از
(سینس) خوانند))

به عقیده ((سنکیتا)) بین هنرپیشه‌گی و مودول
بودن چندان تفاوت قابل ملاحظه وجود ندارد.

او میگوید: ((بین این دو حرفه، یک تفاوت کوچک
موجود است و آن اینکه در نمایش لباس‌ها یک محصول
به معنی فحش قرار میگیرد در حالی که در سینما
تخیلات یک نموده، خلایق کارگردان، مهارت
کوه بین به صورت یک مجموعه توسط هنرپیشه
موضه میشود.

اگرچه در فیلم‌های هندی رهموضه نقش حساس
برای یک هنرپیشه، به ندرت محسوس میشود ولی
تلاش خواهم کرد تا چنین نقش‌هایی را در بایم ((

((سنکیتا)) فعلاً حدود پانزده فیلم در اختیار
دارد که آنها را طی یکماه اول سال محسوس قد نموده
است.

اگرچه در این اواخر داستان مشقی ((سنکیتا)) با
(آسیانان) روی نمانع است ولی او موضع را اینگونه
جلوه میدهد:

((در زنده‌گی من فعلاً هیچ مردی سایی
ندارد. اگر کسی نایبانه به من مشق می‌ورزد
مرا دوست میدارد باید تا زمانی انتظار بماند که
به آرزوهایم که در قبال بازی در سینما دارم موقانه
نایل آیم)).

و یا سال‌های مینوز به طعمسور
می‌رسد.

ولی همچنان انجماد زنده‌گی
جنسی نیز اسباب بدیده کلیتومان
(عقد و گزنگی روانی) را فراهم
می‌آورد.

منتها مرد هانیز میتواند
از نقطه نظر زندگی جنسی منجمد
باشند، پس چرا آنها دست
به سرفت نمی‌زنند؟

روانشناس هامبورگی بنام

زیله ویبر در پاسخ می‌گوید:
زنها بیشتر باغی بوده و کمبود
عاطفی و جنسی راه و معاحست
درک و احساس می‌نمایند، در

حالی که مرد هاندت معاتیل او -
خته‌اند که چگونه عواطف خود
غله حاصل نموده و مانع بسروز

ان گردند. مرد هابیشتر بیمار ی
های جنسی مبتلا میگردد ((
نباید از ندراند اخت که

زبون یعنی دزدی رعایت -
خاطرمی بخشد. در جریان
دزدی انرژی تشنج روانی از او

شده کسیده‌گی و گزنگی انباشته
شده از میان برداشته می‌شود.
و بالاخره انگیزه رعب و وحشه
که از ناگرایی ترس میان می‌آیند

با احساسات لذت‌آور جنسی
میتواند ارتباط داشته باشد.

در همین نفر معترف به سرقت
چیز شده‌اند.

رعیت بیشتر در دزدی -
اجناس از قبیل، عطریات، لوازم
آرایشی، زیورات، ریکاردهای

موسیقی، فرآورده‌های چرمی
والیه سود روز که بی‌بزه مسورد
بستند خان‌ها قرار دارند، دیده
می‌شود.

رواقعا خانها، با وجود

اینکه در مقایسه با مرد هاکتشر
مرکب جرم میشوند، به اصطلاح
در بالا رفتن دزدی مقام اول را
احراز مینمایند.

در اطری منتشره وزارت عدل

ریاست نورد اینوست فالن المان
عرب چنین آمده است: ((در
دزدی مغازه‌ها زنان و مردان

نسبت ۱- را بخود اختیار نموده
که عدد بزرگتر مربوط زنان است))
علت آن چیست؟

روانکوی از دوسلدورف بنام
داکتر هانس یواخیم شوین،
هرمون‌های زنان را معضرتناخته

ومی‌نویسد: ((عقد و گزنگی
های روانی در رابطه غلی
با اختلالات غده‌ای قرار دارد

که در مراحل نوجوانی (۱۲ -
۱۶ سالگی)، قاعده‌گی، حمل

بازی با ترس

هر دو بین شخص بازی با ترس
و انجام داده است. از تحقیقی
که در شهر هامبورگ المان
فدرال صورت گرفته، روشن
میگردد که چرا تعداد کثیری از
زنها در مغازه‌ها به دزدی می
پردازند. ((نورا برمن چیره‌گی
یافت و خطر را در جیب پنهان
کردم))، اهتراف ویژه و تهیه یک
زنی است که در فروشگاه هابه
دزدی میرد از.

برودن اجناس گسترش

نییابد و طوریکه تازه ترین آمار
نشان میدهد (۲۵۰۰۰۰ -
مرتبه در سال، باشندگان

المان فدرال دست به سرقت
اجناس مغازه‌ها میزنند و این
تعداد فقط انعامی را در برمی

گیرد که ابتدا بدستگوشده‌اند.
طوری که تجارت برچون
فروشی وانمود کرده، تعداد

واقعی انعامه‌الی بیست برابر
بیشتر از عدد فوق الذکر است.

از برسن همه گانی‌ای که در
شهر هامبورگ بعمل آمده، هر

بدنیست اگر بدانید

بیشترین ورزشکاران هنگری در تیم های خارجی عضویت دارند، همین اکنون ۱۸۰ ورزشکار هنگری در کلوب های مختلف ورزشی چهار قاره جهان ورزش می نمایند، که بیشترین آنان را فنبالیستها بعد از هند بالران، والیبالران، بیسبال، یانک بازان، وواترپولو تشکیل می دهد، و ۷۰ فیصد از عایدات ورزشکاران به کلب های مربوطشان در هنگری انتقال داده میشود.

XXX

الینیت معروف ایتالسوی نخستین انسانیت که ۱۴ قله کوه یورست را فتح نموده است، او در نظر دارد قله ۸۵۰۱ متری یورست را تا قسمت جنوبی تسخیر نماید، تا حال هیچکس قادر به چنین کارنگردیده است. ورزشکار ۴۳ ساله به خبرنگاران اعلان نمود که در سال جاری در کوهنوردی بگرنیز او را همراهی خواهد نمود.

XXX

فدراسیون بین المللی باسکتبال بزرگترین مؤسسه ورزشی جهان است که ۱۷۲ کشور عضویت آن را دارد و در آینده قریب نیم های باسکتبال بعضی کشورهای دیگر چون تانکسو، موناکو، ايسلیندو و بعضی کشور های دیگر نیز جدیداً عضویت خویش را در میونخ دفتر مرکزی اعلام نمیدارند.

فدراسیون وسیع و بزرگ است که در سال ۱۹۱۱ ابا راه انداختن مسابقات السب از صدمین سالگرد خویش تجلیل بعمل می آورد.

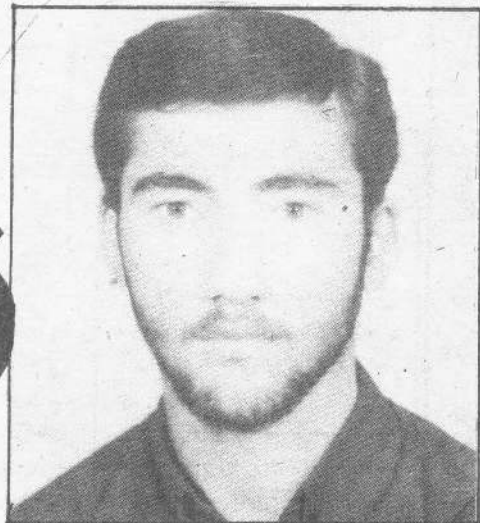
زمینه والیبالر

* زمینه ورزشکار مکتب نمبر ۱۴ مکرویان :

تمرینات ورزشی ما پیش از وقت درسی میباشد و باعث عقب ماننی دروس مانی شود، در فسنیوال جوانان و تورنمنت های بهاری و خزانسی مکتب ولیسه های دختران جای اول را کسب نمود، ام مشکلات عمدتاً مانع بودن میدان و لوازم سپورتی میباشد، معلمان مانسبت به سپورت اهمیت خوب ندارند با ما برخورد نادرست می کنند که شاگردان تغیل و بازیگوش هستیم، غرض بهبود وضع ورزش به مشکلات مارسیده گی صورت بگیرد، و در زمینه تهیه لباس و عسریسه ورزشکاران راکم نمایند.



ورزشی



قوی ترین

مصاحبه از منیره

ناصر هوتکی ورزش

در ۱۱۳ آن سیک بومسه و در ۱۴ کشور سیک هیانگ رایج است. درتی کواند و به عکس سایبر ورزشهای رزمی مانند کاراته و کانگو ۸۰ فیصد حرکات روی باها استوار است و هر ضربه یا قدرت معادل پنج ضربه دست را تولید میکند.

در کشور ما شمار زیادی از جوانان به این بازی روی آورده و کلب های ورزشی آن را ایجاد نمودند. استاد تریگرکپ ((تی کواند و سو-سه)) محترم عبدالناصر هوتکی است.

خواستم تاباوی بیرامسون کارش صحبتی انجام دهم، موصوف چنان شخصیت گیرایی دارد که

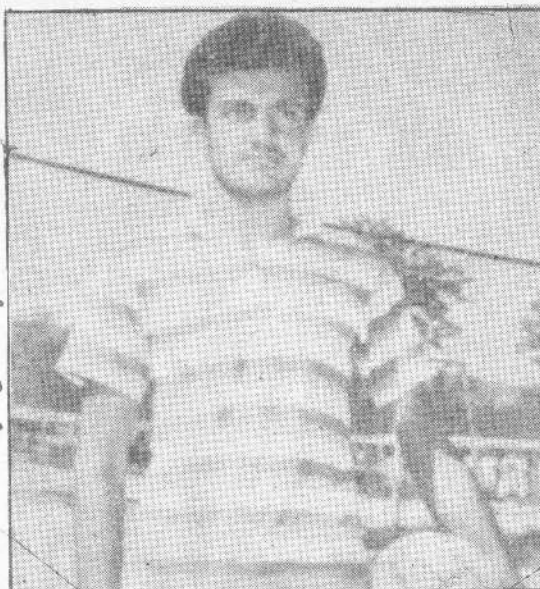
ورزشتی کواند و در جهان به عنوان کامل ترین و قوی ترین سبک دفاع از خود شناخته شد، است. این بازی برای نخستین بار در کشور کوریا جنوبی بوجود آمد که کاملاً مجزا از کانگویی چین و کاراته جاپان است و فعلاً به عنوان یک ورزش عصری و بین المللی در شراسرد نیابنداشته میشود. تی کواند و از سه کلمه کوریا یی (تی) ضربه زدن و جهیدن با یا (کوان) به معنی دفاع کردن و (دو) به معنی روش مشکل است. این بازی دارای دو سبک شناخته شده است. تی کواند و هیانگ و تی کواند و ی بومسه میباشد و از جمله ۱۱۷ کشوری که این ورزش در آنها معمول است

از چشمانش مهر و حوصله میبارد، وی با قدرت و لوا پسی به حرکات پسران تمرین کننده مینگرد، او باور مند فرد ای درخشان شما. گردان خویش است از جابیر می خیزد تا حرکت نادرست یکی از پسران را اصلاح کند، یک بای خود را بلند مینماید و دست خود را به عقب برده به اندازه دو متر بلند

همایونج باسکتبالر

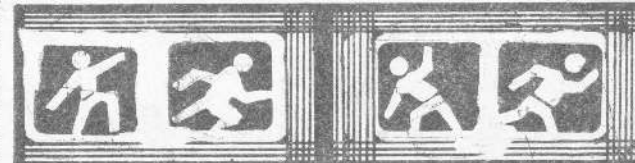
* در میان چهره های ورزشی جوان مکتب شهریکی هم همایون باسکتبالر لیسه انقلاب است ، وی سرنیم مکتب خود است اوصاف یک ورزشکار خوب را چنین بیان نموده است :
 ورزشکار باید جدیت ، تکلیک خوب و بازی ماهرانه داشته باشد .

وی در مورد موفقیت های خود گفت : اشتراک در همه مسابقات دارم و در سال ۱۳۶۲ ، تیم مکتب ما در ناحیه مقام اول را حایز شد . راجع به مشکلات شان در زمینه ورزش مورد علاقه اش - میگوید : لباس مناسب ورزش ، توپ کرکچ ، - عصریه ، اینها همه نیازهای است که شاگردان برای پیشبرد امور ورزشی بدان ضرورت دارند .



درخشانترین چهره های ورزشی آمریکای لاتین در سال ۱۹۸۸

به اساس نظر پرسی سالیانه آژانس خبری پرسنالاتینا ، هاوسر سوتوما کیویا ، برجسته ترین ورزشکار خیز بلند امریکای لاتین در سال ۱۹۸۸ بوده که جایزه این آژانس برای بهترین ورزشکار مرد امریکای لاتین را برده و - همچنان سیلویاپول کوستاریکایی در آب بازی جایزه مجله پرینسا را درین عرصه بدست آورد .
 در جمله ده ورزشکار خیلی هاس معروف یکی هم دیگوارماند و ما - رادونا ، از کشور آرژنتین ، در فوتبال ، دیگري انانید پلیناکیرت ، از کوبا ، در دوش ۴۰۰ تا ۸۰۰ متر استند .
 و اما در سابقه پرند هاس ، طوطی آرژنتین در نمایشی در نزدیکی شهر ننگ بیشتر از هم قطاران خود نظر تماشاگران را جلب کرد ، این پرند بزرگ از جمله چند پرند ، تربیت یافته در تایلند بود که با مهارت های هیجان آورو حیرت انگیز خود تماشاگران را به شورش و شغف در آورد .



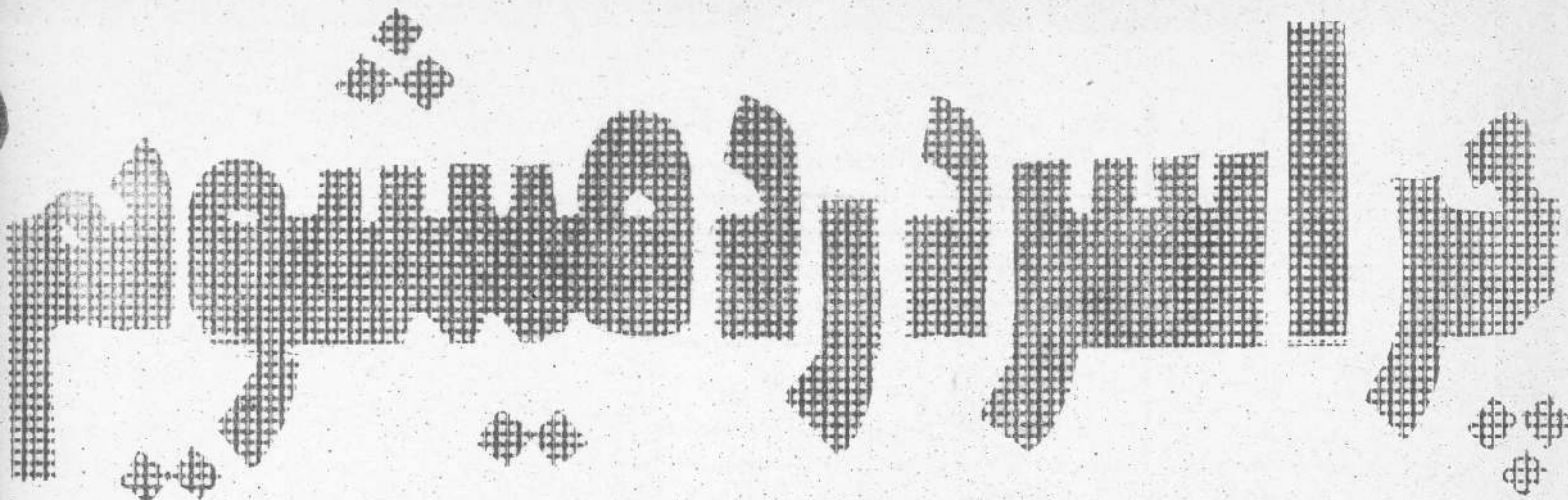
سبک فاع

بازگشت و کلب ((تی کواند و پوسه)) را ایجاد نمود .
 از جمله شاگردانم هفت تن کمربند سبز ، بیست و سه تن زرد و بیست و سه تن سفید گرفته اند ، من میخواهم هر آنکه را که در مدت پنج سال تعیین موخته ام به آنها منتقل سازم برای شاگردانم بر علاوه تی کواند و طریق استفاده از سلاح های سرد مانند نان جیکو ، زنجیر ، چوب د راز ، شمشیر ، سامورایی ، پرتاب چاقو و پرتاب میخ را نیز می آموزانم ، فعلا به جز کار در کلب که ام مصروفیت دیگری ندارم ، چون امتحان کانکور بوئینتون را گذرانیده ام ، امیدوارم سال آینده به بوئنخی طب قابل تحصیل کنم ، در اخیر به امید موفقیت های هر چه بیشترش با وی خدا حافظی میکنم .

معلومات دهد ، اود زمینیه اینگونه آگاهی میدهد :
 ((برای اولین بار در صنف نهم مکتب به ورزش بوکس روی آوردم و مدت دو سال تحت نظردرم این ورزش را موختم و سپس نظر فعلا - قه بی که به ورزش های زینیه داشتم به تی کواند روی آوردم و در سال ۱۳۶۲ نظریه عواملی به کشور ایران رفتم و در آنجا تحت نظر ((قدراسیون ورزشی ایران)) موافق به اخذ کمربند سیاه شدم و در ضمن مربیگری کلاس رانی نیز تعقیب کردم ، در آنجا با رهسا در مسابقات اشتراک ورزیدم چهار بار به کسب مقام اول نایل آمدم که غمه اسناد آن نزد من موجود است ، در سال ۱۳۶۶ به وطن

چهره جوان تکواندو

میود ، پسرانی که همه مجذوب حرکت او شده اند ، به دورش جمع میشوند و وی به تشریح حرکت خود میبرد از .
 بعد از اینکه تمرین آنها ختم میشود به وی که جوان بلند قامت و موهوبی است نزدیک میشوند و صحبتی بعمل می آوریم و میخواهم تا پیرامون آغاز کاروسا پر مصروفیت های شریه من



دیدن بعضی تصاویر، استفاده

از عینک‌ها و کلاه‌ها

بعضی تصاویر سردی

ترجمه ستاره

چه چیزی موجب حمله میگردد؟
 سردی یا گرمی زیاد، کار بیش از حد یا خواب ناکافی، میگردند. میگردند بعد از ماندن زیاد در بوسه اطاق دلتنگ کننده یا مبلوازدوبه وجود آید، نقش صده رادر زمینه حالت روسی بیمار بازی میکند. شکل اصلی حمله چگونه است؟ خون از هر دو سمت از طریق شریان های قوی سیات (شاهرگ ها)، چه داخلی و چه خارجی به سر میرسد، حتی جریان ثابت خون در شاهرگ میسر میگردند. دفعه از طریق سیستم - شریان های داخلی و خارجی باز-توزیع شود، در مرحله نخست، افزایش سیخ شریان خون در شاهرگ داخلی به وقوع می پیوندد که با این کار آنه عمل رساندن خون به بخش های دیگر دماغ بهبود حاصل میکند. این کار بعد چشم و شنوایی را خیلی نیز تقویت میسازد و فعالیت عمومی بدن را پیرایه سه مرتبه میسازد، همزمان به آن، جریان خون در مجاری متسع شده شریان سیات خارجی (شاه-)

رگ خارجی) متاسفانه بطور آتی گذر می شود، صورت بیمار به سرخی میگراید این نشانه یک حمله محسوب میگردد و در واقعیت امر نخستین مرحله میگردند است. مرحله دوم بیماری باعث پائی توزیع سیخ دیگر جریان خون میگردد و در این حالت صورت بیمار رنگ باخه بنظر میرسد، زیرا انجاری سیستم شاهرگ خارجی تنگتر میشود، در این حال، مجاری مربوط شاهرگ - داخلی بطور آتی منقبض شده که دقیقه موجب سردردی میگردد. حادثه این تغییر در مجاری زویه- های دماغی به مشاهده میرسد و بالای گیرنده های درد حساس میگردد، سردردی غیر قابل تحمل میگردد، این تغییرات در مجاریها

همچنان فشار داخل جمجمه بی را بالا میبرد، در نتیجه برای بیمار - بعضی پدیده استهراق دست میدهد که به تمهید آن حمله - صلا به پایان میرسد و این حالت است که مایع اضافی دیگر از بدن خارج شده است، کاهش دوشار سلول اتفاق می افتد و استقامت لسی- ناحیهی زویه های دماغی از بین میرود.

اینست آنچه بدن بخونش کمک میکند ولی بدبختانه صوف - وقتی این کمک میسر میگردد که تهبانی حمله رنج نهادی را متحمل شده

سمومیت واهی
 یکی از معمولترین علل سردی دردی صرف الکل است، شریها الکی نشان مخاطی دهن را میسوزاند و در جریان عبور از مری آنرا نیز سوزخانیده و به داخل معده میبرد و از آنجا به جریان خون داخل شده و در سراسر عضویت انتشار مییابد. تمام اعضا و مجاری به سم خوش بعضی کمتر و برخی بیشتر از آن را میگیرند. حساسترین آنها در مقابل الکل حجرات صبی و مجاری مغزی است و گفته میشود که معموم شده اند، این حجرات و مجاری خیلی زیاد دچار اختلال شده و جریان خون مغزی بهتم خوشرا از دست میدهد و برخی از این مجاری تا اندازه بی منقبض گردیده و بعضی دیگر اتساع پیدا میکنند. همینکه تا شیر الکل از من رفت زمانیکه عضویت بسختی اثرات انرا خنثی میسازد، مجاری برای یک مدت طولانی در حالت غیرمادی باقی میماند ولی دقیقه باید توجه کرد که بازم همین مجاریهاست که دوران مایع فقراتی مخ و فشار روی زوهای مغزی و همچنان بالای خود راتا من میکند. در چنین یک حالتی چه چیزی را میتوان انتظار داشت؟ بهترین چیزی را که باید انتظار داشت سردردی یا احساس سنگینی در سراسر است.

در مرحله دوم دواهایی که موجب تنگ شدن مجراها میگردد - اسامه میتواند حمله را بر طرف سازد ولی بهتر است از وقوع حمله جلوگیری بعمل آورد بهترین راه برای این کار غسل پاها با آب گرم است - هم چنان بهتر است دستان را در آب خیلی گرم غوطه وریخت - پلاسترو مرهم خردل میتواند تا شهر شاهی داشته باشد - تجهیز مقدار کم ادویه های انبساط دهنده مجاری - (صنایع پ پ ، پایا وین و غیره) برای یک مدت طولانی میتواند در راه مقابله با نخستین حمله تنگن با تنگتر ساختن مجراها مفید و سودمند تمام شود .

ولی طبعاً جلوگیری از مسکون همچنان شامل رژیم درست منظم - خواب ، استراحت و تغذیه و تفسیر اجزای تمرینات جسمی و حتی - پرورش و تربیت مجراها میگردد .

تصاویر، مثال ها ، منک ها و کلاه های شب پوش

از سالهای خیلی قبل یعنی زمانیکه هنوز مصل بودم داستانی را که از طرف یکی از استادان مادر - باره داکتران معروف شوروی و - قدرت قابل ملاحظه شخصشان قصه کرده بود بخاطر دارم - این قصه در باره داکتر معالج و معروف پروفیسور ماتوی مودوروف است - یک روز زمستانی در اوایل قرن نوزدهم از جمله تاجرانیک در کپلین مسکو کار بهار مغازه داری را پیشه کرده بودند ، مغازه داری نزد مودوروف مراجعه و از سردردی های شدید شکایت میکند ، بعد از معاینه پروفیسور از بیمار میپرسد ، ((از کدام مدخل به مغازه ات میروی ؟)) بیمار میگردد ، ((از مدخل سیاسکیا)) . داکتر به بیمار توصیه میکند ، ((از - امروز به بعد باید از طبقه مدخل بوروئیسکیا داخل کپلین شوی)) با این کار سردردی بیمار برطرف میشود ، بعدها از پروفیسور ملت را می پرسند زیرا سردردی ها با اظهار نظر یا سلمه با شهرت داکتر که - تدایون نمیشد ، توضیح داکتر -

مودوروف خیلی ساده بود ، در آن روزها بهر آنی مدخل سیاسکیا - مثال حضرت مهیم را اوختند بودند . این تاجر با مودوروف مدخل بمجودیکه پیشش به مثال می - افتاد ، کلاهش را بر می داشت و بدین ترتیب سوش خنک میخورد ، بهر آنی مدخل بوروئیسکیا چنین مثال می - وجود نداشت .

چنین بنظر میرسد که عمدتاً سردردی های تاجرانیک از بیماری ضلالت کوچک و نازک واقع در حشره های موجوده است ، هرگاه تمام اینها آنا منقبض شوند ، طبیعتاً میگویند ، می ایستند یا بلند میشوند در وقایع بیماری های التهابی و - خنک خورده گی ها این ضلالت دچار درد شدید میگردد و چنان تصور میشود که تمام سردرد میکند . باری این یک بیماری خیلی معمولی بود ، بخصوص در موسم های سرما در اخیر شب بخاری ها و همراه با آن اطاق ها خیلی سرد میگرددند - کلاه شبانه محض جنبه نشن رادر بر نداشت بلکه آنرا همچنان بعلم کاملاً دقیق طبی توصیه میکردند - این روش معالجوی آزمایش شده - زمان میتواند حتی امروزه با نورمال نگهداشتن دوران خون در فسیح سردردی ها سودمند و موثر واقع شود . این کلاه شبانه بایست سبک و بقدر کافی بزرگ باشد ، در ضرورت عطیه نفس در پوست سر - متوقف خواهد شد و موجب گرمای - بیش از حد خواهد گردید ، در - صورت امکان ، این کلاه را از نشم نرم یا فانیل باید ساخت . این یک چاره ساده ولی نهایتاً موثر - وضع سردردی است .

ولی گاهیگاهی اینگونه پیشدینی ها واقعا پر ایلم های زیادی را بیمار می آورد بخصوص اگر تنگ باشد و سر را در ضیق نگهدارد و آنرا چون جالی تنگ احاطه کند یا در موسم مناسب آن پیشده نشود . محکم هستن کالهای تنگن که حرکات گردن را - محدود ساخته و بهر مجراها فشار را در

می گذختن اگر این فشار کمتر هم باشد میتواند موجب سردردی گردن نتیجه آن درد ، احساس سنگینی در سر ، گدیی در تنگن و کاهش واکنش - هاست . در تها تریا کفرانس ها انواع مایلند کالرها یا تنگن های شانسرا بست نمایند ، با این کار فوراً احکام آراش و بهبود میکنند .

اتفاقات ، سردردی هائیش از استعمال منک ها نیز میباشد ، یعنی تجهیز نادرست منک یا نرم ها که میتواند با لای بینی یا شقیقه ها فشار وارد کند . در اثر آن با لای - شریان های صدغی (شقیقه) فشار وارد میشود .

نمک و تتیاکو

بازی رشد موسم کرما بسیار زی را که در حدود ۲۵ سال عمر داشت به شفاخانه آوردند . معایناتی که انجام شد نشان داد که آب بدنش سرد و یا صایع شده است . داکتران معالج فوراً به تدایون - لازمه پرداختند و همچنان سعی - ورنه نداشتند تا او را به نوشیدن میسر سازند ، برای حفظ فعالیت منظم قلب او سعی فراوان بخرج داده شد . ظرف یک ساعت وضع دمائی اش بهبود یافت و سردردی اش برطرف شد . ولی بیمار ضعیف و ناتوان باقی ماند . چه اتفاق افتاد ؟ بهر صورت ، بیمار تنگن کرده بود .

جرم اینهنه ناراحتی بدیش - ماهی خشک کرده بود ، در هوای خیلی گرم ، مرد جوان دلش بسزای خوردن چیزی نمکی تنید ، بدون - اینکه واقعا فکر کند ، بصورت تدبیری در حدود یک کیلوگرام ماهی خشک کرده را خورده بود ، سرد احساس تنگی نمیکرد ولی فوراً - توانایی اش را از دست داد ، فشاری را روی شقیقه هایش احساس کرد و در وقت بد رفتنش پیداشد و سوش را نیز بشدت درد گرفت ، بقیه اش را نمیتوانست بخاطر بیارود . صرف مقدار نهاد نمک در هوای

گرم زمانیکه اطراح مرق خیلی نهاد است موجب بهبود سوج آب در بدن تراکم خون ، کاهش در مایع فتراتی مع و در نتیجه باعث پلین ابتدائی در فشار داخل قحفی میگردد .

ضمناً نتیجه مشابه از کاهش آنسی صرف آب نیز بوجود می آید . - انسان بایست مقدار مایعاتی را که میگیرد صرف در حدود معین قابل قبول کاهش بدهد .

اعتیاد به سکرته یکی از صده تنین عواملیست که موجب سردردی میگردد ، با گذشت زمان بقایای - تتیاکو به نه های صید و نسای آکسیجن در واقعیت امر کاهش می - یابد ، این عمل با لای مجاری سر تا شهر ناگاری دارد طبیعتاً دهک جالین مجراها در حالت تنگ و در جای دیگر در حالت اتساع قرار می - داشته باشد ، بدین ترتیب در نتیجه سردردی های دوامدار دامن گیر شخص میگردد .

عامل دیگر

عوامل صبی در ایجاد سردردی هائش خاصی را بعهده دارد ، هر - گونه جارو جنجال خانواده گی وضع فوق العاده وحاد درجهان کارو - فعالیت روزمره حقی یک مناقشه اغتشی میتواند اضطراب روسی و بارها - سنگین روانی را که موجب ایجاد قلیع مختلف ضعف اعصاب میگردد و بنسب اختلال صبی و هلیی معروف است ، بهر آورد ، افرادی دارای کرکتر های قوی میتوانند احساسات شانرا فروشانند و آنرا نزد خود نگهدارند ولی نمیتوانند اختلال عصبی و عانی را که یکی از علل صده سردردی های معمول بدون ((دلیل)) است بر طرف سازند .

درسهای موسیقی برای همه

در تعریف موسیقی

قبلاً مجله سبازون سلسله درسهای موسیقی را آغاز نمود. به اداره محترم مجله نامه فرستند تا در آینده در نظر گرفته شود.

موسیقی کلمه غربی است از لفظ یونانی میوزیک Musique به معنی تعلیمات روحی گرفته شده و اینطور تعریف کرده اند: موسیقی صنعت ترکیب اصوات و کیفیت ترکیب الحان است. موسیقی هم علم است و هم هنر. علمت برای اینکه مبنای موسیقی صوت است و صوت بخشی از تریک است و اصوات با یکدیگر دارای نسبت های عددی است. وی از جانب دیگر هنر است زیرا با نطق و احساس سروکار دارد. در باره ارتباط شعر و موسیقی امیر خسرو بلخی دهلوی چنین گفته است: ((موسیقی عروس و شعر زور آن است))

اماد ریاره موسیقی افغانی یک محقق فرانسوی به نام پرونیسور موسیو جی د پلور چنین ابراز نظر نموده است ((موسیقی افغانی موسیقی د جهان راست)) بدین معنی که موسیقی افغانی شباهتی دارد با موسیقی های اسکندونی و فرانسیسی و هم مراکتی از جانب دیگر موسیقی افغانی نزد یک با موسیقی هندی است و وی علاوه میکند به هوای موسیقی افغانی گنجینه نهفته است آرام با

شکوه دلیر! نیرومند که نه باید هیچگاه فراموش شود و موسیقی های بیگانه جای آنرا بگیرد.

ولی فراگیری نوشتن به سبب غربی یا تقسیم و دسته بندی راگها و نال های سیستم هندی نباید با موسیقی ما بیگانه تعبیر شود بلکه سواد موسیقی است برای هر هنرمند فراگیری آن لازم و ضرور است.

همانطوریکه برای فراگیری هر زبان دانستن الفبای آن در قدم اول ضروریست به همین ترتیب در موسیقی هم دانستن الفبای آن گامی است در فراگیری آن. قدیمی ترین الفبای موسیقی در چین و برای اولین بار الفبای موسیقی به زبان سانگرت در هند به وجود آمد. این الفبا در چوکات هفت سر یا هفت لغت یا هفت صدا این که از تکامل سرود های مذهبی به وجود آمد بود نامگذاری یا ریخت گردید.

الفبای مذکور که به الفبای طبیعت انتخاب و به موسیقی داد شد هر یک معانی بخصوصی دارد:

- ۱- شاجده به معنی صدای طبل و صد رفته مستی
- ۲- رشاید: سرود یکی برنده بنام چنگا
- ۳- گنداره: مانند صدای بز
- ۴- مدایاه: مانند صدای مرغ ماهی خیز
- ۵- پنجامه: آواز ناخسته
- ۶- دیوات: ترنم بقه در موسم بارانی
- ۷- نشاده: ترنم آواز نیل

همچنان یک نوع نامگذاری دیگری که منشأ آن سرود های

مذهبی است قرار می یابد:

- ۱- براتاما: تون اولی
- ۲- دیوتیا: در دومی
- ۳- ترتیا: در سومی
- ۴- چتوریا: در چهارم
- ۵- پنجاما: در پنجم
- ۶- سیتا: در ششم
- ۷- سیتاما: در هفتم

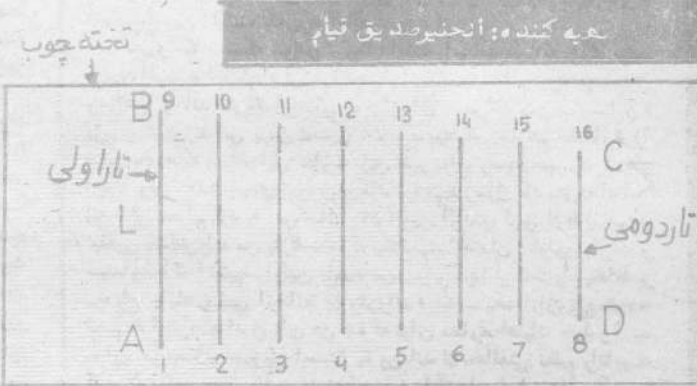
ولی در غرب برای اولین بار فیتاغورث ریاضی دان یونان به استفاده از هفت صدای فوق که در شرق مروج بود و به انگلیسی ریاضی و صوت اله موسیقی را به وجود آورد که هفت صدای هفت سر فوق به آن تطبیق میگردد و یا گفته میتوانیم که مذکور اولیسن بیانی ساده ابتدایی بود صرف دارای برده های سفید بقایسه بیانیهای امروزی ناگفته نماند که بیانیوت اله موسیقی تازه آراست و بعداً آرایه زبان یونانی نام گذاری کرد.

موصوف تجربه خود را آغاز کرد با استفاده از اینکه اهتزاز یا فریکوئسی از روی دفعات فی ثانی اندازه گیری می شود. مثلاً هر قدر که دفعات اهتزاز آواز در فی ثانی زیاد باشد به همان اندازه سطح سوه آواز (زیر) می باشد و همچنین به استفاده از قانون دیل:

۱- تاریخچه ریاضی از یک جنس مشخص با یکدیگر باشد

۲- در کتب زیاد قرار گرفته باشد

۳- نامبرده برای اجرای عطیه خود نخته جوی و انتخاب کرد و سبب ثابتی را به آن کوفت که نقطه مذکور را (A) نام گذاری می کنیم



و بعداً در نقطه (B) میخ متحرک را محکم نمود و انحصار های تاری را به دو میخ B و A بسته و توسط میخ متحرک کش نمود طبعاً با تماس صدای به وجود آمد مرتبه دوم عین تجربه نطق را در نقطه C و D نمود یعنی نقطه D میخ ثابت نقطه C میخ متحرک بود ولی موضوع مهم اینکه این بار فاصله DC طول تار AB بود. بعد از کش نمودن تار توسط میخ متحرک C مشاهده نمود که صدای تار CD و AB با هم مساوی ولی تفاوت صدای تار CD و چند صدای تار AB بود که این موضوع را شمد رها مونیته های دوسره خود دیده میتوانیم و وقتی یکی از طرف چپ برده هشت نیز با یکدیگر می شود که عین تیوری فوق است. حال طول تار مساوی دیگر بسیار ساده پیدا میشود قسمتی که نامبرده فاصله AD و BC را به هفت یا رجه مساوی تقسیم نمود به لای نقاط ۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸ میخ های ثابت را کوفت و مقابل آن بالای خط BC در نقاط ۱۰-

سیلا نوروز

بقیه از صفحه ۲۷

میخوانم و نه آهنگ کنی پیری را
من فقط از سبک بزاد بر پیروی میکنم
با همه آواز خوانانی که خواسته
باشند من امتحان میدهم استند
آواز خوانانی که صبح شوق آواز
خوانی به سرشان میزند و شب بیدار
روی برده تلویزیون می برانند باور
کنید از طرف فامیل ها و خویش تویم
شان باران یو تلفون می آید که
آواز او را بشنوند و یاد برود گرام
کاروان حله با او مصاحبه نمود
پس شما هر ساعت و هر لحظه
در آتش حسادت سوخته آید
بسته من نسبت به کسی حسادت
ندارم ولی بر روی واقعیت نباید
پرده کشید

موسیقی شرقی و فلک لوریا موقفاست
گاهی آواز خوانان ما از طریق
راد یو بخصوص تلویزیون آهنگهای
هندی هم میخوانند نظر تان چیست
در جواب شما به غیر از آنکه بخندم
دیگر چه میتوانم
حالا آخره تصمیم آخری تان چیست
بالاخر اگر اجازه ثبت آهنگ در
راد یو تلویزیون برام داده نشود
تبله جازیند دهل و هارمونی
شما قبلاً به این مطلب اشاره
نمودید که امتحان آواز خوانانی
دادید و موفق شدید یکی ها از شما
امتحان گرفتند استاد محترم
در امتحان ما استاد محترم
استاد هاشم موسی قاسمی غلام
نهی خلاصه که ۴ تن از استادان
دان و زید حضور داشتند

کاسی جهان نما

عکاسی عکاسی جهان نما
رنگه و سیاه و سفید می پذیرد
ادرس شهر مزار شریف منحصراً
شفاخانه ملکی شمال روضه تیرید
تلفون ۰۲۲۱۴

عکاسی عکاسی جهان نما
رنگه و سیاه و سفید می پذیرد
ادرس شهر مزار شریف منحصراً
شفاخانه ملکی شمال روضه تیرید
تلفون ۰۲۲۱۴

زند و اولاد از بدو چه میسر می آید

و در یکی از این شبهای منحوس - چرکین و لعنتی بود که مالک آب - تلخی را برایم داد تا سیرکتش - قیلا - میدیدم که شیشه ها از شر آب به خلقم رفته - این معامله گران انسان تهنی میدند اما آنشب در - برکه غرق شده و زنده نمی آید - کی میتوانست مراد رک کند ؟ دست و پا زان و بیخود خندیدند و گریستم - کی میتوانست مراد رک کند ؟ دست و پا میتوانست گشودند - ام ربه من باز هد ؟ کی میتوانست آنچه را که ازین رود شده بود ، باز د هد ؟ کی میتوانست برایم روزهای کودکی ام - مادرم - عفت د اتم را بیاورساند ؟ هیچکس - هیچ چیز هیچگاه - روزها و شبها میگذاشت و من دانسته بودم که وسیله مساعد در آمدن پولی صاحب است - کم کسی از مهربانی هایشان بهره میگرفت - یک روز مرا نزد خیاطی بردند و فرمایند لباس برایم دادند - لباسیکه - شایسته یک روسی باشد - شایسته بی یک زن هرجایی - لباسی که زیاد تر مورد توجه مردان و لگن و میا ش باشد ، و خیاط د اندست که من کن باید باشم قبل از اینکه لباس را بدوزد با مالک معامله خریدن را سربراه کردم مرابه خانه اش کشاند خانه میکند دست کسی از خانه قبل از آنکه بدست و علاوه برهن عد ؟ دیگری - زنان روسی و بی خانسه نیز را اینجا مصروف خدمت و پرداخت جنسی مردان (مشتتری) در این مارکتی انسان فروشی بودند

فکرتی اتفاقا هنوز آفته باد و دست مگردت و مخدرات و الکل بود ، اینها محافل نمنا دستاره جمعی و گروهی بود ، همه محرم بودند ، در این خانه من به مثابه زن نوجوان به تمرین رقص انتخاب شدم و مدتی کسی گذشت و شریک شریک یا هام در سالون ها - اتاقها و حیوینی هاییکه جمعی از مردان عیاش - قمار باز و وحشی جمع بودند طنین انداخت روزها و شبهای دیگری نیز چنین گذشت با این تفاوت که همواره بارقص ها گاهی میخواستند برهنه برقصم و وسیله ایمن حراب را در من با شراب و جرس تقویه میکردند و بدی نگذشت که یکروز از این روزهای منجمع همه ما همراه با (خانه والای) مانعم به نجایم و فحشاء پشت میله های زندان رفتم - زندان این باشگاه آزادی ام - زندان محبوسان را اینجا طوری به من نگاه میکردند که میشویدم - شاید باخود میگفتند این دخترک احمق بد بخت تر از ما است ، چنانیکه یک زن جوان وحشی با چشمهای همیشه از حدقه بدآمده اش میگفت : (سرماره از پشت خار) ، تعاروتها یک زن در زندان به همه داستان گذشتند ام علاقه گرفت و زنیکه به اتهام معامله گری روسی ها محکوم به حبس شده بود و مدتی را که در توقیف بودم یاد نظر داشت بی کسی ام به من زیاد کنکها کرد بجه بعد از زندانی شدنم دیگر خوشی از معامله گران خبری نبود که احوال را بگیرند بگر محبوبین (با یواز) ها داشتند و اما من جز هر لحظه سرگردن دوساره (با یواز) نداشتم ، زنیکه از واقعیت زنده می آید ام آگاه شده بود بیکروز آزاد نشد ولی همواره خبر را میگرفت و بعد از یکماه منم بیکروز مقامات زندان برایم اطلاع دادند (توصیه راستی و مطابق قانون) نباید توقیف بمانی و در همین روزها آزاد خواهی شد و من که در اینجا یکسال و شش ماه (کیوها) سپری کرده بودم ، خبر آزادی ام رابه همان خانم - مهربان هر مسلمک که در زندان آشنا شده بودم بازگفتم و او آدرس منزلش را داده بگفت بعد از آزادی با او زنده می خواهم کرد - به مجرد ورودم در منزلش که جایگاه نمنا بود ، در ریاضت که تقدیم چنین بوده که من نباید دروزن جایج باشم ، آخر غیر از چنین جاهایی کجا میتوانست بناگاهم باشد ؟ کی میتوانست مرابه خانه اش فریاد چنین اشخاص معامله گر حد هد ؟ هیچ جا و هیچکس - چرا نتوانستم خود - کشی کنم ؟ زیرا نتوانشرا نداشتم - زیرا میدانستم که از فعالیت معامله گران برای روسی ساختن دختر دیگری کامر باید برمیگردم معلومگویی میکنم

اما اینبار بعد از مدتی که در این خانه زنده می میکنم ، صاحب خانه (ما همان زن) به خاطر جلوگیری از بندی شدن من و خودش سرا به عقد نکاح بصرن که مردی بود از قماش مردان ذلیل و ست فقرت - در آورد و در پیش این نکاح ، من یکی از اعضای فعال گروه عیاشی این خانه شدم ، و این وقتیکه که این خانم برایم محوطه نویسیه خاطر عرضه حسن جوانم به مردان وحشی صفت که در برابر پشت پولی شیی وساعتی را کامر سرمیکردند و من به تنهایی ناگزیر بودم ، پرداخت آنها را طوری بکم که در لندن میخواست - وقتیکه باید بداند آن اشخاص مرضی های جنسی در وجودم از این فعالیت ! ابا میوزم محکوم به اجرای همه امور خانه میشوم - خانه بیکه همیشه مهمانان بیگانه و مشتربان وحشی با آن سروگردا شتند ، شوهر که اصلا در اندراب زاده شده بود و بعد بی از اعضای فامیلش آنجا زنده می میکردند مرابه اینجا انتقال میدهد و دوباره ازین فحاشی میخواهد و اما حال دیگر مسرفی

بدش جنسی دانگم شده بود که باید ابا میوزیدم و کارهاییکه باید در آنجا انجام میدادم ، بالاتر از توان بود - باید زیاد تر زنج بی کسی در میان ناگهان دین صفت ترا خودم را میکشیدم - روزها از درد و سوز سوز بالاتر از زنجی نباید میداشتم - ناگزیر و بیکار بودم ست به دروغ میزدم ، یعنی فرار میکنم - با تقبل دهه های شوری و بی عشق راه کابنیل را پیش میگیرم ، در کابل هر شبی را باید نزد معاند آزادی گاه در منزلی - گاه در سرسرای - و گاه در در کانی سرسرایم ، برضی ام شدت پیدا میکند من مرده بودم و از روی بد فون شدنم رانین راهمه احساس سر رینده می یافتم و چندی بعد دوباره راه خانه ماد روشوم را پیش میگیرم ، اما بعد از اینکه تضرع برای معاف ساختنم از روسی گری میکنم و برضی ام را دلیل من آورم از توجه و مهربانی های بهترین بی بهره می شوم

این اجتماع بود که وادانم به فحشا کرده بود - اجتماعیکه تنها از کثافتنهای آن بهره داشتیم ، هرگز کسی ازین دعوت به پاکن بستن نکرد ، هرکسی به دست نظیر سلام دانگی بخاطر فروش جان و بد بگری به خاطر برداختنهای جنسی اش - و من در رانینوی از نیازهای منستن - این بزرگترین اشتباه اطلاع بوده ام

د بوی نگذشت که شوهر دوباره از زندان آمد همراه چنگ بود - لیس دادند به اتهام اصلی ام (فحشا) بلکه به اتهام سزقت پول و جواهرها زخانه اش و لیا را محکوم به جارسال حبس کرد بدم و دوساره زخم محدود زندانی برهن تحصیل شد - محیطیکه هنوزم انتظارها را دارم ، محیطیکه در آنجا بی تفاوت ترین خبر برایم رسید ، خبر مرگ شوهر آورد و من بعد از سوری نمودن میخانه توقیف ، در منزل مادرش به ادا زنده می میکنم ، محکوم گردیدم و کمال بعد از این آزادی کسی از طریق تلهفون عشقش را به من بازگفت - کسیکه نمیشناختمش - اولین بار در سینما و ده گذاشتم - اولین بار یک مرد برایم از عشق گفت و او بخاطر ازدواج با یک روسی از خانه پدرش رانده شد - بعد از ازدواج متوجه شدم که او توان دادن نان من چه که توان مصارف احتیاد خود را - ندارد او معتاد هیروین است ، بدون آنده که مخالفی نظرم را تایید کرد که برقصم پول بیاورم ، بد تیرا در اینجا و آنجا در این محفل وان - محفل رقصیدم و اما نمیدانستم که باید برای رقصیدن نیز اجازه نامه داشته باشم - به کشته کتوررفتم بعد از شرایط لانم برایم کارت دادند - که تا حال به اعتبار همان کارت در حلقه مردان مست و سی خود چرخ میخورم - پول میگیرم و براسم ظلم را که هنوز کرد که بکمال است ، بنام میدهم و به تکه های میچم ، چرخ میخورم پول میگیرم و شوهر معتادم را مرفوع میسازم

من حالا (کل بی بی) نیستم - او در دوازده سالی مرد من (سهیلا) شده ام ، (سهیلا) بیکه شرم سرخروی (سهیلا) هاست سهیلا بیکه شرم هر دخترترین است - شبعان برقصم روزها میخوابم - بدرکود کم از هر اس جلیب نظامی و عسکری در خانه رامین رانگاه میکرد تا بندی شد ، او بیخود تر از من است من بریاد رفته ام و از فرقی در بریادی اعتیاد است

بگذر حالا دیگر که در غریبترین یک زن - بی حجاب زنده می اش را چنین قصه کند که ، دیگر زاده از این برای رسوایی چیزی باقی نمانده من در پیشری بزرگ شدم و پیشروی عادت شده ، پس از چه باید شویم ؟ چرا باید هراسید ؟ تعمان نگاه نکرده ام ، احتیاج و انسانهای سنگدل و معامله گرش برهن ظلم کرده نگاه کرده اند ، اما حال دیگر شاید بدم زنده باشد و از قصه ام آنقدر رنج ببرد تا ببرد ، کاش چنین باغور میبود - مردانیکه در دستم خوابیده اند ، از قصه ام سوخی خواهران نویسنخ همسران شان کنند کاش چنین نیرو پیدا شتند (معامله گران از قصه ام دست به کیسه هایشان بزنند و دیگر از معامله انسان آنرا برکنند کاش چنین تقوی میداشتند

و من از قصه خنده کم - آنقدر خنده کم تا بهیوم ود دوباره زنده شوم و تقدیم بیکه اش باشد کاش چنین خوشبخت میبودم)

من سواد ندارم اما زبان سواد زنده می آید - زنده می آیدم بزرگترین اشتباهیست که مجازاتش را با خود دارد و از گردن شربان من در دهانم با دست دیگری در برهائی گانفد ترسم میشود

من نه گم نه اسلام - نه زنده و نه مرده - تعمان بی انسانیت که میسازد برهن است و منم در بزرگ شرافت و خوشبختی است از من کوچیده ، شاید خدا چنین خواسته که این بد و (خوشبختی و شرافت) رابه انانی از زانی بدارد که توان م فون شدن در زین و جها و آشوب بی عشق راند ازند و باز روسی ها که این توان را دارم - بر ما تا اوقت این آشوب روایند داشته شده که چون فریاد از ستاری زمین تا بیکران نایند شوم ، زنده می طومار آماز شدن است و بیگر طومار زنده می و من آغاز شده ، انجام شدم ، مانند آن قناری که زبانش (زنده می اش) را - گرفته اند و زبانش را بیخود مپا فریند و گوهر خود را میقتدر حرم میکند



آیاتاسی و خیل میرمن یاستی

دغه
ازمایش ساعت تیری
ده، مگره بحان بوری
بی هم بایسد وتری
حتما تاسی ته خیل
د کجکاو ی حسن اجازه نه
درکوی، ترخو موخیل بحان
نه وئی آزمایش کړی چی
ترکوی اندازی بسوری د
کورنی له بحیرکو میرمنوخچه
شمیرل کیزی .

۱- فرض کوچه تاسی به کورکی
خو ضروری شیان نه لری، او د
بازارخچه یوازی یوشی رانیولا
شی، کم یوشی به تاسی اول-
واخلی .

الف - یخچال ۳۰ نمری
ب - تلویزیون ۵ ډډ
ت - د کالیود مینه معلوما شین
۲۰ نمری .

ث - بالابوش ۱۰ نمری
۲- آیاتاسی همیشه خیلد کالیو
الماری تنظیموی .

هو
نه ۲۰ نمری
۱۰ ډډ
۳- آیا هر هفته خیل کور همیشه
به هغه معینه ورځ جاروکوی .
هو ۲۰ نمری
۵ ډډ
نه
۴- آیا مخکی له د ی چی میلانه
موکورته راشی، کولای شی ټول
خوراکی مواد به اشترخان کس
تیار کړی .
هو
نه ۸ نمری
۲۰ ډډ
۵- آیا کم وخت داسی تصادف
واقع کیزی چی خیلو میلنو ته
سوی بوډوی، مخ ته کیزی د ی .
هو ۱۰ نمری
۱۵ ډډ
نه
باتو به ۹۳ ټ

کلیکسیونهایم راه دوست دارم

ساخته ویرایم امکان داده اند که
مناسبات گسترده با رادیوهای -
خارجی بخاطر گشتوش پسته هایم
داشته باشم .

زمری علاوه بر کلیکسیون پسته ،
دو صد و بیست نوع سکه های تازه
از افسانه از سی کشور جهانرا که متجاوز
از چهار صد سکه میشود نیز دست
آورده ، دسرکه های این کلیکسیون
نوجوان سیمای تانخ سرزمین هاو
طل درازنه ، تانخ چه درسیکه
خط وجود داشته وچه قبل از آن
برجسته است .

زمری سهارضیراز این سکه ها
از بیست و پنج کشور جهان یکصد و بیست
نوع بانک نوت را نیز در البومها تکمیل
میکند .

اوارزو دارد تا با کلیه کلیکسیونان کور
تماس ، تبادل و تعمیم تجارت
داشته باشد چه تازه از دو سال به
اینسوراه برادرش ابراهیم سهار
زاد بخش کلیکسیونسازی ادامه
داده و بارهنگامی و شوق مستقیمش
به حفظ و تنظیم این کلیکسیونها دست
یازنده .

کلیکسیونر مابین سال آموزش را -
پهوسه اول نمره ، موموی وصفی بوده
از ذوق و سلیقه ، عالی برخوردار
است .

کلیکسیونهایش هر کدام تصویر
و قسه بیست از تانخی و دورانی وطنی
هأمر ابا هغه سرزمین ها و ممالک ایننا

منعنه ، کلیکسیون سازی
در کورما پدیده بیست نو معدود
از کلیکسیونان کست، گوگرد ، عطریات
شبیخ ، سگرت ، پسته ، سکه و
بانک نوت و ۰۰۰ را سرانجام دارم .

زمری سهار نوجوانی که متعلم
صدف پنج لسه ، انقلاب است یکی
از این کلیکسیونرها میباشد ، وی پسر -
بست هوشمند و دقیق ، او اکنون با -
کمال علاقه مندی سه هزار پسته
مهر خورده ، اضافه از ۴۰ کور -
جهان را با سلیقه ، لازم حفظ مینماید
بسته عابری که با نظم خاص در البوم
ها تنظیم شده اند ، سببهای -
اند از عرصه ها و حیوانات گوناگونی
جوامع مختلف بشری .

زمری سهار که از شوق و
حمایه ، فایده ، بخصوص برادرش -
ابراهیم سهار برخوردار است ، در
حفظ و تکمیل کلیکسیونهایش
سخت دقت دارد و میگوید :
(کلیکسیونهایم را مانند کتابهای
درسی ام دوست دارم ، این پسته
هأمر ابا هغه سرزمین ها و ممالک ایننا

سه هزار
تکت پستی
در یک
کلیکسیون

اختراع پاپیروس

و دلتای نیل در آن هنگام فراوان یافت می‌شد، مصریان مخز این گیاه را بصورت نوار می ساختند و نوارها را دولا و سه لای بصورت چلیپایی روی یکدیگر می‌گذاشتند و پس از سر کردن آنها را با فشار بی‌یکدیگر چسباندند و سپس آنرا صیقل میدادند و آنرا به صورت کاغذ نوشتن استقا د میکردند.

ناگفته نباید گذاشت که کاغذ های راکه امروز استعمال میکنیم، بسیار بعد تر از پاپیروس اختراع شده اند.

درجه اهمیت قرارداد داشتند اما آثار طولانی ادبی نیازمند نوعی کاغذ بود.

مصریان باستان مساله نیاز به کاغذ را با اختراع پاپیروس حل کردند، پاپیروس ماده نوشتن مناسبی بود که از مغز علفی بنام بردی Bardy بدست می آید و دریا تلاقها

حظنویسی انگاهی ارزش اجتماعی خود را بتمامی آشکار ساخت که انسان توانست ماده بی را اختراع کند که به فراوانی و ارزانی در دسترس باشد. واضح است که تا زمانی که خط نویسی منحصر در آن بود که خطوط را روی سنگ حک کنند، استعمال آن محدود و به اموری می‌شد که در نهایت



میزند و باعث آسیب دایمی یا شروع تشکیل سرطان میشود. یکعده از سلول های که از این طریق مورد حمله قرار میگیرند شجریه بیماری کشنده لوکم می شود که سالها بعد ظاهر میگردد، همانگونه که سالها پس از انفجار اتمی در هیروشیما، موارد آن پیدا شد.

که علت آن احتمالاً از اثر اختلال عمومی میتابولیس سلولی است. سبب تعداد بیش از حد ریشه چه ها یا رادیکالهای است که در کارواکنش های انرژی وقفه ایجاد میکند، مقدار کمترین اشعه که البته باز هم خطرناک است. میکانیزم (سنتز اسید نوکلئیک) پروتئین لطمه

نشر بیش از حد اشعه اتمی که فی المثل بر اثر تصادف در حمل و نقل (پیل) هسته ای تراوش میکند، یا بر اثر تماس مستقیم با بمب ها و یا از سقوط آنها ناشی میگردد، و آکنش های شدید در همه سلول های آسیب دیده ایجاد مینماید

تأثیر اشعه اتمی بر موجودات زنده

کنید

س از شهر مزار شریف:

س: خانم نام که بسیار کم خلی، بد برخورد و بدگذاره است زندگی راتلج نموده معما گویند چکار کنیم که زندگی را به خوبی آرامی بگذرانم!

ج: برادر عزیز! خانم نام بگیرد تا خانم اون نام سرعفس بیاید.

چرت عروسی خود میباید که به چرت بوره هم نمیشود.

راسیه احمدی از کتوله بسته متعلم است. ۱:

س: به گفته بعضی دوستانم سواد چندانی هم ندانم قشواره ام بدگو نیستم، آواز را چه عرض کنم، میخواهم نظایق شو چکنم؟

ج: همی، واسعه پیدا -

حالا که پرسیدید... حومه خواندن دروس خود را - هم ندانم!

ج: کتلا ۱۹۸۱ را بید کنید.

خانجان از صوفی مویل:

س: محشر ستار نواز خوب ما مجرد است اگر نیست پس چرا خوب می نواز د؟

ج: محشر نامزد است و در

بقیه از صفحه (۴۵)

است و حالا کامران مدت بسیار و چار دختر دارد، خودش میگوید تعداد بچه ها و دخترها باید مساوی باشد ورنه برایم شوم است مرسیه از بو هنتون لایل:

س: چه کنم که علاقه به مطالعه پیدا کنم، حالانکه حتی

است. اینها انواع منسوجاتی را از لباس شبانه گرفته تا خیمه مخملی هندی که با برگه های طلایی تزیین یافته در بر میگیرد. فرانسیسکا کالووی آمردیار - نمت اظهار میدارد: ((در پنج سال گذشته بازار منسوجات رونق گرفته است. تازه ترین منسوجات در لجنی لباس قرن بیستم است، که در حال حاضر موزم ها خیلی زیاد مایل به خریداری آن اند.))

موزم استرالیایی بخاطر پیراهن ساده، دراز و چین دار ابریشمی و جاکت بخلی که کار طرح ونیس آقایی ماریانو فورتونی بود مبلغ (۷۰۰۰) یوند پرداخت.

انتونی سپینک بانگامی اخترا آمیزه گذشته ها اظهار میدارد ((برای بیش از سیصد سال جنسیت و کیفیت اساس فعالیت ما را تشکیل داده است، آنچه که موجب خوشی من میگردد اینست که ستندرد و معیار مانست به گذشته بالا رفته است.))

مرگاه بهترین

بقیه از صفحه (۳۹)

در منزل فوقانی اند ریولیترا ند باید الهایی سروکار دارد که از فتوحات معروفی از قبیل ترافالگر و واترلو و مبارزاتی که سالها قبل به باد فراموشی سپرده شده است از قبیل جنگ جین (۱۸۴۲) - اوی سینا (۱۸۶۷) جمووکشمیر (۱۸۹۵) سودان عهد خدیف (۱۸۹۶) نماینده گس میکند بروی اکترمد الهایی برتانیوی نام گیرنده مدال، رتبه و رشته خدمت او موجود است، برای علاقمندان جمع آوری کننده مدال تاریخچه برنده مدال وکا - روایی های او بخاطر کسب مدال دلچسپ است.

یکی از دلچسپی های تازه سپینک تک باب -

قو طاسیه فروشی

علی گلرین

متصل کلینیک مرکز

ادیان عمده هند

۲- ریشه و اصل تلم ریج ها در تناف آرزو نهفته است
 ۳- هشت راه برای زدودن ریج و درد وجود دارد به این شرح ایمان درست، اراده درست، گفتار درست، کردار درست، معیشت درست، آگاهی درست، اندیشه درست، خلصه و حال درست.

این آیین در سیلون و بنما به شکل ساده تر بنام ((هینیا نه)) باقی ماند، در کوریا و جاپان به نام ((مهایانه)) و در تبت به بنام ((لاما)) وجود دارد.

در هند و چین مذهب جدیدی به نام آیین کائود ایا بود یسم جدید رواج دارد که مقدسات سایر ادیان را نیز مقدس می شمارند.
 ۳- جین

یکی از ادیان است که در قرن ششم قبل از میلاد، همزمان با ظهور دین بودیسم رواج یافت. اصول اخلاقی این آیین مبنی برین استوار است که به هیچگونه جاندار، هیچگونه بدی و آزاری نباید روا داشت.

آیین جینیسم از پیروان خود، زهد و خود فراموشی طلب میکند و برای روز ارزش فوق العاده قایل است، بر اساس این آیین هرکس برای رستگاری باید سه گوهر معرفت، ایمان و تقوا را رعایت خود فرار دهد.

شبه جزیره بزرگ هند سرزمین فرهنگ، عبادت و مذاهب مختلف است به قولی دین سرزمین در حدود سه صد کیش و آیین وجود دارد. اما عمده ترین ادیان سرزمین هند عبارتند از:

۱- برهمنی
 دین اکثریت هندی هاست، این دین منحصر به ریشه هندی دارد، شاید آغاز این دین هشتصد سال قبل از میلاد باشد، بزرگان و کاهنان برهمنی - برعین نامیده میشوند، کیش تلیت از برهمنی شروع شده (ویشنو - برهما - شیوا) است، به همین دلیل خدای خود را به صورت انسان دارای سه سر انتخاب کرده اند، رسالت این دین با برهما (رشن) است، که از زنده گی آن اندکی آگاهی وجود دارد.

۲- بودایی
 آیینی است که پیروان آن تابع بودا هستند، این دین ابتدا شبیه به برهمنی بود ولی ظاهر پر دازی کمتری داشت. اصل اساس این دین عبارت از اینست که حیات ریج است و هوس زاید و ترک نفس تنها وسیله رهایی ازین ریج میباشد، کمال مطلوب دین بودایی عبارتست از وصول به ((نیروانا)) و یاخنا.
 اصول عمده بودیسم عبارتند:
 ۱- جهان سراسر ریج و عذاب است.

بقیه از صفحه (۸۵)

درسهای موسیقی

ولی در هند قبل از قرن نهم الفبای موسیقی ذیل مروج بود: کهرج، رکهب، گندار، مد هم، پنجم، دهیوت، نکاد یا نشاد که با وجود آمدن موسیقی غربی - بندانی، نوع موسیقی کلاسیک تا امروز الفبای اختصاری بوجود آمد که آواز خوانان کلاسیک معمولاً در آثاری خوانند نوع اختصاری آنرا سرگم میکنند مانند: ساسری، گه، مه، به، ده، نی، سا، نوت؛ وقتی خواننده در آثاری آواز خوانی نام از الفبای فوق میگیرد آنرا ((سرگم)) میگویند همچنان یک نوع الفبای موسیقی در ایران هم موجود است مانند: برده، اورده، میانین، زینمایا، نمایان، روزنمایان، محسوس، هنگام.
 این بود خلاصه از ظهور الفبای های موسیقی که زیاد تر امروز در دنیا مروج است و جمعا این هفت سر را به نام سرهای طبیعی یا Natural tone و در سانسگرت به نام بلاول یاد می شود

کارته نو تعمیر سینمای اقبال

قواسیه فروشی ارزان

دیوارهای (۵۰۰) ساله

و مقبول سما نمودند.

بقیه از صفحه (۲۷)

دیوارهای کرملین بیشتر از دو کیلومتر طول داشته که با در نظر داشت شکل اراضی منطقه به روی خط منکسر طوری که از هر برج میتوان تمام نقاط دیگر را مشاهده کرد، اعمار گردید.
 تمام برج های بیست گانه کرملین سیمای هستند اصلی خود و نام خود را دارد. دیوارهای برج های کرملین از خشت های خوب تکمیر شده سنگ ساخته شده که هر کدام آن تقریبا هشت کیلومتر وزن دارد. معموره چلیپا مانند از مصالح ریج و آهک دیوار ها را عملا محفوظ نگاه داشت گرچه آنها نیز بخش های مشکل سار بوی تمام قلعه را: حملات، حریق ها، فیرهار توپخانه، انفجارات، و تبق ها را متحمل گردیده اما با حملات رهاروی هیچگاه متصرف نگردیده بودند.
 این دیوار نیمه ای از هزار ساله ایستاده و بعد از صدمت های مختلف هر مرتبه محتاطانه پوشش ها و خشت های آن تجدید ساختن گردیدند.

واقعاً که ارمن ها، گورجی ها، بلغاری ها، - پولیتدی ها، سنگ کاران بهار خویس بودند اما با آنهم برای بار اول جهت اعمار این دیوار استادان روم قدیم دعوت گردیدند.
 دیوارهای کرملین به محافظه گاه معمولی - گنجینه معنوی جهانی، مبدل گردید. در کرملین سکواتار هنر و باستانی استادان بزرگ هنر حفظ گردیده است. کرملین سکوا - همین انسامیل روس - در شکل معنی و مفهوم معمول وحدت بدون اعمال به زور و تشدد شدن بیشتر مردم روسیه و دیگر مردمان روز زمین گردید.
 دیدن کرملین توجه جمعیت گهبر مساحیان، نقاشان، شعرا، و اشخاص دارای حرفه های مختلف را بخود جلب نموده و برای ایشان لذت بخش میباشد. حتی در قرن شانزدهم خارجی های که از سکوا دیدن نموده بودند کرملین را یک قصر بزرگ

سیر درد

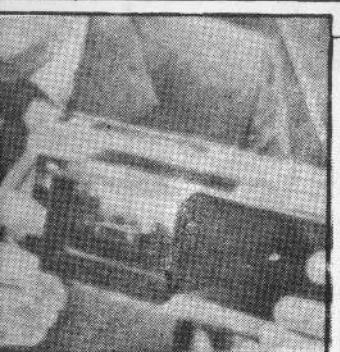
بقیه از صفحه (۸۲)

در هم پیوراد، آنچه های
سکن که پالن میراها شمرده
دانه و اجناس درد را تخفیف
مهد و در طبیعت آسانی آنطوری
هست باقی میماند یعنی نمیتوانیم
کرکرت و اجناس خود را تغییر دهیم
رضی که موجب بیماری میگردد به
استغناء مواردی که چگونه در
شرایط کلی ما آن برخورد صورت می
گیرد همیشه تغییر یافته نمیتواند
برخی اشخاص حتی میباید خیلی سا
بهر رانم هم مشغولند و تا آنجایی
تلقی میکنند • بعد از گذشت لفظ این
این بیمار خواهد گفت: (پسالة را -
کامل درک کردم ولی نتوانستم چو

اجناس را بگیرد) ولی در واقعیت
امر چنین کاری را نمیتوانست -
ساختار خوش وضع زنی او چنین
است.
سردردی ها بسیار بسیار
ها از فصل بهاری های معده، جگر
کلیه ها و روده ها همراه است -
انفیه سردردی هاست که در تولید
تاریخ های متین قنرات بخصوص
قنرات ناحیه رقی، رما -
بیماری های گوناگون تلقی نیز می
مکند • در واقعیت امر، تمام -
بیماری ها سردردی را با خود دارند
و از همین جهت است که دانستن
طل آن لقب مهم تلقی میگردد و نه
باید که آن راه درست تدابیر
را درسی بایم -
در اغلب حالات، ظهور سردرد
دردی برای بیمار آشناست -
معاون یک قاعده، بیمار رقی -
های کلی خوش را برای مبارزه با
سردردی دارد • این روش های
تداوی صرف شکل طبیعتند -
بلکه اشکال خوب فلکوری -
وجود دارد • بیمار ممکنست برای
لحظه کوتاه قسمت خاص، جوف

اف (بالای بینی) را با انگشتانی
محکم بگیرد (برای یک دقیقه در
فضای آزاد) بیمار با این کار احساس
بهبودی خواهد کرد • این عمل را
میتوان تکرار کرد • یا اینکه سر را
می توان بایک تکه نازک مس
بست • این تکه را تا ابرویان و -
کوشاکش بکشد و پوست پیشانی
ش بشاهد • این کار با بسیاری
بیماری های سردردی های ناشی
اینهمه آمدن فشارخون دارند که
نهاد میکند •
در سردردی میتوان با فشار پا
ها در آب گرم بپوش کرد • هر چند
از آب خیلی گرم نباید استفاده کرد
در صورت آن تهیه مگس آنچه که
طلوب است به دست خواهد آمد •
از پلاسترهای خردل میتوان در
پشت گردن و بین تخته های شانه
یا روی قفساق ها استفاده کرد
ولی این پلاسترها را نباید یکباره
روی تمام این قسمت ها گذاشت •
ساز خودی قسمت های -
متنفر سردردی میتواند مفید ثابت

شود • چین فشار متوسط بر روی -
قنات دردناک سر می تر بوده است
استفاده از مرهم ها مانند مرهم
پلنگ تشان روی پیشانی و شقیقه
ها میتواند خیلی مؤثر باشد • گاه
گاهی با بکردن بعضی قطعات و
مطلوب ها یا بخار آمونیاک سردردی
بطرف میشود •
هرگاه در حالیکه روی جاده
راه میرود چه سردردی دچار
شده که ممکنست ناشی از نوشیدن
روی پیشانی باشد • شال یا کلاه
تا آنرا تا ابرویان تا پایین میاید •
گرچه این کار جذاب معلوم نخواهد
شد ولی خیلی بهتر از آنست که به
سردردی ناشی از خنک خوردن گی
مثلا شهد که میتواند یکسکسل
دوامداری را برای آن بیاورد •
با چارشدن به سردردی
ها معمولا میدانیم که چگونه
با آن برخورد کنیم • ولی اگر
سردردی برای بار نخست باشد
با دوا میاید آنگه وضع بدتر شود
پس در آن صورت باید فوراً با
داکتر مشورت کرد •



پرده شفاف تلویزیون

الکترونیک شوروی آخذ و
تلویزیونی کوچک را بپارد •
تعمیری که از کریستل مایع ساخته شده و فقط دارای ابعاد
۲۰ × ۱۰ × ۶ سانتی متر

مجله تلویزیونی

بقیه از صفحه (۷۷)

نوه مورد سوال قرار دم • هر
چند که طرح های در زمینه
بهبود آن همین اکنون هم در
سردام •
س - ایاصمیم افراد اید که مجله
تلویزیونی به یک مجله علمی
و خانوادگی بدل شود تا همه
مجله هوشمند •
ج - هرگز! نهرا تلویزیون برنامه
های فراوانی برای خانواده ها
دارد • برنامه زن و خانواده
کودک و اطفال • جوانان
نمایش های تلویزیونی • برنامه
های ترقی و تفریحی • فلم
سپال و •••••
س - چه بچهار باشکالی در -
راه ساخت برنامه • ثان وجود
دارد و ایا طرح و تهیه برنامه
چقدر به اراخ روان و آرامش
زندگی تان صدمه میزند •
ج - تهیه برنامه بی چون مجله
تلویزیونی هر چند که در گام
نست و سهل ساده به
نظر میرسد اما حقیقت اینست
است که دشواری های فراوانی
دارد • این دشواری ها اگر از
یک رهگذر امور تهیه برنامه را
در بر میگردد تنها مربوط -
تهیه کنندگان برنامه میشود •
از سوی هم • محدودیت ها و
امکانات اندکی هست که روال
بهبود برنامه را صدمه میزند
از کم بودن وقت محدودیت کانس
بودن امکانات • مدی منابع •
تصویری ضربه که بگذرد • گاهی
زنجیر دست و پاگیر پالیسی و توجه ها
سیاسی • اقتصاد • کار و ابرویان
با محدودیت های زیاد که بهتر است از

سردرد

بقیه از صفحه (۳۱)

مرحوم (سردرد) طی دوره
کارش بی نهایت آنگاه فلم درهلوی
سناریو نویسی برای هنرمندان
و دست اندرکاران سینمای کشور
لکچر های نیز تهیه می نمود •
مرحوم سردردی قبل از مرگ
اش شش سناریو آماده کرده که
دو سناریو یوان را عباس (شیان)
کارگردان ورزیده سینمای مائیکمیل
و بنام های (ستاره گان نمایی
میزند) و (بهرت) فلمی تحت
ساختار است و یک سناریو دیگر
ان تحت نام (تلاش) بوسیله
موسسه هنری قیس فلم در جریان
فلمبرداری قرار دارد •
داکتر غلام محمد سردردی
در شان سه شنبه مورخ ۲۹ حمل ۱۷
ساعت ۲-۷ دقیقه در حالیکه

دو ساعت بعدی ان ماشاهد
نمایشی صحبت وی بهرامون
صدمین سالروز تولد ی نایفه
سینما - چارلی چاپلین از وری
نشریات تلویزیون جمع -
افغانستان بودیم به عمر ۴۳ سالگی
وفات یافت •
آخرین کارهای او به سان
اشکهای که در رخساره شمار
می بندد و خشک ویه گونه
لبندنی ناتمام به تمام شدن
زندگی او ناتمام ماند • ترجمه
نمای پشته تیا تری او بنام
(بدن شکست را خورد کنند)
برنده جایزه اتحادیه هنرمندان
گردید • این آخرین یاد اش
بود که هنر برای او اهدا کرد •
و چی غم انگیز است این برای
کسیکه با هنر زیست و در راه هنر
و جلاش آن تلاش ورزیده و سر
انجام حباب اکسا پس رستر

حسری از نفس انتاد •
اعظم جوهر هنرمند شناخته
شده را که یو تلویزیون و سینمای
ما در رابطه به شخصیت فرهنگی
مرحوم سردردی گفت: (مرحوم
داکتر غلام محمد سردردی که شش سالگی
خواهرزاده من بود دوست
بسیار صمیمی من نیز
بود • مرگ ناگهانی او برای
من نیز سخت رنج آورده شد •
داکتر سردردی انسان خوش
برخورد، خوش قلب، متمدن
با دانش متواضع و صمیمی بود
صحت ها و معلومات های علمی
وی در بخش های مختلف برای
معالمتان هنر و فرهنگ قابل
استفاده بود • من شخصا
در بخش سناریو نویسی از مشوره
های سردردی بهره میگیرم،
مرحومی دارای دو فرزند، یک
دختر و یک پسر بود دلپسنگی

نظم معده

بقیه از صفحه (۹۱)

یک نوع بکتریا را در معده اتویسی شده و بعدا
در ۱۹۴۰ Fred Berg این بکتریا را در
انسان معده مرض گسترگستگویی شده، دریافت
نمود، در ۱۹۲۹ در استرالیا G. R. Warren
در شفاخانها Rogalpearl این میکروب را در ریه
شیمی معده تشریح نمود و کلچر نمود و بالاخره
تدقیق بیشتر یک ترکیب
Tindazole + Amoxicillin تولید کرد که بکتریا را محو میکند
بارد این واقعیت دیگر تدابیر گستریت عا
وزخ معده، نه فقط به اساس تنزیل اسید معده
که ممکن در اکثرها "مریضان قیلا" کم باشد، میشود
بلکه با محور و نابودی عاجل این ارگانیسم از معده
و تعقیب مریضان، تدابیر گردند و ناگفته نماند

مریضانیکه با محور و نابودی مکل این میکروب و تدابیر
مکل جواب نمیدهند، ممکن علت مریضی شان چیزی
دیگر غیر از زخم معده باشد، ممکن فقط حجای
حاجز و وایز و فسفریت رستند رم ایتیمال باول و غیره
باشد و ناگفته نماند که بعضا "مریضان ناقل میکروب
بیلورن صاحب سیمی نفع و گاز هلو توسترویدی
بوی دهن، توسع پلن بعد از غذا - عارق زدن
مندا ام بوده که با تدابیر میکروب تمام امراض از بین
میرود • در اخیر باید اضافه شود • گرچه اسید
معده در تولید ترحات رول دارد ولی تنزیل تخریب
مقاومت میکروبا بعد در ارتعاش توسط بکتریا
بیلوری برای تاثیر فکوریته و علت اساسی ترحات
گستریت امی مزمن میباشد (دکتور روح اللعویان)

بقیه از صفحه (۹۱)

تصویر بردار...

بقیه از صفحه (۳۱)

کرده و دست نشتر برده، از آن به بخلصورت تدریج تصویر برداری را آموختم و پس از آن برای تهیه زاینترها به ولایات کسور عزیز و همچنان در مورد به کسور های اتحاد شوروی هندوستان ویتنام، کمپوچیا، چکوسلوواکیا، نیویارک سفرهای داشته از هر یک کدام را برایتان تنظیم و آماده کرده ام.

تصویربرداری استفاده کرده - اینست

- از میتود تصویر برداری - تلویزیون و امکانات نیز کمترین و تلویزیون هم از تبادل نظری و تجارب دیگران استفاده اعلی حاصل آورده ام.
- با امکانات محدود کسور تلویزیون، آیا تلم های نیز فلز - داری کرده اید ؟
- بلی کارهای در صورت دارم و توفیق امروزم اولین محترم آموز هنر و فرهنگ تهیه آموزش بهتر بود - سترنگ داشتن و سبیل و جبهه سفید تکنیکی برای کار بر نمودن به لویان توجه روی پرابل ها و خانه بدوشی فرهنگیان شان مساعدت نموده تا با نیوی هر چه تمامتر در اجرای امور این پیشرو به تیرد از

که نوشته ام در پیوند ح زبانی ، هنر آکت و تمثيل به خود بالا و هم چنین اشعار شعری میباشد . امید دارم قناعتتان را حاصل نموده باشم .

من - برای من جالب من میباشد افراد رکنین شور و دین زنده گی شما در افغانستان همین انگیزه برای شعر گویی چون نه اشک که در وصف آن شعر گویید که همه اشعار تاثیر در وصف شخصیت های هوایا سروده اید .

ح - اولاً اینکه عشق به اشعار خودیادم نیست و این نگارنده است و کارهای دول هم از قدیمت را داشته . مغز انسان خارج است چنانچه حرکات مغز تلویزیون و دوربین خون قلب خارج از اراده و انداره انسان است و نتیجتاً سلطان مغز بر سر زمین دل و جسم نه تسلط و استبداد کوی میکند و حضرت سلطان کبریا عشق امیران مطلق العنان تلویزیون و چون انسان دیگرند و ما مانند خورشید در فضا نه همه چیزهای دیگر را از زمین برده تا یکی های گوشه های بدل را در فضا ساخته و تقویت کینه و بد او و بعضی و تقویت ما از زمین قلب تحلیه میکند .

ح - آیه اینکه بزای صورتی اشعار خود بیک منبع الهام ضرورت داشته همیشه فکر میکردم چیزی را که کرده ام و کمبودی بی در خود احساس میکردم مانند یک آتش فشان منجمد مانده در حالت قبض از لحظه انفجار خود را احساس میکردم و این منبع الهام باید حتماً زنده باشد و چون از یک طرف هنوز زخم جملات در لغت انسان صورت نگرفته بود و مشکل میشد منبع الهام بر خود اید حتی نامکین نبود و از جانب دیگر چون به مبرهله زیاد داشت و هم مانند جوانهای دیگر بعضاً علم های هندوی و اروپایی را می دیدیم - که در نتیجه مذهب بالا براد زلم حاصل شدیم منبع الهام خود را پیدا کردیم و بقصد استان را خودشان می آید .

نماینده درین شعر در دلیلی میسر دل خود به ملک دیگر میفرستیم یک چشم ندیدم که از آن چشم کور است این شعر چه شعریست که میخوانند ؟

بقیه از صفحه (۷۵)

مجنون قرن

بقیه از صفحه (۷۳)

بقیه این ترانه را در مجله مطالعه نمایند و نگاهته نمایند تمام جزایه روزنامه هائیکه گفته آمد بازنگرند خود موجود است و یاد رکتاب خانه نامه کابل در صورت لزوم آزادیده میتوانند

یک عمر میتوان سخن از زلفا یار گفت در زیند آن میاش که مضمون نموده است و اما راجع به نشرات مطبوعات هند طوری که قبلاً هم بعضی رسانیده شد آنرا ترجمه کرده و در یکی از شماره های آینده میابون منتشر خواهد شد البته در صورت موافقه اداره سب و روز و خوانندگان گرامی

س: سخن علمی مشتري آیا برسیده می توانم که شما برای بد در هندی تان اشعاری سروده اید یا خیر ، انشا الله خود خفه نس شوید ؟

ح - بلی صاحبه اصطلاح شعر برای بد در هندی نام شعر سروده ام یک و دو صد و در وصفی بلکه هزارها یعنی ده هزار شعر سروده ام که در جوان شعر بند کور بنام ریونس شرقی یا قد هوایا میباشد و اشعار مشرق زیاد هم درین باره نوشته ام که در مجلات انجمنی و زیاد تر آن در جزایه و مجلات اردوی هندوستان به نشر رسیده که خدمتتان تقدیم است بدینسان اشعار مذکور را به مدعو بالا تقدیم نموده ام اگر نمونه ازین اشعار را بجهورتان تقدیم نماید بقیه اشعار نشر نخواهد کرد بزود رصاحه گذشته صورت شعر را شما خواستید من گفتم نوشتی ، اما سانس به اشعار نشر کرده اید که دلیل آنرا میدانم شاید به ترم و تراکم مضمون و شعر در چار میباشند البته تمام اشعاری که در سیابون به نشر میرسد بسیار عالی و استادانه هست که شعر ناقصی محتوا و ناچیز و اولان ندانستید که در جمله وین تان نشر شود و اکنون که ازین سؤال کرده بد در چه مورد شعر سروده اید ؟

لازم بود یک نمونه اشعاری تان عرض نمایم اما بدلیل فرق از اظهار آن صرف نظر نمودم البته اشعاری

میباشد جدیداً اختراع نموده اند - قطر این سرده تلویزیونی ده سانتی متر است - این وسیله بر اساس عینی بر سر کسین استوار است و باید که سلاید رنگه است - منتفا درین جانر عوض سه قشر مواد عکاسی رنگه سبز ، آبی و سبزه (که انعام در ترکیب شعبین چهر رنگ را میسازند) سه قشر کربن پستل مایع را که سه شفافیت خود را در اثر تفاوت پوتنسیال برقی تغییر میدهند ، نگار برده اند .

بوده جدید تلویزیونی درین امر پایه شده های معمولی تلویزیونی متعابرت میگردند که برده جدید با مغز فوق العاده که برق کار کرده و همچنین تصویر تلویزیونی را به گونه سلاید در مقابل رویشی میتوان مشاهده نکرد . در این جا از روشنی عادی روز نیز استفاده شده من تواند اینچنین اخذ های تلویزیون هنوز در هینچ عالی تولید نمی شود .

ولانندی زیاد از حد میباشند بد اینته ولی سخن در زشتت میباشند . باز در اینتریک چیز را در میمانتم . که همیشه در زمانه طولانی در تلایم بود و این هموار میگردید تا بر سطح آنرا خاصیت سازد البته چه رنگین و چه در زیند دانستند از اهرار که به کسی نگفت در دست زدن آنرا با همدستی و احسن نظری کار کردن روزید و نتیجتاً تلم کرده بود خوشحال به نظیر میروید ولی با تاتیکه میسر که به سرفرازم در داور شکیسه قلبی چشم از جهان بست و بار در صوبه خود نشانده بجای دیگر غلام محمد طه بد برای همیشه در قلب ما و در جمیع ما خالی است و یاد ها و خاطره ما این در ذهن ما ماندگار روحش شداد بسیار .

نوسی را در پیش

بیشتر و در نتیجه چستگی بیشتر به بخشد .

با وجود اینکه باید اعتراف کرد که او یکی از چهره های بود رخش سینمای هند و یکی از باارزنگ ترین مردم ب ترین خوش برخورد ترین افراد فرهنگی است . در جهان نمایش امروزی او به همان بیمانه که در روی برده سینما (بد) جنبه مینماید به همان بیمانه در خارج از هند به سینما (خوب) شناخته میشود .

با وجود پیشبرد نقش های کثیف در باره دست داشتن او در کثافات کاری های رسوایی بخش خرفی زده نشده است . فلمازان جرات آنرا ندارند که با این ابراهیم میسایلی بکشند که مردم درباره آن حرف صد نفی برزند بعین نسبت در روز و بیرون صنعت فلم سازی از محویت تراوان سر - خورن اراست .

گرمی یابد که به عرض حلت توجه نشانگر به بریم جویره نیز نقش بسیار در چنانچه علم های (آبایی) و (سیناب) بر زمین منسوال بنایافته است تا جان برود بیوسران نتوانسته اند کسی را بد آنجا بنهند که جایگزین بریم جویره بنامزدند آنها یکدیگر میکنند درین روزگار بریم جویره بیشتر تحریفی خورد و ادعای نمایند که استعمال آن در تشیی اوزر یا به جلال است . بد اند که اگر شور و شوق او نمائند گشته رویه انرا بیست ولسی رویه کاهش هم نیست . بعین سبب با وجود شلوغ بودن بازار فلماسانی از غیر بنه گان ، از نیاز یا ویک زره هم کاهش نیافته است . برود بیوسرها بر عکس تلاش میوزند که در روزهای خود اوزر نیز نشان نمایند زیرا انعامی اند که فروین فنراویس از هر فلم بالاتر رفته میروند ، حتی یک سینما روحانی ندیده میتواند که او ، مانند امیتا به چن با تاقیه هر فلم جدید

برایم جویره

بیمار من فلم کالا بقا را یک تیم اشکارا بریم جویره را چنین ستود (در وقتنگه اقلیم در ای فلم که بریم جویره در آن رحمت اکتور در وقت نفس داشته باشم ، خیرت برانگیز است . زیرا حضور او در فلم چنان اثر انگنده است که کاکشور در بگرترا و امید آرد تا سوبه غیر نمای . در چرا ا جرای نقش خود را با ایامی در خوش کار بریم جویره در آنست که نمیخواهد مغزین تقلیدی ویک نواخت حلوسه کند . او در هر فلمی چیز دیگری احساسی در قالب کرکتر سرده شده چنان حال میگرد که او را زنده میسازد و نشانگر او امید آرد که آن صحنه را میزهی . از واقعیت آن در این موضوع حقیقت دارد . اگر برود بیوسر یک جفت ستاره (عز میسگان) تازه ، استخراج میکند خود را

مرد خشن

بقیه از صفحه (۳۱)

(جان واین) سه بار از ده واج نموده و زمره آن هفت نژاد و پنج نواحه میباشد و در سن (۵۰) سالگی به موزن سرعان دچار شده مدتی تب ابری گردیده و کسار امروزمی را در هنر فلسفی از او دست ندان اولی بتاریخ ۱۱ جون ۱۹۷۱ در شفاخانه بیوروستی لانجلس اعانه مرض سرطان گردید و چشم از جهان بست .

سازمانت کودکان

چه مالک خوبی!

بود و نبود دخترکی بود
فرخنده نام ، فرخنده خروسی
داشت و خروسی هر صبح زود از
خواب بیدار شد و دیدگون
با ننگ می کشید :

کیکرکی ! صبح بخیر صاحب !
پس از آن سوي فرخنده دیده ،
از کف دستش هاله ها را با منقار
خوشی چید و آرام بروی دراز
چو کبی که جلو خانه شان قرار
داشت ، کارش می نشست .
خروس برهائی رنگارنگی داشت
و طوری جلایش میکرد که گویا همه
بارون جرب شده باشند ، روزی
از روزها فرخنده نزد زن همسایه
ماکیانی را دید و از ماکیان و
بسیار خوشش آمد ، به زن همسایه
گفت :

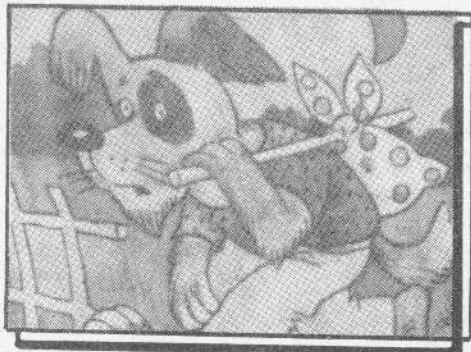
ماکیان تابه من بده و من
در بدل خروس را بشما میدم !
باشنید این حرفها خروس
تاجش را به پایین آویختند
و سرش را به زیر انگند ، چه
این خود مالکش بود که میخواست
ویرابه کس دیگری بدهد ، زن
همسایه با فرخنده این تعویض
را قبول و ماکیان را در بدل خروس
به فرخنده داد ، فرخنده
به زودی با ماکیان دوست شد ،
ماکیان با پرهای سپید خود
احساس گریس و آرامش می نمود ،
همه روزه يك بیضه تخم میگذشت
گنگ ، گنگ مالک عزیز ، از زومندم
تخم ، را با اشتها و مزه زیاد صرف
کنید .

فرخنده تخم را نوش جان میکرد ،
همواره ماکیان را در آغوش گرفته
و بروی برهائی زیبایش بصهریانی
دست می کشید .

یکی از روزها زن همسایه
رو بروی شان همراه پایک مرغابی
به دیدن فرخنده آمد ، فرخنده
وقتی چشمش به مرغابی افتید ، از
مرغابی خوشش آمد و از زن -
همسایه خواهرش کرد :

مرغابی تان را به من بدهید
و من در بدل ماکیان خود را به
شما خواهم داد !
ماکیان از شنیدن این حرفها
نمگین شده و از تاه ترشد پند
بالعایش جانب زمین آویخته
گردید ، با تأسف ، چاره بی جز

ترجمه : م ، رهتاب



تسلم شدن به سرنوشت ندا -
شت ، چه این مالکش بود که
من خواست وی را به کس دیگری
بدهد .

دری نگذشته بود که فرخنده
با مرغابی دوست همیشی شد ،
یا هم یکجا به دریای رفتند و در -
آنجا مرغابی در کنار فرخنده شنا
میکرد .

گنگ ، گنگ ، گنگ ، مالک عزیزم
آنقدر رها دور شما منم ، زیاد را
در آنجا زرف است (با این صدا
دخترک دوباره به ساحل دریا
بر میگشت و مرغابی از بی او می آمد
یکی از روزها همسایه بی باسگ
کوچک دوست داشتنی خود به
خانه فرخنده ، شان به معناسی
آمد ، فرخنده هنوز سگ را به
قد رکابی از چشم نگذشتند ، بود
که گفت :

سگ تان را به من بدهید و در
بدل من مرغابی خود را به شما
خواهم داد !

وقتی مرغابی گفتا فرخنده را -
شنید ، بالعای خود را از زوی قهر
به هم زده و از منقارش آواز -
اند و هگینی لرزان ، لرزان بلند
می کشد ، همه بی فایده بود و
چاره نبود ، همسایه مرغابی را زیر
بغل گرفته و با خود برد .

فرخنده بروی سگ مقبول دست
کشید و گفت :

خروس داشتم که با ماکیانیش
تبدیل کردم ، ماکیانی داشتم و آن
را در مقابل مرغابی به کس دادم
و حالا مرغابی را داده و سگ
قشنگی بدست آوردم ، همینکه
این سخنها به گوش سگ رسید ،
دم خود را جمع نموده و به زیر
در از چوکی خانه فرخنده خود را
پنهان کرد ، در تاریکی شب
هنگامی که فرخنده در خواب
شیرین بود ، دروازه را آهسته
باز نمود ، و پایک خیز به بیرون
خانه جست و پابه فرار نهاد ، در
راه این سگ دوست داشتنی
زیر زبان زوزه میگرد :

با همچو مالکی نمی خواهم
يك جا زنده گنم ، وقتی
دخترک بیدار شد خود را تك و
تنها یافت .

آیاتناسی د ...

- ۱- آیاتناسی د یوځای نه
- ۲- آیاتناسی د یوځای نه
- ۳- آیاتناسی د یوځای نه
- ۴- آیاتناسی د یوځای نه
- ۵- آیاتناسی د یوځای نه
- ۶- آیاتناسی د یوځای نه
- ۷- آیاتناسی د یوځای نه
- ۸- آیاتناسی د یوځای نه
- ۹- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۰- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۱- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۲- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۳- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۴- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۵- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۶- آیاتناسی د یوځای نه

په لاس راوړل شوي نمرې جمع کيږي.
د آزمايش نتيجه:
تر ۱۵۰ نمرې پورې:
که غواړي چې د کورنۍ د خپل کور د ميرمنوله جملې څخه وشميرل شي بايد پخپلو کارونو کې نور هم د پيچيدگۍ د نظر وکړي، تر ټولو د مخا بايد د دې چې د وخت په موند - اقتصادي واړس، او په ښه صورت سره خپل کار ته سازمان ورکړي.
د ۱۵۶-۱۹۰ نمرې پورې:
تاسې کار که ياستې، هر نړۍ - ستاسو په کور کې خپل مشخص تعادي لري، که چېرې تاسې کوم وخت څه شي بايد ولټوي د لادې کبله چې تاسې تر اوسه پورې د کورنۍ ضرور - يات په ښه توگه ندې زده کړې.
د ۱۹۰ نمرې څخه پورته:
ستاسو په کور کې د استقيا خيالې دې، هميشه يوڅه شي مينځې، يا کوي او يا جاروکوي، اما اعتبار ولري چې د کارونه لاندې هم په لاندې قدرت او په کم وخت کې تر اوسه تر سره کولاي شي، لادې کبله لږ لږ سوې تر څو وخت لري، اما بايد هيله کړي چې په دې کورنۍ مشکلاتو څخه نور مصر و - فيتونه لکه تياتر، سينما، کتابونه او ملگري هم شته دي.



خانواده سوگوار است

فایده

بقیه از صفحه ۳۰
بعد از نسخ نامردي همیشه ناميل ماز طرف انعامتدديد ميشد، دوسرې که صاحب منصب اند همينکه آنها در وظيفه ميوند ناميل ما مورد تعديد قرار ميگرفت بولي من هرگز به سرانم چيزي نميگفتم موضع را بنهان ميکردم تا مباد امنين آنها بر خورد صورت گيرد، بالاخره بتار يخ ۱۱ حوت سال ۶۶ روز سه شنبه ساعت ۲ آن حاده المناك رخ داد، آندشب جاويد بسرسر بخانه آمده بود، صبح چند ين بار صد ايشن گفتم گهت ملد ريگدار خوابم، نميدانم چرا خوابم بوره ميشود، وقتي در زنده شد ما رينا د ختم رفت تا ببينند کيست همراه با باز شدن دروازه صد اي د و غير مرسى و فرساد د ختم شنیده شد، بجاويد و ارخطا از خواب برخاست بطرف بھرون دويد. د ختم سر انيتا که بيشتر از برادر خود ش ربه قاتل زسانیده بود، مورد اصابت مرسى قرار گرفت و دلوسى برادر خونش را سپهر خواهر ساخت که يك مرسى درجان خواهر و ۸ مرسى درجان برادر جاي گرفت، وقتي من به نزديكى بسرسر رسيدم خواهر و برادر هر دو د رافوش هم بودند برادر با وجود آنکه سوراخ سوراخ شده بود ميگوشيد خواهر را از افتادن مانع شوه، ولي بعد هر دو بزيم

انتادند، من باي لي و سولج عقب قاتل ميدويدم او بطرف سرك ميدويد وقتي به سرك عمومي رسيديم، زير سينما اقبال همراه يانه و شارسندوي اورا احاطه کرديم، چون در دستش سلاح بود کسی جرئت نميکرد نزديکيش شوه، گفتم اورا بگيريد تفنگچه مرسى ندارد و بايد شده در غيران من تا اينجا زنده نمرسيديم درين اثنا دو مظيفين حوزو رسيدند و اورا گرفتند، او را دوباره به محل حاده آوردند به جن خود اترار کرد همه جاها را نشان داد، گفتم بازم من ام هم، ارميگش و دختر ارميگم، هم ربه شفاخانه برديم ولي او مرده بود، طب عدلسى ۸ مرسى را در وجود او نشان داد.
ولي من همان لحظه بخون فرزندم سوگفت ياد کردم او که بسر راطالمانه گفتم من اورا توسط قانون ميگفتم.
دو د ختم زخمى شدند يکى در کرده و ديگرى در رطن.
درين يکسال چقدر دويدم روزها بالبال و هس خشک بايين و بالا تا دويدم يکسال مدت کمى نيست.
در طول اين مدت بارها از طرف قاتل نعمت الله هغه ما تعديد هدم. بارها گفتند شما که خون ربا خون مى شوييد ماهمه تانرا نابود ميگم.
ولي هرگز از تعديد آنها نترسيده ام زيرا در صورتى که نعمت الله اهدام شوه چانسى سپم خود را براي نابودي ناميل من از دست ميدهد، اينک نمرى مکتوب را بدست دانه که نعمت الله د ولد نورعلم بتاريخ ۱۱ ار ۱۲ ار ۱۳۶۷ به اهدام محکم شد.
با اهدام اولم اندکى آرام خواهد گرفت ديگر هم سوراخ - سوراخ شده جاويد که فقط ۱۸ سال داشت مقابل چشمانم هزارها بار جان نخواهد داد.

نقش جديد من ...

بقیه از صفحه ۳۱
من در فلم سفر نقش مصطفی را بازي ميگم که با گروه از جوانان که براي سواد آموزي به قريه دور افتاده ميروند فلم نيز از همين جا آغاز مييابد. و حوادث فلم يکى بى ديگرى اتفاق ميافتد و - گروه از جوانان به شمول مصطفی با اين حوادث درگير ميشوند و - قهرمان متن با ديگر جوانان با شجاعت و باي - مردى با ان دست و پنجه نرم ميکند و در مجموع فلم نمايانگر آنست تا آدم ترسو و زبون نبوده و بدون ترس با شجاعت بهتسو ميتواند به هدف دلخواه خود برسد.
من از نقش راضى ميباشم زيرا اولين بار است که نقش يک جوان تحصيل کرده و روشنفکر را بازي ميگم.
و نقش هاي من عمدتاً با نقش توري دى در فلم مسافر و فضلود فلم مرد هاره قول است فرق دارد.
در اين فلم با من سعيد اورکزي واسع صدى، اسد الله آرام - خورشيد، فريده همرا، انجانا شمسى، موسى رادمنش، فتح الله بزند، شاه محمود شارق، زلمسى عبادى همبازي ميباشند.
فلمبرد در فلم محترم قادر طاهري بوده و اهنگ از محترم شاد کام مييانشد.

چاپخانه

بنیه ازمنحه (۲۲)

سنت يك تلاشگر ایدمه ال بود
 با ان هر چه نیکه ماندنید اگر -
 خنده دار بود از دل می -
 خندید، سهم نگاه میکرد و می
 میخندید و از من خنده بخود
 میزدید. این کاری مراجعات داده
 به تویح تمیم پرداختم.
 سنت بی مقدمه خطاب به
 دیگران گفتم: ببینید این آدم هر
 کاره است، ولگرد، آقا، شامه،
 ایدم وار، تنها چاشق پیشه و -
 ماجراجو. او میتواند شما را مقاصد
 سازد که عالم، مونسین، اشرافی
 و بانگر پولواست و در زمین حال از
 بوداشتن تم سوخته سگرت و -
 شربتی برخاک افتاده نگ ندارد.
 - خوب من او ریسه خود را
 به پایان میرسانم میدانم که وقت
 و شرایط برایم بسیار مناسب بود.
 محبوب مردم سراسر جهان شدم.
 هم دوستم داشتند و هم از من
 نفرت میکردند.
 بلی زنده گی ازودیمه هایش
 خوبترین و بهترین را بمن ارزانی کرد.

البته يك کی از تاملات راهم
 تلاشچان چارلی بیشتر چه
 ها و کارگران بودند، و برخلاف تصور
 همگانی فلماهی تا سال ۱۹۲۰ -
 هنوز مورد علقه امان و اشراف
 ترانگرفته بود، زیرا آنها هنوز
 خام و عوام پسند بودند. شاید -
 تقاضای زمان بود که آنها را رنگ -
 ماهانه داشته باشد. طبقه با
 سواد و تحصیل کرده کی در بر تبه
 چارلی علقه مند شدند و بنابراین
 نتوانستند او را منحرف سازند. از
 ((ولگرد)) ۱۹۱۵ گرفته تا ((کوچه
 درام)) ۱۹۱۷ او دوش نگ ۱۱۸ -
 و ((پسرن)) ۱۹۲۱ او ((زایر)) ۱۹۲۳
 و ((جستجوی خلا)) ۱۹۲۵، او -
 ((روشنایی شهر)) ۱۹۳۱ او «صفر
 جدید» ۱۹۳۶ آنچه به نظر میرسد
 نه دگرگونی بک زرنمایان و کامل -
 شدن شخصیت ((ولگرد)) است. حتی
 لباسش که اتفاقاً برای بعد از ظهر
 پارانی تدارک شده بود کم کم معنی
 خاصی مییافت. در این لباس زنده -
 پوشی از نگاه نجبا، لوکس
 از نظر فقرا، نقش مبرد
 فقیر بی همه چیزی را بازی میکرد که
 باشجاعت تمام واقعت تلخ فقیر تھی -

دستی خود را نادیده میگرفت چارلی
 نمونه مردم بی همه چیز و فقیر شد.
 برای تجسم روحیه ((مرد کوچک)) از
 حیل هار بصری و تبدیل ناگهانی
 اشیا که در قلمهای نخستین به
 کاربرد استفاده میکرد. مثلاً در
 ((پسرن)) وقتی چارلی دستکش بی
 انگشتش را بیرون میکشید تا هم سوخته -
 بی را از قوطی سگرت (قوطی سارهن
 است) بیرون آورد این حرکت عادی
 را ظوری انجام مدهد که مانند
 تنفس بسیار ضعیف و گرانجا به
 نظر میرسد. در ((روشنایی شهر))
 چارلی در مهمانی مجلی ایشیا را
 بی بلند و از درون شگش صدای
 وصل شنیده میشود و نیز در کاره
 وقتیکه توشه های کافذ با مگروشی
 مخلوط میگردد. این دو واقعه هر
 يك عموماً برای آنکه به جای خود بسیار
 خنده دار است در ضمن تعایشگر
 است که چگونه چارلی از در و جان
 میکشید تا هرگز جماعت نشود. تا
 میایستد و دختران، بانوان خوبی
 لباس او را در جمع خود میزدند و بی
 چارلی بخوبی میدانست که کوچک
 مردی هرگز نمیتواند هم رنگ این -
 جماعت شود. سرنوشتش چنین است
 که همیشه در تاریکی به امید و انتظا

بسرزد و همیشه با نهری دوری نسا -
 اصدی را از خود دور براند.
 شاید در اینکه چاپلین در روز -
 گارانی که مردم به سن و رسوم
 جامعه گردن نهاده بودند -
 شخصیت ولگرد خود را جل دهد
 معنای خاص نرفته باشد. شاید
 چاپلین دیگر (صردک کوچک) به
 نهر و ایستادگی اش در برابر اجتماع
 ایمان نداشت و شاید احساس میکرد
 که رسانیدن پیام به جهانسان
 بیان صریح تر و مستقیم تر را ایجاب
 میکند. وان انگاه به نفس و ملامت
 نروانی چارلی ولگرد دیگر برای -
 این منظور کافی نبود. حتی ارسال
 ۱۹۴۰ به بعد با فلم ((دیکتاتور
 بزرگ)) چارلی شخصیت خود را کنار
 گذاشت، تا ازته دل پیام اصد -
 واری دهد و دلگرم کننده اش به
 کوشش مردمان خود شوند. در
 نیرسا و نظم و استبداد برسانند -
 در فلم بعدیش ((سپوورد)) -
 ۱۹۴۷ چارلی ولگرد بکل ناپدید
 شد. در این فلم، که شاید -
 همین امروز تهن فلم باشد، قاطعی
 در دفاع از خود میکشد که جنیت او
 اصلاً گناه نیست بلکه قیاسه
 آن وحشتناک است. ((قتل یک
 تن انسان را چینی تارک همساز و
 قتل چندین میلیون تن باعث افتخار
 است.))

از وی. تاسی و لوستل جسی
 اداری مرستیال ددنی نیسی
 وری صلاحیت به زور. تولسو
 د فترتونه دخیل خان دسر -
 پرست والی رسمی اطلاع بر سوله
 اود هائی وری له فری وروسته
 جی فنی مرستیال ترجمی خان
 ورساوه. نوتولود فترتونه بی د
 خیل کالت متحد المال مکتوبونه
 ولزیر. به دوهمه ریخ سعار
 اداری مرستیال بنجه جسی
 موسی ته رانی. حال داجسی
 فنی مرستیال له بیبسی ناخبره
 به اووه جی تکی موترکی له
 نوروما مورینود مخه خان موسی
 ته راروسی. خوگله جی خوکیدار
 ورته وای جی اداری مرستیال
 ترده دمخه راغلی دی. نونسی
 مرستیال د موسی به عومنی
 دروازه کی لکه ریخ لری به خای
 ریخ کلک باتی کیزی. اوسر به
 وگوروی دغه لویه دجابه کتبه
 رانخرسی.
 (یونیم اواملا موزیک دی به
 خبله لوستونکی وگسز وی)
 راوی: که فنی مرستیال
 موسی دروازه به خوله کسی -
 لری غرنی ته تکی نه وای کری.
 نوبی له شکه به به خمکه راغور -
 خریدلی وای. دومره ورسره
 بخت یاری وگره جی داماموینو
 موزیکه ویرا رسیدلی. که نوبه
 دغسی وضعیت د فنی مرستیال

لیدل کومه وری. خبره نه وهغه
 داداری مرستیال به دغه موتسی
 برلاسی ناامیده نه شو. او نیخ
 خیل دفتر ته لار. فنی مرستیال
 ددی له باره جی اداری مرستیال
 بی به راتلو یوه نه شی. خیل
 بو تونه بی دد هلیزه دروازه کی
 وایستل اولکه دچرگانو دغله
 غوندی دگوتوبه خوگوخیل دفتر
 ته لار.
 (د فنی مرستیال د ورو -
 قدمونوبه مگرونوکی دی محترم
 لوستونکی د قمرگلی دغه سنده ره
 جی: ((و رو ویکه قد مونسه
 اشنا)) له خانه سره زمزمه کری (ی)
 به دغه ریخ اداری مرستیال
 دومره دروند دریاست به جوکی
 باندي ناست و جی به ار مونو
 به هم جانته وای ورنجی ار ولی.
 دغرمی وپوی بی هم دخیل گارد
 میزله پاسه وخوره اوته دا لویه
 ریخ کی بی ترمازد یگره پوری به
 جای روزه هم ماته نه کری.
 د فنی مرستیال خانه سامان
 حضرت میر جی یورخ دمخه بی
 دکیم غرووی کارله باره له فنی
 مرستیال خخه اجازه اخستی وه.
 به دغه ریخ کار ته نه وراغلی.
 کله جی اداری مرستیال له دی
 بیبسی خبر شو. د اجیرانوجا -
 ضری بی دفتر ته ورونیسته اوسه
 خیل قلم بی ((نیم روزه)) نمیر -
 حاضر کری. فنی مرستیال به دغه

ریخ دجوکی به نه نیولود و سره
 خپه نه و لکه دخیل خانه سامان
 غیر حاشیه لوجی به قهر کر.
 دوه د ری حله بی تیلون ته
 لاس ورتیر کری. خود تیلون له
 لاری اداری مرستیال به بی ابه
 کری. خوهرخل به بی به
 شیطان لعنت کی او دغه کلمات
 بی بل وخت ته برینود. هغه
 پوهیده جی اداری مرستیال د
 ریاست به جوکی پوری مییخ
 شو نه دی. او غرو به یوخت
 جی فنی پورته شی. هغه وخت
 جی فنی مرستیال بی فال به
 زه کی نیولی د رسمی وخت
 پای ته رسیدل وو. کله جسی
 رسمی وخت پای ته ورسیده. نو
 فنی مرستیال داداری مرستیال
 د غالفکیر کولو له باره د نورومامو -
 ریخ به خیر له دفتر ته راویت او
 به لوی لاس دریاست د دفتر
 دکری تر خت تیر شو او هداسی
 حال کی جی اداری مرستیال
 دریاست دجوکی له سرنه ورته
 دستر کولاندی کتل له موسی
 ووت.
 اداری مرستیال درسی وخت له
 پای ته رسید وروسته پوره یسو
 ساعت لا هماغسی تینک به جوکی
 پوری نبستی و. کله جی دخیل
 رقیب به تللو پاوه شو. نو
 دروازه بی به خیل لاسر کولپ
 کره او کونجی بی به حیث کی له

خانه سره واجوله. خو خیرنه و
 جی فنی مرستیال به کونجی
 لا بیون ترلاسه کری وه او هم بی
 دیوال له لاری موسی ته د -
 بیرته رانوتلونیت کری و.
 (دلته دی یوازی دریا یوه
 لنده نغمه د خوتانیوله باره -
 ویزول شی).
 فنی مرستیال دامنام پوی
 به کورکی وخوره اود سهار له
 باره بی یوه وجه پوی اوخو
 ایشیدلی هکی له خانه سره
 به بکری و اجولی. دامنام
 به خره کی د موسی به دیوال
 وروایت او به بیخه زه بی د
 ریاست دروازه و خلاصه کری ایه
 خرخی جوکی شیز اووه خرخه
 هاخواد یخواتا و راتاوشو. که خره
 هم دشبی د خوب او بلاستی
 له باره به دفتر کی یوغت او -
 مناسب کوچ هم بوته و. خوله
 دی ویری جی سهار دی ویده
 و او جوکی بی اداری مرستیال
 ونه نیسی. نوبه بی به هماغه
 جوکی سبارک ه (دلته دی لوستو -
 نکی داس فکروکی جی گوندی
 چرگان بانگونه کوی اوله دغسو
 بانگونوسره یوخای دی د صحنی
 بیلولو یوموزیک هم ورسره یوزوی
 سهار اداری مرستیال بیلا
 دخیل رقیب له ویری به هماغه
 پورنی وخت موسی ته راغلی
 باتی به (۷۷) مخ

چاپخانه

۹۱۵



مجنون قرن...

قیمه از نسخه (۹۱)

راجع به ملاقات های رسمی و شخصی
تان با ناد هویلا میخوامم بدانم

ملاقات ها که زیاد دست داده اما یک بارتی
ویا ملاقاتی که در منزل مد هویلا تقریباً صورت
رسمی در حضور اکثر هنرمندان فنی و ژورنالیست
های هندی ترتیب شده بود که کمی از آن رحمت
منام - ترتیب بارتی در خانه مد هویلا بود -
(بندره) بعضی صورت گرفت که از جمله
هنرمندان در آنجایی، نیویاری، دلیپ گماز
نوروزان بلراج سها نی و چند نفر دیگر هنرمندان
معروف و علاقه مندان مد هویلا تشریف داشتند
راستی در سفر خترافان که دو خواهر بود رسید
و حدیثاً در جهان فنی شروع بکار نموده بودند
البته از طرف من درین دورات اشتراک داشتند که
اسمهای شان، شاه گل و ملکل بود - بر علاوه روز -
نامه نگاران تایمز اندیا، سکری، اداکار، آنزو
و چندین ژورنالیست های ران یو هند و کهنکشان
فلم ستار، شمع دهلی، فلم نیوویو، حضور هم
رسانیده بودند - دعوت ساعت چارم شروع شد
همگی حاضر شدند - دو هم شیریه مد هویلا، کیتیز
و جنجل هم دروازه از مهمانان پذیرایی میکردند -
موجهر شوهر هم شیریه مد هویلا هم تشریف داشت
که او هم یک هنرمند جهان سینما باشد - فلم بود ار
عکاس موقع گرفته بودند این دعوت رسمی را مد هویلا
بافتخار من ترتیب داده بود - بعد از صرف عصریه
سیار عالی و مجلل سخن از هر دو آغاز شد
از کابل و هوای آن و سوه جات تازه و خوشک
افغانستان که مخصوصاً بسته برادام، کشمیر
و انگور و خربزه افغانستان در هند شهرت
فوق العاده دارد - آهسته آهسته سخن بجاهای
جسارت و بیاریک کشیده شد - ژورنالیست ها را شما
می شناسید - از خدا میخواستند مومنی برای شان
بیا شد که آدم را سوال بپوش کنند سوالا مختلف
یکی میگفت چند رمدت بود که ماد هویلا دوست
میداری بد یگری می برسد - سبب و عوامل این عشق
چینت گری می میگفت چرا مد هویلا برای محبت
انتخاب کرده بی و بد یگری می رسید معنی عشق چیست؟
ومن باید همه این سوالها جواب میگفت، بعد ون
آماده گی پیش بینی شده یکی به انگلیسی سوال

میکرد یگری به هندی و سوس به اردو و چارمی
هم به زبان دری - ومن درین حیران و سرگردان
مانده بودم که اولتر یکدم شان جواب بد هم
همچنان مد هویلا را سوال بپوش کرده بودند که
آیاتو هم علی مستیزی را دوست میداری یا اینکه
عشق او کلهه است اما یگری میگفت چطور است
با او ازدواج کنی؟
ومن درین گمراهی در صورت آنرا پیدا کردم که
کتاب ((وینویس شوق)) را که برای مد هویلا نوشته
بودم و شام ده هزار بیست میباشند - با تشریفات
مخصوص بحضور من تقدیم کم که این صحنه از طرف
حاضرین با یک زده تهای زیاد، استقبال کردید -
چون این کتاب را بقلم من نوشته بودم و هر صفحه
آن میناتور و در بزرگ حد اگانه داشت و چندین قطعه
تصویر مد هویلا را رسم کرده بودم که از جمله یک
رسم مذکور مد هویلا را در لباس افغانی که مخصوص
افغانستان است نشان میداد - بنابراین کتاب
دست بد شدت گرفته بود - دوباره بدست مد هویلا رسید
که او کتاب را بوشیده بالای میز مقابل خود گذاشته
گفت: ((این یک کتاب مقدس است برای من که باید
تقدیس شود - بر علاوه امتیازات معنوی آن - این
کتاب و نویسنده آن شهرت فوق العاده من بخشید
که شعرت برای یک ستاره فنی ازین نوع العاده
دارد -)) مد هویلا ضمن بیان "خوش امانی" -
نمود: ((تو من لقب وینویس شوق را دادی که این
لقب نه تنها در مطبوعات هند بلکه در جمله فلسف
دای - جست آمریکا هم ضمن بیوگرافی من منتشر
گردیده و اینک مجله مذکور را برای من هم فرستاده
است -
من از تو بسیار گدادم که قدر و منزلت مرا
آنگذری - بدی که به ستارگان آسمان رسانیدی
و این برای من راستن مایه افتخار و مباهات است
خیال کنی که من قدر و قیمت تو را شعاع ترا
نمیدانم و یا حق ناشناس و ناسیاس هستم -))
مد هویلا افزود: ((در یکی از جراید فنی بعضی
خوانندم که ترا مجنون من بیست خطاب کرده -
بودند ومن این را نمانید نمیکم - اگر به معنی جنون
آن باشد و اگر به معنی وفاداری، فداکاری و عشق
باید اریاشده جزای؟
زیرا تو شاعر هستی - نویسنده بود اکثر هستی -
پس توانی مجنون عاقل نامید و سوسول و رهنمای
عشاق هستی - تو نمونه عن و زاده آهنین و تعمیر
عالی هستی - تو توانستی با تمام مشکلات و سخت
و نجه تم گش و ناممکنات را ممکن سازی، هستند
در بعضی هزاران نفر که میخواهند با ستارگان فنی
از نزدیک ملاقات نمایند و این برای شان امکان
پذیر نیست و تو بر علاوه اینکه از افغانستان
تالیا (پیدی) آمدی بعد از کد ام جاد به
بود که مرا وادار کردی تراه نزد خود بیدیم - هر
صورت از این همه زحماتی که در راه من کشیده
ای باز همه اشعاری که برای من نوشته ای بیکار دیگر
ساز و دیگران خویش را در حضور همه این هنرمندان
دایرگروهها - ژورنالیست ها و مدبران جراید -
تقدیم میدادم - امید رام بد پرته گردند - در اخیر
گفتار و بیانیه مد هویلا در وقت از قسمت آخرین
کتاب را بزرگترین چنین خواندم - یعنی بعد از ده هزار
بیست که سروده بودم - گفتم:

هو کن گریمن جسارت کرده ام
ازم در یک اشعارت کسره ام
نیت نگاهشتری مفتون تو
گشته عالم غرق در آسوس تو
مد هویلا فوراً گفت: ومن غرق در آسوس تو
در اینجامد بر سوسول مجله کهنکشان گفتم:
(زمانیکه فردوسی کتاب مشهور شاهنامه را برای
سلطان محمود غزنوی بفرمایش سلطان نوشت
سلطان غزنوی در بدل حریت یکدانه اشعری برایش
بخشید - یعنی در عوض صحت هزار بیت که سروده بود
صحت هزار طلیبی اشعری برای فردوسی داد - و او
درین اثنا طرف مد هویلا نظر انداخته - خاموش
ماند - مد هویلا گفت: ((من قدرت برداخت
ده هزار طلا را بدم و این مبلغ را برای داکتر هلی
بپرداختم)) - من گفتم: ((قبول نمیکم - زیرا فقط یک
شکر تو برای من از ده هزار طلا بیشتر ارزش دارد))
گفت: ((من میدانم و تو شکر موازیات ترا زده -
هزار طلا میدانی)) - مد هویلا همیشه مرا بنام هلی
خدا میگرد - ومن هم او را مد هوی - و گاهی متاخر مد
میکردم - محفل تا ساعت یازده شب دوام کرد - مجلس
اشی بود - همه نوع موزم در آن اشتراک داشتند
در وقت بد شدن حسین و رقیب - بعد از صحبت
موسیقی شروع و چند پارچه رقم محلی هندی
و سپس طعام شب - و بعد از آن هم محفل پایان رسید
همه معناتان خدا حافظی کردند و رفتند - درین
وقت من منتظر بودم که چنگ که بلراج سها نی سرا
از تر بد بیرون کرده بگفت: ((بیا همراه من برویم
زیرا هتل محل رهائین تو از اجازت یاد دور است))
درین وقت مد هویلا مداخله کرده بگفت: ((بهتر
است هلی شب همین جا ماند جاد ارم)) - ومن این را
از خدا میخواستم - و از هم بردا بعد از صرف ناشتبا
در کتابچه با دست خود نوشتم:
خداوندنا چه منزل بود شب جاییک من بودم
هر سورقم بسمل بود شب جاییک من بودم
بوی بیگر نگار سوز قدی لاله رخساری
سرا یا آنت دل بود شب جاییک من بودم
رقیاب گوش بر آواز او درناز من حیمران
سخن گفتن چه مشک بود شب جاییک من بودم
- به هرحال اکنون که ماد هویلا عزیز شما
جهان فنی را وداع گفته کون عاشق کی استید؟
من قیلا هم گفته ام که عذف شما از مطرح
نمودن این گونه سوالا بیرونا بودن جنجال
و مشکلات برای من است که میخواهید حتماً سرا
توسط کسی بی آب سازی - هر صورت جواب تان
را میدهم زیرا باشما وعده کرده ام که بسوالا تان
تان جواب گو باشم
پس گفتم: کید:
ما من خداداندولی در شانه من بینم
کاز سوز ای کیسوی کسی دیوانه خواهم شد
درایان صاحبه اگر سوالی دیگری داشته
باشید از شمار بیاری زحمت تان که با من این صاحبه
را انجام دادید اظهار سپاس منبام - با تقدیم
یک راضی علامه اقبال:

ببای خود من زنجیر تقدیر
تو این گنبد گردان رهی است
اگر باور خیزد در سبب
که چون پروا کنی جولانگی است

در ارتب نامہ ہائے

درین ماه بازم از دوستان خود نامہ های بومحبت بدست آوردیم ، ما از نظریات و انتقادات آنان استفاده می کنیم ، تشکر از همه شما .

یاقین احمدی ، فرید احمدی ، برشنا نظری ، محمدعارف شمانی ، محمدشاه آشنا ، سلیم زادت برچی ، حمایت قیسی ، یلا شیم ، اسما زینت فرشته ، نسیمه میرگل ، خسرو محمد ظاهر عزیز ، محمدصابر رحیمی ، مسعود توخی ، حمیرا تننا ، فتح محمد فتاح ، سجیه آریائینی ، شمع حسن ، زرمینه دانش الهام الدین نعیمی سید فراخرفی ، دیاناویس فریا ویس خیرصافی ، احمد نوید ، احسان الدین ، تمیم صادق سیحیل فرملی ، محمد داود فرملی رحیمه معین

مریم دانش ، نظیفه بیروز مسل ، هوالطیف ، حیدر دانشجو عادلہ انور عزتی ، فلورا اتایی رویامشعل ، صدیقہ فریبا سریزاده ، همایون ، سید محمود شرفی ، نیلہ فروغ ، رابعیہ ، دیبا اثر ، شرمیلا ازلیسه سوریا ، بریالی شرفی گارمند شوراب زریز حسینا غزال ، رابعیہ ربایسی محمد مصطفی مستور ، مسعود توخی ، لیلما عمراخین ، فرید فرملی ، سونیا اسلمیار ، زهره بول ، فرزانه سیدالی ، شکرید ، نادیه رضایی ، ناجیه ، ختابه نور ، احمد شکیب ، عبدالرشید ، وحید الله ، احمد فرید سرباز صاف احمدی ، روشانه ، نظیفه ابراهیمی محمد نذیر شکیب انسر ، روحانه اعلیاری ، خالی مومند ، فرزانه

عطیہ ، رشیدہ ، فرزانه ، شکرید ، حنین ظفری ، عبدالوہاب راسخ ، هنگامہ ، رابعیہ راح ، جمیلہ کوهستانی ، فائزہ یادگار محمد آصف مراد ، گل آفا راعب کرام الدین نیامی ، فوزیہ نوایی عوث اللہ ہمدرد ، سید قاسم سعیدزادہ ، مسرورہ دوریش محمد زیار وزیری ، رابعیہ وفا ، فاطمہ ، رقی اللہ فدایی ، ژولیا ، بهار اکبرزادہ ، فائزہ مارینا عبدالمجید یزدان برست گل علی نعیم ، نصرت اللہ فریدہ نیلاب ، فریدون خرم سید احمد شاه حسینی ، کشکشا عبد الخالی تفتیق ، بهرام علی خالدہ شعب ، محمد آصف فاطن ، فائزہ شعاب زرمینہ فقیر یار ، محمد سالم ، نجیہ امید ، الا اناعرفان ، عادلہ

اختر ، غلام عباس شاکری ، نعیمہ رحیمی ، محمد عارف تنہا ، مومند ، نوربہ میرزاد ، داکتر ملالی شریف ، محمد ظاهر خورشید ، نیاز محمد حمیدی ، خیال محمد عبیدی ، ماریا ، شکیبا نیلہ انور ، مارینا خوشه چین احمد شکیب کوهستانی سید امید کوهستانی ، نادیه یوسف زری ، غلام داود محمد یار سمیرا اثریفتلی ، محمد داود سید امرالہ ، اصمہ مدین یار امید ، فیز محمد متین ، لیلی سعادت خیال محمد حمیدی ، فاطمہ نورزاد ، مارینا انور تونی احمد شکیب ، سید اسد اللہ نقشبندی ، محمد داود حسام ، سید موسی عباسی ، احمد سیا ، صبیح سرباز خاندونی ، وامنیہ دولتی سروان

وسید نجیب اللہ عاشق سی ، محمد امام حزین محمد سلیمان چغان پوهنخی فارسی بوختون کاب ، دوستان خوب از کسارت ارسالی تان تشکر و توفیق مرید شما را تمنایم ، رضوان ساحلی از مراد شریف ، چهار نامہ تان سر بہ سر رسید ، گپ های تان قبول ، اما باید بداند کہ در میان مطالب سیاسی ہم چیزهای دلچسپ وجود دارد ، عبد الاحد ثابت ، معلم میشود شما ہم آدم بزرگاری هستید لطفاً اگر تون خبرنگاری دارید یا خلیلی حکیمزاد ، از ولایت هلمند ، کامیابی بیشتر نصیب تان ، چرانسی ان ما ہم میخواهد سیارون را اول بہ شما بفرضیم ، حتماً در نظر داریم کہ بہ ولایات محلہ برسانیم

مود و فیشن یا سرنوشت مبین

شمس علی شمس حاصل استیقت طب علی نامہ بی این مطلب را بہ ما نوشته و صفا تذکر داده اند کہ اگر چاپ نشود همکاری ام را قطع می نمایم .

((بہ سرنوشت مبین خویش می اندیش))

چہ زیباست تا جوانان ما کہ آیندہ سازان کشور خویش اند بہ جای آنکہ در انتخاب رنگہای سرخ و سبز لباس های بد روز دقت میشوند بہ چهاران خزان زدہ مبین شان ببندیشند زیرا مردم از او شان تقاضای خدمت را دارند و نمی خواهند در نزد دشمنان اشک السود شان قامت آراستہ بہ لباسهای خلاف فرهنگ ملی شان جلوه نمایند اگر صفحہات پسران و دختران مجلہ سیارون را دقت شویم حرفی ہم از احساس جوانان در برابر اجتماع و مردم شان نخواہیم یافت بلکہ فقط مود ہا را می بیند و رنگہا را برمی گرداند اگر این صفحہات را از مجلہ جدا ساختہ و کلکسیون نمایم فکر میکنم کرد آورده های بہترین را ہم می درگوشی رنگہا در جہان مود و فیشن خواهد بود و ذوق های گوناگون جوانان ما با شک های گرسنہ و در انتظار نان سوسنق ہمہ ذوقها محسوب خواهد گشت .

سرسیزی و شوگوانی مبین بہ تلائم جوانان متعلق است نہ بہ بیبیرایہ گوناگون آنها ، من فقط بہ سرنوشت مردم و جامعه خویش می اندیشم و از ذوق های کود کانه و نابہ هنگام امتناع میوزیم زیرا این دقت (بہ مود و فیشن) بہ یک پژوهندہ علم و معرفت زیندہ نیست .

(براد عزیز ! درین صفحہات خلاف نظر شما مسائل اجتماعی نیز مطرح شدہ و ہتازہ اینکہ نمیتوان ذوق و زیبایی را از جوانان گرفت حتی در شرایط جنگ چہ انسان نیازهای دارد کہ باید انرا در نظر گرفت)

یاسخ های کوتاه

محمد نعیم ولی عزیز اولی حاصل در بلغاریا !

براد عزیز وقتی ازین راه دور نامہ می فرستید لطفاً از بهترین مطبوعات بلغاریا چیزی ارسال

کنید ، نہ از دیوان های کہ فراوانتر است .

احمد جاوید مجید بخشیریی نامہ تان رسید اما چرا اینقدر کلمہ و گداری همکاری تان را بدین مشورم بہ ما نامہ بنویسید .

از نظریات شما تشکر

دوست گرامی احمد اللہ داغ از نفرکنند ، سلام ہا ہا ما ہم بدینا تشکر و نظریات شما را بہ مجلہ سباز مود توجہ ما نظر گرفت ، تشکر از دوستانی چون شما کہ با صحت تان ما را یارین میرسانید ، مواد شماره یک تا ششم شان مواردی است کہ وقت آن گذشتہ و اما در بارہ شعر جوانان حرف تان میتواند تأمل پذیر باشد .

چاپ شماره اول کارمکن ہم نیست ہم است ولی از لحاظ زمانی برای چاپ دوبارہ آن فرصت نداریم ، ما کہ نشر نشدن نام آہنگ سازان کفادت را بدین روزگاریون مانیت چیز است مربوط بہ خود آنها ما نشر است و کہ ما انما نظر اداریہ مجلہ ما نیست کہ بفرمایید ما خبر نمی ہر اواز خوان نام آہنگ ساز تشکر یاد نمود از شما تشکر .

بہ ما در تماس شوید

براد عزیز برشنا در نظریات شمارا د مورد داستان بازگرس کردن در نامہ ارسالی تان خواندم ، تشکر از توجہ تان اما د مورد این کہ داستان مذکور از داستان دیگری تحت عنوان بازگرس در بد نوشته الیور گولسد اسمیت چاپ شماره سوم سال ۱۳۴۹ مجلہ سخن کابی شدہ برای قابل تا مل است اگر چنین چیزی واقعیت دارد لطفاً شماره متذکرہ مجلہ سخن را بہ دقت سیر مجلہ بیازید ، از همکاری شما صمیمانہ سپاسگزاریم .

یاسخ تان را بخوائید

بعد از عمر سلام خدمت تان باید عرض کنیم کہ جوانان ما چرا در برنامه های مختلف را بدین تو یز یون همچنان در مجلات نامہ ما ارسال میکنند ، اگر منظور اینست کہ باید این مطلب یا آن مطلب در ایسن یا آن برنامه بہ نشر برسد ، تعیہ کنندہ گان برنامه مطالب آنرا نیز تعیہ میکنند ، چرا جوانان اینقدر نامہ ما ارسال میکنند ، یا ارسال کردن یک یا چند نامہ

باید گفتہ و رزند جوانان دیگر کنورما بلا ، بہ این فکر نیستند کہ باید بہ را بدین تو یز یون نامہ ہا ارسال بکنند ، جوانان کشیر ما خویش را ند کہ فقط اسم و آدر خود را از طریق را بدین تو یز یون بکشوند و در مجلات نام شان بہ چاپ برسد .

تعیہ کنندہ گان برنامه ہا ، برنامه ما را بہ مردم تعیہ میکنند و مردم ما میتوانند بدون ارسال کردن نامہ ہا بہ برنامه واقعیت بکنند ، و بشنوند .

این دیگر فقط یک مصرف اضافی است ، ہم وقت خود را تلف میسازند ہم وقت مسؤولین برنامه ما را .

امید وارم نامہ ما را سرتابا بہ نشر رسانید کہ جوانان ما در این بارہ چہ میگویند .

فوزیہ و صادقہ فارغ التحصیل لیسہ عالی مدرس .

خوانندہ گرامی ! ارسال نامہ بہ مجلات و بہ نامہ های را بدین تو یز یون در ہمہ کشورہا بہ عمل است آنچه کہ درین نامہ ما آورده دارد بہ شفاعات ، انتقادات و نظریات خوانندہ و شنوندہ ہاست ، ارسال مطلب یک امر حتی است .

مطالب ارسالی شما

نقش ناخنها در تشخیص کرکتر

زبان پوستر

دانشمندان اخلاق انسانها را ازبانه چشم وموي سرودست بالاخره ازندان واندام ورخی دیگرکردارعمل تشخیص واززیبی نموده اند ویکش از دانشمندان اخلاق اشخاص را از روی ناخن تشخیص نموده .

۱- اشخاصیکه روی ناخن دست های شان نقطه هایی سفید است به جنس لطیف (زن) علاقه مند اند ولی این علاقه مندی زودگذر بوده ازیک زن دلسرد شده وبه زن دیگری علاقه گرفته دل می بندند .

۲- اشخاصی که دارای ناخن کوتاه میباشند ، انسان هایی برو باره متحن وبرهیزگرگالی میباشند ودر مقابل مذاقات ومضاکلا حوصله فراوان دارند .

۳- کسانی که ناخن طویل ونوک تیزطبیعی دارند ، دارای خطوط زیاد ومسارهایی باشد برای تعلیم وترتیب ومعلمی مساعده ومعلمی برکاروشایسته معرفی گردیده اند .

چطور از طرز چسباندن پوستر بر روی پاکت از دورن فرستنده آگاه شویم ؟

۱- پوستری که راست چسبانیده شده باشد ، مفهومش این است (فکرشواردم بیرون است)

۲- چنانچه پوستر قدردی متمایل به سمت راست باشد مقصدش این است ((بمن اطمینان داشته باش))

۳- چنانچه پوستر را افقی ودر بجانب چپ چسبانیده ، مفهومش این است (دیوانه وار ترامیرستم)

۴- اگر سر پوستر قدردی متمایل به سمت چپ باشد مفهومش این است (ترادوست میدارم)

۵- اگر پوستر بطور معکوس ومتمایل بر راست چسبانیده ، مفهومش این است (دیگر ترا دوست ندارم)

ارسالی : حلیه

مستوره محبت نامری (استعداد تاز، راد ریخشهای دیگر هنر تجربه کید تنها نامری بیشه نیست) بلقیس احمدی از بوهنی علم طبیعی (بیتی از گردید) تان :

رنگی ز صفا نیست درین خانه خدایا
برخیزم از خانه به میخانه گرمی
سایره شکیب از ولایت جوزجان (پارچه کردن حملات ومصراع وارنوبتن شعر نیست) از شعرا ی متقدم زیاد تر شعر خوانید (۰) شکلا ازلیسه "آمنه" فدوی (خوب است اگر بجای شعر داستان نویسی رایبشه کنید (۰) احمد شاه کامکار از ولایت جوزجان یکی از دو بیتی های تان با کمی تصرف :
الله یارجان بگیرم اصل نامست
کبوتری میگردم به با مست
اگر یکبار بگویی یار شیرین
شوم ندقه همونوک زبانت
(نام) و (بام) با (زبان) قافیه نمیشود .
حالات فعل بی جهت از حال پاینده تغییر میکند
مصراع سوم نیز زیاد است (۰)
خالده خرم اقل "مهم" :

استعداد خوب شعری دارید ، مگر در استعمال کلمات دقت نموده قوامد سنتی شعرا را بیشتر آشنا شهد "بندی از سروده" تان را با کمی دستکاری چاپ کردیم :

خواهر ارام بگذرید از مد تو ارقش ندارد یک دو جو
تو مکن تقلید از هر بیگانه
ابروی خود میزبان رایگسان
کی توامد خوب و نه با همکد
بسل تو این کار رسوا همکد

هنزه نوین از نوسوالی بلخمری :
دوستی های که به نام ((تک بیت)) فرستاده بودید رسید در نقل آثار هنری دقت کنید .
سفوکودی به شهر دور دستی
دل نازکتر از جام شکستی
بهارتوک و فاکن ((بیوا)) چنان
به هر آیین و هر طذیب که هستی

ماریا رحیمی از لیسبه دوستی (خواهر عزیز ، دیوان حافظ را که ما هم داریم) (نوریه عطا) (تجربه تان را در شعرهای بیوزن توسعه بخشید ، استعداد خوب دارید) (سمیرا نجیب سادات و خاطره های بیوزن بیزاد ازلیسه" مریم (دوستی تان قابل شکر نیست) (عادل اخترازی از وزارت امور عودت کندگان (شعر انتخابی تان را گرفتیم یک بیت آن :
بی عشق ای طبیعتی نیست در جهان
تا بیره درد کمر نشناسی دوامگن)
سخن مراد مسکین امسرق غ ولایت مزار شریف (شعر تان گامتی های دارد با آنهم دوست آنرا نسر کردیم استعداد تان را با مطالعه بیشتر پرورش دهید :

کنون از حال زار من مبرسید
که غرقم درستان در عالم خود
خراب یزار و حیرانم نمودی
بت شیرین ادا می از غم خود (شکیلا نور از بوهنی علم طبیعی یک بیت از شعر انتخابی تان :
ای قاسد آرزو نامه زد لذت زنداری
از هر تسلی زبانش سخنی ساز
لینا نا آرام ازلیسه آریانا (خواهر عزیز) (مادراد بیت دربی ژانری به نام طرح ندارم به املا دقت کنید) اینهمه قبل بنام ازلیسه" مریم (دوست عزیز) (شاعر ارسالی تان زنده باشید :
ای صبا یا شهنه سالک از فلسفی
از فراق نان سیلو جان ما بر لب رسید
برد رود یوار شورا این سخن باید نوشت
تا یکی این زهر تلخ جنگ تحمیلی شید (میرویس نژاد ازلیسه انصاری (دستور زبان) و زن قافیه ود دیگر معاییر شعری را با ما مزید "رباعی تان لغزشهای فراوان داشت) (فرید احمد امید از مرزا شریف (استعداد خوب دارید بیشتر زحمت بکشید آینه روشن شمارا استقبال میکند (دوست از نزل تان :
باز فصل باغ بوستان میرسد
لبیل دل در گلستان می رسد
سبز میگردد چمنزار امید
نوعوس باغ خندان می رسد)
شکیلا پوهس از مزار شریف (طبع روان تان را روان تر میخوانیم سه بیت نزل تان با یاد داشت کوچک ما :
باز فصل نوهاران آمده
فصل شوق مند لیان آمده
باز گلگهای فریبا و قشنگ
سوی بوستان و گلستان آمده
من شکیلا خوانم هر دم این سرو
لبیل غیلم نزل خوان آمده

واژه بوستان در مصراع جام قلیل است اگر ((بوستان)) بسازم این تقیعه رفع میگردد و مصراع پنجم را به خاطر قفلت واژه هر دم این طور بسازید خوب است :
((هر زبان خواند شکیلا این سرو)) (آرین از طب کابل (شعری در رسا وجود دارد فقط بیشتر زحمت بکشید و شعر مطالعه کنید (۰) پارچه کن ازلیسه "رباعی" بلخی (صرفهای که به آرین جان گفتیم در مورد شما نیز صدق میکند (۰) تونر عبد - الصادق ((هارون)) از کمیناری بگرامی (دوستی های تان را به برنامه های فولکلوری راد یو فرستید) شکیلا نجیب ازلیسه آریانا (نامه تان با چسما چشم رسید یک بیت از گردید های تان :
چشم اگر این است ابرو این و ناز و شوه این
الوداع ای صبر و تقوی الوداع ای عقل و دین

۵- کسانی که ناخن بیضوی ((گرد)) و صاب و شفاف دارند مردمان بر حوصله ، آرام و صلح دوست و صلح پسند هستند .

۶- ناخن دست راست انده که کم رشد و کم باشد معمولا اشخاص شکم پرست و بر مبرف هستند و بالاخره همه از روند ار خود را به شکم مبرف کرده و در بساط چیزی نمی گذارند .

۷- کسانی که دارای ناخن فرمزی رنگ و روشن هستند مردمان مهربان ، خوب قلب خوش مشرب ، شیرین کلام و دوست داشتنی هستند .

۸- بالاخره انهایی که در موقع ناخن گرفتن ناخن های خود را به یک اندازه معین ((مساوی)) به دقت می چینند انسانهای باعزم سریع وثابت قدم به شمار میروند (۰)

روشنه ((زین)) از کوزین کابل سنتر

نگاهها

۱- کم دانستن و بزرگتر شدن مانند پول نداشتن و زیاد خرج کردن است .

۲- مانند مرد عمل ، عمل کن و مانند فکر بیندیش .

۳- جدیت و پشتکار آدمی را بفضه نزدیک میکند .

۴- از سبکی چارمغز توان دانست که بی مغز است .

۵- خوشبخت ترین مردم کسی است که برای تضایق دیگران ارزش قائل شود و از شادایی دیگران انقدر شاد میشود که گویی ایسن شادایی مربوط به خود اوست !

۶- در جمع آوری دوستان و همچنان در دوری از انسان عجله مکن !

فرستنده شریف نورین

ترک وفا نادرست است باید ترک چفا باشد .

لیدا نارام ازب . اقتصاد :
((نارام)) راه منظر که مانوشتم بنهسید ، منتظر آفیده های خوب تان هستم .

عبدالرزاق حسن یا ماز تخنیک ساختمانی :
برادر عزیزه اوقات بیکارت را کارکده و نه شعری را که به مجله می فرستید بنهسید از کمت ؟ از شما هاکن دیگر ؟

ملالی محبت : نامه ات رسید ، مگر شعر ازکی بود ؟
فریده احمد فاعل : رابعه بلخی : شعر ((در خیال)) شما گامتی های فراوان دارد .
جستن معشوق از طرف شاعر و در شعری ، ((سنی)) نه نخواهد ، همینطور رسم است . در قسمت شعری می توانید از کاتبین ادبی نهسندگان جوان رهنمای شهد فرهاد حاجب ازل : خبیبه :
به املا و اثباتوجه کید بیتی از شعر تان :
دیشب که به خواب تو خیالات پتان بود .
در کلبه فزده گان اه و فغان بود .

براساس فال گزینیم

متولدین ماه حمل

موفقیت‌های شایانی پیش‌رو دارید، اما دقت کنید که متکبر و خودخواه نشوید. از صحت‌تان مواظب‌تر کنید. بادوستان مهربان‌تر باشید. دیدار تازه در تغییر سرنوشت شما نقش خواهد داشت.

متولدین ماه میزان

ملاحت ساختن دیگران برای برائت خود کارشایسته نیست. باید شهادت آنرا داشته باشید که خطاها و اشتباهات خود را ببینید و با پیشانی باز آنرا جبران کنید. کودکان عزیز می‌توانند شما را خوشحال کنند. مجردها به ایجاد زندگی مشترک تاجند روز دیگر آغاز می‌کنند.

متولدین ماه ثور

عشردن و مصیبت‌بیمورد عمر شمارانیم می‌سازد. از مصروفیت و کار بیشتر همیشه لذت می‌برید و این نکته بی‌است که متوجه آن نشده‌اید. قضاوت هرگونه میباید شما همانطور زنده‌گی نمایید که استید. ضرورتیست مطابق میل هر یک باشید.

متولدین ماه عقرب

ضعف بزرگ شما، ضعف اراده‌تان است که نمیتوانید تصمیم عاقلانه بگیرید. دوری شما از خانواده و وطن کار نادرستی است. اعتماد شما نسبت به خانواده‌تان به جاست اما آنها بدون شما احساس کمبود مینمایند. مجردها دیدارهای خوبی در پیش دارند. دقت کنید انسان را با تمام ابعادش باید بشناسید.

متولدین ماه جوزا

امیدهایی که برای خوشی و خوشبختی در خانواده بزرگ شما ایجاد شده به واقعیت می‌پیوندد. یکی از مسافران شما به زودی نزد شما می‌آید و دیدار تازه شما با یک عزیزم کرده برای تان بسیار پر لذت خواهد بود. فضای خانواده تان را همواره شما نگه دارید سعی نکنید آنرا وقت و ناوقت از دست کنید.

متولدین ماه قوس

بسیاری از عزیزان انتظار دارند تا شما با آنها مهربان‌تر باشید. کودکان بزرگ تان بیشتر به محبت نیاز دارند. کسانی که متاهل نیستند به فکر ایجاد خانواده میشوند ولی بهتر از مصارف اضافی صرف نظر نمایند. درس بزرگ زنده‌گی برای متولدین این‌ماه تحمل و شکیبایی است.

متولدین ماه سرطان

تصمیم شما برای تحمل دشواریها و مشکلات عاقلانه است. زندگی باغم‌هایش زیباست. دیدار تازه‌ای که دارید برای شما امیدهای جدیدی میدهد. بدبینی و کدورت را از خود دور کنید و با امیدهای بزرگ خانواده‌تان رانیز جرات بخشید. آرزوهای تان برآورده میشود و انهم در همین روزها.

متولدین ماه جدی

خیالات بزرگی در سر دارید که با کار و پیگیری جدی میتوانید آنرا به واقعیت تبدیل سازید. هیچگاه با شاگردان تان رویه نادرست نکنید آنها به محبت و آموزش نیاز دارند اگر آنرا درست تربیت نکنید عذاب وجدانی بزرگی شمارا از پت مینماید.

متولدین ماه اسد

انتخاب دوست و یاور زنده‌گی تان کار معقول است. تشوشت روانی خود را دور سازید. خوبست که دل‌بسته‌گی‌های تان به کار زنده‌گی افزایش می‌یابد. بیشتر به فکر آموزش باشید. آنچه را که در رویاها تصویری کنید واقعیت خواهد یافت.

متولدین ماه دلو

یا حق و ناامیدی را از خود دور سازید. تصمیم برای دوست داشتن یک کسی عاقلانه است. یک دوست خوب میتواند یک ثروت هنگفت و عظیم باشد. قدر دوستی را دانستن، قدر زنده‌گی را دانستن است.

متولدین ماه سنبله

سفری در پیش دارید که برای تان بر خاطره و جالب است. نامه‌های دوستان تان را بی‌پاسخ نماند. همسر تان را از خود دور سازید چون آریگانه پناه خود را در وجود شما می‌یابد.

متولدین ماه حوت

به صحت‌تان توجه داشته باشید. ورزش مصروفیت بسیار خوب برای تان خواهد بود. نگذارید کسی از شما بی‌جهت آزرده شود. دیدار عاشقانه بی در پیش دارید. امیدوار باشید که بخت با شماست.

تهدیدها از راه آسمان

نزدیک بود که سیاره بزرگی با کره زمین تصادم نماید

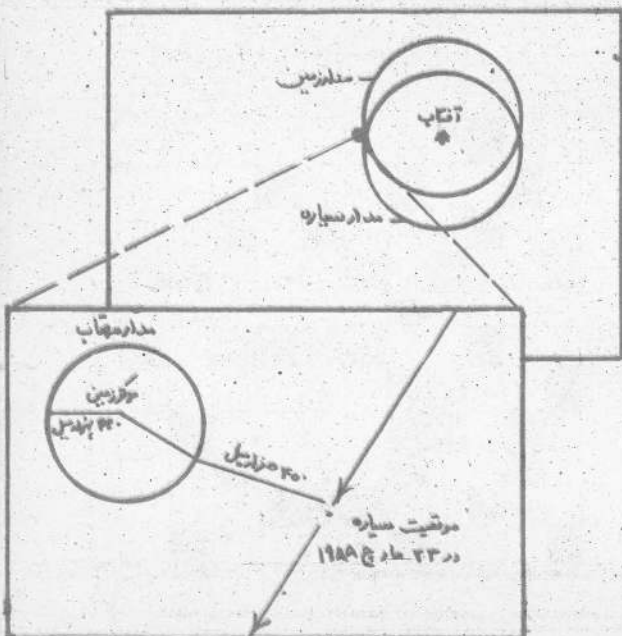
بیفتد • سیاره مارا بارچه بارچه ساخته چنان خاک و قیاری تولید میکند که ماها اتوسفیر را خواهد پوشاند و مانع رسیدن شعاع آفتاب خواهد گردید که در نتیجه یخبندان انسانها تلف خواهند شد و نباتات از زمین خواهند رفت. درباره جلوگیری از چنین حادثه منجمین نظر میدهند. یک راکت مجهز با کلاهک هسته‌ای میتواند چنین سیاره‌ای در حال تقرب را نشانه گرفته و پیش از آن ل شدن به جو زمین از بین ببرد. اما درین صورت نیز بارچه‌های سیاره به زمین خواهد ریخت. نظر بهترینی که در سال ۱۹۸۰ رایج شد میگوید به جای نابودی سیاره خونتر خواهد بود اگر مسیر آنرا توسط مواد منفجره انحراف دهیم.

ترجمه حسن نیر

بت خواهد کرد و یا با حرکت د لهره آفرین و تخریش اعصاب از نزدیکی زمین عبور خواهد نمود. حتی اگر سیاره اف سی ۱۹۸۹ به زمین نخورد سیاره مشابه بالاخره به آن اصابت خواهد کرد. سیاره‌های با عرض نیم میل در سیستم شمسی در حرکت اند و طور متوسط در هر ۱۰۰۰۰۰ سال داخل اتوسفیر زمین میشوند درین میان سیاره‌های بزرگتر به عرض پنج یاده میل وجود دارند که در هر ده میلیون سال یکصد میلیون سال به زمین اصابت میکنند که به تمامی سیاره‌ها خطر بزرگی را متوجه میسازد. همین سیاره‌ها به عقیده بسیاری دانشمندان ۶۵ میلیون سال پیش سبب نابودی حیوانات عظیم الجثه در روی زمین شدند به نظر عده بی از ستاره شناسان اگر این اجرام سماوی به زمین

اریزونای شمالی کشف شد و ایسن درست او اسط مارچ بود که سیاره مذکور با مصونیت از زمین دور میشود. اقای هولت عکسهای این سیاره را که توسط یک تلسکوپ ۱۸ اینچ در رصدخانه بالامور در جنوب کالیفورنیات تهیه شده بود مطالعه کرد. گفته میشود عرض این سیاره شاید صد یارده بوده باشد و اگر به همین پیمانه کوچک هم بوده باشد در صورتیکه با سرعت ۵۰۰۰۰ میل فی ساعت به زمین اصابت میکرد. حفره‌ای به بزرگی یک میل که چندین صد فوت عمق میداشت ایجاد میتوانست یعنی گودالی به همان وسعت که در حدود ۴۰۰۰۰ سال پیش در اریزونای شمالی توسط یک سیاره ایکه به زمین افتیده بود به وجود آمده است. اما چنین حادثه‌ای اگر امروز اتفاق افتد کافی است که مرکز عمده برجعمیت رانا بود کند. ستاره شناسان میگویند اف سی ۱۹۸۹ بر خواهد گشت مانند زمین که به دور آفتاب گردش میکند. منتها به عوض ۳۶۵ روز ۳۸۰ روز را در مدار سیاره در راه ابرویل دوباره از نزدیکی زمین بگذرد غالباً در یک فاصله مصون ترقرار خواهد داشت. اما منجم بریان مارتس دن از رصدخانه هاروارد سمت سونیان که بر مبنای تخمینات هولت محاسبات خود را رایج داشته میگوید در صورتیکه محاسبات ما دقیق باشد این سیاره میتواند با زهم خطری به وجود آورد یا اینکه به زمین اصابت

شب بیست و سوم مارچ (۳ حمل) کجا بودید. خارج از منزل. همراه بادستان یا مشغول تماشا یا برنامه‌های تلویزیون. به هر حال شما نمی دانستید که در همان لحظات در چند قدمی شما یک فاجعه قرار داشتید. شما ازین خطر آگاه نبودید. اما یک سیاره بزرگ به چنان فاصله نزدیکی از زمین به سرعت عبور کرد که در ۵۲ سال گذشته سابقه نداشته است. اگر این صخره عظیم به زمین اصابت میکرد فاجعه‌ای مانند انفجار هزاران بم هایدروجن می آفرید و ملیونها انسان رانا بود میکرد و در صورتیکه این سنگ آسمانی به بحر می افتاد امواجی به بلندی صد مایتر ایجاد میکرد. پیش ازینکه شمار زیاد بهراس بیفتید لازم است بفهمید که نزدیکترین فاصله این سیاره از زمین در حدود ۴۵۰۰۰۰ میل بود یعنی در حدود دو چند فاصله زمین با مهابان. با انهم در شرایط و محاسبات کیهانی امکان اصابت این صخره زیاد بعید نبود. از سال ۱۹۳۲ به اینسو هیچ سیاره به این پیمانه با زمین نزدیک نبوده است. در آن سال یک سیاره کوچک به قطر تقریباً نیم میل از عین فاصله از نزدیکی زمین عبور کرد. این سیاره جدید که مطابق سیستم نمره گذاری رسمی اتحادیه بین المللی نجومی اف سی ۱۹۸۹ نامیده میشود نخست توسط پروفسور هنری هولت از یوهنتون



مسطرين

سفید بازی را شروع می کنند
و در سه (۳) حرکت مهره سیاه را
مات می کنند .

سفید بازی را شروع می کنند
و در دو (۲) حرکت سیاه رامات
می کنند .

پرسش ها

جدول ضرب المثلها

عمودی :

- ۱- نقر - لباس خر
- ۲- معکوس ان قوت است - جور برانگنده - بوی نیست .
- ۳- غم نداری انرا بخس - قوغی کمر - دزدی بی پای - معکوس ان اواز خر .
- ۴- ان بود برکتش نی - ی خ س
- ۵- ... حول بالله - نوشید نیست - بدون ان غذا لذتی ندارد .
- ۶- مزین به در کس به انگشت که نزنده ... معکوس ان شکایت .

- ۷- پروا (اصطلاحی)
- ۸- تکه ناکاره (اصطلاحی) نفس اصطلاحی - کاری کن که نی ان بسوزد نی کباب .
- ۹- یکی اواز صاف و رسا دارد و دیگری ... دارد - زیر بوریا .
- ۱۰- جنگ ... سر ... عدد شروع جدول .
- ۱۱- بایش رابسته کن همسایه ات را زد نگیر - استم - همان خوک و همان ...

انقی :

- ۱- نام همین جدول ان را خدا کریم است .
- ۲- می گویند ... برادر ندارد - ... مردان دیر پخته می شود .
- ۳- تاک - برای ادم تبیل می گویند که ... تخی است - شل بی پای .
- ۴- بوج های بلند - پدر پدر کلان .
- ۵- دنیا را آب بگیرد اورا تانید بایش است - بالق لق سگ مردار نمی شود .
- ۶- کوزه شراب - عربها

چقدر پول دارند

سه دختر قرار گذاشتند که سینما بروند هر کس باید می گفت که چند انگانی با خود دارد . شکیبا گفت : من انقدر بیسه دارم که اگر بپول ماریا، $\frac{1}{3}$ پبول شهلا نیز جمع شود . ماریا گفت : من انقدر پبول دارم که اگر بپول شهلا، $\frac{1}{3}$ پبول شکیبا نیز جمع شود . شهلا گفت : من ده انگانی دارم ولی با این ده انگانی $\frac{1}{3}$ پبول ماریا را نیز جمع کنید . حال شما گویید هر کدام انها چه اندازه پول با خود دارند

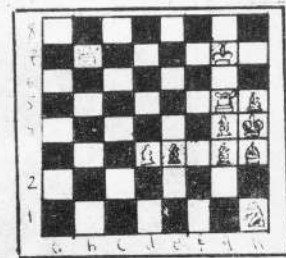
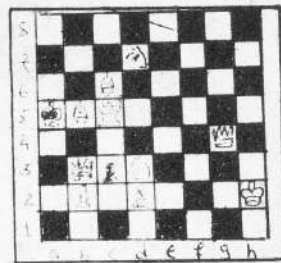
محاسبه کنید

می گویند که عمر اسپ رابه اساس دندانهاش تعیین میکنند ولی بیایید ما و تمام رینجا قابلیت ریاضی خود را یکار بینه ازیم . ان اسپ چند سان عمر دارد در حالیکه $\frac{1}{2}$ (یک بر دو) است

جدول ضرب المثلها

	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱											
۲											
۳											
۴											
۵											
۶											
۷											
۸											
۹											
۱۰											
۱۱											

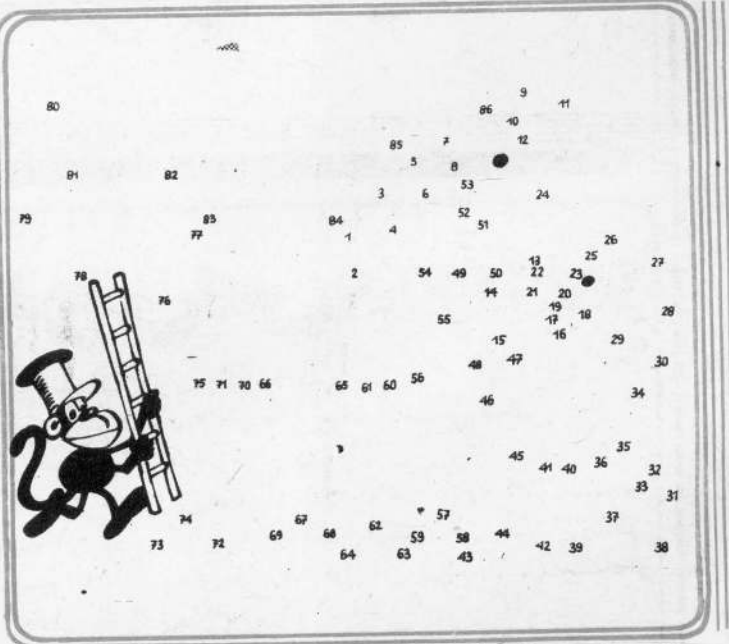
سرگرمی‌ها



پیش ادبی

حل کنید جایز بگید

برای اطفال



اگر میخواهید بدانید که برای زینه چه صورت است اعداد را به ترتیب باهم وصل نمایید

درین شماره مجله ما پرسش های ادبی را مطرح می سازیم؛ دستداران مجله بخصوص علاقمندان عرصه ادبیات فرصت دارند تا یکی دو ماه درین مورد مطالعه نموده و سپس پاسخ های ما را ارسال بدارند. البته ما جایزه های عالی برای آنها در نظر داریم. میتوانید پاسخ هارابه زبان های دری و پشتو ارسال نمایید.

۱- مولانا جلال الدین بلخی کی بود و چند اثر ادبی از او جامانده است.

۲- سنایی چگونه شاعری بود و چند دیوان شعر دارد.

۳- کتاب فیه مافیه یک ارزیابی و نتیجه گیری کلی در یکی دو صفحه تهیه نمایید.

۴- فهرست نویسندگان معاصر افغانی را با نام آثار چاپ شده آنها آماده بسازید.

۵- شماره باره آثار یکتا از نویسندگان معاصر افغانی یک تحلیل و نقد صرف به حیث خواننده تهیه نموده بمانفرستید.

۶- آیا شماره باره نویسندگان قبایل آزاد معلومات دارید؟ لطفاً درین باره بمانویسید.

۷- آثار رحمن بابا و خوشحال خان خټک کدام هاست؟

۸- دوره های ادبیات را در افغانستان چگونه مطالعه نموده اید؟ درن خود را ازین دوره ها بنویسید.

۹- چه وقت وضع ادبی در کشور ما درخشندگی بیشتری داشت؟

صحنه گان

دینی الله عمرخیلی، فریده امید بلقیس احمدی، مریم دانستن، امیلا لطیف وردک، جاوید احمد زکی، محمد وکیل نایب، مسعوده توخی، احمد نوید وردک نورجان ضیایی عادله انورعزتی، شمیم حسن حمید، انیس نایل انزهرا تفتح محمد فتاح، سلم دانستن لیلیا کاروز، خواجه ابراهیم نادره سیما، فرزبان جویان سیدعزت الله مجید، سوما فران فاطمه شریف، نادیه، معروفه درویش، سیدعزت الله مجید، گل علی فقیه فدایی، محمد فریدون خن، گل علی فهیم، سید احمد شاه حسینی، نصرت الله صحت، سید امرالله ناچه شکره انور، محمد عمرعزیز عبدالوهاب راسخ، وحید الله ابراهیمی، وحید الله حبیبی، رابعیه رحمانی، محمد مصطفی شرمیلا شریفی، فاطمه یادگار سونیا اسمعیار، مرخیمه محمودزاده احمد شکیب کوهستانی، صادق احمدی.

به اساس فرقه محمد وکیل نایب و فریده امید، مستحق جایزه شناخته شدند.

قابل توجه هوپطان!

فرقه کئی جایزه بوت های فروشگاه بزرگ افغان به تاریخ ۱۸ سرطان صورت می پذیرد.

ادرس اعلان شرکت ترانزیتی صفحه عقب را چنین تصحیح نماید:

ادرس: شعرنو مقابل پارک سړک نمبر (۷) مارکیت جاده عقب زین ننداری
نمبر تیلوفون (۳۰۲۶۲)

شرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی هرات



**باشرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی
هرات در تماس شوید و مشکلات
تان را به سهولت حل سازید**

آدرس: شهر نو مقابله پارک نمبر ہفتہ مارکیٹ

هوس تیس HOSTESS

یک نام آشنا برای خانواده ها .
صابون ، شامپو ، جلائی موی و مواد ظرفشویی هوس
برای هروقت برای هرکس ، برای هر جا .
این اجناس را طور عمده از جاوید لعد ، کوچی مارکیٹ
نماینده کی ان در کوچی مارکیٹ دکان موہن لعل و ہمد کانہائی
شہر ولایات بدست آورید . همچنان این شرکت صابون ضد بخار
(DM4) را تازه وارد نموده است .

نیازمندان عجلہ نمایند :
تلفونہما (۲۰۰۰۹ - ۲۲۶۲۹)

وحید اللہ پلاستیک

وحید اللہ پلاستیک ہر نوع اسناد و کارت های شمارا توسط
ماشین بوش می کند . همچنان قرطاسیہ مورد ضرورت د و ایسر
و طلاب معارف را بہ قیمت نازل تقدیم میدارد .

آدرس: میرویسر میدانہ مقابلہ تانکہ تیس

فروشگاه ارزان

آدرس: شهر نو مقابل زینب نداری



ارزینام تازه ترین
اجناس مورد
نیازتان استقاده
نمایید ارزان و به
مفادیتما

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی مجلات و سایر جراید کشور را به سترس شما قرار میدهد همچنان هر نوع قرطاسیه مورد ضرورت دوايروطلاب معارف را به قیمت نازل تقدیم میدارد.
قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی توسط ماشین بصری اسناد و کارت دست داشته شمارا بونس میکند.

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی چوک میرو سیر میدان و نماینده کسب در چوک جاوه میونه متصدت جبر افغان

صنایع ملی را تقویه نمایید

فروشگاه

بزرگ افغانان

بزرگترین مارکیت فروش پوشاک ساخت وطن

۱۰ هزار افغانی جایزه

فقط با خرید یک جوره بوت

و بار هم

۵۰ هزار و ۲۰ هزار افغانی

افغانی جایزه نقدی

صرف با خرید یک جوره بوت

بوتهای ساخت وطن با بوتهای خارجی رقابت میکنند
بخرید و امتحان کنید

مشتریان محترم بله های خرید را نگهداری کنید و
در روز قرعه کشی که بعداً اعلان میگردد آنرا با خود داشته باشید



بزرگترین فروشگاه همیشه در خدمت شهروندان است
قدای خوب قیمت مناسب

کتابخانه دیجیتال

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**